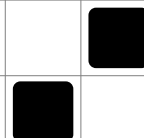




فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس



سال هشتم □ شماره بیست و نهم □ تابستان ۱۳۸۸

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول	سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری
معاون مدیر مسئول	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر حسین اردستانی (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر غلامعلی رشید (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر حسین علایی (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر محمود یزدان فام (پژوهشکده مطالعات راهبردی)؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
مدیر اجرایی	سید مسعود موسوی
ویراستار	الهام رضائزاد
طرح جلد و صفحه آرایی	سیدعباس امجدزنجانی
حروفچینی	زهره طالعی
ناظر چاپ	محمد بهروزی
مدیر پشتیبانی	محمد شریعتی
نشانی	تهران، میدان هفت تیر، خیابان مفتاح جنوبی، خیابان شهید ورکش، نبش کوچه برومند، پلاک ۸/۱، تلفن و دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۸۲
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز اسناد دفاع مقدس، تلفن: ۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۱۲۰۰ تومان

مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- دکتر رحیم صفوی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- امیر دریابان علی شمخانی (مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی)
- دکتر امیر محمد حاجی یوسفی (دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر علی اکبر کجیاف (دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار قاسم سلیمانی
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- حجت الاسلام والمسلمین تائب
- سردار سرتیپ پاسدار ایوب سلیمانی
- سردار سرتیپ پاسدار یعقوب زهدی
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.



مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سر مقاله

- ۵ نظریه های علمی و جنگ ایران و عراق

مقاله ها

- ۹ جنگ تحمیلی از منظر نظریه سازه انگاری؛ نقش ادراکات هویتی در نظام تصمیم گیری عراق
که حیدر علی مسعودی
- ۱۷ نظریه انتخاب عقلانی؛ تحلیل علل پایان جنگ عراق علیه ایران
که زهره اسماعیل زاده
- ۳۳ واکاوی جنگ عراق علیه ایران از منظر واقع گرایی و نظریه موازنه قدرت
که روح ا... قادری کنگاوری
- ۵۱ وقوع جنگ ایران و عراق از منظر واقع گرایی ساختاری و التز
که الهام رسولی ثانی آبادی
- ۶۳ رژیم های بین المللی و جنگ ایران و عراق
که جهان شیر منصوری مقدم
- ۸۱ موزه های نظامی و ضرورت حفظ آن
که گل ناز مقدم فرا
که یعقوب نعمتی

اسناد و گزارش ها

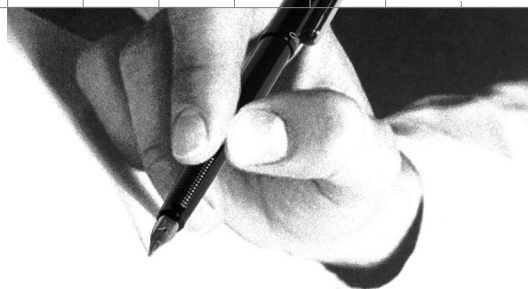
- ۹۳ جنگ ایران و عراق؛ بررسی تغییر در مواضع بی طرفی ایالات متحده / اسناد وزارت امور خارجه ایالات متحده
که ترجمه: یعقوب نعمتی وروجنی
- ۱۰۱ گزارشی از حمله عراق به محور قصر شیرین
که گروه پژوهش فصلنامه

معرفی و نقد کتاب

- ۱۰۹ جنگ خلیج فارس: درس هایی از راهبرد، قانون و دیپلماسی
که معرفی و نقد: داود علمایی
- ۱۱۵ روابط بین الملل و امنیت در عصر دیجیتال
که جان اریکسون و گیاکاملو
که معرفی و نقد: نبی ا... ابراهیمی
- ۱۲۱ نیروهای نظامی ایران و توان جنگی آن
که آنتونی کردزمن و کلیبر
که معرفی و نقد: حیدر علی بلوچی

اطلاع رسانی

- ۱۲۷ نمایه ۲۸ شماره فصلنامه نگین ایران



نظریه‌های علمی و جنگ ایران و عراق

جنگ‌ها به عنوان یک پدیده انسانی و اجتماعی از مناظر مختلفی قابل تحلیل و بررسی‌اند. جنگ‌ها به علل و دلایل متعددی زمینه ظهور و بروز پیدا می‌کنند؛ تحت تأثیر متغیرهای گوناگون، ممکن است در ابعاد مختلف گسترش یافته و آثار و پیامدهای متعددی بر جای بگذارند و سرانجام اینکه نقطه پایان بخش آنها می‌تواند با یکدیگر کاملاً متفاوت باشد. بر این اساس، رشته‌های مختلف دانشگاهی هر کدام از منظر و موضوع خاص خود، تحلیل‌ها و تئوری‌هایی در مورد جنگ عرضه دارند. برای مثال، علل، روند و پیامدهای جنگ را می‌توان از منظر اقتصاد بررسی کرد، به این معنی که ریشه‌های اقتصادی بروز جنگ را شناسایی کرد و آثار جنگ بر ساختار و سیاست‌های اقتصادی کشور درگیر در جنگ را در دوره‌های جنگ و پس از جنگ مورد بررسی قرار داد. قالب‌های مشابهی را می‌توان در چارچوب سایر رشته‌های دانشگاهی از جمله جغرافیا، روابط بین‌الملل، فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حقوق به دست آورد.

در تلقی عامیانه معمولاً از جنگ به عنوان پدیده‌ای مخرب مشابه پدیده‌هایی چون زلزله یاد می‌شود و جالب اینکه برای افکار عمومی معمولاً جنگ پدیده‌ای شناخته شده‌تر (در مقایسه با سایر پدیده‌های مخرب) به حساب می‌آید. اما نکته مهم این است که شناخت علمی پدیده جنگ در مقایسه با پدیده‌های طبیعی بسیار مشکل است، چرا که جنگ یک پدیده انسانی است و بسته به شرایط مختلف از مجموعه متغیرهای متمایزی تأثیر می‌پذیرد و اثرات متمایزی بر جای می‌گذارد. برای مثال، جنگ ایران و عراق را نمی‌توان صرفاً به یک متغیر اختلافات مرزی نسبت داد. علاوه بر اختلافات مرزی، عوامل دیگری نظیر شرایط داخلی ایران، شخصیت صدام حسین، رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عراق، درآمدهای نفتی دو دولت، و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای به انحاء مختلف می‌توانند در بروز و تشدید جنگ اثرگذار باشند. همچنین جنگ باعث تحولاتی در شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روابط خارجی دو کشور گردید. همین‌طور برای جنگ‌های دیگر نظیر جنگ هند و پاکستان، اسرائیل و اعراب، و آمریکا و عراق می‌توان مجموعه‌های دیگری از عوامل تأثیرگذار و پیامدها را شناسایی کرد. از این رو برخلاف تصور عامه، جنگ در مقایسه با پدیده‌های مخرب طبیعی بسیار پیچیده‌تر است.

بر خور داری از چنین مشخصات و ویژگی هایی، پیش بینی و کنترل جنگ را مشکل می سازد. پیش بینی در مورد یک موضوع خاص، زمانی امکان پذیر است که متغیرهای مستقل و وابسته و همچنین نحوه ارتباط آنها برای ما روشن باشد. اگر برای ما روشن باشد که حرارت ۱۰۰ درجه ای آب موجب به جوش آمدن آن می شود، در آن صورت با مشاهده وارد شدن حرارت به یک ظرف آب به آسانی می توان پیش بینی کرد که با رسیدن حرارت به ۱۰۰ درجه، آب ظرف می جوشد. سادگی این قضیه از آنجا ناشی می شود که ما با دو متغیر یعنی حرارت ۱۰۰ درجه ای و جوش آب سرو کار داریم. این در حالی است که پدیده های انسانی اولاً ممکن است از عوامل متعددی تأثیر بپذیرند و ثانیاً، اثرات مختلفی از خود بر جای بگذارند. از این جهت، پیش بینی قضایا بسیار مشکل می شود. به عنوان مثال اگر علت وقوع جنگ های بین المللی فقط رقابت های تسلیحاتی بود، در آن صورت با مشاهده رقابت تسلیحاتی بین دو کشور، می شد احتمال وقوع جنگ در آینده نزدیک را پیش بینی کرده و برای جلوگیری از آن، به اقدامات لازم دست زد. اما در عمل هرگز این گونه نیست. اولاً به ندرت اتفاق می افتد که صرف رقابت تسلیحاتی بین دو کشور به جنگ بین آنها منجر شود و ثانیاً با مشاهده رقابت تسلیحاتی بین دو کشور هرگز نمی توان به این جمع بندی رسید که وقوع جنگ بین آنها حتمی است. اگر در یک جنگ خاصی سه متغیر مشخص الف، ب، ج، دخالت داشته باشند، در آن صورت نیز با مشاهده حضور این سه متغیر در یک منطقه و زمان دیگر، نمی توان وقوع جنگ را حتمی دانست، چرا که در هر جنگی ممکن است مجموعه متمایزی از متغیرها دخالت داشته باشند. بر این اساس، چه پیش بینی خود جنگ و چه پیش بینی آثار مختلف جنگ امر بسیار مشکلی است. در هر حال باید اعتراف کرد که جنگ ها مثل بیشتر پدیده های دیگر انسانی و اجتماعی به شدت زمانمند و مکانمند هستند.

با توجه به نکات فوق الذکر و همچنین با توجه به اینکه فصلنامه نگین ایران در دوره جدید انتشار خود، یکی از رسالت های اصلی خویش را تبیین علمی جنگ ایران و عراق اعلام کرده است، در نظر دارد تا از این شماره به بعد، با جدیت بیشتری، جنگ ایران و عراق را از منظر نظریه های علمی مختلف علوم انسانی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. در شماره حاضر، جنگ ایران و عراق از منظر تئوری های روابط بین الملل مورد بررسی قرار گرفته است. روابط بین الملل، از رشته های دانشگاهی ای است که ارتباط نزدیک تری با پدیده جنگ های بین المللی دارد. به گونه ای که جمعی از تئوری پردازان روابط بین الملل برآنند که تئوری روابط بین الملل در راستای پاسخ به دو سؤال اساسی طرح می گردد: ۱. جنگ ها تحت تأثیر چه عواملی به وقوع می پیوندند؟ و ۲. چگونه می توان صلح و امنیت قابل اطمینانی را برقرار کرد؟ لازم به توضیح است که حوزه های مورد بحث در دانش روابط بین الملل فراتر از جنگ است و امروزه موضوعات متعددی همچون توسعه اقتصادی، حقوق بشر، و محیط زیست در رشته روابط بین الملل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. البته شاید بتوان همه آنها را به نحوی با پدیده جنگ مرتبط کرد، اما واقعیت این است که امروزه برای بسیاری از تئوری پردازان، روابط بین الملل ماهیت هابزی ندارد تا مقوله صلح و امنیت (به مفهوم نظامی آن) تنها دغدغه آنها باشد. بلکه فراتر از آن، رفاه و تعامل انسانی ملت ها اهمیت می یابد. با وجود این، باید اذعان کرد که هنوز جنگ به عنوان یکی از موضوعات کلیدی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تئوری های روابط بین الملل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

بر این اساس، جنگ ایران و عراق نیز به انحاء مختلف در تئوری های روابط بین الملل قابل بحث و بررسی است. به عنوان چند مثال می توان طبق تئوری رئالیسم، رقابت بر سر قدرت و امنیت را عامل اصلی جنگ ایران و عراق به حساب آورد. بر طبق تئوری تصمیم گیری، شرایط خاص حاکم بر تصمیم گیران در کشور نقش اصلی را در بروز و تداوم جنگ داشته اند. طبق تئوری لیبرال انترناسیونالیسم، ریشه اصلی جنگ به ساختار اقتدارگرایانه نظام سیاسی عراق برمی گردد. بر اساس تئوری بازدارندگی، تضعیف قوای نظامی ایران در برهه پس از انقلاب، نقش اصلی را در تهاجم دولت عراق علیه ایران داشته است. طبق چارچوب سازه انگاری، برداشت های خصمانه دو کشور از همدیگر و هویت های متفاوت آنها نقش اساسی در وقوع و تطویل جنگ داشته است. و همین طور می توان با توجه

به دیگر تئوری های روابط بین الملل، وقوع، تطویل و گسترش جنگ ایران و عراق را ریشه یابی کرده و در عین حال آثار آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

بدین ترتیب مقالات این شماره نگیان به موضوع نظریه های روابط بین الملل و جنگ ایران و عراق اختصاص یافته است. در مقاله نخست، نویسنده می کوشد جنگ ایران و عراق را در قالب نظریه سازه انگاری توضیح دهد. بر اساس این نظریه رفتار دولت ها در عرصه بین الملل از هویت آنها متأثر است. آنها براساس برداشتی که از هویت خود دارند دوست و دشمن، متحد و متخاصم خود را در عرصه بین المللی مشخص می سازند و سپس براساس آن به تعریف منافع، فرصت ها، و تهدیدها می پردازند. در این مقاله، هویتی یابی نظام سیاسی ایران و عراق از خود و تأثیر آن بر رفتارشان با یکدیگر به خصوص در جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار می گیرد.

مقاله دوم، جنگ ایران و عراق را از منظر نظریه انتخاب عقلانی تشریح می کند. این نظریه که یکی از دستاوردهای بررسی علمی سیاست خارجی کشورها در دهه ۱۹۶۰ و بعد از آن است بر این اصل تأکید دارد که مواضع و رفتار کشورها همانند انسان ها بر یک سلسله محاسبات عقلانی استوار است که در آن، منافع، سود و زیان، هزینه و دستاورد کشور در هر موردی ارزیابی و تصمیمات لازم برای دستیابی به هدف با هزینه اندک و دستاورد بیشتر اتخاذ می شود. این نظریه در سطح خرد و ملی مطرح است و نشان دهنده برداشت و محاسبات زمامداران و سازمان های کشور در روابط با کشورهای دیگر است. این مقاله با تشریح اصول و مبانی این نظریه، هزینه ها و دستاوردهای جنگ ایران و عراق را از نظر زمامداران دو کشور ایران و عراق بررسی کرده و سعی می کند به چرایی رفتار آنها در پایان دادن به جنگ پاسخ مناسبی بدهد.

برخلاف دو مقاله نخست که بر برداشت زمامداران از هویت و منافع خود در مورد طرف مقابل تأکید دارند، مقاله سوم و چهارم به سطح بین المللی توجه کرده و جنگ ایران و عراق را در قالب نظریه های واقع گرایی و نواقع گرایی بررسی می کنند. سطح تحلیل این مقالات سطح کلان و بین المللی است. آنها اصول کلی و مفاهیم اساسی دو نظریه واقع گرایی و نواقع گرایی را تشریح کرده و کوشیده اند که این دو نظریه مطرح در روابط بین الملل را در مورد جنگ ایران و عراق به کار ببندند. در مقاله واقع گرایی، نویسنده بر این باور است که موازنه قدرت و بر هم خوردن آن در مناسبات دو کشور، سطح منطقه ای و جهانی، از عوامل موثر در جنگ ایران و عراق و روند تحولات آن است. این نظریه در تشریح جنگ ایران و عراق از توان تبیین کنندگی بالایی برخوردار است. جنگ ایران و عراق زمانی آغاز شد که موازنه قدرت در اثر تحولات به وجود آمده در ایران به هم خورد و مناسبات آن با کشورهای دیگر دچار تغییرات اساسی گشت. به هم خوردن موازنه قدرت در مناسبات ایران و عراق، تلاش برای برقراری موازنه بین ایران و عراق از سوی قدرت های بزرگ، ایجاد موازنه به نفع اسرائیل در منطقه و کوشش برای جلوگیری از به هم خوردن موازنه قدرت بین دو ابرقدرت از طریق پیوستن یکی از دو کشور در گیر در جنگ به یکی از دو بلوک محورهای اصلی مقاله است. از نظر نویسنده می توان با استفاده از نظریه واقع گرایی و موضوع موازنه قدرت به تبیین چرایی جنگ و تحولات آن پرداخت.

نظریه واقع گرایی ساختاری یا نظریه نواقع گرایی به نقش ساختار و توزیع قدرت در نظام بین المللی بر رفتار خارجی دولت های ملی می پردازد. فقدان اقتدار مرکزی در نظام بین المللی موجب بروز ویژگی های خاصی در رفتار کشورها در عرصه بین المللی شده است. آنها به دنبال قدرت و امنیت در نظام بین الملل هستند. رفتار آنها تحت تأثیر ساخت و توزیع قدرت در میان کشورها است. رفتار دولت های ملی در نظام بین المللی دوقطبی و رفتار آنها در نظام بین المللی چندقطبی متفاوت است. مقاله سوم با تشریح ساختار نظام بین المللی در دوره جنگ سرد و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، آغاز، تداوم و پایان این جنگ را در قالب نظریه نواقع گرایی تشریح می کند.

در سطح جهانی، کشورها و سازمان های بین المللی برای جلوگیری از منازعه و یا نظم دادن به رفتار کشورها

قواعد و هنجارهایی را ایجاد کرده اند که از آنها با عنوان رژیم های بین المللی یاد می شود. با توجه به فقدان اقتدار مرکزی در نظامی بین المللی، همواره این پرسش مطرح است که آیا رژیم های بین المللی از قابلیت و ضمانت اجرایی کافی برخوردار هستند یا متأثر از منافع قدرت های بزرگ اجرا و یا نقض می شوند؟ منازعات مسلحانه و جنگ میان اعضای جامعه بین المللی، موقعیت و و معیار ارزشمندی برای سنجش میزان عملی و موثر بودن رژیم های بین المللی در سطح جهانی است. مقاله پنجم این مجموعه، به بررسی میزان رعایت و عملی بودن رژیم های بین المللی در جنگ ایران و عراق می پردازد.

بدیهی است مقالاتی که در این شماره و یا شماره های آتی درج خواهد شد به هیچوجه نباید نقطه نظرات نهایی درباره رابطه بین این جنگ و آن تئوری تلقی شود زیرا هر کدام از تئوری های روابط بین الملل قادر هستند تا از زوایای گوناگونی به تبیین جنگ ایران و عراق بپردازند. در همین جافروست را غنیمت دانسته و بار دیگر از صاحب نظران و اندیشمندان رشته های مختلف علمی تقاضا می نماید دعوت فصلنامه را اجابت نموده و با ارسال پژوهش های علمی و آکادمیک خویش درباره جنگ ایران و عراق، ضمن ادای دین خویش به شهیدان و جانبازان سرافراز، به غنای هر چه بیشتر ادبیات جنگ کمک نمایند.

جداً از مقالات ویژه این شماره، نگین ایران مقاله ای نیز در مورد موزه های نظامی چند کشور دارد که در آن نقش این موزه ها در هویت سازی و زنده نگه داشتن یاد و خاطره ایثارها و دلاوری های مردمان کشورها در برابر هجوم بیگانگان بررسی شده است. قسمت ها و تاریخچه موزه نظامی کشورهای ترکیه، روسیه، اوکراین، و یونان به اختصار در این مقاله بررسی شده است.

در بخش اسناد این شماره فصلنامه یک مورد سند آمریکایی و یک مورد سند ایرانی در مورد جنگ ایران و عراق ارائه شده است. سند آمریکایی که به وزارت خارجه این کشور تعلق دارد حاصل کار یک گروه پژوهشی است که خطاب به مسئولان وقت وزارت خارجه ایالات متحده تنظیم شده است. در این سند با توجه به موضع برتر ایران، برقراری آتش بس و جلوگیری از سقوط احتمالی و قریب الوقوع رژیم بعثی عراق، به عنوان هدف آمریکا در نظر گرفته شده و در این راستا، دست یازیدن به هر نوع اقدامی سیاسی، دیپلماتیک و نظامی، بررسی شده است. سند ایرانی، گزارش مکتوبی از اوایل جنگ است که توسط یکی از راویان جنگ مرکز در ماههای ابتدایی فعالیت مرکز درباره حمله عراق در محور قصر شیرین تهیه و تنظیم شده است. مانور ارتش عراق در جبهه میانی، علاوه بر پشتیبانی از عملیات جنوب، بیشتر به منظور تأمین بغداد از طریق تعمیق مرزهای شرقی طرح ریزی شده بود. این گزارش جزء اولین گزارش هایی است که توسط افراد اعزامی مرکز به جبهه های جنگ تهیه شده و به چگونگی فعالیت عراق در محور قصر شیرین. سر پل ذهاب. تنگه پاتاق می پردازد.

در قسمت معرفی و نقد کتاب سه عنوان کتاب بررسی شده است. کتاب نخست در مورد جنگ ایران و عراق و درس های آن در حوزه راهبردی، حقوق، و دیپلماسی است. کتاب دوم از آنتونی کردزمن است که به بررسی نیروهای نظامی ایران در برابر یک اقدام نظامی می پردازد. هر چند این کتاب مستقیم به جنگ ایران و عراق مربوط نیست، اما تأثیر جنگ بر روندها و توانایی نظامی ایران در دوره بعد از جنگ بررسی می شود و در واقع نگاهی به نیروهای مسلح ایران در برابر حمله احتمالی آمریکا دارد. کتاب سوم، به بحث روابط بین الملل و امنیت در عصر دیجیتال اختصاص دارد.

انتشار شماره ۲۹ فصلنامه نگین ایران به معنای این است که مجله ۷ سال منتشر شده و گام در هشتمین سال انتشار خود گذاشته است. نگاهی به مقالات، اسناد و گزارش های ۲۸ شماره گذشته سازوکار مناسبی برای بررسی آنها از سوی پژوهشگران است. در این شماره، نمایه ای از مطالب شماره های گذشته براساس سه محور فهرست مجلات، فهرست موضوعی و فهرست الفبایی بر اساس نام پدید آورندگان تهیه شده است.



جنگ تحمیلی از منظر نظریه سازه‌انگاری؛

نقش ادراکات هویتی در نظام تصمیم‌گیری عراق

حیدر علی مسعودی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۲/۳۱

[illegible]

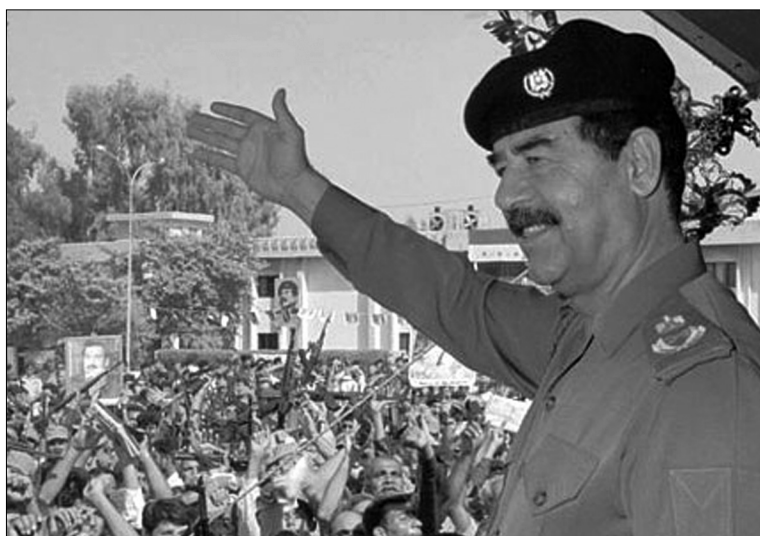
مقدمه

امپراطوری‌های واحد گذرانده‌اند و از مبادلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی برخوردارند، شعله‌نارعه هشت ساله‌ای را برمی‌افروزند که سرمایه‌های انسانی و مالی فراوانی را از دو کشور می‌گیرد؛ به راستی جواب این معمارا در کجایم توان یافت. چرا که دو کشور ایران و عراق با این درجه از همبستگی‌ها و پیوندهای عمیق فرهنگی و اجتماعی، جنگ هشت ساله‌ای را آغاز کرده و تداوم می‌بخشند که حداقل از حیث دوره زمانی از جنگ‌های جهانی نیز طولانی‌تر است.

جنگ ایران و عراق به دلیل فاصله زمانی دو دهه‌ای از پایان آن، از زوایای مختلف مورد تحلیل و ارزیابی پژوهشگران قرار گرفته است. اهتمام ویژه نهادهای مسئول

جنگ همواره پدیده‌ای شوم و دردناکی بوده است. در عین حال به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن بر حیات و ممات انسان، گریزی از بررسی ریشه‌ها، انگیزه‌ها، علل و عوامل آن نیست. جنگ ایران و عراق یکی از مخرب‌ترین و طولانی‌ترین جنگ‌های دوران مدرن محسوب می‌شود که بین دو کشور همسایه و مسلمان در منطقه خاورمیانه اتفاق افتاد. ایران و عراق علی‌رغم پیشینه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی به مدت هشت سال به جنگی پر هزینه بر ضد یکدیگر پرداختند که در وهله اول نمی‌توان درک روشنی از علل و عوامل آن داشت. چگونه دو کشور همسایه همجوار که مدت مدیدی از تاریخ خود را در چارچوب

*دکترای روابط بین الملل



در ثبت و ضبط حوادث و وقایع جنگ تحمیلی و تحلیل علل و عوامل آغاز، تداوم و پایان آن ستودنی است. با وجود این باید اذعان کرد که خلاء بررسی جامعی از این جنگ در چارچوب مرزهای دانش روابط بین‌الملل که جنگ و صلح را موضوع محوری و مبنایی خود می‌داند احساس می‌شود و هدف این مقاله پر کردن بخش هرچند کوچکی از این خلاء عملی است. در واقع سوال اساسی این مقاله این است که نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل

مفهومی بین سیاست خارجی و روابط بین‌الملل رد می‌کنند و آن را سنگ بنای برتری طلبی‌ها و رجحان طلبی‌های جوامع غربی می‌دانند.^(۱) بنابراین هدف این مقاله بیرون کشیدن ملزومات نظریه سازه‌انگاری در عرصه سیاست خارجی و به طور خاص وقوع جنگ بین دو کشور ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ میلادی است.

سازه‌انگاری تلاشی عمیق در حوزه فرانظری یعنی مباحث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی محسوب می‌شود. متفکران این نظریه به لحاظ مباحث فرانظری در میانه طیف طبیعت‌گرایان/اثبات‌گرایان از یک سو و پساساختارگرایان از سویی دیگر و در مباحث محتوایی روابط بین‌الملل در میانه جریان واقع‌گرایی و لیبرالیسم قرار دارند.^(۲) شاید اولین کسی که سازه‌انگاری را وارد عرصه روابط بین‌الملل کرد نیکلاس اونف بود که در سال ۱۹۸۹ کتاب خود تحت عنوان «جهان ساخته ما» را منتشر نمود و در آن بر نقش قواعد در شکل‌گیری جهان تأکید نمود. از دیدگاه وی امکان دسترسی مستقل و بی‌واسطه به جهان وجود ندارد و همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرند و معنا پیدا می‌کنند و این معناسازی است که کم و بیش به واقعیت جهان شکل می‌دهد.^(۳) در واقع سازه‌انگاری به عنوان یک جریان بازاندیشانه از اوایل دهه ۱۹۸۰ به عرصه مطالعاتی روابط بین‌الملل راه یافت و مفروضات بنیادین جریان غالب را مورد

ناچاه حد می‌تواند زمینه‌ها و بسترهای وقوع جنگ ایران و عراق را تحلیل کند. به عبارت دیگر مسئله این است که سازه‌انگاری چگونه می‌تواند بر بخشی از زوایای پنهان و مبهم این جنگ پرتو افکند و بسترهای معنایی و فرهنگی وقوع آن را قابل فهم سازد. از این رو در این مقاله ابتدا چارچوب نظری بحث را در قالب سازه‌انگاری مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ در این چارچوب به طور خاص در مورد هویت‌یابی دولت‌ها سخن خواهیم گفت؛ سپس بستر معنایی منتهی به جنگ را در قالب نقش ادراکات هویتی در نظام تصمیم‌گیری عراق در سه بخش ادراک از تضعیف هویت عربی - یعنی، ادراک تهدید از هویت رادیکال انقلاب ایران و ادراک تهدید از هویت شیعی انقلاب ایران مورد تحلیل قرار خواهیم داد و در پایان به جمع‌بندی بحث خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری: سازه‌انگاری

رابطه میان نظریه روابط بین‌الملل و وقایع سیاست خارجی از جمله جنگ، موضوع بحث فراوان بوده است. این دو به طور سنتی در ادبیات روابط بین‌الملل در پیوند ناگسستنی با یکدیگر بوده‌اند و بعد از یک دوره جدایی و تمایز ناشی از موج رفتارگرایی در علوم اجتماعی، مجدداً به حوزه‌های همپوشان تبدیل شده‌اند. امروزه پست مدرن‌ها جدایی سیاست داخلی و خارجی را به عنوان مبنای نظری تمایزهای

موضوعی مهم تبدیل می شود: هویت دولت از نظر الکساندر ونت نظریه پرداز سازه انگار دو معنای مهم دارد: هویت جمعی دولت که شامل خصوصیات درونی، انسانی و مادی آن و دیگری هویت اجتماعی است که عبارت از معنایی است که کنش گر در نگاه به دیگران به خود می دهد.^(۹) ونت همکاری و منازعه دولت ها را پدیده ای مرتبط با "هویت" دولت ها تلقی می کند. مفهوم هویت یکی از موضوعات مهم مطرح در بحث هستی شناسی سازه انگاران محسوب می شود.^(۱۰) آنها با توجه به تأکیدی که بر ابعاد معنایی زندگی اجتماعی (یعنی انگاره ها، ارزش ها، رویه ها، باورها و تعاملات) دارند به "برساخته بودن" زندگی اجتماعی اعتقاد داشته و هویت را پدیده ای می دانند که

در رابطه خود - دیگری شکل گرفته و قوام پیدا می کند و پدیده ای از قبل داده شده و مسلم پنداشته شده نیست، بلکه در فرآیند تعامل ایجاد شده و بر منافع و ترجیحات افراد و دولت ها تأثیر می گذارد.^(۱۱) مهمترین پیامد مفهوم سازی هویت برای پدیده همکاری و منازعه این است که به شکل گیری منافع دولت ها در جهت همکاری و یا منازعه کمک

می کند. به عبارت دیگر هویت هر دولت تلویحاً گویای ترجیحات و کنش های بعدی آن دولت است. هر دولت براساس هویتی که به دیگران نسبت می دهد، آنها را می شناسد و منافع خود را تشخیص می دهد و همزمان از طریق عمل اجتماعی روزمره اش، هویت خودش را بازتولید می کند. حال اگر این هویت، یک هویت جمعی باشد، سبب افزایش همکاری دولت ها می شود در غیر این صورت باعث تشدید منازعات خواهد شد.^(۱۲)

توجه سازه انگاران به مقوله هویت، آنها را منطقی به بحث امنیت هستی شناسانه و یا امنیت وجودی می کشاند. براساس امنیت هستی شناسانه، دولت ها علاوه بر حفظ امنیت فیزیکی و مادی خود به دنبال امنیت هویتی شان نیز هستند.

تردید قرار داد؛ امری که باعث ظهور مناظره بین جریان خردگرا و جریان بازتابی روابط بین الملل شد.^(۱۳)

نخستین گزاره مهم هستی شناسانه سازه انگاری این است که ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند. زیرا نظام های معنایی تعریف می کنند که کنش گران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. دومین گزاره این است که هویت ها هستند که به منافع و کنش ها شکل می دهند.

فهم اینکه منافع چگونه شکل می گیرند، کلید تبیین طیف وسیعی از پدیده های بین المللی تلقی می گردد که درست فهم نشده اند یا مورد غفلت قرار گرفته اند. بر اساس گزاره سوم، کارگزاران و ساختارها متقابلاً به هم شکل می دهند.^(۱۴) نوتسن یکی از مهمترین جنبه های نظریه سازه انگاری را مبحث هویت می داند. او هویت دولت ها را امری غیر مسلم، سیال و دائماً در حال دگرگونی می داند که از طریق رویه های پیچیده، متداخل و اغلب متناقض قوام می یابند.^(۱۵) بحث هویت را به جهت اهمیت آن مفصل تر بررسی می کنیم.

هویت دولت ها

یکی از مباحث مهم در سطح هستی شناسی برای سازه انگاران مسأله هویت کنش گران است. هویت عبارت است از فهم ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت ها را نمی توان جدای از بستر اجتماعی شان تعریف کرد چرا که آنها ذاتاً امور رابطه ای هستند. هویت های اجتماعی برداشت هایی خاص از خود و موفقیت خود را در ارتباط با سایر کنش گران نشان می دهند و از این طریق منافع خاص را تولید کرده که به تصمیمات سیاست گذاری شکل می دهند. این که "خود" خود را دوست، دشمن یا رقیب دیگری بداند تفاوت بسیاری در تعامل آنها ایجاد خواهد کرد.^(۱۶)

سازه انگاران در تعریف هویت آن را تعریف خود و یا کیستی خود در مقابل دیگری دانسته اند. از نظر آن ها هویت به دولت ها اجازه می دهد که جهان خود را معنادار کنند و دیگر دولت ها را دوست یا دشمن خود تعریف کنند. دولت ها با این تصورات در صدد تغییر و یا حفظ وضع موجود بر می آیند، با کشوری متحد می شوند و یا علیه دیگران اقدام می کنند.^(۱۷) در واقع روابط میان دولت ها براساس معنایی است که آنها نه براساس قدرت، برای هم قائل اند. در اینجا است که هویت به

به عبارت دیگر در نظام سیاسی عقب‌مانده و بسته، آنچه تأثیر بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها دارد نه نقش عوامل اجتماعی و نظام دیوان‌سالاری بلکه شخصیت افراد تصمیم‌گیر است که شناخت خاصی از محیط استراتژیکی، تهدیدات، اهداف و توانایی‌ها به دست آورده و تصمیم‌های لازم را اتخاذ می‌کنند. نظام سیاسی توتالیتر عراق سبب افزایش تأثیرگذاری شخصیت زمامداران بر تصمیم‌گیری‌های سازمانی و فردی در جمع‌آوری بی‌طرفانه اطلاعات، پردازش داده‌ها و بهره‌گیری از آنها در اتخاذ تصمیم‌های امنیتی می‌شود و به این صورت شناخت دقیق از محیط استراتژیک ناممکن گشته و ضریب خطا در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد. زیرا انگیزه‌ها جای واقعیت‌های محیطی را می‌گیرد و شناخت از محیط به ذهنیات نخبگان سیاسی محدود و محصور می‌شود.^(۸)

بنابراین با مراجعه به نظام ایده‌ای و خاستگاه فکری رهبران حاکم بر عراق و به خصوص صدام می‌توان نحوه تلقی آنها از انقلاب اسلامی ایران و تهدیدات ادراک شده ناشی از آن را مشخص کرد. به این منظور در ادامه، ادراک از تضعیف هویت عربی - یعنی رژیم عراق، ادراک تهدید از هویت رادیکال انقلاب ایران و ادراک تهدید از هویت شیعی انقلاب ایران را به عنوان عناصر هویتی تهدیدآمیز برای رژیم عراق در آستانه حمله به ایران مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ادراک از تضعیف هویت عربی - یعنی

در این قسمت ابتدا سودای صدام برای رهبری جهان عرب و نحوه ادراک او از موقعیت مناسب متعاقب انقلاب اسلامی برای تحقق این آرزوی تاریخی را بررسی کرده و سپس رقابت‌های ایدئولوژیک را با اتکاء به مرام و مسلک حزب بعث مورد بحث قرار خواهیم داد.

صدام در اظهارات خود نشان داده که برای تثبیت هویت عربی خلیج فارس به جنگ اقدام کرده است. او می‌گوید: «این جنگ تنها برای ما نیست بلکه بیشتر برای تمام اعراب است. من مصمم هستم که برای حفظ عربیت خلیج و برای جلوگیری از جاه‌طلبی و توسعه‌طلبی‌های ایران مبارزه کنم.»^(۹) صدام پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی ساختار امنیتی منطقه به این نتیجه رسید که عراق می‌تواند با توجه به ضعف و ناتوانی داخلی عربستان، مصر و سوریه، رهبری جهان عرب و ژاندارمی منطقه را به دست آورد.^(۱۰)

در همین راستا جنیفر میتزن بر این باور است که دولت‌ها برای حفظ امنیت هستی‌شناسانه خود، گاهی اوقات حاضرند که امنیت فیزیکی‌شان را به خطر بیندازد.^(۱۱) به خطر انداختن امنیت فیزیکی به معنای منازعه با کشورهای دیگر است. براساس پارادایم سازه‌انگاری برای فهم اینکه چرا در صحنه نظام بین‌الملل، منازعه یا همکاری صورت می‌گیرد باید به بررسی این موضوع پرداخت که دولت‌ها چه تصویری از منافع و محیط اطراف خود دارند و چگونه این تصویر به خط مشی سیاسی و جهت‌گیری سیاست خارجی آنها تبدیل می‌شود. به نظر سازه‌انگاران، واقعیات روابط بین‌الملل در بیرون از ذهن افراد و گفتمان‌ها نیستند بلکه در درون آنها ساخته می‌شود.^(۱۲) از این منظر، کنش گران براساس هنجارها و قواعدی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی و فرهنگی است، تصمیم می‌گیرند.^(۱۳) به بیان دیگر، هویت یک دولت با رجاعات ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد. چرا که دولت‌ها با روایت تاریخ به شکلی خاص آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند.^(۱۴)

بحث نظری فوق‌الاین گونه می‌توان جمع‌بندی کرد که ادراکات هویتی نقش انکارناپذیری در فرآیند تصمیم‌گیری دولت‌ها و تعیین منافع و جهت‌گیری‌های عملی آنها در عرصه سیاست خارجی دارند. در واقع دولت‌ها به عنوان موجودیت‌های اجتماعی براساس هویت زمینه‌مند خود جهان را می‌سازند و گزینه‌های خاص سیاست‌گذاری را اتخاذ می‌کنند. در ادامه نحوه ادراک صدام به عنوان مهم‌ترین عنصر تصمیم‌گیر در نظام سیاسی عراق از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحولات داخلی پس از آن و بازیابی هویتی صدام به عنوان بستر معنایی آغاز جنگ بررسی خواهد شد.

نقش ادراکات هویتی در نظام تصمیم‌گیری عراق

در فرآیند تصمیم‌گیری، عنصر ادراک از جایگاه محوری برخوردار است. تلقی تصمیم‌گیران از جهان چه بسا مهم‌تر از واقعیات عینی فرض می‌شود. به همین دلیل است که هارولد و مارگارت اسپروت از تعادل میان محیط روانی و محیط عملیاتی سخن به میان می‌آورند. در نظام‌های توتالیتر که دایره تصمیم‌گیری محدودتر است تأثیر عنصر ادراک در جهت‌گیری‌ها افزایش می‌یابد و اهداف و منافع ملی مطابق اهداف و منافع گروه انگشت‌شمار حاکم تعریف می‌شود.^(۱۵)

زدهمین ادراکات هویتی و سازه‌های مفهومی مضمّن در بطن آن بود. اصولاً جنگ‌های مدرن از بُعد تبلیغاتی و روانی قدرتمندی برخوردارند که اراده، عقاید و مبانی تصمیم‌گیری دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مفاهیم و ایده‌های درگیر در جنگ در فرآیند زمان و با توجه به تحولات عرصه‌های دیگر جنگ تغییر می‌کند. به طور خاص، تصمیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم نمونه‌ای از گسترش مفهومی و ایده‌ای جنگ بود.^(۲۶) در واقع رژیم عراق سعی می‌کرد با هویت بخشی رادیکال به انقلاب ایران و برجسته کردن برخی مواضع و اقدامات تندروانه که توسط بخشی از حاکمیت ایران انجام می‌گرفت، جمهوری اسلامی را برهم‌زننده ثبات و آرامش در منطقه نشان دهد و رهبران عرب را به مقابله با آن تحریک کند. برای نمونه، ملک حسین شاه اردن معتقد بود انقلاب ایران می‌تواند خسارت‌های مالی فراوانی برای منطقه به بار آورد و رژیم‌های عرب را نابود کند و خشونت و ناآرامی را در همه جا دامن بزند.^(۲۷) چرا که انقلاب اسلامی با الگوی عملی که جهت برپایی حکومتی مبتنی بر اصول سیاسی اسلام به وجود آورد، و با اثبات این نکته که اسلام قادر است با یک جنبش سیاسی و مبارزه فعال، مردم را بر ضد سلطه حاکم رهبری نماید، در سطحی فراگیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم جنبش‌ها را تحت تأثیر قرار داد و منبع تهدیدی برای حکومت‌های دست‌نشانده گردید. از نظر رهبران عرب، انقلاب ایران تمامی دولت‌های منطقه را به چالش کشید. لذا تحمیل جنگ از طرف عراق به ایران مورد حمایت تمامی کشورهای منطقه قرار گرفت.^(۲۸) به عبارت دیگر از دید حکام منطقه، انقلاب اسلامی ایران مشروعیت آنان را به خطر می‌انداخت و تهدیدی برای وضع موجود در منطقه بشمار می‌رفت. زیرا ترغیب مسلمانان به سرنگونی دولت‌های وابسته، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه و تحریک نیروهای انقلابی با انگیزه‌های مذهبی در کشورهای اسلامی، ایران را به کانون خطر و بی‌ثباتی در خاورمیانه مبدل کرده بود. در نتیجه، هر کشوری که می‌توانست این خطر را دفع کرده و ثبات و آرامش را به منطقه بازگرداند، از موقعیت ممتازی برخوردار شده و دامنه نفوذش گسترده‌تر می‌شد؛ تا آنجا که رهبری منطقه را به دست می‌گرفت؛ آرزویی که همواره یکی از دغدغه‌های رهبران عراق بود.^(۲۹) شرایط انقلابی در ایران به

صدام فردی ماجراجو و جاه‌طلب بود که از هر فرصتی برای کسب قدرت بیشتر استفاده می‌کرد و جنگ بر ضد ایران اوج این جاه‌طلبی مبتنی بر ادراکات غلط از شرایط منطقه‌ای بود.^(۳۰) در واقع مهم‌ترین انگیزه صدام در آغاز جنگ با ایران تلاش برای کسب رهبری جهان عرب بود. به دنبال مرگ ناصر و امضای پیمان کمپ دیوید و انزوای مصر، جهان عرب دچار خلأ رهبری شده بود و صدام امیدوار بود که با پیروزی در جنگ با ایران چنین موقعیتی را کسب نماید و به همین خاطر نام این جنگ را جنگ قادسیه نامید تا یادآور شکست ایرانی‌ها از اعراب مسلمان در اوایل ظهور اسلام باشد.^(۳۱)

در منشور ملی عراق (۱۹۷۰) نیز آمده است: «وظیفه تاریخی دولت عراق، شرکت کامل، فعالانه و پیشاهنگ در جنبش مبارزه‌ای دنیای عرب... برای نیل به سوسیالیسم عرب است.» در هشتمین کنگره حزب بعث در عراق (۱۹۷۴) «اعتقاد به انقلاب عرب به عنوان قسمتی از انقلاب جهانی... با در نظر گرفتن استقلال جنبه‌های برجسته انقلاب عرب» ذکر شده است.^(۳۲)

میشل عفلق، بنیانگذار حزب بعث، ناسیونالیسم عرب را یک جریان تکاملی می‌داند که توقف و نابودی در آن نیست و پدیده‌ای ابدی انگاشته می‌شود و به اشکال مختلف در مراحل گوناگون تاریخ تجلی پیدا می‌کند.^(۳۳) صدام نیز به ایدئولوژی حزب بعث معتقد بود و قهرمان تحقق آن به شمار می‌رفت. این ایدئولوژی با طرح شعارهایی چون وحدت جهان عرب و ناسیونالیسم عربی در پی متحد ساختن اعراب و جلب توجه آنان به رهبری حزب بعث بود. در مقابل، انقلاب اسلامی ایران و شعارهای اسلامی آن جاذبه بیشتری برای ملت‌های عرب داشت و رقیب سرسختی برای ایدئولوژی بعثی محسوب می‌شد، لذا صدام ناچار بود برای تحقق اهداف خود و تثبیت ایدئولوژی بعثی، به رویارویی با انقلاب اسلامی ایران و اصول و مبانی آن بپردازد.^(۳۴) صدام احساس می‌کرد انقلاب ایران با ایدئولوژی صریح اسلامی خود خطری برای هویت سیاسی اعراب و نظام فکری حزب بعث است و بهترین راه توقف و مهار آن تجاوز نظامی به خاک ایران است.

ادراک تهدید از هویت رادیکال انقلاب ایران

جنگ ایران و عراق خواسته یا ناخواسته بسیاری از مرزهای مفهومی و هویتی را در نوردید و آنچه آغاز و تداوم آن را رقم

می‌رسد ادراک رهبران عرب منطقه و به خصوص صدام از انقلاب اسلامی و اهداف و رسالت‌های آن چندان مطابق با سیر حوادث و جریان‌های واقع شده بعدی نبود.

ادراک تهدید از هویت شیعی انقلاب ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران این احساس خطر وجود داشت که حرکت‌های مردمی متأثر از آن در کشورهای خاورمیانه پدید آید. وقوع حوادثی مانند تظاهرات شیعیان در بحرین و بمب‌گذاری در کویت در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ و اوایل سال ۱۳۵۹، رهبران عرب منطقه را به این نتیجه رساند که انقلاب اسلامی ایران تهدیدی جدی برای وضع موجود منطقه است. در بین کشورهای منطقه خلیج فارس، حرکت‌های سیاسی - مذهبی ایران و عراق به دلیل همجواری، ارتباط تاریخی میان شیعیان و وجود روحانیت شیعه با پایگاه عظیم اجتماعی آن از تأثیرگذاری متقابل برخوردارند.^(۳۵) اهمیت عامل شیعی زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم اکثریت جمعیت عراق را شیعیانی تشکیل می‌دهند که همواره به دلایل ایدئولوژیک و سیاسی با حاکمیت بعث در نزاع و ستیز بوده‌اند.^(۳۶)

بنابراین احساس خطر از انقلاب ایران و ایده‌ها و مفاهیم محوری آن با توجه به تجانس مذهبی بین دو کشور ایران و عراق، رهبران عراق را بیش از دیگران آزار می‌داد. صدام احتمالاً در صدد بود با حمله به ایران و تضعیف، تحقیر و یا سرنگونی حکومت برآمده از انقلاب، هم منبع خطر را تضعیف یا نابود کند و هم مردم عراق را متوجه یک دشمن خارجی کند.^(۳۷) چرا که خطر نهضت شیعیان برای صدام بسیار جدی تلقی می‌شد. کما اینکه جنبش‌های سیاسی شیعیان عراق تحت تأثیر الگوی انقلاب اسلامی ایران، خیلی سریع انتفاضه را در جمعه بعد از بازگشت امام خمینی به تهران در بهمن ۱۳۵۷ با رهبری آیت‌الله... صدر آغاز کردند.^(۳۸)

نتیجه‌گیری

سوال اصلی این مقاله این بود که چگونه می‌توان جنگ ایران و عراق با این درجه از همبستگی‌ها و پیوندهای عمیق فرهنگی، تاریخی و اجتماعی را براساس نظریه سازه‌انگاری در روابط بین الملل تحلیل و تبیین کرد. در این راستا در بخش اول مقاله با اشاره کوتاه به کلیات نظریه سازه‌انگاری در روابط

گونه‌ای بود که جمهوری اسلامی خود را در تعارض با نظام بین‌الملل و دولت‌های محافظه‌کار منطقه قرار داد. شعار نه شرقی نه غربی، تلاش برای اتحاد اسلامی، برقراری رابطه با ملت‌ها به جای دولت‌ها و اعلام صدور انقلاب اسلامی، به انزوا در منطقه و جهان منجر شد. هر چند مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی اعلام کردند که موافق صدور انقلاب از طریق کاربرد نیروی نظامی نیستند، اما برداشت و ادراک کشورهای منطقه از اوضاع و بیانات مسئولان ایران متفاوت بود و آنها براساس ادراک و تلقی خود عمل می‌کردند.^(۳۹) برداشت مقامات عراق این بود که بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای رادیکالی در منطقه ظهور پیدا می‌کنند که درصدد مقابله با هنجارهای محافظه‌کار منطقه برآمده و در صورت ادامه این روند، اعتبار رادیکالیسم عراق و هویت ناسیونالیسم عربی خدشه دار می‌شود.^(۴۰)

ترس از انقلاب ایران تا آنجا پیش رفت که فضای تردید و ابهام را در ذهن رهبران منطقه دامن زد. این نامشخص بودن آینده و ترس از انقلاب اسلامی،^(۴۱) نهایتاً درگیری نظامی را اجتناب‌ناپذیر ساخت.^(۴۲) به نظر مجید خدوری، تحلیل‌گر عراقی الاصل مقیم آمریکا، تجاوز عراق به ایران «عمل پیشگیرانه‌ای برای مقابله با حکومت انقلابی ایران بود. او معتقد است در اصل این حکومت انقلابی ایران بود که با توسل به مفهوم صدور انقلاب و تحریکات عملی خود، حکومت عراق را در موقعیتی قرار داد که ناگزیر شد برای دفاع از خود دست به اقدام بزند.^(۴۳) از لحن تحلیل‌های این چنینی کاملاً روشن است که ادراک رهبران عراق از ماهیت و پیامدهای انقلاب ایران تا چه اندازه افراطی و تشدیدکننده بحران بوده است. اگرچه برخی شعارها و حتی اقدامات پراکنده بخش‌هایی از بدنه اجتماعی انقلاب ایران را می‌توان رادیکال، تندروانه و نافی قواعد بین‌المللی دانست؛ اما به نظر

در نظام‌های توتالیتر که

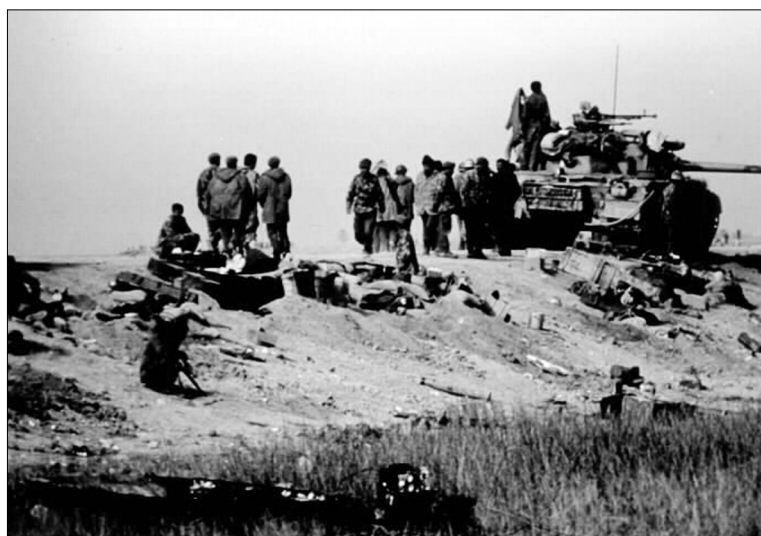
دایره تصمیم‌گیری محدود تر

است، اهداف و منافع ملی

مطابق اهداف و منافع گروه

انگشت شمار حاکم

تعریف می‌شود



بین الملل به طور خاص بر هویت‌یابی دولتی‌ها به عنوان یکی از مباحث عمده مورد نظر سازه‌انگاران تأکید کردیم و گفتیم که هویت همکاری‌جویانه یا منازعه‌آمیز دولتی‌ها، بر ساخت‌هایی اجتماعی و پسینی هستند که در فرآیند تعامل کشورها با یکدیگر به وجود می‌آیند. نقش این عامل در حکومت‌های فردی از جهت تأثیرگذاری ادراکات هویتی بر فرآیند تصمیم‌گیری رهبران بسیار پررنگ است. سپس در بخش دوم به نقش ادراکات

هویتی در نظام تصمیم‌گیری عراق پرداختیم و در سه بحث جداگانه ولی مرتبط اشاره کردیم که ادراکات مقامات رژیم عراق از تضعیف هویت عربی، تهدید ناشی از رادیکالیسم انقلاب ایران و هویت شیعی حاکم بر آن، عمده‌ترین عوامل بر سازنده درک هویتی رژیم عراق از رخداد حادث شده در همسایه شرقی آنها در آستانه تجاوز به ایران است. صدام که سودای رهبری جهان عرب و تحقق اهداف حزب بعث را در سر می‌پروراند درک رادیکالیستی از ماهیت و اهداف انقلاب ایران پیدا کرد. او با آگاهی از شکل‌بندی‌های اجتماعی و سیاسی جامعه عراق، امکان تسری ایده‌های انقلابی به داخل عراق را به مثابه فروپاشی نظام معنایی حاکم بر عراق می‌دانست. به همین دلیل، وی بر اساس برداشت و ادراک از محیط عملیاتی داخلی و منطقه‌ای به خاک ایران تجاوز کرد تا هم رهبری ناسیونالیسم عربی را به دلیل حمایت‌های اجتماعی سران عرب به دست آورد و هم جایگاه خود را در داخل در میان تضادها و شکاف‌های عظیم اجتماعی تحکیم بخشید. به عبارت دیگر صدام قبل از اینکه به فکر گشایش نظامی و فتح سرزمینی باشد به جنگ ایده‌های شیعی - انقلابی مردم ایران آمد تا هم ایده‌های رادیکال عربی را در هویت ملت‌های منطقه تثبیت کند و هم موجودیت و هویت رژیم خود را در مقابله با دشمنان شیعی داخلی و خارجی تحکیم بخشد.

یادداشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: ناصر هادیان، «سازه‌انگاری از روابط بین الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، (۱۳۸۲)، شماره ۴، صص ۴۵-۷۰ و
R. B. J. Walker, "Both Globalization and Sovereignty: Re-Imaging the Political." In Paul Wapner and Lester Edwin J. Ruiz, eds. **Principled World Politics: The Challenge of Normative International Relations**, New York: Rowan and Littlefield Publishers, 2000, Inc. pp. 23 - 34.
۲. حمیرا مشیرزاده، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: سمت، ۱۳۸۴، صص ۳۱۵ و
Emanuel Adler, "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics", **European Journal of International Relations**, Vol. 3 (1997)
3. N Onuf, **World of Our Making**, South Carolina: University of South Carolina Press, 1989, p 157.
4. Frank Harvey and Michael Bercher, **Critical Perspectives in International Studies**, Michigan: University of Michigan Press, 2002, pp 1 - 8.
5. J. Sterling - Folker, "Realism and the Constructivist Challenge: Rejecting, Reconstructing or Rereading?" **International Studies Review**, 4 - 1 (2002), pp 73 - 100.

۶. هادیان، پیشین، ص ۵۰.
7. A. Wendt, "Collective Identity Formation and International State", *American Political Science Review*, (1994), pp. 348 - 57.
8. Frank Wilmer, *The Social Construction of the Man, State and War*, London: Routledge, 2002, p 59.
9. Wendt, *Op. Cit*, p 9.
10. Peter Howard "Constructivism and Foreign Policy", Presented at the Annual Meeting of International Politics, (2005).
۱۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: مشیرزاده، پیشین، صص ۴۹-۳۳۲ و V. Kubalkova, *Foreign Policy in a Constructed World*, Armonk and London: M.E. Sharpe, 2001.
- R.L Jepperson and A. Wendt, Norms, Identity and Culture in National Security, in Peter Katzenstin, *The Culture of National Security*, New York: Columbia University Press, 1996, pp. 96 - 99.
- Richard Price and Christian Reus - Smith, "Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivism", *European Journal of International Relations*, Vol. 4, No. 3, (1998), pp. 241 - 244.
۱۲. الکساندر ونت، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵.
13. Jennifer Mitzen, "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma." *European Journal of International Relations*, Vol. 12, No. 3, (2006), p 239.
14. Saville Kushner, "The Limits of Constructivism in Evaluation", *Evaluation*, Vol. 2, (1996), p 189.
۱۵. هادیان، پیشین، ص ۵۵.
16. Quero Porcel, The Place of History in the Making of Foreign Policy", in V. Kubalkova, (2001) *Foreign Policy in a Constructed World*, Armonk and London: M.E. Sharpe, p. 147.
۱۷. محمود یزدان‌فام، در مجید مختاری، «تأملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی (مجموعه مقالات)». تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۵۳-۵۵.
۱۸. مختاری، پیشین، صص ۸-۳۶ و یزدان‌فام، پیشین، ص ۵۷.
۱۹. محمد درودیان، *علل تداوم جنگ*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۴۶.
۲۰. عیسی روشنی، *دلایل و انگیزه‌های عراق از شروع جنگ با ایران*، پایان‌نامه کارشناسی روابط سیاسی دانشکده وزارت امور خارجه، بی‌تا، صص ۱۹۲-۲۰۳.
۲۱. منوچهر محمدی، *مجموعه مقالات جنگ تحمیلی*، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۴.
۲۲. همان، ص ۱۵.
۲۳. اردشیر نایی، *عراق و علل توسل به جنگ به دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، صص ۶۴-۶۱.
۲۴. همان، ص ۶۱-۶۰.
۲۵. حسینی، بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق در فرهاد درویشی و گروه نویسندگان، *ریشه‌های تهاجم*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۴.
۲۶. محمود یزدان‌فام، عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق، *فصلنامه نگین ایران*، شماره ۱، تابستان، (۱۳۸۱) ص ۳۸.
۲۷. نایی، پیشین، ص ۸۵.
۲۸. همان، ص ۷-۸۶.
۲۹. حسین یکتا، وضعیت نظام بین‌الملل در آستانه جنگ ایران و عراق، در فرهاد درویشی و گروه نویسندگان، *ریشه‌های تهاجم*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۶۵-۶۴.
۳۰. یزدان‌فام، پیشین، ص ۳۸.
۳۱. درودیان، پیشین، ص ۶۷-۶۶.
۳۲. فرهاد درویشی، تمهیدات سیاسی و نظامی برای آغاز جنگ، در فرهاد درویشی و گروه نویسندگان، *ریشه‌های تهاجم*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹.
۳۳. درودیان، پیشین، ص ۱۲۵-۱۲۴.
۳۴. همان، ص ۱۱۱.
۳۵. نایی، پیشین، ص ۱۳۰.
۳۶. محمدی، پیشین، ۱۹ و غلامرضا ثانی نژاد، در منوچهر محمدی، *مجموعه مقالات جنگ تحمیلی*، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۸.
۳۷. حسینی، پیشین، ص ۱۳۵.
۳۸. نایی، پیشین، ص ۱۳۲.



قالب این چارچوب ها و محدودیت ها، در صدد به حداکثر رساندن سود خود هستند.^(۲)

استفان والت^۱ به اصول عمده نظریه انتخاب عقلایی اشاره کرده است:

۱. نظریه انتخاب عقلایی فردگراست: به این معنا که داده های سیاسی و اجتماعی به عنوان محصول جمعی انتخاب افراد در نظر گرفته می شود.

۲. نظریه انتخاب عقلانی بر

این فرض استوار است که هر بازیگر در جستجوی به حداکثر رساندن سود مورد نظرش است و بازیگران براساس مجموعه مشخصی از اولویت ها و ترتیبات معینی از انتخاب های ممکن، نتایجی را انتخاب خواهند کرد که بیشترین سود مورد انتظار را داشته باشد.

۳. اولویت های بازیگران، تابع محدودیت های مشخصی است و در واقع باید اولویت ها را براساس نتایجی که در بر خواهند داشت طبق بندی کرد.^(۳) چنان که ذکر شد، نظریه انتخاب عقلانی یکی از معمول ترین روش ها برای توضیح آغاز و پایان جنگ است. اغلب طرفداران این نظریه، معتقدند جنگ زمانی اتفاق می افتد که براساس تخمین دولت های درگیر در جنگ، سود مورد انتظار از جنگ از هزینه آن بیشتر باشد. به اعتقاد جمیز فیرون^۲ جنگ به شرطی می تواند عقلایی باشد که برای دو طرف درگیر در جنگ سود حاصل از جنگ از سود حفظ صلح، بیشتر باشد و جنگ تا زمانی ادامه می یابد که منابع یک طرف یا هر دو در حال فرسایش باشد و به این نتیجه برسند که با توسل به ابزار نظامی نمی توانند نتیجه جنگ را تعیین کنند یا این که تشخیص دهند هزینه های متصور جنگ از دستاوردهای متصور یا قابل دسترس آن بیشتر است.^(۴)

طبق این نظریه، جنگ زمانی به پایان می رسد که رهبری کشورهای در حال جنگ طبق محاسبات عقلایی درباره دستاوردهای جنگ، تصمیم می گیرند به جنگ پایان دهند. در واقع منافع، همان ارزش های سیاسی هستند که کشورها به خاطر آن وارد جنگ می شوند و بهای جنگ آن چیزی است که در میدان های نبرد پدید می آید. زمانی که کشورها به این نتیجه می رسند که مصالحه دستاورد بیشتری برای آنها می تواند داشته باشد و یا ضرر و زیان آنها را کاهش دهد جنگ پایان می یابد. از آنجا که پایه رفتار کشورهای درگیر جنگ، عقلانی است لذا خواسته های آنها به تبع تغییر وضعیت، تحول می یابد. این تغییر اهداف و خواسته ها ممکن است به نحوی باشد که شرایط نهایی پایان جنگ با خواسته های اولیه طرف های درگیر تفاوت کلی پیدا کند.^(۵) با این توضیحات تلاش ما بر این است تا پایان جنگ عراق و ایران را براساس این نظریه تبیین نماییم.

دلایل پایان جنگ ایران و عراق

عوامل متعددی در تصمیم گیری رهبران ایران و عراق برای پایان جنگ مؤثر بوده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. Stephen Walt

2. James Fearon

تصرف خرمشهر را صادر کرد.^(۹)

در این راستا، وزیر امور خارجه عراق اظهار داشت: «وضع موجود به ایران تحمیل خواهد شد و اگر ایران به منطق گفتگو گوش نکند مجبور است به منطق زور گوش کند، چرا که منطق زور بر این مهم تأکید دارد که نیروهای عراقی به فتح خرمشهر و محاصره آبادان اقدام خواهند کرد.»^(۱۰) همچنان ژنرال عدنان خیرا... اعلام کرد که: «عراق در نهایت ایران را شکست خواهد داد، موجودیتش را تضعیف خواهد نمود و به همه خواسته‌هایش در جنگ خواهد رسید.»^(۱۱) وی همچنین اظهار داشت: «هژمونی و سلطه ایران به پایان خواهد

رسید و نقش تهران به عنوان پلیس منطقه پایان خواهد یافت.»^(۱۲)

کاربرد سلاح‌های شیمیایی به یک بخش جدایی‌ناپذیر در استراتژی جنگی عراق تبدیل شده بود

اگرچه عراق از لحاظ نظامی به کمک برخی کشورهای غربی و عربی به برتری‌هایی دست یافت و نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنگ با مشکلاتی مواجه شدند؛ با این وجود، روند جنگ مطابق با پیش‌بینی‌های صدام پیش رفت و شرایط نبرد

تغییر کرد. چرا که رهبران ایران با تکیه بر وجوه نرم‌افزاری قدرت مانند ایمان، شهادت، ایثار و بسیاری از مفاهیم اسلامی توانستند با بسیج گسترده مردم، برتری نظامی عراق را خنثی کنند. در نهایت، در سال ۱۳۶۱ مقاومت‌های ایران به واسطه وجود انگیزه بالای روحی و معنوی نیروهای نظامی ایران، گستره سرزمینی، ویژگی‌های جغرافیایی، عمق راهبردی و در نهایت دسترسی مناسب به آب‌های بین‌المللی توانست معادله جنگ را به سود خود تغییر دهد. به طوری که نیروهای نظامی ایران با گذر از مرحله انفعال، به مرحله مقاومت و پیشروی در خاک عراق تغییر وضعیت دادند.^(۱۳)

- عوامل موثر در محاسبات رهبران ایران برای پایان جنگ

اگرچه صدام آغازگر جنگ ایران و عراق بود، اما جنگ برای نظام اسلامی نوپای ایران فرصتی بود تا بتواند بنیادهای خود را محکم کند. رهبران ایران، پیروزی در جنگ را به عنوان کلید اصلی حل مشکلات منطقه‌ای خود می‌دانستند. مهم‌ترین اهداف ایران از برخورد با جنگ عراق علیه خود، دفاع از تمامیت ارضی ایران، حفظ پایه‌های انقلاب نوپا و نهایتاً سقوط صدام بود.^(۹) همچنین جمهوری اسلامی ایران امیدوار بود، جنگ به یک عامل اصلی برای صدور انقلاب اسلامی تبدیل شود، اما حوادث ماه‌های پایانی جنگ، رویکرد رهبران ایران را نسبت به جنگ تغییر داد به طوری که در نهایت به پذیرش پایان جنگ راضی شدند.

باید گفت که تصمیم مسئولان جمهوری اسلامی ایران برای پایان مخاصمه، نتیجه عوامل متعددی از جمله: نوپا بودن انقلاب اسلامی، نگرانی از استفاده گسترده‌تر عراق از سلاح‌های شیمیایی، هزینه‌های اقتصادی جنگ و نتایج ایران در عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو بود^(۱۰) که جداگانه به بررسی هر کدام می‌پردازیم.

نوپا بودن انقلاب اسلامی

جنگی که با حمله عراق علیه ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد در واقع یک جنگ اثبات‌کننده بود که توسط رهبران سیاسی عراق برای نمایش قدرت نظامی این کشور صورت گرفت. رهبران عراق تردید نداشتند که با توجه به نوپا بودن انقلاب اسلامی ایران، رهبران این کشور به زودی مجبور به پذیرش شکست و قبول خواسته‌های عراق خواهند شد. حمله اولیه عراق بسیار گسترده بود و صدها هزار نیروی عراقی، کشور ایران را از زمین و هوا مورد تهاجم قرار دادند و به سرعت توانستند بخش‌هایی از خاک این کشور را اشغال کنند.^(۸)

پس از پیشروی‌های اولیه نیروهای عراقی، با دفاع رزمندگان و جوانان انقلابی ایران، صدام به دلیل عدم تحقق اهدافش، به دنبال راه حلی برای خاتمه جنگ بود. لذا برای وادار کردن ایران به پذیرش توقف جنگ، فرمان

گرفت جنگ شهرها بود. در این راستا، عراقی‌ها از طریق حملات هوایی، تعدادی از شهرهای ایران را هدف قرار دادند. این استراتژی دو هدف مشخص داشت: نخست این که این اعتقاد در بین رهبران عراق وجود داشت که لازم است نیروهای عراقی خودشان را فعال ببینند و دوم این که عراق در صدد بود از این طریق به ایران بفهماند که هزینه تداوم جنگ بسیار بالاست. در واقع این کشور قصد داشت بار دیگر توانایی و ظرفیت نظامی خود را به معرض نمایش بگذارد و از طریق آسیب رساندن به زیرساخت‌های اقتصادی ایران توان اقتصادی و نظامی این کشور را برای ادامه جنگ کاهش دهد. توجیه عراقی‌ها برای استراتژی حمله به شهرها این بود که این حملات پاسخی در برابر تداوم جنگ و حملات ایرانی‌ها به بصره است.^(۱۸)

هدف دیگر عراقی‌ها از استراتژی جنگ شهرها، ایجاد اختلاف بین مردم و رهبران ایران بود. آنها از این طریق در صدد بودند نشان دهند که رهبران ایران به مردم توجهی ندارند، تا به این وسیله، حس ایثار و مقاومت را در میان ایرانیان کمرنگ کند.^(۱۹)

حمله عراق به تأسیسات نفتی و کشتی‌های حامل نفت ایران از جمله اقداماتی بودند که در راستای این استراتژی صورت گرفت و فشارهای فوق‌العاده‌ای را بر اقتصاد ایران وارد کرد.^(۲۰)

ایران اگرچه توانسته بود در این مدت پیروزی‌هایی را کسب کند اما برای مقابله با تهدیدات جدید عراق در خلیج فارس، در انتخاب رویکرد نظامی، نیازمند تجهیزات، نیروی انسانی و توان مالی بیشتری بود، امری که با توجه به منابع مالی محدود و هزینه‌های بالای کشور امکان‌پذیر نبود. گسترش جنگ به خلیج فارس، تنهاترین و اصلی‌ترین منبع در آمد ایران یعنی نفت را تهدید می‌کرد. ایران در حوزه نیروی انسانی نیز با مشکل مواجه بود چرا که در بهترین شرایط، تعداد نیروهای مسلح ایران کمتر از عراق بود.^(۲۱)

اقدامات عراق هر چند فاقد نقش مؤثر و کوتاه مدت برای تغییر موازنه به سود این کشور و پایان بخشیدن به جنگ بود؛ اما در نهایت با ضربه زدن به توان اقتصادی ایران، اقتصاد این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

به مرور، شرایط جبهه‌های جنگ به گونه‌ای برای عراق پیش رفت که به عوض اثبات حقوق^۱ برای عراق، به جنگ برای بقای^۲ این کشور تبدیل شد.^(۱۴) در این دوره، عراق به لاک دفاعی فرو رفت. این تغییر تنها نتیجه اشتباهات رهبران سیاسی عراق نبود بلکه نتیجه اجتناب ناپذیر عزم ایران برای مقابله با تهاجم عراق بود. در این مرحله، عراق به دنبال راه حلی برای پایان جنگ و حفظ وضع موجود بود. در واقع عراق به ناچار از اهداف ابتدایی خود برای جنگ دست کشیده بود و یک استراتژی دفاعی را در پیش گرفته بود که در این استراتژی جدید، اولویت نخست جلوگیری از پیشرفت نیروهای ایرانی در خاک

عراق و در نهایت تلاش برای خنثی کردن تصمیمات رهبران ایران برای ادامه جنگ بود.^(۱۵) به باور رهبران عراق، عقب ماندگی نظامی ایران در نهایت به عقب نشینی این کشور و پایان جنگ منجر خواهد شد. اما این پیش‌بینی چندان درست نبود چرا که نیروهای ایران توانستند با تصرف

بخشی از خاک عراق، تا دروازه‌های بصره پیشروی کنند.^(۱۶)

صدام امیدوار بود با افزایش هزینه‌های جنگ، شرایطی را ایجاد کند که نبرد در یک حالت مطمئن متوقف شود. عراق برای تدارک چنین شرایطی، در ابتدا از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد. استفاده از این گونه سلاح‌ها، هشدار جدی به ایران برای خاتمه جنگ بود. ارتش عراق در سال ۱۳۶۳ با به کارگیری عوامل شیمیایی، در صدد بود نیروهای ایرانی را نسبت به ادامه جنگ مأیوس کند، که البته این استراتژی تا اواخر جنگ تداوم داشت.^(۱۷) استراتژی دیگری که عراق در این راستا به کار

استفاده گسترده عراق
از سلاح‌های شیمیایی
بر این امر دلالت داشت که
صدام قصد دارد جمهوری
اسلامی ایران را به پذیرش
صلح وادار کند

پس از سال ۱۳۶۱، روند تحولات جبهه های جنگ کاملاً به ضرر عراق بود و روند فزاینده مشکلات داخلی، این کشور را در یک جنگ فرسایشی درگیر کرد. صدام با هدف وادار کردن ایران به خاتمه جنگ و تحمیل خواسته هایش به این کشور اقدامات متعددی را انجام داد که کاربرد سلاح های شیمیایی از جمله آنها بود.^(۲۴) عراق برای اولین بار در سال ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۲ از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد. بر اساس گزارش سازمان سیا، عراق در این عملیات از گاز خردل استفاده کرد. این کشور یک بار دیگر در آن سال سلاح های شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی در شمال عراق به

در دو سال ابتدایی جنگ،

خسارت های وارد شده به

بخش کشاورزی ایران

۲۲ میلیون دلار بود که در

سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲

این رقم به ۴۱ میلیون دلار

افزایش یافت

کار گرفت که این عملیات صدها مجروح و شهید شیمیایی بر جای گذاشت.^(۲۵)

در سال ۱۳۶۳ روند کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق افزایش یافت. یکی از نمونه های فاحش حملات شیمیایی عراق در این سال در عملیات خیبر ۱ در جزیره مجنون در نزدیکی بصره بود.

این منطقه که به لحاظ استراتژیک و نیز داشتن ذخایر نفت، بسیار بااهمیت بود به تصرف نیروهای ایرانی درآمد. ارتش عراق برای مقابله با نیروهای ایرانی در این عملیات از گاز اعصاب استفاده کرد. درواقع عراق نخستین کشوری بود که این عامل شیمیایی را در جنگ مورد استفاده قرار داد. هرچند در این عملیات تعداد زیادی از نیروهای ایران دچار مصدومیت شدند اما عراق در جلوگیری از عملیات آنها توفیق چندانی نداشت.^(۲۶)

جمهوری اسلامی ایران در جهت افشای اقدامات غیرقانونی عراق، تلاش های زیادی را در عرصه بین المللی انجام داد. در این راستا شماری از مصدومان

این مسأله در ماه های بعد محدودیت هایی شدیدی را بر بودجه نظامی ایران تحمیل کرد و توان نظامی این کشور را بسیار تضعیف نمود.^(۲۷)

پس از تسخیر فاو توسط ایران، در ماه های پایانی جنگ صدام به دنبال راه حلی نظامی برای شکست ایران بود و در نهایت پاسخ عراق برای از دست دادن فاو، یک حمله وسیع بود. این کشور توانست با کاربرد انبوه تجهیزات زرهی، آتش توپخانه و بمباران های شیمیایی، شبه جزیره فاو را طی دو روز باز پس بگیرد. پس از آن عراق توانست نیروهای ایرانی را از شلمچه و جزایر مجنون عقب براند و یک بار دیگر در موقعیت پیشروی در خاک ایران قرار بگیرد.^(۲۸)

عراق از جنگ هشت ساله قوی تر سر برآورد. این کشور در طول جنگ توانست نیروهای زمینی و هوایی خود را افزایش دهد. این نیروها از سال ۱۳۶۰ بسیار مجهز تر شده و تجربه عملیاتی مهمی را کسب کرده بودند. در مورد ایران، باید گفت به رغم برتری نیروی انسانی توده ای، لطافت زیادی بر ساختار نظامی ایران وارد شده بود و ضعف اقتصادی ناشی از هزینه های سنگین جنگ، قدرت این کشور را برای تجدید ساختار نظامی بسیار کاهش داده بود.

حمایت های نظام بین الملل از عراق در این دوره و مشکلات داخلی شدید ایران، تهران را در وضعیت نامطلوب قرار داده بود که این رویه هوشمندی رهبران ایران را در جهت حفظ امنیت ملی کشور طلب کرد.

بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، یکی از شرایطی که می تواند به پایان جنگ منجر شود این است که طرفین درگیر در جنگ به این نتیجه برسند که با توسل به ابزار نظامی نمی توان نتیجه جنگ را تعیین کرد. رهبران ایران با محاسبه توان نظامی خود و دشمن و در نهایت با درک این امر که به واسطه ضعف نظامی، پیروز جنگ نخواهد بود تصمیم به پایان جنگ گرفتند.

استفاده عراق از سلاح های شیمیایی

یکی از سیاه ترین نقاط جنگ ایران و عراق، استفاده عراق از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی بود که منجر به بالا رفتن آمار شهدای جنگ شد.

خیمپاره حاوی مواد شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی مستقر در فاو به کار گرفتند و منطقه عملیاتی را با بیش از هزاران بمب شیمیایی بمباران کردند. شدیدترین حمله آنها در این عملیات در ۲۴ بهمن ماه رخ داد که در حدود ۸۴۷۷ تن مجروح و ۲۳ شهید برجای گذاشت. در این حمله از عوامل شیمیایی جدیدی چون گازهای خفه کننده و سیانور استفاده شد.^(۳۰)

در پی این حملات، جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۴ با اعلام این که عراق بار دیگر از سلاح های شیمیایی در جبهه های جنگ استفاده کرده، از سازمان ملل خواست تا هیأت تحقیقی را به منطقه اعزام کند. در این مرحله، گستردگی استفاده عراق از گازهای شیمیایی به حدی بود که ایران تهدید کرد که اگر شورای امنیت و سازمان ملل در این مورد تدابیری را اتخاذ نکنند، ایران نیز حق مقابله به مثل را برای خود قائل خواهد بود. به این ترتیب، شورای امنیت طی جلسه ای قطع نامه ۵۸۲ را به تصویب رساند و در فروردین ۱۳۶۵ برای نخستین بار بایادآوری نام کشور به کارگیرنده سلاح های شیمیایی، کاربرد این سلاح ها را در جنگ ایران و عراق به شدت محکوم کرد.^(۳۱)

علی رغم هشدارهای بین المللی، عراق استفاده از سلاح های شیمیایی را در سال ۱۳۶۵ تشدید کرد. در واقع، کاربرد سلاح های شیمیایی به یک بخش جدایی ناپذیر در استراتژی جنگی عراق تبدیل شده بود که البته کاربرد این سلاح ها باعث به دست آوردن موفقیت های نظامی و تاکتیکی برای رژیم صدام شده بود. در این سال، نیروهای عراقی از سلاح شیمیایی به عنوان ابزار تهاجمی استفاده می کردند. عراق از آغاز این سال از لاک دفاعی خارج شد و با حمله به مواضع رخنه پذیر نیروهای خودی، بخش هایی از مواضع آنها را تصرف کرد که مهم ترین آن، شهر مهران بود. نیروهای عراقی پیش از آغاز تهاجم به شهر مهران، با استفاده از عوامل تاول زا و اعصاب، منطقه را به شدت آلوده کرده و سپس این شهر را تصرف کردند. در اثر این حمله ۱۵۰ تن از نیروهای ایرانی شهید شدند.^(۳۲)

عراق در شهریور ماه همین سال بار دیگر در عملیات کربلای ۲ به سلاح های شیمیایی متوسل شد و

شیمیای به بیمارستان های کشورهای اروپای غربی اعزام شدند. طی سال ۱۳۶۳ در حدود ۵۰ مصدوم شیمیایی به کشورهای غربی فرستاده شدند تا افکار عمومی این کشورها از پیامدهای اقدام عراق در استفاده از سلاح های شیمیایی آگاه شوند، اما واکنش کم رنگ جامعه بین المللی، به تدیج عراق را در کاربرد این سلاح ها جسورتر کرد.^(۳۷)

به طور مثال، دولت فرانسه، به عنوان حامی عراق در طول جنگ، در مورد استفاده این کشور از سلاح های شیمیایی سکوت اختیار نمود. به طوری که روزنامه لوموند دیپلماتیک ادعا کرد که: «مجروحان شیمیایی ایران، کارکنان

کارخانجات صنعتی هستند که در حوادث صنعتی مجروح شده اند.»^(۳۸)

دولت های بریتانیا، فرانسه و آمریکا نیز واکنشی در این زمینه نشان ندادند، در صورتی که جمهوری اسلامی ایران این سه کشور را مسئول تهیه برنامه سلاح های شیمیایی عراق می دانست. دولت

انگلیس طی یک پاسخ رسمی به ادعای دولت ایران در خصوص همکاری شیمیایی با عراق اعلام کرد: «ما در این جنگ بی طرفیم» و ادعا کرد که: «هیچ گونه سلاح شیمیایی یا تجهیزاتی برای عراق تهیه نکرده است.»^(۳۹) به نظر می رسد قدرت های غربی به مجازات و یا حتی انتقاد از عراق به خاطر کاربرد این سلاح ها تمایلی نداشتند.

با آغاز عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴، نیروهای عراقی که توان مقابله با این هجوم را نداشتند بار دیگر به سلاح های شیمیایی متوسل شدند و یکی از بی سابقه ترین حملات شیمیایی را در تاریخ رقم زدند. آنها طی ۱۵ روز بیش از ۷ هزار گلوله توپ و

سقوط فاو در اواخر

فروردین ماه ۱۳۶۷

سرآغاز برهم خوردن

توازن و برتری نظامی

عراق بود



از گاز خردل و اعصاب استفاده نمود که در نتیجه آن بیش از صد تن مجروح شدند.^(۳۳)

اوج حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵، در جریان عملیات های بزرگ کربلای ۵ و کربلای ۶ اتفاق افتاد. در این دو عملیات، هواپیماهای عراقی با پرتاب بمب های حاوی گازهای خردل، اعصاب و خفه کننده بیش از ۱۶۰ نیروی ایرانی را مصدوم کردند.^(۳۴)

در پی این حملات،

جمهوری اسلامی ایران بار دیگر به دبیرکل سازمان ملل شکایت کرد که این اقدام به صدور بیانیه ای از جانب وی دایره بر محکوم کردن کاربرد سلاح های شیمیایی منجر شد. این محکومیت، هیچ تأثیری بر اقدامات عراق نداشت، چرا که این کشور یک بار دیگر در فروردین ماه ۱۳۶۶ در عملیات کربلای ۸ از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد. در طی این عملیات، عراق منطقه عملیاتی شلمچه را مورد هدف قرار داد و با استفاده از گاز خردل و عوامل تاول زایش از صد نفر را مصدوم کرد. مهم ترین حمله شیمیایی عراق در این ماه در منطقه سلیمانیه و اربیل عراق رخ داد که تعداد زیادی شهید و مصدوم برجای گذاشت.^(۳۵)

حملات شیمیایی عراق در شرایطی صورت می گرفت که بیشتر نیروهای ایرانی آموزش و تجهیزات کافی برای مقابله با این سلاح ها را در اختیار نداشتند و این عامل برای عراق به مثابه یک نیروی تقویت کننده عمل می کرد.^(۳۶)

اوج کاربرد سلاح های شیمیایی توسط عراق در ماه های پایانی جنگ اتفاق افتاد، چرا که این کشور تلاش کرد با استفاده از این عامل به عنوان یک سلاح تهاجمی، سرزمین های تصرف شده توسط نیروهای ایرانی را پس بگیرد. نیروهای عراقی با استفاده گسترده

از سلاح های شیمیایی توانستند در ظرف چند ساعت فاو را تصرف کنند. دومین عملیات عراق پس از فتح فاو در شلمچه صورت گرفت. مهم ترین حمله شیمیایی عراق در این منطقه رخ داد. در این عملیات، نیروهای عراقی با استفاده از گازهای شیمیایی، توانستند نیروهای ایرانی را از بخشی از مناطق تحت کنترل خود عقب برانند. براساس گزارش های موجود، حدود ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر از نیروهای خودی در این عملیات مصدوم شدند.^(۳۷) در ماه بعد، عراق با دو حمله هم زمان در مهران و جزایر مجنون، گازهای شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد و آنها را وادار به عقب نشینی کرد.^(۳۸) استفاده گسترده عراق از سلاح های شیمیایی بر این امر دلالت داشت که صدام قصد دارد جمهوری اسلامی ایران را به پذیرش صلح وادار کند. اگرچه کاربرد سلاح های شیمیایی توسط عراق و تلفات ناشی از آن، تنها عاملی نبود که ایران را در جهت پذیرش آتش بس سوق داد؛ اما می توان گفت این عامل با توجه به هزینه های انسانی سنگینی که برای ایران، به ویژه در ماه های پایانی جنگ به همراه داشت، در تصمیم رهبران کشور برای پایان جنگ تأثیرگذار بود. در اینجا نظریه انتخاب عقلانی می تواند جهت تحلیل نوشتار فوق کاربرد داشته باشد.

شهری این کشور بود. عراق از سال ۱۳۶۳ برخی از شهرهای ایران را بمباران کرد که البته میزان این حملات در ابتدا محدود و کم دامنه بود. در سال‌های پایانی جنگ، این حملات بسیار تشدید شد، به طوری که بیشترین حملات هوایی عراق به شهرهای ایران در بهمن ماه سال ۱۳۶۵ انجام شد که بالغ بر ۳۴۹ مرتبه بود و بعد از آن در اسفندماه ۱۳۶۷ در حدود ۲۷۱ مرتبه بود. در طول بهمن ماه سال ۶۷ در اثر این حملات، ۱۸۰۰ نفر شهید و



۶۲۰۰ نفر زخمی شدند. یعنی به طور متوسط روزانه ۲۰۲ نفر شهید و ۶۴۴ نفر زخمی شدند.^(۴۱)

به جرأت می‌توان گفت که هزینه بالای انسانی جنگ یکی از مهم‌ترین متغیرهایی بود که رویکرد مسئولان جمهوری اسلامی ایران را نسبت به ادامه جنگ تغییر داد؛ چرا که این میزان از خسارت‌ها، ارزش دستاوردهای جنگ را بدون شک برای آنها کاهش می‌داد.

هزینه‌های اقتصادی جنگ

گرچه تخمین هزینه‌های اقتصادی واقعی جنگ بسیار دشوار است، اما با هر گونه استنادی، هزینه‌های جنگ ایران و عراق، بسیار هنگفت و فرتوت کننده بود. به طوری که این جنگ به پرهزینه‌ترین جنگ جهان سومی بعد از جنگ جهانی دوم مشهور شد. برخی از منابع، هزینه‌های اقتصادی جنگ ایران را در حدود ۶۴۴ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.^(۴۲) پس از پیروزی انقلاب، رهبران ایران با توجه به آرمان‌های انقلابی تلاش کردند به اقتصاد نیز رنگ مذهبی بدهند. آنها مهم‌ترین اهداف خود را در اقتصاد، خودکفایی در امر کشاورزی، نفی وابستگی اجتناب‌ناپذیر به تجارت با کشورهای صنعتی و تلاش برای کاهش واردات کالاهای غیرمصرفی اعلام کردند. در اقتصاد جدید، نفت به عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی در نظر گرفته شد و همچنین لزوم

هزینه‌های بالای مادی و معنوی متحمل شده در جنگ

جنگ میان ایران و عراق یکی از شدیدترین جنگ‌ها بعد از جنگ جهانی دوم بود. چرا که در طول ۸ سال تلفات زیادی را بر جای گذاشت. به ویژه در ماه‌های پایانی جنگ با توجه به تغییراتی که در صحنه نبرد رخ داد، هزینه انسانی این جنگ بسیار افزایش یافت.

هرچند برآورد دقیقی از تعداد کشته‌ها و مجروحان دو طرف در جنگ وجود ندارد؛ اما اسناد و متون مختلف، تعداد کل کشته‌های جنگی هر کدام از طرفین جنگ را ۲۶۲ هزار نفر اعلام کرده‌اند و با محاسبه ۷۰۰ هزار زخمی، این تلفات به یک میلیون نفر بالغ می‌شود.^(۴۳)

البته با توجه به استراتژی نظامی ایران که به جای نیروی زرهی، بیشتر به نیروی پیاده استوار بود و همچنین طی جنگ، نسبت به عراق در دوره زمانی طولانی‌تری ابتکار عمل را در دست داشت و از موضع تهاجمی برخوردار بود و همچنین با توجه به این که عراق در جنگ شهرها، بیشترین حملات را داشت می‌توان گفت که رقم تلفات انسانی ایران بیشتر از عراق بوده است.^(۴۴)

باید متذکر شویم که تلفات جنگ تنها به جبهه‌های نبرد ختم نمی‌شود چرا که جنگ به شهرها نیز گسترش یافته بود. یکی از روش‌های عراق برای مجبور کردن ایران به پایان جنگ و پذیرش قطعنامه، حمله به مراکز

از دست داده بودند روانه شهرها و مناطق دیگر شدند. براساس گزارش های موجود، جنگ باعث آواره گی حدود ۲/۵ میلیون نفر شد. این مسأله مشکلات زیادی را از جنبه های مختلف، به ویژه از جنبه اقتصادی ایجاد کرد. به طوری که احتیاجات روزمره جنگ زدگان، هزینه ای بالغ بر ۵/۱ میلیارد تومان را هر ماه بر دولت تحمیل می کرد.^(۴۷)

علاوه بر این آوارگان، حدود صد هزار نفر عراقیان اخراج شده از آغاز جنگ و حدود ۱/۵ میلیون پناهنده افغانی را نیز باید در نظر گرفت که این مسأله هزینه های هنگفتی را بر دولت تحمیل کرد.

نگهداری نفت به عنوان یک منبع عظیم برای آیندگان امری ضروری بود. در این حوزه آنچه در اولویت قرار داشت ثبات اقتصادی بود و تنظیم یک برنامه ریزی منطقی در جهت رشد و شکوفایی اقتصادی در درجه دوم قرار گرفت.^(۴۸)

اما جنگ با هزینه های هنگفتش به زودی از این اهداف پیشی گرفت و در واقع مانعی برای رسیدن به آنها قلمداد شد چرا که در سال های پس از جنگ نه تنها هیچ نشانه ای از بهبود اقتصادی دیده نمی شد بلکه جنگ آثار سوئی بر اقتصاد ایران باقی گذاشت که در اینجا به برخی از پیامدهای اقتصادی جنگ بر جامعه اشاره می کنیم.

بیکاری

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و با از بین رفتن برخی از مشاغل، در حدود ۱/۵ میلیون بیکار وجود داشت که با تحریم اقتصادی و کمبود مواد اولیه برخی از صنایع و همچنین جلوگیری از تولید کالاهای مصرفی، این میزان افزایش یافت. با آغاز جنگ تحمیلی و ویرانی بسیاری از شهرها و روستاها و مهاجرت ساکنین آنها و بمباران صنایع، خیل عظیم دیگری بر جمعیت بیکاران کشور افزوده شد. این معضل به دنبال خود مشکلات عدیده ای را از لحاظ اخلاقی، سیاسی و اقتصادی به همراه داشت. برخی آمارها تعداد بیکاران را بعد از آغاز جنگ در حدود ۲/۵ میلیون نفر نشان می دهد که این رقم در حدود دو برابر قبل از انقلاب بود.^(۴۹)

تورم

یکی از عمده ترین اثرات جنگ بر اقتصاد کشور، مسأله تورم بود. با حمله رژیم بعثی به ایران و با انهدام بسیاری از صنایع و منابع تولید، مشکلاتی از لحاظ واردات ایجاد شد و همچنین آوارگی میلیون ها انسان که وسایل و مسکن آنها از بین رفته بود و بیکاری ناشی از جنگ که گرانی و تورم زیادی را در پی داشت، باعث شد تا نرخ تورم تا حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا کند.^(۵۰)

آوارگی

با شروع جنگ تحمیلی و تجاوز و بمباران مناطق و شهرهای مسکونی، بسیاری از مردمی که زندگی خود را

تخریب بخش های کشاورزی و صنایع

یکی از مهم ترین هزینه های جنگ در بخش کشاورزی بود. چراکه در ابتدای جنگ به یکی از حاصل خیزترین مناطق ایران، یعنی خوزستان، خسارت زیادی وارد شد. از طرفی با حمله عراق به شهرهای ایران میلیون ها هکتار زمین

بدون کشت باقی ماند. بنا به اظهار برخی از مسئولان ایران در دو سال ابتدایی جنگ، خسارت های وارد شده در بخش کشاورزی ۲۲ میلیون دلار بوده است که در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ این رقم به ۴۱ میلیون دلار افزایش یافت.^(۴۸)

در بخش صنایع، بسیاری از صنایع مادر به علت وابستگی و یا به علل دیگر دچار رکود شده و از کمبود مواد اولیه رنج می بردند. با حملات عراق به شهرها، بسیاری از صنایع مادر و مهم که تغذیه کننده صنایع دیگر بودند از بین رفته و یا تعطیل شدند. این صنایع علاوه بر این که تولیدی نداشتند بسیاری از صنایع را در مناطق دیگر دچار کمبود کرده بودند. همچنین به علت ناامنی

مقاومت های گسترده

مردم ایران، روند جنگ را

تغییر داد به طوری که از

ابتدای سال ۱۳۶۱ تا بهار

۱۳۶۷ موازنه جنگ علی رغم

فراز و فرودهایش به سود

ایران تمام شده بود

ارزش دلار نیز کاسته شد. این رخدادها درست در زمانی بود که هزینه های جنگی بسیار افزایش یافته بود.^(۵۱)

در مورد هزینه های جنگ باید گفت که میزان آن در همه سال ها یکسان نبود اما می توان به طور کلی آن را به دو دوره ۱۳۵۹ - ۱۳۶۴ و ۱۳۶۴ - ۱۳۶۷ تقسیم کرد:

در دوره نخست، صادرات نفتی ایران به واسطه حمله عراقی ها آسیب چندانی ندیده بود و از طرفی جمهوری اسلامی با تکیه بر بقایای سیستم تسلیحاتی زمان شاه قادر بود جنگ را ادامه دهد. در این دوره، جمهوری اسلامی ایران سعی می کرد با تکیه بر وجوه نرم افزاری قدرت و همچنین هیجان و اشتیاق انقلابی مردم، ضعف نظامی خود را در مقابل عراق پوشش دهد. بنابراین در این دوره، جنگ تنها ۲۰ تا ۱۵ درصد از درآمدهای دولتی را شامل می شد؛ اما در دوره دوم شاهد تشدید و توسعه جغرافیای درگیری به شهرهای ایران و آب های خلیج فارس هستیم. در این دوره حمله عراق به مراکز نفتی ایران بر صادرات نفت این کشور تأثیر منفی گذاشت و هزینه های جنگ بسیار افزایش یافت، به طوری که جنگ بیش از یک سوم بودجه ایران را به خود اختصاص داده بود.^(۵۲)

جدول زیر مقایسه ای از میزان درآمدهای نفتی و هزینه های نظامی را نشان می دهد. با توجه به اینکه ۵۲ درصد از هزینه های اختصاص یافته به جنگ از طریق نفت تأمین می شد می توان به میزان درآمد نفتی که به جنگ اختصاص داده می شد پی برد.^(۵۳)

سال	هزینه های نظامی کشور ^۱	درآمد نفت
۱۹۸۰ - ۱۹۸۱	۴/۲	۱۲
۱۹۸۱ - ۱۹۸۲	۴/۴	۱۲
۱۹۸۲ - ۱۹۸۳	۱۵/۵	۲۳
۱۹۸۳ - ۱۹۸۴	۱۷/۳۷	۱۸
۱۹۸۴ - ۱۹۸۵	۲۰/۱۶	۱۲/۵
۱۹۸۵ - ۱۹۸۶	۱۴/۸۹۱	۱۲
۱۹۸۶ - ۱۹۸۷	۱۵/۸۹	۸-۶

منطقه، بسیاری از طرح های توسعه صنعتی و قراردادهای عمرانی و صنعتی مسکوت گذاشته شد. از طرفی برخی از صنایع به علت نیاز مبرم به تجهیزات نظامی، تولیدات خود را به وسایل نظامی اختصاص داده بودند.^(۴۹)

اقتصاد جنگ و نفت

اگر چه در سال های ابتدایی پیروزی انقلاب، مسئولان کشور به لزوم در نظر گرفتن نفت به عنوان موتور توسعه اقتصادی و سرمایه ای برای آیندگان تأکید می کردند اما جنگ به مانعی برای تحقق این اهداف تبدیل شد؛ چرا که وابستگی ایران را به صادرات نفت افزایش داد. جنگ مستلزم صرف هزینه های سنگین برای وارد کردن تسلیحات و مهمات جنگی بود و بدون پرداخت این هزینه ها برای تأمین تجهیزات نظامی، ایران نمی توانست جنگ را برای مدت ۸ سال ادامه دهد.

اگر چه درآمدهای نفتی، ۸۰ درصد از

درآمدهای دولت را تشکیل می داد اما فاکتور نفت نیز یک پیچیدگی عمده داشت که آسیب پذیری دو کشور را افزایش می داد و آن هم نوسان در قیمت نفت و همچنین نامشخص بودن میزان صادرات آن بود. در بین سال های ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ قیمت نفت سه برابر شد و درآمد دولت افزایش یافت. به طوری که آقای هاشمی رفسنجانی در ۱۳۶۱ اعلام کردند: «ما با تولید یک میلیون بشکه در روز قادر هستیم جنگ را هدایت کنیم».^(۵۰) اما از سال ۱۳۶۳ صادرات نفت ایران کاهش یافت. همچنین از سال ۱۳۶۴ کاهش در تقاضای نفت خلیج فارس باعث شکسته شدن قیمت نفت از ۳۰ دلار به ۱۰ دلار شد و در سال ۱۳۶۶ به حدود ۱۸ دلار رسید. از طرفی در این دوره از

۱. هزینه ها و درآمدها به میلیارد دلار است.

جنگ عراق علیه ایران،
در واقع نمایش
قدرت عراق توسط
رهبران این کشور بود

نتایج ایران در عملیات فاو

یکی از مهم ترین عواملی که به پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ منجر شد تغییر وضعیت در صحنه های نبرد بود به طوری که سقوط فاو در اواخر فروردین ماه ۱۳۶۷ سرآغاز بر هم خوردن توازن و برتری نظامی عراق بود. در ابتدای تهاجم عراق به ایران، توازن جنگ به نفع نیروهای بعثی بود چرا که عراقی ها بسیار مجهزتر از نیروهای ایرانی بودند؛ از اینرو توانستند نیروهای ایرانی را عقب برانند و برخی از مناطق مهم خوزستان را تصرف کنند. اما مقاومت های گسترده مردم ایران، روند جنگ را تغییر داد به طوری که می توان گفت از ابتدای

سال ۱۳۶۱ تا بهار ۱۳۶۷ موازنه جنگ علی رغم فراز و فرودهایش به سود ایران تمام شده بود. پس از زمین گیر شدن ارتش عراق در دشت خوزستان و ناتوانی آن از تصرف برخی شهرهای ایران، رزمندگان اسلام طی چند عملیات بزرگ توانستند بیشتر مناطق اشغالی را آزاد کنند و نیروهای عراقی را به پشت مرزهای بین المللی برانند.^(۵۷)

**مقاومت های ایران در برابر
صدام و کشاندن عراق از
جنگ برای اثبات حقوق به
یک جنگ تدافعی، مشکلات
خودکامگی صدام را
برجسته تر کرد**

نیروهای خودی طی این سال ها چندین عملیات کوچک و بزرگ را برای پیشروی در خاک عراق به اجرا در آوردند که اکثر آنها در منطقه جنوب و با هدف رسیدن به بصره انجام شد. ایران توانست در برخی از این عملیات ها به موفقیت هایی دست یابد و ابتکار عمل را در دست گیرد. عراق در این دوران تنها با تکیه بر استراتژی دفاعی توانست در برابر حملات ایران مقاومت کند. اوج پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ بود. این پیروزی، برتری تعیین کننده ای را نصیب این کشور کرد. پیروزی ایران در نبرد فاو تردیدهایی را در مورد قابلیت های عراق برای استفاده از برتری کمی

برخی آمار دیگر نیز هزینه های نظامی کشور را بین سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ در حدود ۵ / ۸۶ میلیارد دلار تخمین می زنند. براساس این آمار، هزینه های نظامی ایران سالانه به طور متوسط ۲ / ۲۹ درصد رشد داشته که نشان دهنده حجم بالای هزینه دفاعی است که به طور متوسط ۳ / ۹ درصد تولید ناخالص داخلی از جمله نفت را به خود اختصاص داده بود.^(۵۴)

چنان که ملاحظه شد جنگ به لحاظ اقتصادی آثار مخربی بر جامعه ایران داشت که در سال های پایانی با توجه به بالا رفتن هزینه های جنگ این مشکلات نیز افزایش یافته بود. به طوری که مسئولان جمهوری اسلامی، ریشه بسیاری از مشکلات را هزینه های جنگ می دانستند. به عنوان مثال آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۴ در این باره اظهار داشت: «اگر ما بودجه ۴ سال و نیم جنگ که در حدود ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ بلیون ریال است را به صنایع اختصاص می دادیم اکنون یکی از قدرتمندترین کشورهای صنعتی دنیا بودیم».^(۵۵)

نخست وزیر ایران نیز در سال ۱۳۶۶ با تأکید بر مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ اعلام کرد که: «من بر این نکته تأکید می کنم که هر کس می تواند آثار جنگ را بر کل دستگاه دولت مشاهده کند. تخصیص ۴۱ درصد از هزینه بودجه عمومی و ۵۲ درصد از هزینه های اختصاص یافته برای امور نظامی و امنیتی، نشان دهنده اهمیت جنگ به عنوان بزرگ ترین مشکل کشور است».^(۵۶)

چنین اظهاراتی به روشنی مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ را نشان می دهد. اگرچه باید گفت که مردم انقلابی ایران در مقابل مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ بسیار صبور بودند و آنها به این مسأله عادت کرده بودند که توقعات خود را کاهش دهند. آنها حکومت را با معیارهای متفاوتی ارزیابی می کردند و در واقع بر اساس ایدئولوژی اسلامی نیازهای معنوی بسیار مهم تر از نیازهای مادی بود. با این وجود، با طولانی شدن جنگ، اقتصاد ایران بیش از میزان انتظار تخریب شد.

از عقب نشینی سال ۱۳۶۱، برای نخستین بار عراق به خاک ایران وارد می شد.

عراق پس از چند عملیات موفقیت آمیز بار دیگر اهدافی فراتر از خاک خود را در دستور کار قرار داد و کوشید با بهره برداری از درهم ریختگی مواضع نیروهای ایرانی در منطقه خرمشهر، آبادان و احتمالاً کل استان خوزستان، بخش هایی از استان ایلام را به طور غیرمستقیم به تصرف درآورد، اهدافی که در ابتدای جنگ به تحقق آنها موفق نشده بود. درواقع عراق قصد داشت با دستیابی به این اهداف برای پایان جنگ از موضع قدرت بر سر میز مذاکره با ایران بنشیند. هرچند عراق برنامه ریزی خود را برای رسیدن به اهداف مزبور از سال ۱۳۶۴ آغاز کرده بود اما این بار با سرمایه گذاری وسیع تر و ایجاد تحول در تصمیم گیری از طریق تمرکززدایی و واگذاری نقش بیشتر به فرماندهان عملیاتی، افزایش واحدهای برجسته گارد ریاست جمهوری، افزایش استعداد نیروی انسانی به حدود یک میلیون نفر، بهره گیری از حجم انبوه هواپیماها و بالگردهای پیشرفته این امکان را فراهم کرد که در طول جبهه ها عملیات تهاجمی وسیعی را اجرا کند.^(۶۱)

سقوط فاو به دست عراق، ایران را به لحاظ سیاسی و نظامی در موقعیت دشواری قرار داده بود چرا که نشان می داد رژیم عراق با حمایت قدرت های اصلی بلوک شرق و غرب به یک برتری نسبی استراتژیک دست یافته است. از طرفی، این عامل موجب تضعیف روحیه نیروهای ایرانی شده بود، به طوری که شمار نیروهای داوطلب برای جنگ بسیار کاهش یافت. این در حالی بود که روحیه نیروهای عراقی تقویت شده بود و موانع روانی برای تهاجمات گسترده تر از میان رفته بود.

سقوط فاو، استراتژی سیاسی سابق ایران را مبنی بر ادامه جنگ و فرسایش توان نظامی عراق، با تردید روبه رو کرد.^(۶۲) در نتیجه این رخدادها، مسئولان جمهوری اسلامی، دریافتند که ادامه جنگ به نفع کشور نیست؛ چرا که این امر، نظامیان کم تجهیزات ایران را در مقابل نیروهای مستحکم عراقی با دشواری های زیادی

نظامی اش برانگیخت. همچنین نیروهای ایرانی را با داشتن تجهیزات کمتر نسبت به عراقی ها، با روحیه تر و توانا تر نیروهای عراقی نشان داد. برخی از تحلیل گران و مفسرین غربی و شرقی، با تصرف فاو پیروزی ایران را امری محتمل می دانستند.^(۵۸) از طرفی نیروهای ایرانی علی رغم ضعف اقتصادی و تسلیحاتی، به دلیل روحیه انقلابی، پیروزی های به دست آمده، بی اعتمادی شدید به مجامع بین المللی و ابرقدرت ها و همچنین رژیم عراق، تنبیه متجاوز را مناسب ترین گزینه برای دفع تجاوز و حفظ استقلال و رسیدن به خواسته های خود می دانستند. بنابراین در صدد برآمدند تا با هماهنگی

وسیع و همه جانبه نیروها و امکانات کشور عملیات گسترده ای را اجرا کنند که کار جنگ را یکسره کند. باید گفت ایران پس از پیروزی در فاو پیشرفت چندانی در جبهه ها نداشت و در ماه های پایانی جنگ اوضاع به طور ناگهانی به سود عراق تغییر کرد.

در ابتدای سال ۱۳۶۷، عراق بار دیگر در موضع تهاجمی قرار

گرفت و حملات گسترده ای را برای تصرف برخی از شهرها و مناطق استراتژیک در جنوب طراحى کرد و با برنامه ریزی گسترده، اقدامات هماهنگ و بکارگیری تمام ابزارها، طرح آزادسازی فاو را اجرا کرد و شبه جزیره فاو را به تصرف درآورد.^(۵۹)

عراق بعد از بازپس گیری فاو در خرداد ۱۳۶۷، به شلمچه حمله کرد. شلمچه در عرض ۸ ساعت سقوط کرد و یک ماه بعد با استفاده گسترده از سلاح های شیمیایی به جزایر مجنون حمله نمود و نیروهای ایرانی را عقب راند و سپس شهر دهلران را به تصرف خود درآورد.^(۶۰) وقوع این حوادث با توجه به پیشروی عراق در عمق خاک ایران بازتاب گسترده ای داشت، زیرا پس

جنگ ها زمانی به پایان

می رسند که رهبران

کشورهای درگیر پس از

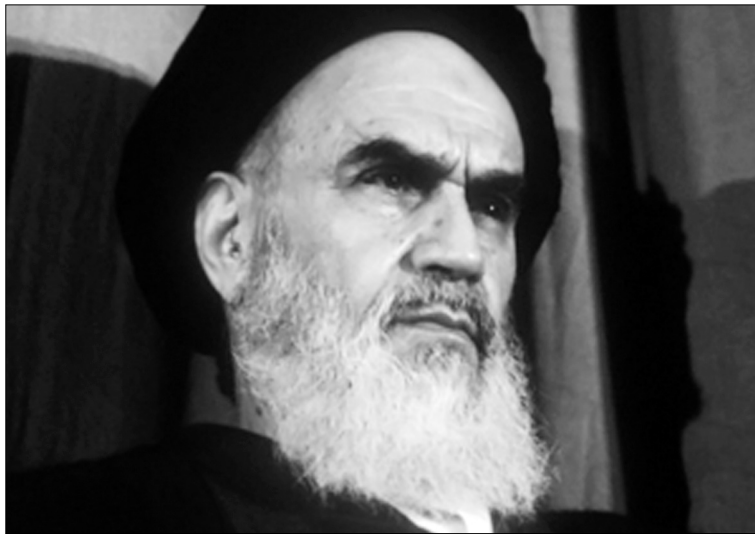
محاسبه، هزینه های جنگ را

بیشتر از سود آن بدانند

عوامل مؤثر در محاسبات رهبران عراق برای پایان جنگ

به رغم اختلافات در مورد ریشه و علل آغاز جنگ، اغلب صاحب نظران در این مورد اتفاق نظر دارند که صدام آغازگر جنگ ایران و عراق بوده است.

در ابتدای سال ۱۹۸۰ قدرت منطقه ای عراق به شدت رو به افزایش بود و این در حالی بود که ایران دچار بی نظمی و هرج و مرج پس از انقلاب بود. ایران پس از



سقوط شاه بسیاری از افسران ارشد و همچنین صدها هزار پرسنل نظامی خود را از دست داده بود. از طرفی بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران به وسیله دانشجویان پیرو خط امام، مهم ترین حامی نظامی و سیاسی اش را از دست داده بود؛ بنابراین ماشین جنگی ایران رو به زوال رفته بود. براساس محاسبات صدام و دیگر تصمیم گیران عراقی، ضعف نیروی نظامی ایران و همچنین اختلاف برای به دست گرفتن قدرت در میان جناح های مختلف در این کشور، زمان لازم برای معکوس کردن برخی معادلات بین دو کشور فرارسیده بود. بنابراین عراق در شهریور ماه ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد در حالی که ایران آمادگی ورود به یک جنگ گسترده و تمام عیار را نداشت. صدام سعی داشت با شکست دادن نیروهای نظامی، ابتدا مناطق مورد اختلاف در در مرز دو کشور را باز پس گیرد و با الحاق خوزستان، مرکز نفت خیز ایران، به عراق به ثروت آن دست یابد و اراده خود را بر نظام حاکم بر ایران تحمیل سازد و یا آن را ساقط کند.^(۶۴)

عراق در ابتدا اروند رود را جزو قلمرو خودش اعلام کرد و پس از چند روز، تهاجم گسترده ای را علیه ایران آغاز کرد. جمعیت ایران در آن موقع در حدود ۴۵ میلیون نفر و جمعیت عراق ۱۵ میلیون نفر بود اما

رو به رو می کرد. از این رو پس از عقب نشینی نیروهای نظامی ایران از برخی مناطق در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۷ و ادامه حملات عراق، جلساتی در داخل کشور با هدف اتخاذ یک تصمیم نهایی برای جنگ تشکیل شد. در نشست مشترک سه قوه، شرایط سیاسی - اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گرفت و در روزهای ۲۳ و ۲۴ تیرماه نشست های مشورتی جداگانه ای برگزار شد و در نهایت پس از چند روز آقای هاشمی اعلام کرد که: «طی بحث هایی که صورت گرفت و با توجه به مجموعه شرایط، جمهوری اسلامی ایران را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب، قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد.»^(۶۳) در شرایطی که تحولات جنگ به ضرر ایران بود و ادامه آن آینده به مراتب دشوارتری را پیش روی ایران قرار می داد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ راه حل منطقی و قابل قبولی برای برون رفت از این شرایط بود. در این قطعنامه تا حدی منافع و خواسته های ایران در نظر گرفته شده بود. بنابراین مقامات سیاسی جمهوری اسلامی با محاسبات عقلانی خویش، تشخیص دادند به جنگ پایان دهند. به عبارتی محاسبات ملی، منطقه ای و بین المللی بر مبنای انتخاب عقلانی جنگ را به فرجام رساند. اما در این فرجام، تصمیمات عراقی ها نیز قابل بررسی است.

طور خودکامه اداره می شد و توان نظامی تنها عامل قدرت کشور محسوب می شد.^(۶۷)

در واقع جنگ عراق علیه ایران، نمایش قدرت عراق توسط رهبران این کشور بود؛ اما مقاومت های ایران در برابر صدام و کشاندن عراق از جنگ برای اثبات حقوق به یک جنگ تدافعی، مشکلات خودکامگی صدام را برجسته می کرد. مادامی که رژیم عراق در جنگ پیشرفت چشمگیری می کرد مشکلات داخلی اش چنان محسوس نبود. مجموعه این عوامل باعث می شد صدام به پایان جنگ بیندیشد، اما چنان که ذکر شد عدم پذیرش آتش بس از سوی ایران و روند فزاینده مشکلات داخلی، عراق را به یک جنگ فرسایشی کشاند.^(۶۸)

گرایش به سلاح های شیمیایی، حملات موشکی به زیرساخت های اقتصادی و مدنی ایران، کشاندن جنگ به خلیج فارس، حمله به جزیره خارک، امکانات نفتی سیری و امکانات نظامی و هوایی لارک و... از جمله اقدامات صدام برای فشار به ایران جهت پذیرش خاتمه جنگ بود. در واقع، عراق از هدف بی ثبات کردن و سقوط نظام انقلابی ایران از طریق تهاجم نظامی، به جنگی طولانی با ایران کشیده شد. به نظر می رسد که عراق هدف اصلی خود را از جنگ رها کرده است چرا که هزینه بالایی برای این جنگ پرداخته بود و با تداوم جنگ به مدت هشت سال با معضلات اقتصادی شدیدی روبه رو شد.^(۶۹) در نهایت، عراق در سال ۱۳۶۷ از طریق تشدید جنگ کوشید ایران را برای پایان جنگ به مذاکره وادار کند.

برای رسیدن به این مقصود، عراقی ها حلبچه را با سلاح های شیمیایی هدف قرار دادند. شبه جزیره فاو را تصرف کردند و نیروهای ایرانی را از جزایر مجنون عقب راندند. همچنین عراق کوشید با بین المللی کردن جنگ، توان نظامی ایران را تضعیف کند. لذا پس از بازپس گیری منطقه عملیاتی شلمچه بار دیگر اهدافی فراتر از سرزمین های خود را در دستور کار قرار داد تا با دستیابی به این اهداف از موضع قدرت با ایران مذاکره کند.^{۷۰}

در نهایت، هنگامی که ایران آتش بس را در مرداد ۱۳۶۷ پذیرفت عراق به سرعت آتش بس را قبول کرد و

نیروهای عراق بسیار مجهزتر، آموزش دیده تر و همچنین با انگیزه تر بودند. نیروهای عراقی توانستند در دشت و خطوط خالی پیشروی کنند و برخی از مناطق حیاتی ایران، از جمله خوزستان را تصرف کردند. سرعت و موفقیت حملات اولیه عراق باعث شد برخی تصور کنند که اهداف مورد نظر عراق طی چند هفته و حتی چند ماه به دست می آید.^(۷۰)

عراق با تسخیر مناطق نفت خیز و استراتژیک خرمشهر و آبادان، به دنبال راهی برای مذاکره با ایران برای فرونشاندن آتش جنگ بود اما این یکی از اشتباهات صدام بود چرا که نظام انقلابی تازه تأسیس ایران پیشنهاد مذاکره را رد کرد و نیروی نظامی خودش را تقویت نمود.

جمهوری اسلامی ایران با بسیج مردم با تکیه بر باورها و اعتقادات مذهبی آنها، توانست برتری نظامی عراق را خنثی کند، به طوری که در سال ۱۳۶۱ هزاران نیروی داوطلب آماده جنگ بودند که بیشتر آنان را جوانان تشکیل می دادند. اگرچه این نیروها آموزش کمی دیده بودند و یا اصلاً آموزش ندیده بودند با این حال با استفاده از این تاکتیک توانستند سرزمین های اشغالی را بازپس بگیرند و حتی در خاک عراق پیشروی کنند.^(۷۱)

چنان که ذکر شد عراق از سال ۱۳۶۱ چندین بار خواهان پایان جنگ شده بود و نسبت به ایران با مشکلات بیشتری رو به رو بود، چرا که ایران جمعیت بیشتری داشت و به نظر می رسید بهتر بتواند در یک جنگ طولانی دوام بیاورد.

تهران موقعیتش را تحت رهبری امام خمینی (ره) تحکیم کرده بود و به واسطه بی اعتمادی به عراق و مجامع بین المللی حاضر نبود در برابر خواسته عراق برای آتش بس انعطاف نشان دهد. وضعیت برای صدام به گونه دیگری بود، وی دریافته بود که کسب پیروزی سریع مورد انتظار دست یافتنی نیست و عراق در صورت ادامه جنگ با مشکلات اقتصادی شدیدی روبه رو خواهد شد. از طرف دیگر آنچه حکومت صدام را تهدید می کرد عدم مشروعیت وی در داخل بود. رژیم عراق با کودتای نظامی مستقر شده بود و صدام در نظامی حکومت می کرد که اگر چه به ظاهر جمهوری بود اما به

یادداشت‌ها

1. Stephen Walt, "Rational Choice and Security Studies", **International Security**, vol.23, no.4, spring1999, p.9.
2. Hossein Razi, "An Alternative Paradigm to State Rationality in Foreign policy", **Political Research Quarterly**, 1988, p.689.
3. Walt, **Op.cit**, p. 10 - 12.
4. James .D Fearon, "Rational Explanation for War", **International Organization**, vol.49, no.3, summer, 1995, p. 380 - 82.
۵. مصطفی زهرانی، بررسی نظریه‌های پایان جنگ، **فصلنامه نگین ایران**، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۸.
۶. تنوکان هوی، آزمون نظریه‌های پایان جنگ در جنگ ایران و عراق، مترجم: محمدعلی قاسمی، **فصلنامه نگین ایران**، بهار ۱۳۸۴، ص ۵۶.
7. Robert Hume, **The United Nations, Iran - Iraq War**, 1991, p168.
8. Shahram Chubin, Charles Tripp, **the Iran and Iraq at War**, London 1989, p54.
9. Chubin Tripp, **Op.cit**, p 55.
10. A. Ayalon, **The Iraqi - Iranian War**, Middle East Contemporary Survey, IV 1979 - 1980, p18.
11. **Ibid**, p 21.
12. **Ibid**, p 21.
13. Chubin Tripp, **Op.cit**, pp56 - 57.
14. **Ibid**, p. 57.
15. **Ibid**, p. 58.
16. **Ibid**, p. 58.
17. **Conflict without Victory; The Iran - Iraq War**, Oxford University, 1988. p.4.
18. Chubin Tripp, **Op.cit**, p59 - 61.
19. **Ibid**, p 62.
20. Anoushiravan Ehteshami, "Iran - Iraq Relation after Saddam", **the Washington Quarterly**, autumn 2003, p117.

۲۱. محمود یزدان‌فام، نگاهی به روند پایان جنگ ایران و عراق،

فصلنامه نگین ایران، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۳.

جنگ ایران و عراق پس از ۸ سال مبارزه همه جانبه در ۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷ پس از برقراری آتش بس رسمی از سوی هر دو کشور پایان یافت. در حالی که جنگ هیچ تغییری در مرزهای دو کشور پدید نیاورد و در پایان، قرارداد الجزیره و تقسیمات مرزی دوباره از سوی هر دو طرف مورد تأیید قرار گرفت و عراق همه ادعاهای خود را پس گرفت.

نتیجه‌گیری

نظریه انتخاب عقلایی به خوبی می‌تواند پاسخگوی دلایل پایان جنگ میان ایران و عراق باشد. چنانکه ذکر شد براساس این نظریه، جنگ زمانی پایان خواهد یافت که رهبران کشورهای درگیر پس از محاسبه، هزینه‌های جنگ را بیش از سود آن بدانند.

ایران و عراق در این جنگ هزینه‌های زیادی را متحمل شدند در مورد ایران، اگرچه جنگ فرصت مناسبی را برای این کشور فراهم کرد تا انقلاب نوپای خود را تحکیم بخشد اما از طرفی هزینه زیادی را بر آن تحمیل کرد. هر چند هدف جمهوری اسلامی ایران از ادامه جنگ، سرنگونی رژیم بعث و حفظ انقلاب نوپای خود بود اما در ماه‌های پایانی جنگ، توان نظامی ایران بسیار تحلیل رفته بود و رزمندگان اسلام در مقابل نیروهای نظامی مجهز عراق با دشواری‌های زیادی روبه‌رو شدند. با ادامه جنگ، اقتصاد کشور ممکن بود بیش از پیش تخریب شود و از طرفی، هیچ استراتژی کوتاه مدتی برای پیروزی در عمل و یا برای رها شدن از جنگ و نتایج آن وجود نداشت در نتیجه مسئولان جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن هزینه‌های جنگ پایان آن را در نهایت به سود جامعه تشخیص دادند. در مورد عراق، آنچه محرک اصلی این کشور برای پایان جنگ بود هزینه‌های اقتصادی جنگ بود؛ چرا که عراق به جای کسب پیروزی سریع، به یک جنگ طولانی کشیده شد که هزینه‌های سنگینی را بر این کشور تحمیل کرد. در نهایت عراق تلاش کرد تا از طریق تشدید جنگ ایران را به مذاکره برای پایان جنگ وادار کند.

52. Ibid, p130.

53. Ibid, p 131.

54. کامران مفید، "هزینه‌های نظامی ایران در دهه ۷۰ و ۸۰"، مترجم:

محمد علی خرمی، فصلنامه نگین ایران، بهار ۱۳۸۳، ص ۵۰.

55. Hashemi Rafsanjani, Tehran, **IRNA in English**, 1 February 1985.

56. Musavi, s submission of the (1988 - 89) budget to majles, Tehran, **Home Service**, 28 Dec 1987.

57. یزدان فام، جنگ ایران و عراق، ص ۱۴.

58. هوی، پیشین، ص ۵۵.

59. یزدان فام، جنگ ایران و عراق، ص ۱۸.

60. همانجا.

61. همان، ص ۱۹.

62. همان، ص ۳۶.

63. همان، ص ۳۸.

64. **Conflict Without Victory**, p.2.

65. Ibid, P. 3.

66. Ibid, p. 5.

67. Chubin Tripp, **Op.cit**, p 55.

68. Ibid, pp 48 - 50.

69. هوی، همان، ص ۵۷.

۷۰. یزدان فام، پیشین، ص ۳۵.

۲۲. همان، ص ۱۱.

۲۳. همان، ص ۱۲.

24. **Conflict Without Victory**, p3.

25. Javed Ali, "Chemical Weapons and the Iran - Iraq War", **The Non Proliferation Review**, spring 2001, p45.

۲۶. حسین یکتا، "کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق"، فصلنامه نگین ایران، تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۵.

27. Ali, **Op.cit**, p 48.

28. Ibid, pp 48 - 49.

29. Ibid, p 49.

۳۰. یکتا، پیشین، ص ۵۶.

۳۱. همان، ص ۵۶.

۳۲. همان، ص ۵۷.

۳۳. همان، ص ۵۷.

۳۴. همان، ص ۵۸.

۳۵. همان، ص ۵۹.

36. Ali, **Op.cit**, p50.

37. Ibid, p 52.

۳۸. یکتا، پیشین، ص ۶۰.

۳۹. محمود یزدان فام، "جنگ ایران و عراق"، فصلنامه نگین ایران، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۱.

۴۰. همان، ص ۲۱.

۴۱. یزدان فام، نگاهی به روند پایان جنگ ایران و عراق، ص ۱۳.

۴۲. کامران مفید، "هزینه‌های اقتصادی جنگ ایران و عراق"، فصلنامه نگین ایران، تابستان ۱۳۸۲، ص ۹۵.

43. Chubin Tripp, **Op.cit**, p124.

44. Ibid, p124.

45. Ibid, p125.

۴۶. فرهاد دژپسند، حمیدرضا رثوفی، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱ و

Chubin Tripp, **Op.cit**, p 125.

47. Razi, **Op.cit**, p 698.

48. Chubin Tripp, **Op.cit**, p128.

49. Razi, **Op.cit**, p 698.

50. Chubin Tripp, **Op.cit**, P135.

51. Ibid, p 129 - 130.



که ایران را درگیر بی نظمی و اغتشاش می دید، انتظار یک پیروزی سریع را داشت و ادعا می کرد که ۳ روزه تهران را تصرف خواهد کرد.^(۳) اما به رغم موفقیت های آغازین عراق، نیروهای ایرانی خیلی زود تجدید قوا نموده و با بسیج عظیم مردمی توانستند متجاوز را از خاک کشور خود بیرون کنند.

آمریکانه فقط تجاوز عراق به خاک ایران را محکوم نکرد، بلکه دولت ریگان روابط آمریکا با عراق را تعمیق

بخشید. در فوریه ۱۹۸۲ با این که کنگره آمریکا دولت عراق را جزء کشورهای حامی تروریسم معرفی کرده بود، اما دولت ریگان آن دولت را از این فهرست خارج کرد تا بتواند در زمینه نظامی به عراق کمک کند. در مراحل بعدی جنگ، نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج فارس مستقیماً علیه واحدهای وابسته به نیروی دریایی و نظامی ایران در جهت کمک به عراق وارد جنگ شد. بعلاوه در جولای ۱۹۸۸، یک ناو جنگی نیروی دریایی ایالات متحده (وینسنس) در فضای هوایی بین المللی یک هواپیمای مسافربری ایران را هدف قرار داد و تمام ۲۹۰ مسافر آن به شهادت رسیدند. از اوایل دهه ۱۹۴۰، قدرت در سطح جهانی میان ایالات متحده و اتحاد شوروی و در سطح منطقه ای میان عربستان سعودی، عراق و ایران تقسیم شده بود. شدیدترین مانور درون این موازنه چند قطبی بین عراق و ایران رخ داد. اما هیچ یک از طرفین به یک مزیت روشنی دست نیافتند. اگر به دهه پنجاه میلادی سده گذشته یعنی زمانی که نقشه اشغال ایران طراحی شده است بازگردیم، درخواهیم یافت که در آن هنگام، یک تهدید واقعی، مصالح شرکت های غربی را در استان خوزستان به خطر انداخت. مسأله ملی شدن نفت، کشورهای غربی را واداشت تا طرح یاد شده را بر اساس

حمله عراق به ایران و جداسازی خوزستان از این کشور تدارک ببیند.

حوادثی که طی سه دهه گذشته در منطقه خلیج فارس اتفاق افتاده، این منطقه را بیش از هر زمان دیگری در کانون توجه مطالعه کنندگان مسائل منطقه ای و بین المللی قرار داده است. جنگ هشت ساله عراق علیه ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ موسوم به جنگ اول خلیج فارس، جنگ عراق علیه کویت در ۲۴ آگوست ۱۹۹۱ موسوم به جنگ دوم خلیج فارس و تهاجم نظامی آمریکا علیه عراق در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ موسوم به جنگ سوم خلیج فارس که با سرنگونی رژیم صدام، ایالات متحده به طور اساسی موازنه قدرت را در خلیج فارس تغییر داد، یک تریلوژی^۱ از تراژدی جنگ در این منطقه به وجود آورده است که نام خلیج فارس را بیش و پیش از هر چیز با بحران و منازعه همراه نموده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ (بهمن ۵۷)، نظام موازنه قدرت در منطقه خلیج فارس از هم پاشید. وضعیت نامساعد داخلی ایران و روابط تیره این کشور در سطح خارجی، فرصت مناسبی را برای رهبران عراق به وجود آورد تا با لغو یکجانبه قرارداد الجزایر، حمله همه جانبه و گسترده نظامی را از زمین، هوا و دریا در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ علیه ایران جهت پر کردن خلاء

1. trilogy

قدرت در منطقه آغاز کند.

پس از تهاجم نظامی عراق به ایران، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۸ سپتامبر، قطعنامه ۴۷۹ را تصویب کرد که پایان جنگ را لازم و ضروری می‌دانست. قطعنامه مذکور نه تنها تجاوز عراق را محکوم نکرد، بلکه بازگشت به مرزهای شناخته شده بین‌المللی را نیز ضروری ندانست. رالف کینگ واکنش شورای امنیت را به این تجاوز چنین توضیح می‌دهد: «شورای امنیت کم و بیش اقدامات عراق را در سپتامبر ۱۹۸۰ نادیده گرفت. در مجموع شورای امنیت دیدگاه و نگرش منفی نسبت به ایران داشت و به اندازه کافی نگران وضعیت نامطلوب ایران نبود تا به آن کمک کند. ایران قطعنامه ۴۷۹ را به دلیل یک طرفه بودن آن نپذیرفت و اعلام کرد تا زمانی که نیروهای عراقی در خاک ایران باقی بمانند، از هر بحث و مذاکره‌ای خودداری خواهد کرد.»^(۳)

بر این اساس با توجه به فرضیه اصلی این مقاله یعنی «موازنه قدرت و جنگ عراق علیه ایران»، در ذیل ابتدا به بررسی جایگاه موازنه قدرت در نظریه واقع‌گرایی پرداخته و سپس به بررسی تأثیر انقلاب ایران بر توازن قدرت منطقه و علل ریشه‌ای جنگ عراق علیه ایران می‌پردازیم. سپس منطق موازنه قدرت قدرت‌های بزرگ و همچنین نحوه پایان جنگ مذکور را مورد واکاوی و کندو کاو قرار می‌دهیم. در نهایت ماحصل بحث طی یک نتیجه‌گیری کلی تشریح خواهد گردید.

واقع‌گرایی و موازنه قدرت

واقع‌گرایی که گاه به عنوان مکتب اندیشه سیاست قدرت از آن یاد می‌شود، عملاً مهمترین و پایدارترین نظریه مسلط روابط بین‌الملل تلقی می‌گردد. از این رو هنگامی که از «جریان اصلی» در روابط بین‌الملل سخن می‌رود، عمدتاً نام نویسندگان این نظریه به ذهن متبادر می‌گردد. واقع‌گرایان معتقدند که با به کار گرفتن اصول اخلاق بین‌المللی در مورد سیاست جهانی، نمی‌توان تلاش برای کسب قدرت و امنیت را از میان برداشت. واقع‌گرایی بر جنبه مصیبت‌بار و سرشار از کشمکش مناسبات بین کشورها تأکید می‌کند و

سیاست خارجی را در قالب پیگیری منافع ملی، که حدود و دامنه آن بر اساس قدرت تعریف می‌شود،^(۴) مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه پرداز مسلط و برتر این رویکرد، هانس جی. مورگنتا است که کتاب «سیاست میان ملت‌های او را مهم‌ترین کتابی می‌داند که در مباحث نظری روابط بین‌الملل نگاشته شده است.»^(۵) وی بر این باور است: «سیاست بین‌المللی، مانند تمام سیاست‌ها، ستیزه‌ای برای دستیابی به قدرت است؛ سیاست یعنی، تلاش برای کسب قدرت، حفظ قدرت و نمایش قدرت.» بر این اساس واقع‌گرایان معتقدند که «قدرت جزء لاینفک تمامی رویه‌های گفتمانی، شیوه

اندیشیدن و کنش ما و نحوه تعریف ما به عنوان اندیشه‌گر و کنش‌گر است.»^(۶) از نظر تمام واقع‌گرایان، هر پیشرفتی فراتر از وضع موجود، در نهایت به حمایت قدرت‌های بزرگ وابسته است.

دو جنبه کلیدی نظریه واقع‌گرایی، از یک سو بر ویژگی‌های آنارشی نظام بین‌المللی و از سوی دیگر بر موازنه قوا

تأکید دارد. از منظر واقع‌گرایی، در نظام بین‌الملل آنارشی از جنگ‌گریزی نیست. واقع‌گرایان اعم از کلاسیک، ساختارگرا، یا نوکلاسیک، به رغم تفاوت‌هایشان (در مورد سرشت انسان‌ها یا ساختار نظام بین‌الملل)، بر اهمیت وضعیت آنارشی حاکم بر نظام بین‌الملل تأکید می‌کنند. در جهانی که در آن هیچ ساز و کار دولتی یا حاکم مشترک با دسترسی انحصاری به ابزار زور وجود ندارد و هیچ حکومت بین‌المللی جهت تنظیم رفتار دولت‌ها وجود ندارد، همه خود را در یک محیط خودیاری می‌یابند، که در آن محیط مجبورند به منظور تأمین بقایشان به دنبال کسب قدرت باشند. این بدان معناست که دولت‌ها توانمندی‌های تدافعی و

واقع‌گرایان معتقدند

مهمترین مؤلفه در تشریح

سیاست بین‌الملل در هر

زمانی توزیع قدرت میان

دولت‌ها در نظام است

میان دولت‌ها در نظام است. این بدان معناست که دولت‌ها به طور متفاوتی در نظام‌های متعددی که براساس انواع متفاوت توزیع قدرت تعریف شده، رفتار می‌کنند. بر این اساس موازنه قدرت، توزیع نسبتاً برابر قدرت اقتصادی و نظامی میان کشورها یا گروهی از کشورهای رقیب است. از این رو در حوزه روابط بین‌الملل، زمانی موازنه قدرت وجود دارد که هم‌طرزی و ثبات میان نیروهای رقیب وجود داشته باشد. به این معنا که موازنه قدرت بیان‌کننده وضعیتی است که در آن هیچ یک از دولت‌ها آن قدر قوی نباشند که بتوانند اراده خود را بر دیگران تحمیل کنند.

استفان والت - واقع‌گرای نوکلاسیک - با بیان اینکه ایجاد اتحادها پاسخی به تهدیدات امنیتی می‌باشد، بر این باور است که دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌ها به موازنه دست می‌زنند که تهدید فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها داشته باشند.^(۱۳) لذا توازن را می‌توان از درون و بیرون از طریق بسیج نیروهای داخلی و از راه ایجاد اتحادهای موقت میان کشورهای در معرض تهدید جهت مقابله و مقاومت در برابر یک تمرکز قدرت تهدید آمیز دنبال نمود.^(۱۴) کنت والتز - پدر نئورئالیسم - نیز معتقد است که: «ما از نظریه توازن قوا و تاریخ آموخته ایم که اتحادهای برنده در جنگ‌ها، در فردای پیروزی از هم فرو می‌پاشند به ویژه اگر به یک پیروزی تعیین‌کننده دست یافته باشند.»^(۱۵) بر این اساس، ظهور واقع‌گرایی نوین با احیاء انگاره‌های سنتی همراه بود: مدیریت نظام باید مبتنی بر «منافع ملی» دولت‌ها باشد و بهترین راه حفظ صلح موازنه قدرت است.^(۱۶)

به این ترتیب، نظریه موازنه قدرت از منظر واقع‌گرایی به دنبال آن است تا تعادل قدرت را به گونه‌ای ایجاد کند که هیچ کشور یا ائتلاف کشورها در وضعیتی قرار نگیرد که بر بقیه تسلط پیدا کند. لذا در صورتی که بقای یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورهای ضعیف از سوی کشور هژمونیک یا ائتلافی از کشورهای قوی‌تر در معرض تهدید قرار بگیرد، آنها باید نیروهای خود را یکی سازند، ائتلافی رسمی تشکیل دهند و به دنبال حفظ استقلال خود از طریق مهار قدرت طرف مخالف باشند. از نظر رئالیسم، جنگ می‌تواند به

تهاجمی‌شان را حفظ و افزایش می‌دهند.^(۱۷) بنابراین با توجه به ماهیت آنارشی نظام بین‌الملل و بقا در چنین محیطی، دغدغه و نگرانی اصلی دولت‌ها امنیت خواهد بود. آنها وضعیت و توان تدافعی‌شان را تقویت می‌کنند، اتحادها را ایجاد می‌کنند و حتی به سمت جنگ می‌روند تا امنیت خودشان را حفظ نمایند.

مفهوم موازنه قدرت بنا به مقتضیات گوناگون اوضاع بین‌المللی، معانی مختلفی چون «توزیع قدرت»، «تعادل قوا بین دو یا چند قدرت متخاصم»، و «تفوق نیرو» پیدا کرده است. به عنوان مثال ارنست هاس برای مفهوم موازنه قدرت ۸ معنا،^(۱۸) مارتین وایت ۹ معنا،^(۱۹) و بالاخره کنت والتز ۱۰ معنا^(۲۰) در

نظر گرفته‌اند. در کلیه این تعاریف، نوعی اتفاق نظر نسبت به موجودیت مفهومی قدرت وجود دارد. به این معنی که در بطن تئوری موازنه قدرت این فرض نهفته است که همه روابط بین‌الملل، ناشی از منافع ملی است که از طریق قدرت کسب می‌شود.

واقع‌گرایان درباره

مفهوم قدرت به دو نکته

مهم اشاره می‌کنند: نخست اینکه، قدرت یک مفهوم ارتباطی^۱ است؛ هیچ کس قدرت را در خلاء به کار نمی‌گیرد، بلکه در ارتباط با موجودیتی دیگر آن را به کار می‌گیرد. دوم، قدرت مفهوم نسبی^۲ است؛ نه تنها درباره توانایی‌های قدرت خود بلکه درباره قدرتی که در اختیار دیگر بازیگران کشوری است باید محاسباتی صورت گیرد.^(۲۱)

موازنه قدرت یکی از بانفوذترین ایده‌های نظری در روابط بین‌الملل است. فرضیه اصلی موازنه قدرت این است که موازنه رفتار از هژمونی سیستمیک جلوگیری می‌کند.^(۲۲) واقع‌گرایان معتقدند که مهمترین مؤلفه در تشریح سیاست بین‌الملل در هر زمانی توزیع قدرت

در طول چند دهه گذشته

محور اصلی سیاست خارجی

آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن

بر مبنای جلوگیری از افزایش

قدرت یک بازیگر منطقه‌ای یا

حفظ بهتر "توازن قوا" در سطح

منطقه خاورمیانه بوده است

به سوی خود می کشد و در نتیجه ماه روی کره زمین می افتد؛ بنابراین، منظومه شمسی یا باید در فاصله d_1 و d_2 تغییر فاصله دهد یا این که جرم کره ماه افزایش یابد. این حالت بر روی نظم اجرام دیگر نیز تأثیر می گذاشت و منظومه شمسی وضعیتی دیگر به خود می گرفت. این نگاه از لحاظ کمی در نظام بین الملل هم مطرح بود اما از لحاظ کیفی، این قضیه مصداق نداشت و قضیه را در شکل کیفی آن به شکل دیگری بیان می کردند. اگر $A > B$ و $B > C$ باشد، در نگاه کمی نتیجه می گرفتند که $A > C$ می باشد، اما از لحاظ کیفی بیان می شد که در صورت $A > B$ و $B > C$ ، ممکن است $A < C$ یا مساوی C باشد.

بنابراین قدرت را فقط در

چارچوب کمی تبیین نمی کردند، بلکه قدرت را در چارچوب پارامترهای کیفی نیز مطرح می کردند.^(۱۸)

والرشتاین در خصوص جنگ عراق علیه ایران می گوید: «تنها یک کشور و فقط یک کشور از این منظومه نظام جهانی خارج شده است و برای خودش می چرخد و آن ایران

است. جنگ عراق علیه ایران ... برای این بوده است تا ایران را دوباره به داخل منظومه بکشند... ایران تا کی برای خودش خواهد چرخید؟ تا کی می تواند دوام بیاورد؟»^(۱۹)

پس از انقلاب اسلامی، موازنه قدرت بین ایران و عراق به هم خورد لذا لازم بود که یا جرم عراق بالا رود یا این که جرم همسایه اش یعنی ایران پایین بیاید تا بار دیگر موازنه برقرار شود. جنگ عراق علیه ایران نیز متأثر از این مهم بود. وقتی در اوایل انقلاب و در بحبوحه جنگ، قدرت کیفی روحیه انقلابی و شهادت طلبانه جبهه ایران زیاد می شد، قدرت کمی طرف مقابل از طریق ارائه اطلاعات و تصاویر ماهواره ای و به

تغییر موازنه قدرت و ایجاد موازنه های جدید نیز منجر گردد. همچنین درون نظام موازنه قدرت، یک دولت ممکن است رفتار دنباله روی^۱ یا توازن بخش^۲ را برگزیند. البته در زمان جنگ، تصمیم برای موازنه یا دنباله روی ممکن است در بقای دولت مورد نظر تعیین کننده باشد.

انقلاب ایران و به هم خوردن توازن قدرت

منطقه خلیج فارس با ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت خاص و منحصر به فرد ژئوپلیتیک آن و همچنین سایر ویژگی های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دارای اهمیت استراتژیکی در نظام بین الملل بوده و هست. در طول چند دهه گذشته، خلیج فارس یکی از مهمترین مراکز رقابت و کشمکش در نظام دو قطبی بوده است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ برخی از تحلیل گران سیاسی معتقد بودند که خلیج فارس تنها منطقه حیاتی کشمکش بین آمریکا و شوروی است. از این رو دو ابرقدرت تلاش می کردند با افزایش میزان نفوذ و حاکمیت خود بر کشورهای منطقه، موضع برتری را نسبت به دیگری به دست آورند. آمریکا با تقویت ایران و شوروی با پشتیبانی عراق گام های عمده ای را در اجرای این سیاست برداشتند. اصل توازن قوا در بین کشورهای خلیج فارس جزء لاینفک سیاست خارجی دو ابرقدرت در این منطقه بود. در این خصوص، ویلیام کوانت، محقق مؤسسه بروکینگز، می گوید: «مهمترین مسأله در منطقه خلیج فارس حفظ موازنه قدرت است. آمریکا همواره خواهان منطقه ای است که در آن هیچ قدرت متخاصم با او بر منطقه مسلط نشود.»^(۱۷)

در دکترین غرب و در دوران جنگ سرد، بحث موازنه قدرت نقش محوری را دارا بود و موقعیت حساس ژئواستراتژیک ایران در این دکترین جایگاه ویژه ای داشت. نظام دو قطبی براساس منطق موازنه قدرت بود و بر این اساس اگر همسایه ای قدرتش افزایش می یافت قدرت همسایه دیگر نیز لزوماً باید افزایش می یافت و به یک موازنه با قدرت اول دست پیدا می کرد. این موضوع شباهت زیادی به منظومه شمسی داشت. به عنوان مثال اگر جرم کره زمین بالا رود ماه را

1. Bandwagoning

2. Balancing

از سوی دیگر پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه، موازنه قدرت را به ضرر غرب تغییر داد و راه را برای گسترش نفوذ شوروی باز کرد. با سقوط ساختار امنیتی گذشته رقابت بر سر کسب مقام ژاندارمی و جانشینی شاه در بین کشورهای منطقه شدت یافت. روس ها با استفاده از این فرصت در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ افغانستان را به اشغال خود درآوردند و دومین ضربه را به سیاست های منطقه ای آمریکا وارد کردند. عراق در این میان فرصت به دست آمده را مغتنم شمرد و با اتخاذ مواضع همسو و هم جهت با غرب، به تقویت سیاست های خود پرداخت. موضع خصمانه مسئولان عراق در برابر انقلاب اسلامی با حربه حمایت از جامعه عرب و تهدید انقلاب اسلامی، به تدریج عراق را به قدرت برتر منطقه تبدیل کرد. رهبران عراق تلاش بودند تا از خلاء امنیتی منطقه سود ببرند و کشور خود را به عنوان بازیگر اصلی در میان کشورهای منطقه مطرح سازند.

محققین غربی عموماً بر این باور هستند که وقوع انقلاب اسلامی و آثار و نتایج آن بیشترین تأثیر را در وقوع جنگ داشته است.^(۳۱) بدین معنی که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، بنای استراتژی آمریکا که بر دو ستون ایران و عربستان سعودی پی ریزی شده بود، فرو ریخت.^(۳۲) این مسأله مناسبات میان دو کشور ایران و عراق را دستخوش تغییر و تحول کرد.^(۳۳) این امر باعث شد "موازنه نسبی قوا" که بین ایران و عراق حاکم بود، تغییر کند.^(۳۴) با خلاء قدرت در منطقه، "موج اسلامی" می توانست ثبات منطقه را با تهدید جدی مواجه کند.^(۳۵) لازمه تأمین منافع آمریکا و غرب در منطقه، اعاده نظم پیشین بود. غربی ها، وقوع انقلاب اسلامی و تأثیرات ناشی از آن را برای منافع غرب (شامل: نفت، ثبات کشورهای مرتجع منطقه، امنیت اسرائیل و همچنین مقابله با نفوذ شوروی) به عنوان جنایتی علیه نظم جهانی^(۳۶) قلمداد می کنند.

علل ریشه ای جنگ عراق علیه ایران

بسیاری از ناظران معتقدند که تصمیم صدام برای حمله به ایران اشتباه محاسباتی شخصی وی براساس

خصوص تسلیحات متعارف و در اواخر جنگ تسلیحات کشتار جمعی تقویت می شد، و هر زمان که قدرت عراق بیشتر می شد مستقیماً یا از طریق سایر متحدین و دوستانشان قدرت کمی ایران را تقویت می کردند. عملیات استانچ و ماجرای مک فارلین از سوی آمریکا به عنوان کشوری که نقش اصلی را به عنوان قدرت متوازن کننده^(۳۷) جنگ بر عهده داشت، در این راستا قابل ارزیابی است.^(۳۸) در طول چند دهه گذشته محور اصلی سیاست خارجی آمریکا و متحدان منطقه ای آن بر مبنای جلوگیری از افزایش قدرت یک بازیگر منطقه ای یا حفظ بهتر توازن قوا در سطح منطقه خاور میانه و به خصوص منطقه خلیج فارس بوده است.

پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ منجر به سقوط شاه در ایران و بر هم خوردن ساختار امنیتی منطقه خلیج فارس شد. با ایجاد خلاء قدرت در منطقه، فرصت مناسبی برای ایفای نقش از سوی دیگر بازیگران مانند عراق به وجود آمد. فعال شدن

کشور عراق با توجه به ساختار حکومتی و وابستگی های استراتژیک آن به شوروی زنگ خطر جدی برای غرب به شمار می رفت. در واقع سیاست های غرب با توجه به از دست دادن ایران و فعال شدن عراق دچار بحران می شد. آمریکا به عنوان حافظ منافع غرب می بایست از میان دو تهدید موجود (ایران و عراق) یکی را انتخاب کند و با فراموشی موقت یکی، راه حل های اساسی را در مورد دیگری به کار بندد. در این میان، انقلاب اسلامی با توجه به ویژگی های آن، تهدید اصلی برای غرب محسوب می شد. این مسأله با توجه به تمایل رهبران عراق به عادی سازی روابط خود با غرب برای آمریکا حائز اهمیت بود.

رهبران عراق در تلاش بودند

تا از خلاء امنیتی منطقه

سود ببرند و عراق را

به عنوان بازیگر اصلی در

میان کشورهای منطقه

مطرح سازند

خوزستان به عراقی‌ها علیه تهران می‌پیوندند. اما در عوض، بسیاری از آنها به نیروهای مسلح منظم و نامنظم ایران پیوستند و در دزفول، خرمشهر و آبادان جنگیدند.

عراق با معضل حقارت ژئوپلیتیکی و خط نامناسب ساحلی در خلیج فارس روبروست که مانع همیشگی این کشور برای ایفای نقش کلیدی در منطقه است. خط محدود ساحلی عراق، این کشور را در دسترسی به آبهای آزاد خلیج فارس عملاً با

مشکلاتی مواجه ساخته است. در واقع، بخش اصلی ساحل عراق کم آب و باتلاقی و منطقه ساحلی قابل استفاده بسیار محدود است. گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب‌های ساحلی خلیج فارس، جزء هدف‌های استراتژیک عراق بود که تنها از طریق انضمام خوزستان ایران به عراق و یا حداقل حاکمیت انحصاری این کشور بر اروندرود امکان پذیر بود. راه دیگر عراق، در اختیار داشتن کویت یا حداقل حاکمیت بر دو جزیره کویتی یعنی وره و بویان بود که نسبت به آن ادعای تاریخی داشت.

در دهه ۱۹۷۰ که ایران با حمایت آمریکا ژاندارم منطقه بود، عراق بر طبق توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر، حاکمیت ایران بر بخشی از شط العرب را پذیرفت. اما پس از انقلاب بهمن ۵۷ و بروز نابسامانی و ضعف نظامی در ایران و انزوای سیاسی این کشور، فرصت مناسبی برای عراق ایجاد شد تا به رؤیاهای دیرینه خود دست یابد و با اشغال خوزستان و اروندرود و با کسب وجهه سیاسی در منطقه و جهان از طریق رویارویی با انقلاب ایران به قدرت برتر منطقه تبدیل گردد و رهبری جهان عرب را به دست گیرد. عراق با جمعیت اکثریت شیعه، از سوی انقلاب اسلامی ایران احساس تهدید می‌کرد. چراکه مشروعیت حزب بعث عراق سکولار را تضعیف می‌نمود.^(۳۷)



جاه طلبی و احساس آسیب پذیری بود. صدام می‌ترسید که رهبر جدید انقلابی ایران موازنه شکننده سنی-شیعی عراق را مورد تهدید قرار دهد و از آسیب پذیری‌های ژئواستراتژیک عراق - به عنوان مثال، دسترسی حداقلی عراق به خلیج فارس - بهره برداری کند.

تصمیم صدام برای حمله به ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. حاکمان قدیمی بین النهرین، همواره از کشمکش داخلی و سلطه خارجی واهمه داشتند. جنگ ایران و عراق ناشی از اختلافات مذهبی، مرزی و سیاسی بود. عراق جنگ را در یک تلاش جهت تحکیم قدرت نوظهورش در جهان عرب و جایگزینی ایران به عنوان دولت برتر و مسلط خلیج فارس، یعنی هژمونی منطقه به راه انداخت. هدف فوری صدام الحاق خوزستان و اروندرود به خاک عراق بود. وی معاهده ۱۹۷۵ الجزایر را صرفاً یک موقت جنگ و نه یک توافق قطعی و نهایی تلقی می‌کرد.

عراقی‌ها دستور کار اسلامی ایران انقلابی را به مثابه تهدیدی برای پان عربیسم قلمداد می‌کردند. صدام توقع داشت تهاجم به حوزه عرب زبان و نفت خیز خوزستان به خیزش عرب علیه رژیم اسلامی منجر شود. اما این انتظار محقق نشد و اقلیت عرب به تهران وفادار ماندند. صدام تصور می‌کرد که تقریباً سه میلیون عرب



عراق ایران را به نقض توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر و تعیین خط مرزی بین دو کشور متهم کرد. صدام از ماه آوریل ۱۹۸۰ و در سخنرانی‌های خود آشکارا علیه ایران و مقامات ایرانی روش خشنی در پیش گرفت. او در سخنرانی‌های خود آشکارا اعلام می‌نمود که برطرف شدن جو نامساعدی که در روابط بین دو کشور به وجود آمده موکول به آن است که ایران با سه شرط زیر موافقت نماید.^(۲۸)

۴. ناپدید کردن قدرت نظامی ایران در شرایطی که دولت ایران به خاطر انقلاب اسلامی و قطع حمایت ایالات متحده از آن تضعیف شده بود.
۵. ایجاد شرایطی جهت تسهیل سرنگونی انقلاب اسلامی.
۶. آزاد کردن خوزستان و تأمین دسترسی عراق به خلیج فارس.
۷. نشان دادن قدرت و توان عراق به کشورهای خلیج فارس برای ایفای نقش رهبری دولت‌های عربی.^(۳۱)
علاوه بر این، دست کم پنج دلیل متفاوت برای جنگ عراق علیه ایران در گزارش‌های دانشگاهی و ژورنالیستی مطرح شده است. دلیل نخست بر خصومت و عداوت فرهنگی عمیق و ریشه‌ای بین ایران و عراق متأثر از مسایل نژادی (آریایی و سامی)، فرقه‌ای (شیعه و سنی)، قومی (عرب و پارس) و مذهبی (سکولار و بنیادگرا) تأکید می‌کند.^(۳۲)
دلیل دوم بر تمایلات خودبزرگ بینانه صدام تأکید می‌کند. سمیر الخلیل معتقد است: «من فکر می‌کنم تمام مسئله چگونگی وقوع جنگ ایران و عراق باید خودش را در آنچه در ذهن صدام می‌گذشت، حل نماید.»
دلیل سوم بر افول قدرت هژمونی ایرانی در منطقه خلیج فارس پس از انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷

۱. نیروهای ایرانی بدون قید و شرط از جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی خارج شوند.
۲. وضع حقوقی شط العرب به قبل از قرارداد الجزیره در ۱۹۷۵ برگردد.
۳. این اصل به رسمیت شناخته شود که مردم عربستان (منظور خوزستان است) عرب هستند.
همچنین صدام در فروردین ماه ۱۳۵۹ (آوریل ۱۹۸۰) طی سخنرانی خواستار به رسمیت شناختن عربی بودن خوزستان شد.^(۲۹) متعاقب آن خبرگزاری رسمی عراق اعلام کرد: «عراق خود را موظف می‌داند که در کنار مردم اهواز قرار گیرد. جایی که یک میلیون عرب در منطقه‌ای نفت خیز زندگی و برای رسیدن به خودمختاری تلاش می‌کنند.»^(۳۰) با این وجود، اهداف دیگری نیز وجود داشت که به طور شفاف و رسمی مطرح نشد:
۱. عراق قصد داشت رژیم بعث را از سیاست اعلامی انقلاب اسلامی برای سرنگونی آن حفظ کند.
۲. تأمین مرزهای عراق، خصوصاً در مناطق قصر شیرین و مهران که رویکرد اصلی ایران را نسبت به بغداد پوشش می‌داد.
۳. اثبات این موضوع که عراق قدرت مسلط منطقه خلیج فارس است و ارتقاء موقعیت عراق در جهان عرب.

سال‌های بعد آشکارتر شد و ایالات متحده، فرانسه، آلمان، انگلیس، شوروی و چین به میزان قابل توجهی از عراق حمایت مالی و تسلیحاتی کردند.^(۳۴) برای کشورهای غربی و آمریکا، ایران دیگر یک متحد منطقه‌ای محسوب نمی‌شد و برای چین و شوروی نیز انقلاب اسلامی می‌توانست ثبات را در اقامار مسلمان‌نشین آنها بر هم بزند. بیشتر قدرت‌های جهانی بر این باور بودند که جنگ ایران و عراق کوتاه مدت بوده و باعث تضعیف جمهوری اسلامی خواهد شد.^(۳۵) یکی از مقامات آمریکایی در این مورد اظهار داشته بود که تنها بعد قابل تأسف جنگ آن خواهد بود که یکی از طرف‌های این جنگ شکست بخورد.^(۳۶)

تلاش غرب برای احیای موازنه قدرت در منطقه

پس از عملیات کربلای پنج (۱۹ دیماه ۱۳۶۵) که موازنه جنگ به نحو اساسی به نفع ایران تغییر پیدا کرد و به عنوان شکست استراتژی مدیریت منازعه^{۳۷} که از طرف قدرت‌های بزرگ دنبال می‌شد، تلقی

گردید، روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال نوشت: «واشنگتن نمی‌داند چرا بغداد تا این اندازه ضعیف است. در واشنگتن گفته می‌شود پیروزی ایران یک فاجعه به شمار خواهد رفت و این نگرانی ممکن است آمریکا را ترغیب کند که کمک‌های بیشتری را در اختیار عراق بگذارد.»^(۳۷)

بهترین وضعیت برای قدرت‌های جهانی این بود که هیچ یک از طرفین نتواند بر دیگری غلبه کند.^(۳۸) زیرا دو طرف جنگ چندان برای بلوک شرق و غرب دولت‌های مطلوبی نبودند. بنابراین آنها برای حفظ منافع‌شان می‌دانستند که دولت‌های دو طرف جنگ باید یکدیگر را تضعیف کنند.^(۳۹)

متمرکز است. این خلاء قدرت منطقه‌ای فرصت‌های منحصر به فردی را برای رژیم بعث در عراق فراهم نمود تا نفوذ منطقه‌ایش را گسترش دهد و جایگاهش را در میان اعراب ارتقاء دهد.

دلیل چهارم این است که تبلیغات ایدئولوژیک ایران، احساسات انقلابی را میان مردم شیعه عراق تحریک و تهییج می‌کرد.

در نهایت، دلیل پنجم بر اختلافات سرزمینی میان دو دولت، خصوصاً اختلاف بر سر اروندرود تأکید می‌کند. نقطه تمرکز این استدلال بر عدم تمایل عراق نسبت به توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر که خط تالوگ را به عنوان مرز ایران و عراق در این رودخانه مرزی مشخص می‌کرد، قرار دارد. دانیل پیپس تأکید می‌کند: «حتی اگر عراق و ایران همگون و متجانس بودند، حتی اگر عراق با مشکل شیعیان مواجه نبود، موضوع اروندرود برای وقوع جنگ کافی بود.»^(۳۳)

در مجموع اگر چه هر یک از این دلایل - به عنوان اهداف جنگی عراق - بیانگر بخشی از واقعیت علی و تبیینی جنگ عراق علیه ایران است، اما به نظر می‌رسد که توان تبیینی و علی مفهوم موازنه قدرت بیشتر است. در واقع هدف اصلی و نهایی جنگ یعنی موازنه قدرت (ضعف) طرفین منازعه از سوی قدرت‌های بزرگ و به خصوص آمریکا به عنوان متوازن کننده اصلی جنگ دنبال می‌شد. بر این اساس یکی از اهداف اصلی این جنگ، تأمین امنیت اسرائیل و تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع منافع و امنیت ملی اسرائیل بوده است. که این هدف جز با منازعه و درگیر نمودن دو کشور ضد اسرائیلی منطقه و موازنه ضعف میان آنها صورت نمی‌گرفت. اظهار نظر کلاوزویتز که جنگ ادامه سیاست با ابزاری دیگر است، تا حدودی بیانگر سیاست کلی جنگ یعنی تأمین امنیت اسرائیل از طریق منازعه نظامی میان دو کشور ضد صهیونیستی و برقراری موازنه ضعف میان آنها است.

قدرت‌های بزرگ و منطق موازنه قدرت

اگر چه در ابتدای جنگ، قدرت‌های بزرگ به طور مشهود در جنگ درگیر نشدند، اما حمایت از عراق در طول

یکی از اهداف اصلی

جنگ تحمیلی، تأمین امنیت اسرائیل و تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع منافع و امنیت ملی این کشور بوده است

عمان دو متحد وفادار آمریکا در خاورمیانه، نگرانی های موجهی درباره تعرض ایران دارند و از نتایج آشکار پیروزی ایران در جنگ با عراق نگران هستند. ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را برهم نزنند چون پیروزی ایران یقیناً در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.^(۴۸)

در ذیل به برخی اقدامات قدرت های بزرگ در راستای مدیریت منازعه جنگ عراق علیه ایران اشاره می کنیم.

آمریکایی ها در شروع این جنگ از سوی صدام نقش مهمی را ایفا کردند. برژینسکی به عنوان مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، در تیرماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی رتبه آمریکا و عراق را طراحی کرد. به گزارش نشریه نیویورک تایمز، هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره راههای هماهنگ کردن فعالیت های آمریکا و عراق در مخالفت با سیاست های ایران بود. برژینسکی صدام را نیروی متعادل کننده آیت الله خمینی (ره) تلقی می کرد. ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله چرخش سبز آمریکا به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا قرار خواهد گرفت.^(۴۹)

به علاوه از سال ۱۹۸۳ تا پایان جنگ تحمیلی، اداره اطلاعات ارتش آمریکا اطلاعات مربوط به آرایش نیروهای ایران در مرز و نقطه های آسیب پذیر ارتش ایران در طول مرزها را در اختیار اداره اطلاعات ارتش عراق می گذاشت. همچنین در اکتبر ۱۹۸۳ دولت ریگان به اردن، عربستان سعودی، کویت و مصر اجازه داد که تسلیحات نظامی آمریکایی را به سوی عراق ارسال دارند که این امر تخطی از قانون کنترل صادرات اسلحه در سال ۱۹۷۶ بود.^(۵۰) در نوامبر ۱۹۸۳ شورای امنیت ملی ایالات متحده مستقیماً اعلام داشت: «آمریکا باید همکاری که قانونی و لازم است انجام دهد که عراق را از شکست نجات دهد».^(۵۱)

همچنین براساس سفارش دولت آمریکا، شعبه بانک ناسیونال ایتالیا در ایالت آتلانتا، ۵ میلیارد دلار در اختیار عراق گذاشت تا آن دولت بتواند انواع ابزارهای

پس از سقوط فاو، تایمز لندن بر تأثیر روانی سقوط فاو تأکید کرد.^(۴۰) در این مورد اظهارات برخی از شخصیت های رسمی قابل توجه است. فرانسوا میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه، با تأکید بر ضرورت خاتمه یافتن جنگ، اظهار داشت: «این جنگ باید بدون غالب و مغلوب پایان پذیرد».^(۴۱) کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع وقت آمریکا، نیز اعلام کرد: «آمریکا نمی خواهد ایران در جنگ برنده باشد».^(۴۲) آندره گرومیکو، وزیر خارجه وقت شوروی، با توجه به پافشاری ایران بر تعیین متجاوز اعلام کرد: «بدون توجه به اینکه چه کسی مسئول آغاز جنگ می باشد، این جنگ باید به فوریت پایان یابد».^(۴۳) ریچارد

مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا گفت: «ادامه جنگ ایران و عراق به هیچ وجه به نفع آمریکا نیست».^(۴۴)

بنابراین هیچ یک از قدرت های بزرگ (آمریکا - شوروی) به پیروزی یکی از دو طرف منازعه تمایل نداشتند.^(۴۵) آنچه به عنوان خطر اصلی برای غرب در جنگ جلوه می نمود،

پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ، تهدیدی جدی برای منافع غرب و شرق و متحدان آنها در منطقه محسوب می شد. این نکته عامل توافق و تبانی دو ابرقدرت برای پایان دادن به جنگ بود.^(۴۶) یکی از اعضای وزارت خارجه آمریکا در این زمینه می گوید: «ما اجازه نمی دهیم جنگ ایران و عراق متحدین ما را در منطقه متأثر سازد و توازن قوا را تغییر دهد».^(۴۷) بنابراین قدرت های بزرگ سعی داشتند نوعی بن بست در پایان جنگ شکل بگیرد که این حالت باعث تضعیف طرفین درگیر در جنگ شود.

در این زمینه واین برگ اذعان نمود: «پیروزی ایران در جنگ با عراق به نفع آمریکا نخواهد بود. عربستان و

قدرت های بزرگ
سعی داشتند نوعی بن بست
در پایان جنگ شکل بگیرد
که این حالت باعث
تضعیف طرفین درگیر در
جنگ شود

لحاظ سیاسی - نظامی و روانی در موضع انفعال قرار داد؛ به موازات ناتوانی عراق از بازپس گیری منطقه فاو و متقابلاً توانایی نیروهای ایرانی برای تثبیت مواضع تصرف شده، به تدریج نتایج حاصله از پیروزی ایران در منطقه مورد تأکید قرار گرفت. در کویت و دنیای غرب این نگرانی به وجود آمد که ایران در جنگ برنده خواهد شد.^(۵۶) جرج بوش معاون ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا، پس از سفر هشت روزه به منطقه و اقدام نظامی آمریکا علیه لیبی، اعلام کرد: «آمریکا نمی خواهد نظاره گر این مسئله باشد که گسترش جنگ از سوی ایران، به روند تغییر در توازن قدرت در منطقه بینجامد.»^(۵۷)

برژینسکی صدام را "نیروی متعادل کننده" آیت ا... خمینی (ره) تلقی می کرد

آمریکا در ماجرای مک فارلین موسوم به ایران - کنترایا ایران گیت در سال های بین ۱۹۸۷ - ۱۹۸۶ به طور پنهانی موشک های هاوک، موشک های ضدتانک تاو و قطعات یدکی تسلیحات را به ایران تحویل داد. در واقع آمریکا در این ماجرا سه هدف عمده را دنبال می کرد: موازنه قدرت یا

به عبارت دقیق تر موازنه ضعف بین ایران و عراق، آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان (حزب ا...) و تأمین مالی نیروهای ضد انقلاب نیکاراگوئه.

به هر حال فروش این تسلیحات بخشی از یک هدف ژئواستراتژیک بزرگ ایالات متحده جهت طولانی کردن منازعه ایران و عراق (تحلیل توان سیاسی و اقتصادی هر دو کشور) و همچنین جهت جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران بوده است. رابرت مک فارلین، مشاور امنیت ملی ایالات متحده، درباره علت اصلی ارسال تسلیحات به ایران چنین می گوید: «چالش کوتاه مدت اولیه ما بایستی مانع از تلاش های مسکو جهت افزایش نفوذ در ایران بشود.»^(۵۸) یک تحلیلگر سیاه معتقد

نظامی را از ایالات متحده آمریکا خریداری کند.^(۵۲) حمایت های اقتصادی آمریکا یکی دیگر از شیوه های مؤثر پشتیبانی این کشور از عراق بود. این روند از سال ۱۳۶۳ روند صعودی پیدا کرد. در همین سال بر اساس تصمیم بانک واردات و صادرات آمریکا کمک مالی بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار برای ساخت خط لوله نفتی از عراق به بندر عقبه اردن اختصاص یافت.^(۵۳) در مورد این حمایت ها و فیک سامرایی، رئیس استخبارات نظامی عراق، در زمان جنگ در مصاحبه ای اعلام کرد: «اگر حمایت غرب نبود صدام نمی توانست جنگ علیه ایران را ادامه دهد.» وی نقش آمریکا را در کمک به صدام چنین می شمارد:

۱. ارائه اطلاعات کامل که از طریق ماهواره ها و وسایل الکترونیک مختلف و منابع انسانی بدست می آورد؛
۲. برانگیختن کشورهای منطقه به اعطای کمک مالی به عراق؛
۳. تحریم جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از دستیابی آن به تسلیحات و تجهیزات مدرن.^(۵۴)

در سال ۱۹۸۴، به خاطر ارتقاء روابط ایالات متحده و عراق، واشنگتن دست به عملیات استانچ^۱ زد. به این معنا که آمریکایی ها با فشار به متحدین شان از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی و سلاح جلوگیری می کردند. این عملیات از پائیز ۱۹۸۳ شروع شد.^(۵۵) به این ترتیب که آمریکایی ها با جمع آوری اطلاعات در مورد خرید سلاح و وسائل نظامی ایران، از طریق دولت یا واسطه ها و بازار سیاه، بلافاصله وارد عمل می شدند و به کشور فروشنده تذکر می دادند و یا بعضاً اقدام به دستگیری فروشنده و واسطه و یا خریدار می کردند. این اقدام آمریکایی ها موجب شد:

۱. مسیر دستیابی ایران به سلاح طولانی تر شود؛
۲. ایران سلاح را با قیمت بالاتری خریداری کند، ضمن اینکه برخی از این وسائل از رده خارج و فاقد کیفیت لازم بودند.

سیاست اصلی و محوری آمریکا در جریان جنگ ایران و عراق حفظ موازنه بین طرفین منازعه بود. پس از فتح فاو (والفجر ۸ / زمستان ۱۳۶۴) که موجب به هم خوردن موازنه جنگ به نفع ایران گردید و عراق را از

1. Operation Staunch

دادن هواییهای مسافری با ۲۹۰ سرنشین در ۱۲ تیر ۶۷ نمونه بارز آن بود. مداخله مستقیم نظامی ایالات متحده علیه ایران در سال ۱۹۸۸ نشان داد که واشنگتن حاضر به پذیرش پیروزی ایران در جنگ نبود. ایالات متحده حتی پرچم این کشور را بر روی کشتی های نفتکش کویتی به منظور هشدار به ایران که حمله به این نفتکش ها حمله به کشتی های ایالات متحده تلقی می شود، نصب کرده بود.^(۶۵)

به تدریج تحت تأثیر تجربه اسرائیلی ها در لبنان و مقاومت گروه شبه نظامی شیعه طرفدار ایران در مقابل اشغال لبنان (سال ۱۹۷۸)، بعضی از رهبران اسرائیلی متقاعد گردیدند که در شرایط موجود، تهدید اصلی نه از سوی کشورهای ناسیونالیستی و رادیکال عرب که از سوی بنیادگرایی اسلامی متوجه امنیت اسرائیل است. گروه یاد شده، بنیادگرایان را ضد اسرائیلی و طرفدار شوروی می دانستند. در نتیجه شاهد یک تغییر رویکرد در درون این مجموعه ها از سال ۱۹۸۴ هستیم که بر اساس آن بیشتر اسرائیلی ها از عراق به عنوان یک کشور میانه رو عربی یاد کردند و در مقابل آن، ایران به عنوان تقویت کننده ایدئولوژی خصومت آمیز علیه اسرائیل در نظر گرفته می شد.^(۶۶)

با چنین تغییر رویکردی در درون این مجموعه ها، عملیات استانچ با شدت بیشتری تداوم پیدا کرد. این رویکرد در مقابل رویکرد سوم گروه های شوروی محور قرار داشت که قائل به ارسال تسلیحات به ایران برای نفوذ در آن کشور بودند.

استدلال اصلی گروه های طرفدار اسرائیل و کشورهای عربی در آمریکا این بود که بهترین پوسته امنیتی برای متحدین منطقه ای آمریکا زمانی فراهم می شود که ایران و عراق هیچ کدام در جنگ پیروز نشوند و در همان حال به اندازه ای یکدیگر را تضعیف سازند که دیگر تهدیدی برای سایر کشورهای منطقه فراهم نیاورند.

در سال های ۱۹۸۶ - ۱۹۸۵ آمریکا دو استراتژی آشکار و نهان کاملاً متناقض را در پیش گرفت. از یک سو به طور آشکار و با تصویب طرح های تحریمی علیه ایران فروش تسلیحات را به ایران ممنوع ساخت و در

بود که ایالات متحده با ارسال آن تسلیحات به تهران می تواند موازنه قدرت را تحت تأثیر قرار دهد.^(۶۷) اطلاعات طبقه بندی شده ای را که به زعم کمیسون تاور دارای اهمیت بالقوه مهمی بود، واگذار شد.^(۶۸)

در سال ۱۹۸۶ سیایک ارتباط مستقیم بین واشنگتن و بغداد ایجاد نمود تا اطلاعات طبقه بندی شده، سریع تر از ماهواره های آمریکایی به عراق ارسال شود.^(۶۹) اما با این وجود، ایالات متحده و متحدین غربی اش هرگز قصد نداشتند که عراق یا ایران پیروز نهایی جنگ باشد. هدف ایالات متحده در این جنگ، معماری موازنه قدرت منطقه ای جهت تأمین اهداف استراتژیک و اقتصادی (نفت) در

منطقه و تأمین امنیت اسرائیل بود که این دو هدف جز با موازنه ضعف ایران و عراق صورت نمی گرفت.^(۷۰)

در ژوئیه ۱۹۹۲ دولت جورج بوش (پدر) اعلام کرد که کمک نظامی و سیاسی به عراق از روی تعمد نبوده است، بلکه مصلحت ایالات متحده در اتخاذ چنین سیاستی - موازنه قدرت - بوده

است.^(۷۱) هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه اسبق و از طراحان و صاحب نظران سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، آشکارا دیدگاهش را چنین بیان کرد: «بسیار بد بود اگر آنها [ایران و عراق] نمی توانستند هردو شکست بخورند.»^(۷۲) در تعقیب این هدف، ایالات متحده و متحدینش تمام تلاش خود را به کار بستند تا از دستیابی ایران و عراق به پیروزی جلوگیری کنند.

بنابراین آمریکا هرچند در طول جنگ، به طور غیر مستقیم عراق را در تمامی زمینه ها مورد حمایت سیاسی و نظامی قرار می داد، در سال ۱۹۸۸ به صورت مستقیم و آشکارا با ایران وارد نبرد شد که حمله به سکوها های نفتی، ایجاد مزاحمت برای نفتکش های ایرانی و هدف قرار

از سال ۱۹۸۳ تا پایان جنگ،
اداره اطلاعات ارتش آمریکا
اطلاعات مربوط به آرایش
نیروهای ایران در مرز و
نقطه های آسیب پذیر ایران را
در اختیار ارتش عراق
می گذاشت



همان حال به صورت مخفیانه برای فروش تسلیحات با ایران وارد مذاکره می شد. از سوی دیگر با پیگیری نگرش جدید دولت گورباچف که با تنش زدایی با غرب همراه بود شرایط برای به حاشیه راندن دیدگاههای شوروی محور فراهم می شد. به این ترتیب زمینه لازم برای اعمال فشار بیشتر آمریکا به ایران برای پایان دادن به جنگ فراهم شد.

شوروی و موازنه قدرت در جنگ ایران و عراق

در سال های پایانی جنگ، هماهنگی میان سیاست های آمریکا و شوروی افزایش یافت. سیاست آمریکا به سیاست صریح حمایت از عراق و پایان بخشیدن به جنگ تغییر کرد. در این راستا فشارها بر ایران به سرعت گسترش یافت و حمایت های گسترده و همه جانبه از عراق زمینه لازم را برای پذیرش قطعنامه آتش بس ۵۹۸ از سوی ایران فراهم آورد.

شاید در یک بیان کلی بتوان چنین تغییراتی را به این صورت بیان داشت که در پایان جنگ، آمریکا اسلام سیاسی را به عنوان دشمن اصلی منافع خود در منطقه محسوب می کرد و به طور کلی از مارس ۱۹۸۸ آمریکا و اتحاد شوروی همانند دو کشور متحد در برابر ایران موضع گرفتند. از سال ۱۹۸۶ با توجه به واقعیت های عرصه جنگ و امکان پیروزی ایران و شکست عراق و همچنین تغییراتی که در اثر رویکرد تنش زدایی شوروی شکل گرفته بود، امکان حضور و تعریف خاص دیدگاه های مجموعه های عرب محور از منافع ملی آمریکا و نحوه دستیابی به آنها بیشتر فراهم گردید. در نتیجه ایالات متحده در صدد برآمد هرچه سریع تر جنگ ایران و عراق را پایان دهد.

شوروی از دهه ۱۹۷۰ بزرگ ترین فروشنده تسلیحات به عراق بود. آنها روابط بسیار خوبی داشتند.

با وجود این، سیاست شوروی درخصوص جنگ در چارچوب برقراری موازنه قدرت بین دو کشور ایران و عراق قابل طرح است. در مرحله آغاز جنگ که عراق در حالت تهاجمی بود، اتحاد شوروی کشتی های جنگی اش را از عراق برگرداند و تسلیحات را برای عراق ارسال نکرد.^(۶۷) اما با توقف نیروهای عراقی و آغاز پیروزی های ایران در جبهه های جنگ، فروش سلاح روسی به عراق گسترش بیشتری یافت. فروش تسلیحات شوروی بین سال های ۸۸ - ۱۹۸۶ به عراق حدود ۹۳ میلیارد دلار بود که شامل ۲۰۰۰ دستگاه تانک شامل ۸۰۰ تانک تی ۷۲، ۳۲۰ فروند جنگنده، ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین و موشک های اسکادبی و اس - ۱۲ بود که تقریباً تمام این تسلیحات از طریق اردن و بنادر این کشور وارد عراق می شد.^(۶۸)

شوروی پس از پیروزی ایران در شلمچه (عملیات کربلای ۵) بر کمک های تسلیحاتی به عراق افزود. واگرایی میان عراق و آمریکا و همچنین سردی روابط اعراب و آمریکا که از ماجرای مک فارلین ناشی می شد، زمینه مناسب تری برای مسکو به وجود آورد که خود را حامی عراق نشان دهد و نزدیکی به اعراب را به عنوان یک استراتژی مهم در سیاست خارجی اش دنبال کند. در بهمن ۱۳۶۶ / ژانویه ۱۹۸۷ رئیس هیئت شوروی

به این ترتیب، سیاست شوروی از سال ۱۹۸۶ و پس از فتح فاو تا پذیرش قطعنامه، تأمین تسلیحات عراق به میزانی بود که این کشور بتواند شرایط جنگ را در زمین به نفع خود تغییر دهد و ایران را به پذیرش قطعنامه وادار سازد. غرب و کشورهای عرب منطقه نیز در این زمینه با شوروی هم عقیده بودند.

علاوه بر آمریکا و شوروی قدرت های بزرگ دیگر نیز در این جنگ درگیر بودند. فرانسه



منبع اصلی و عمده تسلیحات

دارای تکنولوژی بالا به عراق بود.^(۷۲) پس از شکست فاو و بازپس گیری سریع مهران در عملیات کربلای یک در مورخه نهم تیرماه ۱۳۶۵، از سوی نیروهای ایرانی و احساس خطری که شرق و غرب از امکان پیروزی ایران داشتند، فروش همه جانبه تسلیحات به عراق شروع شد. در این راستا، فرانسه در کمتر از دو سال به تنهایی ۵/۶ میلیارد دلار هواپیماهای جنگی، هلیکوپترها، تانک، توپ، موشک های هوا به زمین و تجهیزات الکترونیکی به عراق فروخت. مصر قطعات یدکی و تسلیحات دیگری چون ۲۵۰ فروند تانک تی ۵۵ و تی یو ۱۶ و هواپیماهای بمب افکن ایلوشین ۲۸ در اختیار عراق قرار داد. اسپانیا خودروهای سبک و سنگین نظامی به عراق فروخت. برزیل نفربرهای زرهی به عراق فروخت، که این اقلام با تجهیزات نیروی دریایی ایتالیا و تانک های چیفتن انگلیسی تکمیل شد.

با توجه به چنین حجم تسلیحاتی که به عراق داده شد، ماشین جنگی این کشور در مدت کمتر از دو سال دو برابر شد و عراق توانست میزان نیروی زمینی خود را از ۲۶ لشکر به ۴۵ لشکر در ۱۹۸۸ افزایش دهد. به یمن چنین نیروی وسیعی عراق توانست در کمتر از دو روز فاو را از تصرف ایران خارج کند و در اکثر جبهه ها موضع آفندی به خود بگیرد.^(۷۳)

در سازمان ملل اعلام کرد که: «کشورش فعالانه عراق را تقویت می کند.»^(۶۹) وی طی مصاحبه ای گفت: «تازمانی که ایران معتقد باشد می تواند از طریق نظامی بر عراق چیره شود، مسکو روش خود را تغییر نخواهد داد و هیچ گونه تردیدی برای تأمین اسلحه عراق به خود راه نمی دهد.» همچنین مسئول سیاسی امور خاورمیانه در حزب کمونیست شوروی اظهار داشت: «شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از سرگرفت. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلاص وارد آورد. از این رو شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده و این کار همچنان ادامه دارد.»^(۷۰)

بایلیس معتقد بود که پیروزی ایران در جنگ، باعث تقویت فوق العاده رژیم انقلاب اسلامی می شد و با فروپاشی دولت عراق، خلاء قدرتی ایجاد می شد که ایران تلاش می کرد آن را پر کند. به جز این، پیروزی ایران باعث اعتبار انقلاب اسلامی می شد و مسلمانان دیگر را تشویق می کرد تا هویت مذهبی شان را احیا کنند؛ موضوعی که موجبات نگرانی شدید شوروی را باعث می شد. چرا که این کشور دارای اقلیت بسیار بزرگی از مسلمانان بود.^(۷۱)

پایان جنگ

با افزایش شدید کمک های بین المللی به عراق و وضع انواع تحریم ها علیه ایران و در نتیجه تغییر توازن نیروها در سطح صحنه عملیاتی که منجر به تغییر استراتژی عراق از دفاع متحرک به یک موضع آفندی شد، با تصویب قطعنامه ۵۹۸، رهبران ایران مصلحت دیدند این قطعنامه را مثل قطعنامه های گذشته سریع رد نکنند بلکه بر سر مفاد آن به چانه زنی بپردازند.

بین المللی شدن جنگ، تأثیر مستقیمی در حوزه سیاسی داشت به نحوی که موجب تغییر موضع در میان معبود کشورهای طرفدار ایران در منطقه شد. کشورهای عرب تلاش گسترده ای را برای جدا کردن متحدان منطقه ای ایران آغاز نمودند. در این راستا لیبی در چرخشی ۱۸۰ درجه ای مجدداً روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سرگرفت و حتی مقابل ایران موضع گرفت و سوریه ضمن تأکید بر حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران، اعلام نمود که نمی تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت تعرض ایران علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در کنار اعراب قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، آمریکا با فشار مستمر بر چین، خواستار پایان بخشیدن ارسال سلاح از سوی این کشور به ایران شد.^(۷۵)

بنابراین با توجه به ملاحظات جدید و احتمال تداوم تهاجمات عراق و همچنین تشدید فشار بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) با یک تصمیم ناگهانی اوضاع را به نفع ایران تغییر داد و در ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ رسماً از سوی ایران پذیرفته شد.

درست در همین زمان، عراق سراسیمه حملاتی را علیه مواضع ایران ترتیب داد و از سوی دیگر موج عظیم نیروهای مردمی به جبهه های جنگ سرازیر شدند تا مانع تجاوزات عراق شوند. آنها مجدداً نیروهای عراقی را تا مرزهای بین المللی عقب راندند و جنگ هشت ساله ایران و عراق به پایان رسید.

عدم موفقیت عراق در جنگ و باقی ماندن مشکلات ژئوپلیتیک این کشور، عراق را بعد از جنگ در شرایط ویژه ای قرار داد. حمایت فوق العاده قدرت های بزرگ از عراق در زمینه انواع تسلیحات بخصوص سلاح ها و

تجهیزات پیشرفته و کشتار جمعی و همکاری با این کشور برای دستیابی به سلاح های غیر متعارف و حتی ایجاد زمینه مناسب برای ساخت سلاح های اتمی، توان متراکم و تهدید کننده ای برای عراق فراهم کرده بود که کشورهای منطقه و همجوار، خصوصاً عربستان و اسرائیل را مورد تهدید جدی قرار می داد.

به این ترتیب جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ توانمندی های عراق را به نقطه ای رساند که در آن توازن (تعادل قوا) تقریبی و نامنظم بین ایران و عراق شبیه به شرایط ۱۹۸۰ به هم خورد. از این رو به نظر می رسد که جنگ عراق علیه کویت به نوعی با چراغ سبز آمریکا برای موازنه ضعف عراق

با ایران صورت گرفت و بعدها مشخص شد که آمریکا و نیروهای ائتلاف چه واکنش کوبنده و محکمی نسبت به اشغال کویت از سوی عراق از خود نشان دادند.

نتیجه گیری

جنگ فرسایشی ایران و عراق به مثابه یک منازعه بدون پیروزی، بر اساس

استانداردهای اخیر منازعات بین المللی، یک جنگ بسیار طولانی مدت محسوب می شود. جنگی که دو قدرت منطقه ای یعنی ایران و عراق را با رنج و محنت زیاد و حداقل دستاورد به شدت تضعیف کرد. هیچ یک از طرفین منازعه نتوانستند پیروز نهایی جنگ شوند. لذا جنگ به یک وضعیت انسداد - نه شکست و نه پیروزی - کشانده شد.

هدف اصلی قدرت های بزرگ و به خصوص ایالات متحده در این جنگ برقراری موازنه قدرت منطقه ای بود که این هدف جز با موازنه ضعف ایران و عراق انجام نمی گرفت. به عبارت دقیق تر، هدف ایالات متحده و متحدینش در این جنگ، معماری

در نوامبر ۱۹۸۳

شورای امنیت ملی آمریکا

مستقیماً اعلام داشت که:

«آمریکا باید هرکاری که

قانونی و لازم است انجام

دهد تا عراق را از شکست

نجات دهد»

یادداشت‌ها

1. Samiral - Khalil, **Republic of Fear: The Politics of Modern** Iraq, University of California Press, 1989, P261.
2. Mazi Bahadori, "**The History and Geopolitics of the Iran - Iraq War**", Department of History University of California, May2005, P23.
3. R.P.H.King, "The United Nations and The Iran - Iraq War.1980 - 1986", In Brain Urquhart and Gary Sick. Eds. **The United Nations and the Iran - Iraq war**, New York: Ford Foundation, August 1987, pp 10,14 - 16,23.
۴. از نظر مورگنتا منافع ملی تنها از طریق قدرت قابل تعریف است.
5. Lerch C.O and Said Abdula A, **Concepts of International Relations**, Englewood Cliffs, NJ:Prentice Hall, 1970, P3.
6. George. J, **Discourses of Global Politics: A Critical (Re)Introduction to International Relations**. Boulder, Col:Lynne Rienner, 1994, p157.
7. Kenneth Waltz, **Theory of International Politics**, New York: Random House, 1979, P155.
8. Ernst Hass, "The Balance of Power: Prescription, concept, or Propaganda". **World Politics** 15, no3, 1953, P53.
9. Martin Wight, "**The Balance of Power**": in **Diplomatic Investigations**, Butterfield and Wight (ed), Cambridge, Mass: Harvard University Press, 1966, p15.
10. Kenneth N. Waltz, "International, Structure, National Force, and The Balance of Power", in James Rosenau. (ed). **International Politics and Foreign Policy**, N.Y: Free Press, A Division of MacMillan Publishing Co Inc, 1964, PP304 - 314.
۱۱. تیم دان و بریان سی اشمیت، 'رنالیسم'، در بایلیس و اسمیت، **جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین**، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۳۴۲.
12. William C. Wohlforth, Richard Little and et al. "Testing Balance - of - Power Theory in World History",

موازنه قدرت منطقه ای جهت تأمین اهداف استراتژیک و اقتصادی (نفت) در منطقه و تأمین امنیت اسرائیل بود. این دو هدف جز با موازنه ضعف ایران و عراق صورت نمی گرفت؛ لذا ایالات متحده و متحدینش هرگز قصد نداشتند که عراق یا ایران پیروز نهایی جنگ باشد. چرا که این امر، موازنه منطقه ای را برهم می زد.

با این وجود، به رغم تنش های شدید در طول سال های اخیر بین تهران و بغداد، این دو کشور نشان داده اند که دارای ظرفیت های همکاری با یکدیگر می باشند. البته تهران از اینکه رژیم جدید عراق همچنان سیاست ضدایرانی را تعقیب کند، بیمناک است. لذا به نظر می رسد تا زمانی که رژیم حقوقی اروندرود (توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر) از سوی دولت کنونی عراق امضاء و از سوی پارلمان این کشور مورد تصویب قرار نگیرد، عراق با هر رژیمی، هر چند شیعی، که قدرت را در دست بگیرد، یک رقیب بالفعل استراتژیک و بلکه یک دشمن بالقوه استراتژیک است. به این ترتیب از جاه طلبی ها و بلندپروازی های عمیق و استراتژیک منطقه ای عراق و حقارت ژئوپلیتیک آن به علت عدم دسترسی به دریاهای آزاد نبایستی غافل بود. در صورتی که دستگاه دیپلماسی ما با این موضوع کماکان منفعلانه و از موضع ضعف برخورد نماید، هزینه این غفلت استراتژیک را دیر یا زود خواهیم پرداخت.

متأسفانه به رغم اینکه منطق رئالیسم کماکان حاکم بر روابط بین الملل است؛ اما به نظر می رسد که ما نه در بُعد نظامی و نه در بُعد سیاسی و اقتصادی نتوانسته ایم رئالیست شویم. لذا این دانش پژوه عمیقاً بر این باور است که هیچگاه از عقده حقارت ژئوپلیتیک عراق و تلاش برای شکستن این عقده تاریخی از سوی این کشور عربی نباید غافل ماند. تردیدی وجود ندارد هر دولتی با هر ایده و مذهبی حتی شیعی که قدرت را در عراق به دست گیرد، برای برون رفت از این تنگنا با هیچ دولت همسایه ای از جمله جمهوری اسلامی ایران مماشیات و مدارا نخواهد کرد. این درسی است که ما از آموزه های رئالیسم آموخته ایم.

27. Helmas, Christine Moss, Iraq: **Eastern Flank of the Arab World**, Washington: The Brookings Institution, 1984. P 15.
۲۸. منوچهر یارسادوست، **نقش عراق در شروع جنگ**، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹، ص ۳۱۲.
۲۹. همان، ص ۵۹۴.
30. Robert E Sonnenberg, **The Iran - Iraq war: Strategy of Stalemate**, Quantico, Virginia, April 1985, P112.
31. Ibid.
32. Mansour Farhang) "The Iran - Iraq War: The Feud, The Tragedy ,The Spoils", **World Policy Journal**, Fall 1985. PP663 - 4.
33. Daniel Pipes, **A Border Adrift: origins of the conflict**, in Shirin Tahir - Kheli and Shaheen Ayubi. ed, praeger, 1984, P45.
34. Bahadori, **opcit**, p 23.
35. Ibid, p24.
36. Anonymous State Department official I. Iran and Iraq **Time magazine**, 25 july 1982, P 20,
۳۷. حسین اردستانی، **جنگ عراق و ایران: رویارویی استراتژی‌ها**. تهران: دوره عالی جنگ. ۱۳۷۸، ص ۵۵.
38. Bahadori, **opcit**, p 26.
39. Ibid, p26.
۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، **گزارش‌های ویژه**، شماره ۴۱، ۲/۳/۱۳۶۷. رادیو آمریکا، ۱۳۶۷/۲/۲. به نقل از روزنامه تایمز لندن.
۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، **گزارش‌های ویژه**، شماره ۳۷، ۱۳۶۶/۲/۶.
۴۲. همان، شماره ۳۷، ۱۳۶۶/۲/۶.
۴۳. همان، شماره ۴۱، ۱۳۶۶/۲/۱۰. خبرگزاری رویتر به نقل از خبرگزاری تاس TASS.
۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، **گزارش‌های ویژه**، شماره ۵۷، ۲۶/۲/۱۳۶۶. رادیو لندن، ۲۵/۲/۱۳۶۶.
۴۵. البته جهت گیری و حمایت قدرت‌های بزرگ از موازنه قدرت میان ایران و عراق در طول دوران جنگ به معنای یکسان پنداشتن منافع و نقش ملی آنها نبوده است، بلکه صرفاً وجود یک تهدید مشترک منطقه ای باعث نزدیکی مواضع آنها در قبال جنگ مذکور گردید. چرا که از نظر رئالیسم، دوست و دشمن دائمی وجود ندارد
- European Journal of International Relations, Vol 13 (2) 2007, p 156.
13. Stephen Walt, **The Origins of Alliances of Alliances**. Ithaca, N.Y: Cornell University Press, 1987, P123.
۱۴. در مورد بحث سیاست موازنه قوا رجوع شود به:
- Martin Wight, **"The Balance of Power"**, in Butterfield and Wight (ed), **Diplomatic Investigations**, Cambridge, Mass: Harvard University Press, 1966, P65.
15. Kenneth Waltz), "The Emerging Structure of International Politics", **International Security** 18, no, fall 1993, PP75 - 76.
16. Ibid. p11.
۱۷. غلامرضا ثانی نژاد، **ریشه یابی تهاجم عراق به ایران**، برگرفته از: <http://www.dsric.ir/view/articleFrame.aspx?ID=227&PF=true>
۱۸. ابومحمد عسکرخانی، هژمان، **نظام جهانی و چشم انداز آینده ایران**، برداشت یک، سال اول، شماره سوم، ص ۸.
۱۹. همان، ص ۱۲.
۲۰. کاپلان، دو شاخصه جوهری نظام موازنه قدرت را مخالفت با تفوق اعضاء و همکاری با عضو شکست خورده می داند. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص ر.ک به:
- Morton Kaplan, **Syatem and Process in International Politics**, New York: Wiley and Sons, Inc 1954. PP 21 - 54.
۲۱. محمد درودیان، علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه های موجود، **مجله سیاست دفاعی** (ویژه نامه جنگ تحمیلی)، سال چهارم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پائیز، ۱۳۷۵، ص ۶۷.
۲۲. مایکل لدین و ویلیام لوئیس، **هزیمت یا شکست رسوایی آمریکا**، ترجمه: احمد سمیعی (گیلانی)، تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲، ص ۳۰۱.
۲۳. افرایم کارش، **جنگ ایران و عراق آثار و مفاهیم**، (شامل سلسله مقالات ارائه شده در کنفرانسی که پس از ارائه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ که در تل آویو - سپتامبر ۱۹۸۸ - برگزار شد)، ترجمه: خبرگزاری جمهوری اسلامی، شهریور ۱۳۶۸.
۲۴. محمد درودیان، **سیری در جنگ ایران و عراق (از آغاز تا پایان)**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۱۵.
۲۵. کنت تیرمن، **سوداگری مرگ**، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲.
۲۶. درودیان، **سیری در جنگ ایران و عراق (از آغاز تا پایان)**، ص ۱۵.

۶۲. البته رزمندگان اسلام در طول جنگ تحمیلی بارها راهبرد پات را با اتکاء به خداوند متعال و امدادهای غیبی شکسته و موازنه جنگ را به نفع خود تغییر دادند. و هر چند ظاهراً نتیجه نهایی جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران بیانگر راهبرد پات یعنی نه شکست و نه پیروزی طرفین منازعه از نظر محاسبات مادی و کمی بود، اما گذر زمان نشان داد که پیروز نهایی جنگ لاف‌بل به لحاظ سیاسی - اگر نگوئیم نظامی - ایران بوده است.

۶۳. جهت کسب اطلاع بیشتر رک به:

Arming Iraq: A Chronology of U.S. Involvement By: John King, March 2003.

64. Too bad they (Iran and Iraq) can't both lose.

65. Enayatollah Yazdani and Rizwan Hussain, "United States' policy towards Iran after the Islamic Revolution: An Iranian Perspective", *International Studies*, 2006, P273.

۶۶. هوگلند و دیگران. پیشین. ص ۱۵۵.

67. John. W. Amossll, "The Iraq - Iran war. conflict, Linkage, and spill over in the Middle East", in Robert G.Darius, John W.Amosll, Ralph.Magnus, (ed), *Gulf Security into the 1980s: perceptual and strategic Dimensions*, Stanford: Hower Institute Press, 1984, P65.

۶۸. کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ: ناگفته‌های جنگ ایران و عراق،

ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۱۴۵.

۶۹. رالف کینگ، جنگ ایران و عراق، مفاهیم سیاسی، ترجمه: گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه آدلفی پیپر، شماره ۲۱۹۱۹۸۷، ص ۶۵.

۷۰. نبرد در شرق بصره، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

پاسداران، ۱۳۷۴، ص ص ۵-۱۸۲.

71. Baylis et al, *conflict without victory, in strategy in the contemporary world* 2e, Oxford University Press, 2007, P154.

72. Diana Johnston, Little Satan' Stuck in the Arms Export Trap, *MERIP Reports*, no, 148, sept - oct, 1987pp, 8 - 9.

73. Mansour Farhang, The Iran - Iraq war: The Feud, The Tragedy, The Spoils. *World Policy Journal*. Vol2, p 668.

۷۴. اردستانی، پیشین، ص ۶۵.

۷۵. همانجا.

بلکه منافع دائمی وجود دارد که بر این اساس دوست و دشمن مشخص می شود.

۴۶. نشریه نیویورک تایمز، مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۸۸.

47. Anonymous State Department Official, *Financial Times*, 20 December 1982, P85.

۴۸. محمد مهدی بهداروند و احمد سوداگر، جنگ از نگاهی دیگر

(بررسی تحولات سیاسی - اجتماعی)، قم: موسسه فرهنگی

خادم الرضا، ۱۳۸۰، ص ص ۱۶-۴۱۵.

۴۹. درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (از آغاز تا پایان)، ص ۴-۲۳.

50. Track Adam, *The super powers in the Iran Iraq war*, New York: Nova Science Publishing, Inc. 1998, P115.

51. Ronald Reagan, state Department Bultan, *Washington: Department of State*, 1983, P75.

52. Nita M. Renfrew, Who Standard thewar?, *foreignpolicy*, no, 66, spring 1987, P80.

۵۳. العالم، ۶۳/۴/۲۳، شماره سند ۱۷۳۷.

۵۴. روزنامه اطلاعات، ۷۶/۷/۵، ص ۱۲. به نقل از: *الحیات*، ش ۸، ص ۱۲۶.

55. War in the Persian Gulf. the U.S Takes Sides - Staff Report to The Committee on Foreign Relations, U.S Senate, Nov, 1987. Committee Print S.prt.100 - 60.pp 21. Hereafter cited as S.Prt.100 - 60.

۵۶. درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (از آغاز تا پایان)، ص ۱۵۰.

۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۶۵/۱/۲۹، به نقل از رادیو آمریکا، ۶۵/۱/۲۸.

58. The National Security Archive, The White House. Draft National Security Decision Directive (NSDD), "US policy Toward Iran", Secret, 17 June 1985. Electronic Briefing Book.No.21, Washington.

59. President's Special Review Board - (- The Tower Commission Report), New York: Bantam Books / Times Books, 1987.p 279. Hereafter cited as Tower Commission.

60. President's Special Review Board (The Tower Commission Report), New York: Bantam Books / Times Books, 1987. p73. Hereafter cited as Tower Commission

61. Bob Woodward. Veil: *The Secret wars of the CIA*, 1981 - 1987. New York: Simon & Schuster, 1987, p, 480.



نوع توزیع قدرت در آن از اهمیت بسیاری برخوردار می باشند. بنابراین در بخش اول مقاله به بررسی مفروضات اولیه و نکات اساسی نظریه نواقع گرایی والتز می پردازیم. از آنجا که در این نظریه نقش اساسی از آن ساختار می باشد، در بخش دوم ساختار نظام بین الملل، چگونگی توزیع قدرت و جایگاه ایران را مورد بررسی قرار می دهیم. سپس در بخش سوم با استفاده از نظریه بازدارندگی و توازن قدرت

این نظریه پرداز روابط بین الملل، علل اساسی بروز جنگ میان ایران و عراق را تبیین می کنیم.

بخش اول: بررسی نظریه واقع گرایی ساختاری والتز

با بروز انقلاب رفتاری در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و مطرح شدن ایده وحدت علم و به دنبال آن تلاش برای علمی کردن رشته های علوم اجتماعی از جمله روابط بین الملل، نظریه پردازان این رشته سعی در علمی کردن نظریه های خود نمودند و در جریان این حرکت به بازصورت بندی جریان های سنتی این رشته که بیشتر به تاریخ و فلسفه متمایل و متکی بودند، پرداختند. یکی از این نظریه های جدید، نظریه نواقع گرایی و یا واقع گرایی ساختاری کنت والتز در اوایل دهه ۱۹۷۰ می باشد، که بیش از هر چیز تلاش برای علمی کردن واقع گرایی به حساب می آید.^(۱) البته لازم به ذکر است که مکتب نواقع گرایی در مفروضاتی چون دولت محوری، بقا، خودیاری و آنارشی بودن نظام بین الملل با دیگر شاخه های واقع گرایی اشتراکاتی دارد؛ اما والتز بر خلاف مورگنتا به سرشت قدرت طلب بشر کاری نداشته و قدرت را در سطح ساختار مطرح می کند.^(۲) در همین راستا واکر نیز معتقد است

واقع گرایی ساختاری از توسعید آغاز و توسط کنت والتز به شکوفایی می رسد.^(۳)

به نظر والتز، واقع گرایان سنتی مثل مورگنتا و دیگران نتوانستند از بسط مفاهیم فراتر رفته و به پرداختن نظریه ای مشخص در باب روابط بین الملل برسند، بنابراین وی با بیان سیاست بین الملل به عنوان یک ساختار می خواهد به ایجاد یک نظریه سیاست بین الملل بپردازد. به نظر وی نواقع گرایی با ترسیم تصویری کل نگر از نظام بین الملل، استقلال سیاست بین الملل را محرز و بدین ترتیب نظریه پردازی درباره آن را امکان پذیر می کند.^(۴)

نواقع گرایی والتزی بر خلاف واقع گرایی که ریشه در جامعه شناسی و تاریخ دارد، از اقتصاد خرد اقتباس شده و معتقد است که این قدرت و منافع دولت هانیست که رفتار آنها را تعیین می کند بلکه این آنارشی و توزیع توانمندی ها در سطح ساختار نظام است که رفتار آنها و سیاست خارجی شان را مشخص می کند.^(۵)

التز در کتاب انسان، دولت و جنگ برای توضیح جنگ در روابط بین الملل، به سه سطح تبیین و یا به سه تصویر اشاره می کند که عبارتند از: سرشت انسان، که ریشه جنگ را در سرشت جنگ طلب انسان و یا انسان های خاص جستجو می کند. دولت، که در این جا

در نظام به توزیع قدرت موجود بستگی دارد.^(۱۳) او در ادامه، توزیع قدرت در دو قطب را بسیار با ثبات تر از توزیع قدرت در میان چند قطب می داند، چرا که معتقد است رهبران دو قطب به صورت مدیران نظام عمل کرده و جلوی بحران ها را خواهند گرفت. از طرف دیگر هر گونه دگرگونی در نظام، مربوط به دو قطب می شود و رقابت ها از نزدیک نظارت می شود.^(۱۴) شاید بتوان این گونه بیان کرد که به نظر وی در نظام های دوقطبی تعداد جنگ ها کم اما مدت زمان آنها مثل جنگ ایران و عراق و یا جنگ ویتنام طولانی است. در حالی که در نظام های چند قطبی، عکس این قضیه وجود دارد یعنی تعداد جنگ ها زیاد اما مدت

زمان آنها کم می باشد.^(۱۵)

والتر همچنین یکی از نظریه پردازان مهم بازدارندگی است. در واقع موازنه قدرت در یک نظام دوقطبی برای وی نوعی از بازدارندگی به حساب می آید.^(۱۶) وی در مورد گسترش سلاح های هسته ای نیز از همین بحث استفاده کرده و بیان می کند که گسترش سلاح های

هسته ای در میان کشورهای جهان نمی بایست باعث نگرانی شود چرا که قدرت بازدارندگی آنها را در برابر یکدیگر بالا برده و امکان جنگ را در نظام بین الملل کاهش می دهد. چرا که داشتن سلاح اتمی برای همه کشورها به نوعی باعث ایجاد توازن قدرت در میان آنها شده و موجب گسترش صلح می شود. وی برای تأیید این ادعایش به دوران جنگ سرد اشاره می کند و این که داشتن سلاح اتمی برای دو ابرقدرت باعث نوعی بازدارندگی از وقوع جنگ میان آنها شد.^(۱۷)

والتر تغییر در نظام بین الملل را بر اثر جنگ و یا تغییر در ساختار قدرت می داند و معتقد است تا کنون تنها دو تغییر ساختاری در نظام بین الملل صورت گرفته است:

تکیه بر جنگ طلبی دولت های خاص با ایدئولوژی های خاص می باشد. و ساختار نظام بین الملل، که وقوع جنگ را بر مبنای خصوصیات آنارشی نظام بین الملل تبیین می کند.^(۱۸) اما والتز در کتاب بعدی خود یعنی نظریه سیاست بین الملل (۱۹۷۹)، دو تصویر اول و دوم را تقلیل گرایانه می داند، چرا که خصوصیات نظام را به خصوصیات واحد های تشکیل دهنده آن یعنی افراد و یا دولت ها فرو می کاهد. بنابراین والتز تنها توضیح قابل قبول برای علت جنگ در روابط بین الملل را توضیحی ساختاری و یا سیستمیک می داند.^(۱۹)

والتر همچنین در نظریه سیاست بین الملل خود معتقد است که ساختار نظام بین الملل از طریق جامعه پذیری کنش گران و رقابت میان آنها، نوعی شباهت رفتاری را در طول زمان برای آنها ایجاد می کند. بنابراین ساختار مستقل از خصوصیات واحدها و تعاملات میان آنها، رفتار آنها را تعیین می کند.^(۲۰) به نظر وی اصل سازمان دهنده نظام بین الملل، آنارشی است که این اصل به همراه توزیع نابرابر قدرت و توانمندی ها در یک محیط مبتنی بر خودیاری، همه دولت ها را به سوی تلاش برای کسب قدرت برای حصول به امنیت و بقا سوق می دهد. بنابراین والتز نتیجه می گیرد که میان دولت ها هیچ تمایز کارکردی وجود ندارد.^(۲۱)

از نظر والتز در محیط آنارشی نظام بین الملل و در نبود قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه از یک سو و توزیع نابرابر قدرت از سوی دیگر، جنگ امر اجتناب ناپذیری است و تنها چیزی که می تواند مانع از وقوع آن شود، موازنه قدرت و ائتلاف میان دولت هاست.^(۲۲) وی همچنین خاطر نشان می کند که وضعیت آنارشی شرایطی است که باعث تمایز سیستم های بین المللی از سیستم های سلسله مراتبی داخلی می شود و رفتار دولت ها را تعیین می کند.^(۲۳)

مولفه دیگری که برای والتز بسیار اهمیت دارد، توزیع قدرت در میان کنش گران نظام می باشد. به نظر وی اگر توزیع قدرت میان دو کنش گر بر قدرت باشد، چیزی که برای وی بسیار اهمیت دارد، نظام دو قطبی است و اگر قدرت های بزرگ متعددی وجود داشته باشند، نظام چند قطبی است. بنابراین رفتار کنش گران

نواقعی گرای و والتزی

بر خلاف واقع گرای

معتقد است؛ آنارشی و توزیع

توانمندی ها در سطح ساختار

نظام است که رفتار دولت ها

و سیاست خارجی شان را

مشخص می کند

واقع علت اصلی ایجاد این معمای امنیتی، عدم اطمینان میان دولت ها می باشد. به نظر واقع گرایان ساختاری، تمامی دولت ها در نظام آنارشیک بین الملل به دنبال امنیت فیزیکی و حفظ قلمرو خود از تجاوزات نیروهای خارجی می باشند.^(۲۲)

بخش دوم: بررسی ساختار نظام بین الملل در دوره پس از جنگ جهانی دوم

دوره ای که از سال ۱۹۴۵ یعنی پس از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی شوروی (۱۹۹۱) ادامه دارد به دوره جنگ سرد مشهور است. جنگ سرد را می توان به نبردی اساسی بین منافع و اندیشه ها تعریف کرد که تا حد یک جنگ کلاسیک پیش نمی رود.^(۲۳) شاخص روابط بین الملل در این دوره، محور مسکو - واشنگتن است که به عنوان سبیل روابط شرق و غرب در جهان دوقطبی، اساس تجزیه و تحلیل رویدادهای مهم بین المللی محسوب می شود. در واقع توزیع قدرت در این دوران میان دو قطب آمریکا و شوروی بوده و در درون هریک از این دو بلوک و یا اردوگاه ما شاهد پیمان ها و سازمان هایی هستیم که این تقسیم و توزیع قدرت را به صورت نهادینه در می آورد. به عنوان مثال، روابط اقتصادی جهان غرب در قالب طرح مارشال و سپس اتحاد نظامی این اردوگاه در قالب ناتو جهان سرمایه داری را در مقابل کمکون و پیمان ورشو در جهان شرق قرار می داد.^(۲۴) در واقع عامل اصلی بروز چنین جنگی در سال های بعد از جنگ جهانی دوم، سلاح اتمی بود که مانع از بروز یک جنگ گرم می شد. برای همین است که به عقیده بسیاری از نظریه پردازان هیچ گاه نمی بایست نقش سلاح اتمی را در بروز جنگ سرد از نظر دور داشت.^(۲۵)

از سوی دیگر دکتترین ترومن و طرح مارشال که هدفش مبارزه با کمونیسم، با استفاده از سلاح اقتصادی بود، نقطه عزیمت جهان به سوی دوقطبی شدن کامل و تعیین حوزه های نفوذ و ابرقدرت بود. زیرا کشورهایی که به طرح مارشال پاسخ مثبت می دادند وابستگی خود را به اردوگاه غرب ثابت کرده و در مقابل کشورهای که به این پیشنهاد پاسخ منفی می دادند وابستگی خود را به شوروی نشان می دادند.^(۲۶)

یکی تغییر سیستم چند قطبی به دو قطبی جنگ سرد و دوم تغییر از وضعیت دو قطبی جنگ سرد به وضعیت نامشخص و مبهم تک قطبی پس از آن.^(۲۸) وی سپس خاطرنشان می کند که در میان نظام های بین الملل، نظام تک قطبی از همه بی ثبات تر است و به ناچار واکنش هایی را از سوی کشورهای قدرتمند و ضعیف دیگر بر می انگیزد که در نهایت موجب بازگشت سیستم به حالت سنتی توازن قوا می شود، چرا که از نظر وی موازنه یک استراتژی برای بقاست.^(۲۹) در واقع والتز معتقد است که موازنه قوا شیوه مرسوم و قاعده حاکم برای شکل دادن به نظم بین المللی است و وضعیت تک قطبی اساساً استثنا محسوب می شود که برای مقطعی کوتاه مدت، وضعیت نظم جهانی را از حالت موازنه قوا خارج می سازد. چرا که نهایتاً با انجام اقدامات موازنه ساز، قدرت تک قطبی مهار شده و در صف دیگر قطب ها قرار می گیرد. برای همین است که وی برتری آمریکا بعد از جنگ سرد را ناپایدار می داند.^(۳۰)

هدلی بول معتقد است که توجه والتز به موازنه قدرت به عنوان یک ویژگی غیرارادی سیستم آنارشیک بین الملل است. به عبارت دیگر، موازنه قدرت برای والتز نتیجه غیرارادی سیستم بین الملل است و از تلاش دولت ها برای زنده ماندن و بقا در یک محیط آنارشیک ناشی می شود.^(۳۱)

یکی دیگر از نکات اساسی و مهم نظریه والتز مسأله معمای امنیتی است که از ذات آنارشیک نظام بین الملل حاصل می شود. طبق این معما در نظم آنارشیک اعمالی که یک دولت برای امنیت خود انجام می دهد امنیت دیگر دولت ها را به خطر اندازد که این خود می تواند به مسابقات تسلیحاتی، منازعه و یا جنگ منجر شود. در

به عقیده والتز، موازنه قوا
شیوه مرسوم و قاعده حاکم
برای شکل دادن به نظم
بین المللی است

سیاسی اغلب کشورهای جهان را شکل می داد. بعد از تبیین شرایط ساختار نظام بین الملل در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، در این قسمت لازم است جهت گیری ها و سیاست خارجی دو کشور ایران و عراق را در منطقه خاورمیانه، نسبت به دو بلوک شرق و غرب مورد بررسی قرار دهیم.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت مصدق، سیاست اتحاد و ائتلاف با غرب به ویژه آمریکا به عنوان یکی از دو ابرقدرت نظام بین الملل بر سیاست خارجی ایران حاکم شد که این سیاست، ایران را کاملاً در اردوگاه غرب قرار می داد. از نظر محمدرضا شاه

مهم ترین اصل در سیاست خارجی، امنیت و رهایی از خطر کمونیسم بود که این امر فقط و فقط از طریق اتحاد با غرب و آمریکا حاصل می شد. درواقع، محمدرضا شاه با توجه به تجارب ناموفق جهت گیری بی طرفی در طی دو جنگ جهانی و وضعیت سوق الجیشی کشور، سیاست اتحاد و ائتلاف با غرب را

انقلاب اسلامی ایران
سیاست خارجی این کشور
را که اتحاد و ائتلاف با غرب
بود، به سیاست عدم تعهد و
شعار نه شرقی - نه غربی
همسو با موازنه منفی
تغییر داد

منطقی ترین جهت گیری سیاست خارجی ایران تلقی می کرد.^(۳۰) از مهم ترین شاخص های این سیاست خارجی و وابستگی شاه به آمریکا و بلوک غرب را می توان این گونه برشمرد:

الف: حضور آمریکاییان در کنسرسیوم نفتی ۱۳۳۲، که آنها را برای اولین بار در نفت ایران شریک می کرد.^(۳۱)
ب: عضویت ایران در پیمان بغداد ۱۳۳۴، که پیمانی دفاعی برای جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه خاورمیانه بود.^(۳۲)

ج: انعقاد پیمان دوجانبه دفاعی - نظامی میان ایران و آمریکا بعد از وقوع انقلاب عراق در سال ۱۳۳۷.^(۳۳)
د: روابط گسترده اقتصادی و قراردادهای مختلف

از ویژگی های جنگ سرد می توان به عوامل زیر اشاره کرد: وجود دو یا چند ابرقدرت که توانایی های نظامی، اقتصادی و نفوذ بین المللی آنها هم طراز باشد. وجود دو ایدئولوژی رقیب که توسط هر یک از ابرقدرت ها و اقمار آنها نمایندگی می شود. وجود قابلیت های اقتصادی و اجتماعی در بلوک های رقیب که بتواند امکان تقابل هم طراز را به آنها بدهد و وجود نهاد های نظامی، اقتصادی و سیاسی بین المللی رقیب که بلوک بندی های بین المللی را تقویت کند.^(۳۴)

در واقع وجود سلاح اتمی به همراه توزیع قدرت در میان دو قطب، نوعی از موازنه قدرت در نظام بین الملل که خود را در قالب بازدارندگی نشان نمی دهد، به وجود آورد. بازدارندگی را پیش گیری کسی از انجام عملی به سبب ترس و وحشت و ترور و یا تهدید تعریف کرده اند. با این تعریف می توان کاملاً دریافت که بازدارندگی بیشتر دارای یک اثر روانی بر دشمن می باشد و او را از اندیشه حمله و یا شروع به جنگ باز می دارد. معمولاً در بازدارندگی، عمل متقابل و یا تلافی جویانه، نقش اساسی دارد. اگر بازدارندگی از طریق سلاح های سنتی و غیر هسته ای صورت گیرد، آن را بازدارندگی متعارف می گویند، اما اگر تهدید از طریق سلاح های هسته ای صورت گیرد، آن را بازدارندگی هسته ای می گویند، چیزی که در دوران جنگ سرد شاهد آن بودیم.^(۳۵)

بعد از بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ و خطر درگیری مستقیم و احتمال وقوع یک جنگ اتمی، برای اولین بار آمریکا و شوروی به این نتیجه رسیدند که امنیت دو ابرقدرت به امنیت جهان گره خورده است و این دو کشور باید برای کنترل بحران ها بکوشند. لذا مسئولیت حفظ صلح جهانی را بر عهده گرفته و به نوعی با یکدیگر همکاری و مداخلات کرده و نوعی از موازنه قدرت را در مناطق مختلف جهان به وجود آوردند.^(۳۶) این موازنه قدرت در خاورمیانه میان ایران، عربستان و سایر کشورهای سلطنتی از یک سو و مصر در زمان حکومت عبدالناصر و یا عراق بعد از کودتای ۱۳۳۷ و سایر کشورهای طرفدار شوروی از سوی دیگر برقرار شد. به این ترتیب رقابت دو ابرقدرت برای تسلط بر جهان در قالب جنگ سرد و تنش زدایی، تقریباً رفتار

بازرگانی با دولت آمریکا.

ه: تغییر سیاست های داخلی و خارجی ایران تحت تأثیر روی کار آمدن احزاب مختلف در آمریکا. به عنوان مثال با روی کار آمدن نیکسون در سال ۱۳۴۸ و با توجه به خارج شدن نیروهای انگلیسی از خلیج فارس و ایجاد خلاء قدرت در این منطقه، ایالات متحده به اعمال سیاست دو ستونی در منطقه خاورمیانه با محوریت ایران و عربستان پرداخت. در این راستا ایران به عنوان ستون نظامی و عربستان به عنوان ستون مالی این سیاست در نظر گرفته شدند. به این ترتیب، ایران به ژاندارم منطقه ای و حامی منافع آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد.^(۳۴)

واضح است که نزدیکی و سیاست اتحاد و ائتلاف ایران با بلوک غرب به رهبری آمریکا، تقابل و تیرگی روابط با بلوک شرق به رهبری شوروی را در پی داشته است. حتی در دوره هایی که سیاست تنش زدایی بر روابط ایالات متحده و شوروی حاکم بود، (تنش زدایی دوران کندی -

نحوه توزیع قدرت در
ساختار نظام بین الملل و
موازنه قدرت
همکاری جویانه میان دو
قطب، باعث شد تا جنگ
ایران و عراق به صورت یک
جنگ موازنه درآید

خروشچف)، سیاست کلی ایران در قبال شوروی شامل همکاری های بازرگانی و اقتصادی در کنار مقاومت سیاسی بود.^(۳۵)

در عراق هم با وقوع کودتای ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) عبدالکریم قاسم، سیاست خارجی این کشور دچار تغییرات اساسی شد و این کشور با خارج شدن از پیمان بغداد (۱۳۳۴) به شوروی نزدیک شد.^(۳۶)

انقلاب عراق موجب گردید که این کشور به صف کشورهای تندرو عرب بپیوندد، از پیمان بغداد خارج شود و دست حزب کمونیست را در داخل عراق باز بگذارد. از سوی دیگر به دنبال شکست مذاکرات ایران و شوروی درباره عهدنامه عدم تجاوز و تیرگی روابط دو

کشور، حکومت جدید در عراق بیش از پیش به مسکو متمایل شد.^(۳۷)

در واقع در این دوران، سیاست خارجی عراق مبتنی بر حفظ منافع ناسیونالیسم عربی و نزدیکی با شوروی طراحی شده بود و همین امر، در دهه ۱۹۷۰ روابط این کشور را با کشورهای کمونیستی گسترش داد. عراق به عنوان دومین کشور عربی، بعد از مصر در سال ۱۹۷۲ میلادی، قرارداد دوستی و همکاری با شوروی امضا کرد. بر اساس مواد هشت و نه این قرارداد، تعلیم و تجهیز ارتش عراق به مستشاران روسی واگذار شد و شوروی متقبل شد سالیانه کمک های نظامی به این کشور ارسال کند. بعد از انعقاد این قرارداد، عراق دارای بیشترین روابط با شوروی شد.^(۳۸)

به همان میزان که روابط عراق و شوروی به هم نزدیک تر می شد، ایران نیز خود را به آمریکا نزدیک تر می ساخت که نمونه آن را می توان در انعقاد قرارداد دوجانبه دفاعی - نظامی میان ایران و آمریکا در سال ۱۳۳۷ مشاهده کرد.^(۳۹) گرایش هر یک از این دو کشور به یکی از این دو بلوک قدرت باعث تیرگی هرچه بیشتر روابط میان آنها می شد. این تیرگی روابط پس از نزدیکی رسمی عراق و شوروی و امضاء پیمان ۱۵ ساله همکاری های سیاسی و اقتصادی در فروردین ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) رو به وخامت نهاد. در واقع این پیمان در اثر تصرف سه جزیره توسط ایران و ظهور این کشور به عنوان قدرت مسلط در منطقه خلیج فارس شتاب گرفته بود.^(۴۰) بنابراین کاملاً واضح است که جنگ قدرت میان ایران و عراق در منطقه، کاملاً به رقابت غیرمستقیم آمریکا و شوروی گره خورده بود.

همان گونه که گفته شد، ماهیت نظام دوقطبی روابط بین الملل و رقابت و یا همکاری ضمنی این دو قطب کاملاً تأثیری تعیین کننده بر روابط ایران و عراق داشت. به عنوان مثال با دیدار جرال د فورد رئیس جمهوری آمریکا و برژنف صدر هیئت رئیسه حزب کمونیست اتحاد شوروی در اول آذر ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) در ولادی وستک، آنها توافق کردند از شدت بحران در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه بکاهند. در این چارچوب، بحران روابط ایران و عراق نیز در جریان



کنفرانس سران عضو اوپک در سال ۱۳۵۳ در الجزیره با تلاش های بومدین و صدور اعلامیه الجزیره پایان یافت.^(۴۱) تا وقوع انقلاب در ایران در سال ۱۳۵۷، روابط ایران و عراق متأثر از این واقعه در یک آرامش نسبی به سر می برد.

بخش سوم: بررسی جنگ ایران و عراق از منظر نظریه ساختاری والتز

سه ادعای اصلی والتز در کتاب نظریه سیاست بین الملل عبارتند از:

الف: آنارشی وجه مشخص نظام بین الملل می باشد و توازن قدرت، بهترین تبیین کننده تثوریک را برای این پدیده فراهم می آورد.

ب: ماهیت سیاست بین الملل در یک نظام دوقطبی نسبت به یک نظام چندقطبی کاملاً متفاوت است چرا که ماهیت توازن قدرت در این دو نظام با یکدیگر کاملاً متفاوت می باشد.

ج: نظام بین الملل در یک سیستم دوقطبی بهتر از یک سیستم چندقطبی عمل می کند چرا که در یک نظام دوقطبی، یک توازن قدرت همکاری جویانه میان دو قطب وجود دارد.

وی برای تأیید این ادعایش به دوران جنگ سرد اشاره می کند و بیان می کند که در این دوران، شاهد همکاری تلویحی دو قطب در بسیاری از موارد در جهت ایجاد و حفظ توازن قدرت در مناطق مختلف هستیم.^(۴۲) در واقع، والتز با تمایز گذاردن میان دو نوع توازن قدرت تهاجمی و بی ثبات در مقابل توازن قدرت همکاری جویانه و مدیریت شده، بیان می کند که در یک نظام دوقطبی، شاهد یک توازن قدرت همکاری جویانه در میان دو قطب در مدیریت بحران ها و برقراری موازنه هستیم.^(۴۳) وی اشاره می کند که در طول جنگ سرد، مسکو و واشنگتن به طور رسمی حوزه های نفوذ یکدیگر

را به رسمیت شناخته بودند و در حوزه های حساس یا باعث شروع جنگ ها می شدند (ایران و عراق) و یا به جنگ ها پایان می دادند. از سوی دیگر علی رغم پنجاه سال دشمنی ایدئولوژیک، رقابت جهانی و بحران های پی در پی، برخوردی میان این دو قطب صورت نگرفت.^(۴۴) به نظریه دو توازن قدرت، محصول آنارشی است و هر دو رفتار دولت ها را محدود کرده و آن را شکل می دهند. اما در توازن قدرت چند قطبی، سطح عدم اطمینان و اعتماد و مشکلات مدیریتی وجود داشته و ما شاهد یک توازن قدرت بی ثبات و تهاجمی هستیم.^(۴۵) نظریه موازنه والتز بیان می کند که کشورهای بزرگ درون سیستم بین الملل مایل به بازگشت حالت موازنه در هر زمان که ممکن باشد، هستند.^(۴۶)

همان گونه که در بخش قبل نیز خاطر نشان کردیم، قبل از وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، آمریکا و شوروی به عنوان دو ابر قدرت مهم نظام بین الملل اصل توازن قوا را در میان کشورهای خلیج فارس پیاده کرده بودند که در این میان، آمریکا با تقویت ایران و شوروی با تقویت عراق، گام های عمده ای را در اجرای این سیاست برداشته بودند.^(۴۷)

اما وقوع انقلاب در ایران در سال ۱۳۵۷ باعث شد جمهوری اسلامی ایران خارج از حیطه نفوذ دو

گفتمان ارزش محور و آرمان گرایانه ای که برسیاست خارجی ایران حاکم شده بود و در شعار صدور انقلاب به شکلی رادیکال تفسیر شده بود، ایران را به یک قدرت تجدیدنظرطلب در نظام بین الملل تبدیل کرده بود. دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت که از طرفداران و عاملین اصلی این گفتمان است خاطر نشان می کند: «دولت اسلامی نه تنها موظف به تلاش و اقدام در جهت دگرگون ساختن پایه های روابط ظالمانه جهانی است، بلکه اساساً امنیت واقعی و حیاتی مطلوب در سایه این تغییر تأمین می شود.»^(۵۱)

این در حالی است که به نظر والتز، در نظام بین الملل دولت ها آزاد نیستند که هرگونه که خواستند رفتار کنند، چرا که آنها گرفتار محدودیت های ساختاری اند. هدف والتز این است که مشخص کند چگونه ساختار بر واحدهای در حال تعامل تأثیر می گذارد و آنها را محدود و یا مقذور می سازد.^(۵۲)

به طور کل سیاست موازنه منفی و تجدیدنظرطلبانه ای که بعد از انقلاب بر سیاست خارجی ایران حاکم شد، دو بلوک قدرت در نظام بین الملل را به این نتیجه رساند که بهترین جایی که انقلاب ایران می تواند صادر شود، کشور عراق است. چرا که عراق علاوه بر همسایگی با ایران دارای جمعیت شیعی قابل ملاحظه ای بود و سکونت آیت ا... خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب ایران از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۸ در نجف، جایی که شماری از رادیکال های مهم شیعه عراقی از جمله آیت ا... حکیم و محمد باقر صدر زندگی می کردند، می توانست این نفوذ را بیشتر کند. مسأله ای که وجود داشت این بود که آیا عراق با اکثریت شیعه تحت حکومت اقلیت سنی، می توانست از چنین ناآرامی هایی مصون باشد؟^(۵۳) اگر ایران و عراق به عنوان دو کشور دارای انرژی نفتی با یکدیگر متحد می شدند، می توانستند دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز به سمت خود جلب نمایند. این امر می توانست موازنه قدرت موجود در خاورمیانه را برهم بزند. بنابراین نحوه توزیع قدرت در ساختار نظام بین الملل (توزیع قدرت در میان دو قطب) و موازنه قدرت همکاری جویانه ای که میان این دو قطب، بر طبق گفته والتز، حاکم است

ابر قدرت عمل کرده و خواهان این باشد تا قدرت مستقلی در مناسبات منطقه ای و بین المللی به شمار آید. در واقع وقوع این انقلاب همراه با لغو پیمان سنتو و خروج ایران از آن و برهم ریختن استراتژی منطقه ای نیکسون و کیسینجر و همچنین خطر گسترش انقلاب به شوروی و عراق توازن میان شرق و غرب را در خاورمیانه برهم زد. به عبارت دیگر، به لحاظ نظری اساس نظم بین المللی را که پس از جنگ جهانی دوم و توسط دو ابر قدرت شکل گرفته بود زیر سوال برد.

انقلاب اسلامی ایران سیاست خارجی این کشور را از اتحاد و ائتلاف با غرب، به سیاست عدم تعهد و شعار نه شرقی - نه غربی همسو با موازنه منفی تغییر داد. رئیس دولت موقت، مهندس بازرگان، در زمینه سیاست نه شرقی - نه غربی می نویسد: «شعار نه شرقی - نه غربی در ابتدا مفهوم کاملاً دفاعی و ملی داشت. منظور از آن احراز استقلال همه جانبه در برابر بیگانگان و ابر قدرت ها و عدم اتکا به بلوک های شرق و غرب چه به لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی و چه به لحاظ اخذ و اقتباس ایدئولوژی از مکاتب مارکسیستی و کاپیتالیستی بود. بعد از پیروزی انقلاب و از اواخر دولت موقت، شعار فوق علاوه بر جنبه تعرض سیاسی، حالت غرب زدایی پیدا کرد.»^(۴۸)

برخی از شاخص های سیاست عدم تعهد و یا موازنه منفی دولت موقت عبارت بودند از:

الف: خارج کردن ایران از پیمان مرکزی سنتو؛

ب: لغو پیمان دفاعی ایران و ایالات متحده، که انعقاد آن به ۱۵ اسفند ۱۳۳۸ باز می گشت؛

ج: ملغی کردن مواد ۵ و ۶ معاهده ۱۹۲۱ ایران با اتحاد شوروی.^(۴۹)

انقلاب اسلامی به همراه حاکم شدن گفتمان آرمان گرایانه و ارزش محور بر سیاست خارجی ایران و همچنین طرح شعار صدور انقلاب از سوی این کشور، نگرانی هایی را برای هر دو ابر قدرت نظام بین الملل به وجود آورد. در واقع هم ایالات متحده و هم اتحاد شوروی مایل بودند تا جلوی این انقلاب را که از نظر آنها مایه بی ثباتی و برهم زنده توازن موجود در نظام بین الملل و در منطقه خاورمیانه بود، بگیرند.^(۵۰)

بدین ترتیب شوری از خطر احتمالی اسلام گرایان در امان بماند.^(۵۹)

همان گونه که قبلاً هم ذکر شد، در جنگ ایران و عراق که در یک محیط دوقطبی قدرت در نظام بین الملل به وقوع پیوست، کاملاً می توان همکاری ضمنی و همراهی دو قطب با یکدیگر را مشاهده کرد. چرا که طبق گفته والتز در یک نظام دوقطبی یک نوع توازن قدرت همکاری جویانه در حل بحران ها و یا اقداماتی در جهت ایجاد توازن در نظام بین الملل، میان دو قطب وجود دارد. به طور کل در مورد جنگ ایران و عراق استراتژی دو قطب در منطقه شامل حمایت از عراق و برقراری توازن در جنگ بود.^(۶۰)

پس از آغاز جنگ،

هنری کسینجر، سیاست

آمریکا را تحت عنوان جنگ

بدون برنده تبیین کرد و این

راهبرد تا پایان جنگ ایران و

عراق بر سیاست های آمریکا

حاکم بود

وقوع انقلاب اسلامی اگرچه برای روس ها از این نظر خوشایند بود که موجب کاهش نفوذ آمریکا در مرزهای جنوبی این کشور شده بود، اما این انقلاب برای این کشور به خاطر ماهیت ایدئولوژیکی آن خیلی خوشایند نبود. چرا که ایران به موازات برخورد با نفوذ آمریکا از میزان

نفوذ این کشور نیز می کاست. در واقع انقلاب اسلامی بر بیداری مسلمانان جمهوری های شوروی تأثیر می گذاشت و این امر کاملاً به ضرر شوروی بود. تثبیت انقلاب در ایران همچنین می توانست موقعیت شوروی در افغانستان را نیز تحت تأثیر قرار دهد و این کشور را به مشکل دچار نماید.^(۶۱)

بر اساس پیمان دوستی ۱۵ ساله ای که میان دو کشور عراق و شوروی در سال ۱۹۷۲ امضاء شده بود، شوروی تأمین کننده اصلی سلاح های عراق و همچنین کارشناسان نظامی مورد نیاز این کشور بود و هیچ گاه این کمک ها را تحت الشعاع چرخش سیاست های بغداد قرار نداد.^(۶۲) این کشور علاوه بر ارسال اسلحه به عراق با ارزیابی

باعث می شود تا جنگ ایران و عراق به صورت یک جنگ موازنه در آید. در این جنگ موازنه، ما شاهد همکاری دو قطب برای حفظ موازنه میان ایران و عراق هستیم.^(۵۲)

ویژگی های جنگ موازنه عبارت اند از:

الف: جنگی که برنده ندارد: در این رابطه لازم به ذکر است که تنها هفت روز پس از آغاز جنگ، هنری کسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا، سیاست این کشور را تحت عنوان جنگ بدون برنده تبیین کرد و این راهبرد تا پایان جنگ ایران و عراق بر سیاست های آمریکا حاکم بود.^(۵۵)

ب: محدود است و به محض این که موازنه برقرار شد، اهداف جنگ هم برآورده می شود.

ج: نیاز به یک عامل موازنه دهنده است تا موازنه را برقرار کند.^(۵۶)

همان گونه که خاطر نشان کردیم در نظریه والتز قدرت از آن ساختار بوده و این قدرت ساختار است که کنش گران را قادر و یا محدود می سازد. این ساختار و نوع توزیع قدرت در آن است که باعث می شود کنش گران وارد اتحاد و ائتلاف با یکدیگر و یا وارد جنگ با هم شوند.^(۵۷) بنابراین در وقوع جنگ ایران و عراق از منظر نظریه والتز می بایست به تمایل و نقش دو ابر قدرت آمریکا و شوروی در وقوع و یا حتی خاتمه آن توجه داشت. چرا که این نظریه کاملاً محیط داخلی دولت ها و انگیزه های رهبران را به عنوان متغیرهای رفتار و سیاست خارجی آنها نادیده گرفته و فقط به نقش ساختار می پردازد.^(۵۸)

از منظر ساختار نظام بین الملل، تجاوز عراق به ایران علاوه بر ایجاد موازنه در منطقه و در سطح جهان می توانست مزایای زیر را به دنبال داشته باشد:

الف: فشارهای سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ می توانست به فروکش کردن احساسات انقلابی مردم ایران کمک کند.

ب: پیامدهای جنگ، ایران را متقاعد می کرد که برای تأمین نیازمندی های خود به ویژه نیازهای نظامی و تسلیحاتی به آمریکا روی بیاورد.

ج: وقوع جنگ باعث می شد ایران به دلیل تحمل تلفات و خسارات اقتصادی از صدور انقلاب باز مانده و

بنابراین اگرچه هم ایالات متحده آمریکا و هم شوروی در آغاز جنگ اعلام بی طرفی کردند، اما کاملاً سیاست های خود را به نفع عراق به خصوص در دوران بعد از فتح خرمشهر توسط ایران، طراحی نمودند تا بتوانند بدین وسیله توازن قدرت را بار دیگر بر منطقه خاورمیانه حاکم نمایند. این همکاری ضمنی و تلویحی کاملاً با گفته والتز که معتقد است نظام های دو قطبی بیشتر از نظام های چند قطبی بر همزیستی رقابت هرژمونیک با موازنه توانایی های نظامی تاکید دارند، منطبق می باشد.^(۶۷)

نتیجه گیری

والتز، متفکر و نظریه پرداز نظریه واقع گرایی ساختاری روابط بین الملل، معتقد است که ساختار نظام بین الملل به همراه نوع توزیع قدرت در آن شکل دهنده اصلی سیاست بین الملل بوده و خود را بر واحدها تحمیل می کند. در واقع والتز با متمایز ساختن روابط علی در سطح ساختار از روابط علی موجود در سطح واحدها، اعلام می کند که ساختار نظام بین الملل نه تنها بر رفتار دولت ها تأثیر می گذارد، بلکه از طریق تحمیل محدودیت هایی بر آنها مناسبات بین المللی را شکل می دهد.^(۶۸) از سوی دیگر، شیوه توزیع قدرت در نظام بین الملل بر رفتار دولت ها بسیار تأثیرگذار است. برای مثال همان گونه که مشاهده کردیم توزیع قدرت به شکل دوقطبی در دوران جنگ سرد به همراه رقابت استراتژیک میان آمریکا و شوروی در منطقه خاورمیانه باعث شده بود تا هرگونه منازعه در این منطقه از جمله جنگ میان ایران و عراق تحت تأثیر این توزیع قدرت و موازنه همراهان باشد.

با سقوط شاه ایران، ستون نظامی ساختار امنیتی متمایل به غرب منطقه فروپاشید و منطقه خلیج فارس با بحران خلاء قدرت طرفدار غرب مواجه گردید و موازنه قوا در میان کشورهای منطقه و در سطح دو ابر قدرت بر هم خورد. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی ایران را می توان از دید نظریه ساختاری والتز یک بحران و یک ضربه شدید به سیستم توازن قوای خاورمیانه دید که تعادل سیستم و توازن قوای میان دو ابر قدرت و متحدان آنها را بر هم زده بود.

ضعف های ساختاری ارتش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله، در توسعه نیروهای مسلح و طرح ریزی استراتژی های تهاجمی آن نیز نقش فعالی داشت. به گفته بسیاری از تحلیل گران، کمک های شوروی به عراق تأثیر سرنوشت سازی بر روند تحولات جنگ داشت.^(۶۹) روزنامه الخلیج چاپ شارجه در این باره نوشت: «بنا به گزارش های موثق، تمامی نیازهای نظامی عراق از طرف کشورهای دوست مسکو با آگاهی و سازماندهی شوروی به عراق می رسد.»^(۷۰) در واقع دولت شوروی نیز به مانند ایالات متحده هیچ علاقه ای به پیروزی ایران در این جنگ نداشت، چرا که انقلاب ایران به همان اندازه که ضد آمریکایی بود، ضد شوروی هم بود. بنابراین وقوع این انقلاب نه تنها توازن موجود در منطقه را بر هم ریخته بود، بلکه صدور آن به عراق و جابجایی قدرت در این کشور توسط یک رژیم مستقل مذهبی می توانست عراق را از حلقه طرفداران مسکو خارج کند.

ایالات متحده آمریکا نیز همسو با سیاست های شوروی نقش فعالی را در حمایت از عراق در این جنگ بازی می کرد. در این زمینه، روزنامه واشنگتن پست درباره استراتژی آمریکا پس از شروع جنگ نوشت: «کارتی قصد دارد رژیم آیت الله خمینی را تا انجام انتخابات ریاست جمهوری سرنگون سازد و یک رژیم متمایل به آمریکا را سر کار آورد.»^(۷۱) در همین رابطه ویلیام کولبی، مدیر اسبق سازمان سیا، می گوید: «پیروزی ایران منافع اقتصادی و سیاسی ایالات متحده را در منطقه به خطر خواهد انداخت. به نفع آمریکا، دنیای غرب و حتی اتحاد شوروی است که عراق به گونه ای موفقیت آمیز در مقابل حملات ایران مقاومت کند، تا توازن در منطقه بار دیگر حاکم شود.»^(۷۲)

در جنگ ایران و عراق
که در یک محیط دوقطبی
قدرت در نظام بین الملل به
وقوع پیوست، کاملاً می توان
همکاری ضمنی و همراهی
دو قطب با یکدیگر را
مشاهده کرد

- Realism Expanding the Institutions Debate", **International Studies Review**, Vol. 41, No 1, (1997) pp 1 - 32.
7. Kenneth Waltz, **Man, the State, and War**, New York: Columbia University Press, 1964, pp. 48 - 49.
8. Kenneth Waltz, **Theory of International Politics**, New York: Random House, 1979, pp. 71 - 72.
9. Martin Griffiths, **Fifty Key Thinkers in International Relation**, London: Routledge, 1999, p. 82.
10. Elman, **Op. Cit.**, p. 15.
۱۱. ابو محمد عسکرخانی، **رژیم های بین المللی**، تهران: ابرار، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹.
12. Simon Collard - Wexler, "Integration Under Anarchy: Neorealism and the European Union", **European Journal of International Relations**, Vol. 12, pp. 397 - 432, (2006), p401.
13. Waltz, **Op.Cit.**, pp82 - 84.
14. Griffiths, **Op.Cit.**, p 90.
۱۵. عسکرخانی، **پیشین**، ص ۴۴.
16. Frank C, "Foundations of Deterrence Theory Reconciling with Deterrence: A Re - Examination of the Logical Rationality", **Journal of Theoretical Politics**, Vol. 16 (2004). pp 106 - 130.
۱۷. مناظره والتز و سیگن در مورد برنامه هسته ای ایران و تأثیر آن بر ثبات نظام بین الملل، مترجم: اصلا ن قودچانی و عطا بهرامی. **هفته نامه آتیه**، ش ۶۵۲، اسفند ۱۳۸۶، ص ۳.
18. Kenneth Waltz, "Realism and the Theory of Neorealism", **Journal of International Affairs**; in link later, 1990, pp54 - 55.
۱۹. کنت والتز، **"واقع گرایی ساختاری پس از جنگ سرد"**، ایکنبری، جی جان، **هژمونی آمریکا در قرن ۲۱**، مترجم: عظیم فضلی پور، تهران: ابرار، ۱۳۸۲، ص ۲۱.
20. William Wolforth, "The stability of a Unipolar World", **International Security**, Vol. 24, No 1, (Summer 1999), pp 5 - 47.
21. Richard Little, **Balance of Power**, (London: Routledge, 2007), p40.
- از سوی دیگر از دید نظریه والتز از آنجا که خود ساختار به عنوان مهم ترین شکل دهنده و تعیین کننده رفتار خارجی دولت ها دستخوش تغییر نگشته بود، سیاست خارجی ایران نیز به رغم تغییر حکومت، لزوماً نباید تغییر می کرد. به عبارت دیگر، بر اساس منطق نظام دوقطبی و جنگ سرد، ایران باید همچنان خود را با یکی از دو ابر قدرت متحد می ساخت. چرا که شرایط خودیاری که نظام دوقطبی موجد گشته بود مستلزم آن بود که کشورها در منطقه ای همچون خاورمیانه در یکی از دو بلوک شرق و یا غرب در آیند. اما جمهوری اسلامی ایران با اعلام سیاست نه شرقی - نه غربی، بر حفظ استقلال و آزادی خویش در نظام بین الملل تلاش داشت.
- کلام آخر این که از منظر نظریه والتز، علت وقوع جنگ ایران و عراق را می بایست در انقلابی دانست که توازن قدرت موجود در ساختار نظام بین الملل را به چالش کشید و باعث شد تا ساختار نیز با استفاده از مکانیزم موازنه قدرت همکاری جویانه ای که میان دوقطب در حل بحران ها وجود داشت، با ایجاد یک جنگ موازنه، از خود واکنش نشان دهد.

یادداشت ها:

۱. داوود آقایی، **ایران و سازمان های بین المللی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰.
2. Colin Elman, "Realism in Griffiths", Martin, **International Relation Theory for the Twenty - First Century**, New York: Rutledge, 2007, pp. 12 - 13.
۳. تیم دان و براین سی اشمیت، **"رئالیزم، در جان بلیس و استیو اسمیت، جهانی شدن سیاست"**، مترجم: ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۴، ص ۵۷.
4. R. B. J. Walker, **Inside / outside: International Relation as political Theory**, Cambridge: Cambridge university press, 1993, p42.
5. Kenneth Waltz, "Realism and the Theory of Neorealism", **Journal of International Affairs**; in link later.1990, pp 23 - 25.
6. Randall Schweller and David Priess, "A Tale of Two

- ص ۹۳.
۴۹. روح... رضائی، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مترجم: علی رضا طیب، تهران: نشرنی، ۱۳۸۰، ص ۶۵.
50. R.K Ramazani, **Revolutionary Iran: Challenge and Response in the Middle East**, The John Hopkins University press, 1986, p176.
۵۱. علی اکبر ولایتی، سرآغاز، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۱، (۱۳۶۵)، ص ۳.
52. Schweller, **Op.Cit**, p 30.
۵۳. فیلیپ رابینز، عراق: "تهدیدهای انقلابی و پاسخ های رژیم"، در مجموعه انقلاب ایران و بازتأپ جهانی آن، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۲، ص ۹۳.
۵۴. قاسم شعله سعدی، مباحث کلاس در درس سیاست بین الملل در مقطع کارشناسی ارشد، (۱۳۸۵).
۵۵. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶.
۵۶. شعله سعدی، پیشین.
57. Griffiths, **Op.Cit**, p 63.
58. Elman, **Op.Cit**, pp 19 - 20.
۵۹. درویشی، پیشین، ص ۵۵-۵۶.
۶۰. حسین یکتا، مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰.
۶۱. منوچهر محمدی، علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی: یک بررسی همه جانبه، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، ص ۱۱.
۶۲. مجید مختاری، تجزیه و تحلیل مقطع زمینه سازی جنگ ایران و عراق، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، (۱۳۷۳)، ص ۱۰۸.
۶۳. درودیان، پیشین، ص ۲۴.
۶۴. حسین اردستانی، جنگ ایران و عراق: رویارویی استراتژی ها، تهران: سپاه پاسداران، ۱۳۷۸، ص ۹۳.
۶۵. همان، ص ۹۰.
66. William E Colby , **Washington Post**, 26 November. (1986), p 32.
67. Schweller, **Op.Cit**, p 30.
68. Little, **Op.Cit**, p 216.
22. Jennifer Mitzen, "Ontological Security in World Politics", **European Journal of International Relation**, Vol. 12, (2006), pp 367 - 368.
23. Claude Delmas, **Armament Nuclearies**, Paris: Flommoron, 1971, p21.
۲۴. احمد نقیب زاده، تحولات روابط بین الملل از کنگره وین تا به امروز، تهران: قومس، ۱۳۷۸، ص ۲۴۴.
۲۵. همان، ۲۴۴.
۲۶. همان، ۲۴۸.
27. Kenneth Waltz, "Realist thought and Neorealist Theory" , **Journal of International Affairs**, No 44 , (1990) , pp 21 - 37.
۲۸. عسکرخانی، پیشین، ص ۱۰۵.
۲۹. نقیب زاده، پیشین، ص ۲۵۹.
۳۰. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۱، ص ۴۱.
۳۱. همان، ص ۱۹۴.
۳۲. همان، ص ۳۳۲.
۳۳. همان، ص ۲۵۸.
۳۴. هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۶، ص ۳۸۸.
۳۵. همان، ص ۳۶۲.
۳۶. ازغندی، پیشین، ص ۲۷۴.
۳۷. مهدوی، پیشین، ص ۲۵۸.
۳۸. فرهاد درویشی، ریشه های تهاجم عراق به ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۵۰.
۳۹. ازغندی، پیشین، ص ۲۸۵.
۴۰. همان، ص ۴۰۶.
۴۱. همان، ص ۴۰۸.
42. Little, **Op. Cit**, p 214.
43. **Ibid**, 167.
44. Schweller, **Op.Cit**, p 30.
45. Little, **Op.Cit**, p 214.
۴۶. والتز، پیشین، ص ۱۰۳.
۴۷. غلامرضا ثانی نژاد، ریشه های تهاجم عراق به ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، ص ۲۱۸.
۴۸. مهدی بازگان، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: مظاهر، ۱۳۶۳.



فرودگاه ها و تأسیسات نظامی، اقتصادی و دریایی ایران نیز در شهرهای مختلف مورد هدف قرار گرفتند. این جنگ که به مدت هشت سال ادامه داشت، خسارت های انسانی و مالی زیادی به هر دو طرف منازعه وارد نمود و در نهایت در مرداد ماه سال ۱۳۶۷ با قطعنامه ۵۹۸ پایان یافت.

جنگ عراق علیه ایران در پی مجموعه ای از عوامل زمینه ساز و مناقشه های فزاینده سیاسی - نظامی دو کشور آغاز شد. درخصوص

اینکه چه علل و عواملی موجب بروز این پدیده شد، و یا اینکه سازمان ملل متحد و در رأس آن شورای امنیت چه موضعی در قبال آن اختیار کردند، در جاهای دیگر تا حدودی مورد بررسی قرار گرفته است.^(۱) آنچه که در اینجا به آن پرداخته می شود، بررسی جنگ ایران و عراق از منظر رژیم های بین المللی است. اهمیت این بررسی در این است که نظریه رژیم های بین المللی یکی از نظریات مرتبط با همکاری، نظم و ثبات در نظام بین الملل است. به عبارت دیگر، رژیم های بین المللی نماینده تلاش در داخل نظام بین الملل برای بسط ترتیبات همکاری از طریق رسمی و غیررسمی است.^(۲) بنابراین، پرسشی که در اینجا مطرح می شود، این است که جنگ ایران و عراق که نظم و ثبات نظام بین الملل را نقض نمود، چگونه از منظر رژیم های بین المللی قابل تجزیه و تحلیل است. به عبارت دیگر، سؤال این است که جنگ ایران و عراق کدام یک از رژیم های بین المللی را نقض نمود و کارگزاران اصلی آن رژیم ها چه موضعی در قبال آن اتخاذ و چه اقداماتی به انجام رساندند؟

فرضیه ای که دنبال می شود، این است که جنگ ایران و عراق به شدت اعتبار رژیم های بین المللی را به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد نظم و ثبات در نظام بین الملل به چالش کشید. به عبارت دیگر، بر یک مبنای

واقع گرایانه، نویسنده اعتقاد دارد که در دوره مورد بررسی، رژیم های بین المللی تحت سیطره قدرت های بزرگ بوده و از یک نهاد اجرایی مستقل و کارآمد جهت تحقق اهداف رژیم برخوردار نبوده اند. اما قبل از اثبات این مدعا، ضروریست در ابتدا ادبیات رژیم های بین المللی مورد بررسی قرار گیرد و رژیم های مرتبط با "جنگ ها" یا به عبارتی "برخورد مسلحانه" معرفی شوند. در ادامه به جنگ ایران و عراق و نقض فاحش و صریح رژیم های بین المللی اشاره می شود.

۱. نظریه رژیم های بین المللی

نظریه رژیم های بین المللی از اواسط دهه ۱۹۷۰ م. (یعنی حدود پنج سال قبل از بروز جنگ ایران و عراق) به ادبیات روابط بین الملل وارد شد و از آن پس (بویژه با فروپاشی نظام دو قطبی) در حوزه های موضوعی مختلف، مورد توجه نظریه پردازان روابط بین الملل از هر دو نحله لیبرالیست ها و واقع گرایان قرار گرفت. به نحوی که امروز رژیم ها در تمام مسایل مطروحه در نظام بین الملل مفهوم پیدا کرده اند و تعداد روزافزونی از رژیم های جهانی شکل گرفته اند: از جمله در زمینه های اقتصادی، امنیتی، زیست محیطی، حقوق بشر، برخورد مسلحانه، کنترل تسلیحات، منابع زیرزمینی، هوانوردی، اقیانوس ها، دریاها و غیره.^(۳)

البته افراد دیگری نیز هستند که آغاز سیاست‌های تشنج‌زدایی و از دست رفتن جایگاه هژمونیک ایالات متحده در نظام بین‌الملل و آگاهی روزافزون درباره مسائل زیست محیطی را عامل اصلی شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی می‌دانند.^(۸)

در خصوص نقش و کارکرد رژیم‌ها نیز "واقع‌گرایان" و "نهادگرایان لیبرال" رویکردهای متفاوتی برای تحلیل رژیم‌ها تدوین کرده‌اند. در حالیکه توجه واقع‌گرایی به نقش قدرت در ایجاد و حفظ رژیم‌ها و اینکه ممکن است چه پیامدهایی برای توزیع قدرت در نظام بین‌الملل داشته باشد، معطوف است؛ نهادگرایان لیبرال اعتقاد دارند

**رژیم‌های بین‌المللی،
محصول تلاش نهادین
بازیگران نظام بین‌الملل
جهت به قاعده درآوردن
امور بین‌الملل با نزدیک
کردن انتظارات و توقعات
بازیگران است**

رژیم‌ها متغیرهایی بین قدرت و دستاورد بوده و می‌توانند بر رفتار بین‌المللی بازیگران تأثیر بگذارند. اینان معتقدند که رژیم‌ها جدا از قدرت نیستند ولی با گذشت زمان، مؤسسين رژیم قادر به کنترل کامل رژیم‌ها نخواهند بود و رژیم‌ها به استقلال نزدیک می‌شوند اگر چه هرگز به استقلال کامل

نخواهند رسید. به اعتقاد واقع‌گرایان، دولت‌ها در شرایطی که به هماهنگی نیاز دارند، توانمندی و قدرت خود را به کار می‌گیرند تا بر ماهیت رژیم‌ها تأثیر بگذارند. آنها رژیم‌ها را به عنوان یک متغیر وابسته به قدرت تلقی می‌نمایند، هیچ نقشی برای رژیم‌ها قائل نیستند و رژیم‌ها را آلت دست قدرت‌های بزرگ می‌دانند. در واقع، این قدرت‌های بزرگ هستند که این قواعد را می‌نویسند.

در حالی که نهادگرایان لیبرال معتقدند رژیم‌ها به دولت‌ها اجازه می‌دهند تا بر موانع موجود بر سر راه همکاری فائق آیند. موانعی که ساختار هرج و مرج آمیز نظام بین‌الملل ایجاد می‌کند. در این میان، نئولیبرال‌ها یا

علیرغم گستردگی و تنوع رژیم‌های بین‌المللی در جهان امروز، در خصوص ماهیت، تعریف، خاستگاه، ریشه‌های شکل‌گیری و نقش و تأثیرات آنها در نظام بین‌الملل آنا‌رشی، اتفاق نظر چندانی میان اندیشمندان حاصل نشده است. بسیاری رژیم‌ها را به عنوان قواعد، اصول، رویه و یا هنجار تعریف می‌کنند. حال آن‌که عده‌ای دیگر تمایل دارند رژیم‌ها را به عنوان قرارداد معرفی کنند.^(۹) برخی دیگر نیز آن را به مثابه سازمان‌های بین‌المللی و یا نوعی فرایند تصمیم‌گیری تلقی می‌نمایند.^(۱۰)

شاید بهترین تعریفی که از رژیم‌های بین‌المللی ارائه شده، تعریف "استفان کراسنر" باشد که رژیم را مجموعه‌ای از اصول، قواعد صریح و یا ضمنی، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری می‌داند که به واسطه آنها توقعات بازیگران در حوزه‌های معینی از روابط بین‌الملل به یکدیگر نزدیک شده و برآورده می‌شود. در این تعریف، اصول در ارتباط با اهداف یا باورهای در مورد واقعیات، علیّت و عمل صحیح می‌باشد. هنجارها معیارهای کلی رفتار هستند که بر اساس حقوق و تکالیف تعریف شده‌اند. قواعد، بیانگر تجویزها و تحریم‌های عملی مشخص‌اند و به عبارتی رابطه بین اهداف و رفتار را مشخص می‌کنند. رویه‌های تصمیم‌گیری نیز مشتمل بر روش‌های رایج برای اتخاذ یا اجرای انتخاب‌های دسته‌جمعی می‌باشند.^(۱۱)

در خصوص خاستگاه و ریشه‌های شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی نیز اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. برخی رژیم‌های بین‌المللی را ادامه بحث "نهادگرایی لیبرال" می‌دانند که به شکل "نهادگرایی نئولیبرال" و یا "ساختارگرایی تعدیل شده" ظاهر شده است. به اعتقاد جوزف نای، رژیم‌های بین‌المللی می‌کوشند در چارچوب ساختار فاقد مرجع فائقه نظام بین‌الملل کنونی، فرایند وابستگی متقابل را به نظم درآورند.^(۱۲) در مقابل، نظریه دیگری وجود دارد که بیشتر متعلق به اردوگاه "واقع‌گرایان" است و رژیم‌های بین‌المللی را در ارتباط با رفتارهای خارجی دولت ایالات متحده می‌داند. به زعم این افراد، نقش خاصی که این کشور به عنوان قدرت هژمون بعد از جنگ جهانی دوم ایفا نمود، زمینه ساز شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی بوده است.

علاوه براین، رژیم ها را می توان بر مبنای رسمی بودن توافقات اولیه و میزان توقعاتی که جهت رعایت آنها وجود دارد، به رژیم های تمام عیار، ضمنی و بی اعتبار طبقه بندی نمود. "اوران یانگ" در یک تقسیم بندی که از رژیم های بین المللی ارائه می دهد، رژیم ها را به قراردادی، تحمیلی، مذاکره ای، قهری، ارادی، مشروع، مطلوب، نیک نهاد و بدنهاد تقسیم می کند.^(۱۲) "دوئرتی" و "فالتزگراف" نیز در این خصوص توضیحات خوبی ارائه داده اند. به اعتقاد آنها ممکن است رژیم ها از حیث ماهیت، رسمی یا غیررسمی باشند. رژیم های رسمی ممکن است حاصل قانون گذاری سازمان های بین المللی و دارای شوراها و ساختارهای دیوانی باشند. اما رژیم های غیررسمی ممکن است بر پایه تصور منافع مشترکی استوار باشند که تشریک مساعی، عامل اصلی شکل گیری آن بوده اند. در نازل ترین سطح، اشتراک منافع نیازمند قواعد پذیرفته شده ای برای همکاری در جهت تحصیل اهداف معین و امتناع از انجام برخی اقدامات است. اما رژیم ها همان طور که ممکن است بر پایه نفعی مشترک استوار باشند، ممکن است محصول آنچه ارنست هاس "انزجار مشترک" می خواند نیز باشند. در این گونه رژیم ها، بازیگران نه بر یک نتیجه مرجع برای همه، بلکه بر نتیجه ای که همه مایل به پرهیز از آن هستند توافق می کنند؛ این گونه رژیم ها صرفاً به هماهنگی سیاست ها نیازمند هستند.^(۱۳)

رژیم های بین المللی گاه خود را در قالب سازمان ها و نهادهای جهانی، مانند سازمان تجارت جهانی، سازمان بین المللی انرژی اتمی و سازمان هوانوردی

ساختارگرایان تعدیلی نیز رژیم ها را متغیر دخیل و یا میانی می دانند. رژیم ها ابتدا مانند بذر توسط دهقان کاشته می شوند و در ابتدا مانند گیاهان، موجودات ضعیفی هستند اما با گذشت زمان به درختان تنومندی تبدیل می شوند و برای خود رویه ایجاد می کنند. آنها رژیم ها را به عنوان سازوکارهایی تلقی می کنند که با کاهش عدم اطمینان^۱، دستیابی به نتایج خوش بینانه را تسهیل می کند.^(۹)

به غیر از دو مکتب فوق که امروزه تحت عنوان جریان اصلی روابط بین الملل شناخته می شوند، در دو دهه اخیر نظریه پردازان دیگری در عرصه روابط

بین الملل ظهور پیدا

کرده اند که به

"شناخت گرایان" یا

"تأویل گرایان" شهرت

یافته اند. توجه آنها به این

حقیقت معطوف است

که رژیم ها اساساً

موجودیتی اجتماعی

هستند. از این رو،

هنجارها، هویت ها و

گفتمان ها در

شکل گیری رژیم ها مهم

هستند و به نوبه خود،

رژیم ها را تحت تأثیر

قرار می دهند.^(۱۰) برای تقریب به ذهن، دیدگاه های هر

کدام از این مکاتب در جدول زیر به طور مختصر مورد

اشاره قرار گرفته است.

یکی از رژیم های مؤثر در
جلوگیری از بروز برخورد
مسلحانه بین دولت ها،
حل و فصل اختلافات در
چارچوب معاهدات و
قراردادهای دوجانبه و
چندجانبه است

دیدگاه واقع گرایان، نئولیبرالیست ها و شناخت گرایان در خصوص رژیم های بین المللی^(۱۱)

شناخت گرایی	نئولیبرالیزم	واقع گرایی	xxx
شناخت (دانش)	منافع	قدرت	متغیر اصلی
جامعه شناسانه	خردگرایی	خردگرایی	جهت گیری فرائظری
بازیگر نقش	بیشینه سازی دستاورد مطلق	جستجوی دستاورد نسبی	مدل رفتاری
قوی	ضعیف	ضعیف	نهادی شدن

1. uncertainty

۱-۲) رژیم بین المللی حاکم بر معاهدات

یکی از رژیم های مؤثر در جلوگیری از بروز جنگ و برخورد مسلحانه بین دولت ها، حل و فصل اختلافات در چارچوب معاهدات و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه است. "معاهده" یا "قرارداد" نوعی توافق بین المللی است که بین دو یا چند کشور به امضا رسیده و طرفین بر طبق حقوق بین الملل، حقوق و تکالیفی را برای خود تعیین می کنند. طبق بند الف از ماده دوم کنوانسیون وین ۱۹۶۹، "معاهده" عبارت از توافق بین المللی است که بین کشورها به صورت کتبی منعقد گردیده و مشمول حقوق بین الملل باشد. صرف نظر از عنوان آن، خواه در یک

سند واحد و خواه در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد. به طور کلی معاهدات را به دو گونه عام و خاص تقسیم می کنند. معاهدات عام شامل تعداد نسبتاً زیادی از دولت ها و معاهدات خاص بین دو یا چند کشور منعقد می شود. معاهدات همچنین به معاهدات قانونی و

یکی دیگر از رژیم های بین المللی برای جلوگیری از برخورد مسلحانه دولت ها، رژیم بین المللی "منع توسل به زور" و "حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات" است

معاهدات قراردادی تقسیم می شوند معاهدات عمده ترین وسیله همکاری بین دولت ها در عرصه بین المللی است که دولت ها به وسیله آن به طور آگاهانه و داوطلبانه قواعد الزام آور وضع می کنند.^(۱۵)

نظر به اهمیت این موضوع و نقش معاهدات در مناسبات میان کشورها، کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل در صدد تدوین قواعد و مقرراتی تحت عنوان "حقوق معاهدات" برآمد. تا پیش از سال ۱۹۶۹ حقوق معاهدات عمدتاً از قواعد عرفی حقوق بین الملل تشکیل می شد. اما از سال ۱۹۴۹ این موضوع به طور جدی در دستور کار کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد قرار گرفت. پس از تلاش های فراوان در سال

بین المللی و گاه در قالب مجموعه ای از گفتارها، رفتارها یا سازمان های غیردولتی، مانند رژیم جهانی حقوق بشر، نشان می دهند.^(۱۴)

در مجموع می توان گفت که رژیم های بین المللی، نماینده و محصول تلاش نهادین بازیگران نظام بین الملل جهت به قاعده در آوردن امور بین الملل با نزدیک کردن انتظارات و توقعات بازیگران و شفافیت رفتاری آنهاست. قطعاً یکی از زمینه های مهم و اولیه رژیم های بین المللی، جنگ و برخورد مسلحانه بین بازیگران نظام بین الملل است که در مبحث زیر به آن پرداخته می شود.

۲. رژیم های بین المللی مرتبط با جنگ

در خصوص این که جنگ چیست و چه پدیده ای تحت عنوان جنگ شناخته می شود، اتفاق نظری میان نویسندگان وجود ندارد. با وجود این، جنگ نوعی کنش و واکنش خشونت آمیز و برنامه ریزی شده بین دو کشور متخاصم است که یکی یا هر دو کشور برای رسیدن به اهداف مورد نظر و نیز حل اختلافات، آن را به عنوان الگوی غالب در روابط بین خود انتخاب می کنند. چنین اقدامی، یک محاسبه عقلانی است که قواعد رفتاری انسان ها بر آن حاکم است و با وجود تفاوت هایی چند، از یک الگوی نسبتاً ثابت و تکرار شونده پیروی می کنند. به همین دلیل از همان ابتدا نظریه پردازان و برخی از دولتمردان در صدد تدوین قواعد و مقرراتی برآمده اند که از یک طرف از بروز جنگ جلوگیری کند و از طرف دیگر در صورت بروز جنگ بر آن حاکم باشد. در این راستا می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه میان دولت ها.
۲. تدوین قواعد، مقررات و کنوانسیون هایی جهت منع کلی توسل به زور و ضرورت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات.
۳. تشکیل نظام امنیت دسته جمعی.
۴. تدوین حقوق برخورد مسلحانه. امروزه هر کدام از این موارد تحت عنوان رژیم های بین المللی در سطح نظام بین الملل وجود دارند.

الف. به موجب مقررات معاهده؛ یا
ب. در هر زمان، با رضایت کلیه طرف ها پس از مشاوره
با دیگر کشورهای متعاقد.
همچنین طبق بند ۲ ماده ۶۲، تغییر اساسی در اوضاع
و احوال موجود در زمان انعقاد معاهده، نمی تواند به
عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد واقع
شود؛ به ویژه که اگر، معاهده ای مربوط به تعیین مرز
باشد.

۲-۲) رژیم بین المللی منع توسل به زور و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

یکی دیگر از رژیم های بین المللی که جهت جلوگیری
از برخورد مسلحانه دولت ها به وجود آمده، رژیم
بین المللی "منع توسل به زور" و "حل و فصل
مسالمت آمیز اختلافات" می باشد که بیشترین تلاش در
این خصوص توسط سازمان ملل متحد انجام شده است.
بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور، کلیه اعضا موظف
می باشند از «توسل به زور یا تهدید به استفاده از آن علیه
تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها یا به هر نحو
دیگری که با اهداف منشور مبادینت داشته باشد،
خودداری ورزند.» این تعهد، از نوع تعهدات "عام
الشمول" بوده و بنا به عینی بودن ماهیت به موجب "بند ۶
ماده ۲ منشور"، کشورهای غیرعضو ملل متحد را نیز
تحت پوشش قرار می دهد. به قول کاسسه منع توسل به
زور، کلی و مطلق است جز در مواردی که در فصل هفتم
(اقدام دسته جمعی)، ماده ۵۱ (دفاع مشروع)، ماده ۵۳
(اقدامات اجرایی مصوبه سازمان های منطقه ای) و
مقررات دیگر (مواد ۱۰۶ و ۱۰۷) پیش بینی شده است.^(۱۶)
از آنجا که در نظام بین الملل، اختلاف یک امر
طبیعی است، فصل ششم منشور تحت عنوان "حل و
فصل مسالمت آمیز اختلافات" (مواد ۳۳ تا ۳۸)،
طرف های یک اختلاف یا مناقشه را که احتمال دارد
صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره اندازد، ملزم
می سازد آن را بر اساس روش های حل و فصل
مسالمت آمیز اعم از مذاکره، تحقیق، میانجیگری،
سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات
منطقه ای یا هر روش دیگری به انتخاب خود، حل کنند.

۱۹۶۶، کمیسیون متن نهایی کنوانسیون را تهیه و تصویب
نمود. مجمع عمومی سازمان ملل نیز پس از چند دوره
جلسه در طی سال های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹، سرانجام در ۲۲ مه
۱۹۶۹ و با حضور نمایندگان صد و ده کشور جهان و
ناظران چندین سازمان تخصصی بین المللی و چند
سازمان بین دولتی، کنوانسیون وین درباره حقوق
معاهدات را تصویب نمود و از ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰، یعنی یک
ماه پس از تسلیم سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق،
کنوانسیون مذکور ماهیت قانونی پیدا کرد. لازم به ذکر
است که دولت ایران و عراق در همان تاریخ به
کنوانسیون پیوستند.

در چارچوب
ترتیبات کنوانسیون،
اساسی ترین موضوعات
حقوق بین الملل مطرح
شده اند و مقدمه آن
یادآور چند اصل کلی
حقوق بین الملل مانند
اصل رضایت آزادانه
دولت ها، اصل حسن
نیت، قاعده الزام آور
بودن تعهدات و اصل
تساوی حقوق ملت ها
است و در عین حال،
احترام به قواعد عرفی

حقوق بین الملل را در موارد سکوت کنوانسیون، مورد
تأیید قرار داده است.

طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات،
مهمترین اصل اساسی در یک معاهده رضایت طرفین
معاهده است که طبق ماده ۱۱ از طریق امضاء، مبادله
اسناد، تنفیذ، پذیرش، تصویب، الحاق و یا به هر وسیله
دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اعلام می شود.
نکته دیگری که با بحث حاضر ارتباط پیدا می کند،
فسخ و یا تعلیق اجرای معاهده است که طبق ماده ۵۴ با
رضایت طرف های معاهده امکان پذیر است. "فسخ
معاهده" یا خروج یک طرف از آن به طرق ذیل ممکن
خواهد بود:

جنگ تحمیلی

عراق علیه ایران

در سپتامبر ۱۹۸۰ م.

با لغو یک جانبه

عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ م.

آغاز شد



منشور ملل متحد، کشورهای عضو را ملزم نموده که اختلافات خود را - اعم از سیاسی و حقوقی - از راه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند و نیز مقرر داشته که اختلافات باید به کیفیتی حل و فصل شوند که صلح و امنیت جهانی و همین‌طور عدالت به مخاطره نیفتد (ماده ۳ - ۲). مکانیزم پیش‌بینی شده به‌وسیله سازمان ملل شامل همه اختلافاتی می‌شود که محتمل است به فاجعه‌ای منتهی شود؛ یعنی اختلافاتی

که ادامه آنها ممکن است تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب شود^(۱۷) ماده ۱-۳۳.

۳-۲) رژیم بین‌المللی امنیت دسته‌جمعی

امنیت دسته‌جمعی^{۱۸} نیز یکی از مؤثرترین و گسترده‌ترین تلاش‌هایی است که در طول تاریخ برای غلبه بر کاستی‌های نظام کاملاً غیرمتمرکز اجرای قانون و به منظور جلوگیری از جنگ صورت گرفته است. این رژیم به نوعی مکمل رژیم بین‌المللی منع توسل به زور و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است. در حقوق بین‌الملل سنتی، اجرای قواعد به اختیار دولت‌های صدمه دیده واگذار می‌شد، اما امنیت دسته‌جمعی، اجرای قواعد حقوق بین‌الملل را به عهده کلیه اعضای جامعه و دولت‌ها (اعم از آنکه در یک مورد خاص صدمه‌ای به آنها وارد شده باشد یا خیر)، محول می‌کند. بنابراین قانون شکن احتمالی، همیشه باید منتظر رویارویی با جبهه مشترک همه دولت‌ها باشد که به‌طور خودکار برای دفاع از حقوق بین‌الملل دست به اقدام می‌زنند.^(۱۸)

تاکنون تلاش‌های متعددی برای تحقق آرمان امنیت دسته‌جمعی صورت گرفته است که در رأس آنها می‌توان به ماده ۱۶ میثاق "جامعه ملل" و فصل هفتم

منشور ملل متحد^{۱۹} اشاره نمود. در بند ۱ ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل آمده بود که هرگاه یکی از اعضا بر خلاف الزامات مواد دوازدهم، سیزدهم و پانزدهم، به جنگ متوسل شود، به این معنی است که نسبت به تمام اعضای جامعه باب مخاصمه را باز کرده است و اعضای جامعه ملل بودند اولاً روابط تجاری و اقتصادی خود را با آن کشور به فوریت قطع نمایند، ثانیاً هرگونه رابطه بین اتباع خود و اتباع دولتی که نقض عهد نموده است را منع نمایند، ثالثاً تمام مراودات مالی یا تجاری یا شخصی بین اتباع این دولت و اتباع دول دیگر را اعم از اینکه عضو جامعه باشند یا نباشند قطع نمایند. در بند دوم همین ماده آمده بود که شورای جامعه ملل تدارک قوای نظامی زمینی و دریایی را به اعضا توصیه می‌نماید. نکته مهم در این ماده این است که امنیت دسته‌جمعی در جامعه ملل به اختیار دولت‌ها واگذار شده بود و دولت‌ها الزامی به فراهم کردن نیروهای زمینی و دریایی نداشتند و شورای جامعه ملل صرفاً به آنها توصیه می‌نمود و آنها به صلاح دید خود در رد یا قبول آن مختار بودند. به عبارت دیگر، جامعه ملل فاقد یک سیستم مؤثر امنیت جمعی بود. زیرا اعضا این آزادی عمل را داشتند تا برای خود تصمیم بگیرند که آیا تعرضی صورت گرفته یا خیر، و تعهد درباره پشتیبانی از توصیه شورای امنیت به تصمیم

فوق بستگی داشت.^(۱۹)

اما فصل هفتم منشور ملل متحد (شامل مواد ۳۹ تا ۵۱) این نقیصه را برطرف نمود. برخلاف میثاق جامعه ملل که تصمیم در مورد تخطی یا عدم تخطی از مفاد میثاق را به عهده دولت ها می گذاشت، در ماده ۳۹ منشور ملل متحد آمده است: «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.» بنابراین، این شورای امنیت است که حکم قطعی را در مورد این که در چه شرایطی باید اقدام اجرایی صورت گیرد صادر می کند و این حکم توصیه ای نیست که اجرای آن به صلاحدید دولت ها منوط باشد، بلکه اجرای آن برای همه دولت ها الزام آور است. آنها طبق ماده ۲۵ منشور موافقت نموده اند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق منشور قبول و اجرا نمایند.

حکم آمرانه و الزام آور شورای امنیت در دو حالت می تواند صادر شود: یکی ماده ۴۱ منشور که متضمن استعمال نیروی مسلح نیست و به راههای مسالمت آمیزی نظیر متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی، ارتباطاتی و سیاسی با متجاوز می پردازد. و دیگری ماده ۴۲ که به هرگونه اقدام لازمی اشاره دارد که به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی در جهت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی ضرورت داشته باشد. ماده ۴۳ نیز دولت های عضو را مکلف می کند که «نیروهای مسلح، کمک و تسهیلاتی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی در اختیار شورای امنیت قرار دهند.» مهمترین ابزار شورای امنیت در این

خصوص صدور قطعنامه است که به دو شکل توصیه ای و تصمیمی بیان می شود. قطعنامه های توصیه ای، جنبه الزام آور ندارند و اجرای آن منوط به صلاحدید اعضا است. اما قطعنامه های تصمیمی جنبه الزامی دارند و اعضا موظف به اجرای آن می باشند.

بنابراین، منشور ملل متحد، در حالی که از بکارگیری لفظ "جنگ" دوری می جوید، با ممنوع شمردن توسل به زور در روابط بین الملل و سپردن وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی به شورای امنیت (ماده ۲۴)، بسوی پذیرش نظام امنیت جمعی گام برداشته است. واژه امنیت جمعی، به نظامی اشعار دارد که در آن هر کشور پذیرای این امر بوده که امنیت یک کشور، به همه مربوط می شود و متعهد می گردد تا در پاسخ جمعی به تجاوز، شرکت جوید.^(۲۰) در واقع در نظام امنیت جمعی، هر دولت ضامن امنیت همه می شود و تمام دول، امنیت یکدیگر را تضمین می کنند.^(۲۱) از نقطه نظر نظامی، امنیت جمعی بر این ایده مبتنی است که یک کشور بالقوه متجاوز، از تجاوز به کشور دیگر بازداشته شود و یا در صورت فعلیت یافتن تجاوز، این عمل به صورت مؤثر دفع گردد.^(۲۲)

۴-۲) رژیم بین المللی بر خورد مسلحانه

برخی بر این عقیده اند که جنگ نمی تواند دارای حقوق باشد. اما برعکس، حقوق جنگ و برخورد مسلحانه نخستین بخش از حقوق بین الملل است که مدون گردیده است. توسعه تسلیحات و افزایش کمی قربانیان، موجبات گسترش اندیشه ای را فراهم آورد که باید محدودیت هایی بر جنگ و نیروهای مخرب آن صورت گیرد.

در این راستا به عنوان نمونه به کنوانسیون سلاح های شیمیایی که به بحث حاضر ارتباط بیشتری پیدا می کند اشاره می کنیم. به جرأت می توان گفت سلاح های شیمیایی تنها سلاح هایی هستند که بیشترین و قدیمی ترین معاهدات بین المللی برای منع کاربرد آنها وجود دارد. به دلیل ماهیت غیر انسانی و وحشیانه این گونه سلاح ها، از قرن ها پیش که از سلاح های شیمیایی در شکل ابتدایی آن و در جنگ ها استفاده

رژیم بعث عراق
به طور یک جانبه و برخلاف
موازن حقوق بین الملل و
کنوانسیون وین، قرارداد
۱۹۷۵ الجزایر را باطل
اعلام کرد

صدام حسین در نطقی در مجلس ملی عراق، متن قرارداد الجزایر را پاره کرد و الغای این قرارداد را تصمیم شورای فرماندهی انقلاب عراق اعلام نمود. نهایتاً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله سراسری و رسمی عراق، با به کارگیری حداکثر توان نظامی و با عبور از مرزهای بین‌المللی و تجاوز به خاک ایران، شروع شد. اقدام صدام در شروع این جنگ، بسیاری از رژیم‌های بین‌المللی را نقض نمود که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ۳) نقض رژیم بین‌المللی حاکم بر معاهدات

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سپتامبر ۱۹۸۰م. با لغو یک جانبه عهدنامه مرزی ۱۹۷۵م. آغاز شد. صدام که نمی‌توانست برنامه تجاوز به ایران را با وجود عهدنامه مرزی و حسن همجواری به انجام برساند، ناچار شد برخلاف تمامی موازین حقوق بین‌المللی آن را لغو کند. این عهدنامه جهت حل و فصل اختلافات ایران و عراق

لغو یکجانبه قرارداد
الجزایر و پروتکل‌های آن از
سوی عراق و حمله به ایران
فاقد اعتبار و ارزش حقوقی و
نقض آشکار رژیم‌های
بین‌المللی است

بر سراروند رود، به امضا طرفین رسیده بود.

عهدنامه الجزایر طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد ضمن ثبت در دبیرخانه سازمان ملل تحت شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷، در سال ۱۹۷۶ رسمیت یافت.^(۲۵)

با این حال رژیم عراق به طور یک جانبه و برخلاف موازین حقوق بین‌الملل و کنوانسیون وین، (طبق بند ۲ ماده ۶۳ این کنوانسیون، عهدنامه‌های مرزی را نمی‌توان لغو کرد) این عهدنامه را باطل اعلام نموده و به ایران حمله کرد. این امر نقض آشکار رژیم بین‌المللی حاکم بر معاهدات بود که متأسفانه از جانب مجامع بین‌المللی به خصوص سازمان ملل متحد پاسخ درخوری دریافت ننمود.

می‌شد، قراردادهای مختلفی برای ممنوع ساختن آن مدوّن شده است.

اولین قرارداد بین‌المللی برای محدودسازی استفاده از سلاح‌های شیمیایی به سال ۱۶۷۵ میلادی برمی‌گردد. هنگامی که فرانسه و آلمان با امضای موافقتنامه‌ای در استراسبورگ درباره ممنوعیت کاربرد گلوله‌های سمّی به توافق رسیدند. دویست سال بعد در سال ۱۸۷۴م. کنوانسیون بروکسل درباره حقوق و قوانین جنگ^(۲۶) کاربرد سموم یا سلاح‌های سمی و نیز سلاح‌ها، پرتابه‌ها و موادی را که باعث مصدومیت و رنج غیرمعمول می‌شود، ممنوع اعلام کرد. پیش از پایان قرن نوزدهم و در سال ۱۸۹۹م. کنفرانس بین‌المللی صلح در لاهه برپا شد و موافقت‌نامه‌ای در ممنوعیت استفاده از پرتابه‌های جنگی محتوی گاز سمی منعقد گردید.^(۲۷)

با وجود سه توافقنامه بین‌المللی، در طول جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) هولناک‌ترین کشتارهای ناشی از کاربرد سلاح‌های شیمیایی به وقوع پیوست. تلفات بی‌شمار و حملات وسیع شیمیایی با به کارگیری شیوه‌های نوین کاربرد گازها و مواد سمّی مهلک و ناتوان‌کننده در این جنگ، باعث بروز نگرانی‌های عمیقی در سطح جهان گردید. این امر به انعقاد یکی از معروف‌ترین معاهدات بین‌المللی عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی؛ یعنی "پروتکل ۱۹۲۵ ژنو" منجر شد که در آن کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمّی یا سایر گازها و نیز شیوه‌های جنگ میکروبی منع شده بود. اکثر کشورهای جهان از جمله ایران و عراق این پروتکل را امضا نمودند.^(۲۸)

۳) جنگ ایران و عراق و نقض رژیم‌های بین‌المللی

دولت عراق در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ با تسلیم یادداشت رسمی به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد، اعلام کرد که اعلامیه الجزایر و عهدنامه‌های مربوط به مرز مشترک و حسن همجواری و پروتکل‌ها و پیوست‌های آن و دیگر موافقت‌نامه‌ها و یادداشت‌های انضمامی به این عهدنامه را یکجا و یک جانبه فسخ کرده است. هم‌زمان با ارسال این یادداشت،

۲-۳) رژیم بین المللی منع توسل به زور و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

دومین رژیم بین المللی که از جانب دولت عراق نادیده گرفته شد، رژیم بین المللی منع توسل به زور و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات می باشد. چنانچه پیش از این گفته شد، این رژیم در فصل شش منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است.

به طوری که در متن عهدنامه الجزایر آمده، هر اختلافی اعم از آنکه درباره تفسیر مواد عهدنامه و یا چگونگی اجرای آن باشد، به طرفین اجازه نمی دهد که تغییری در مسیر خط مرزی ایران و عراق، ایجاد نمایند.

در عهدنامه سازوکار

مشخصی برای حل و فصل اختلافات در نظر گرفته شده است.

رژیم بعثی عراق موظف بود که به تعهدات خود عمل کند و رأساً در این باره تصمیم نگیرد. در این راستا، سعدون حمادی وزیر خارجه عراق، که امضاءکننده عهدنامه مرزی و پروتکل های ضمیمه آن نیز بوده است،

طی نامه ای در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ به سفارت ایران در بغداد، درباره علت لغو قرارداد می نویسد: «موافقت نامه های مورد بحث به علت نقض گفتاری و کرداری آنها از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران، طبق مفاد بند ۴ موافقت نامه الجزیره و ماده ۴ قرارداد سابق الذکر، "عهدنامه مرزی" کان لم یکن شمرده می شود.»^(۲۶)

با وجود اینکه ماده ۶ عهدنامه حق هرگونه تفسیر نهایی را از طرفین سلب نموده و دولت عراق با قصد و اراده آن را امضاء کرده و بر قطعی و دائمی و تغییرناپذیر بودن آن تأکید داشته است، وظیفه داشت ادعاهای خود را از طریق راه حل های پیش بینی شده مطرح نماید.

بنابراین لغو یکجانبه قرارداد الجزایر و پروتکل های آن از سوی عراق و حمله به ایران فاقد اعتبار و ارزش حقوقی و نقض آشکار یکی دیگر از رژیم های بین المللی است.

۳-۳) رژیم بین المللی امنیت دسته جمعی

با اقدام عراق در زیر پا گذاشتن عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ الجزایر و بی توجهی به رژیم بین المللی حاکم بر معاهدات و همچنین نقض صریح رژیم بین المللی منع استفاده از زور و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و تهاجم گسترده زمینی، هوایی و دریایی به ایران و نقض آشکار تمامیت ارضی این کشور، انتظار می رفت که شورای امنیت به عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل و مسئول حفظ صلح و امنیت بین المللی، موضوع را فوراً در دستور کار شورا قرار داده و بر مبنای فصل هفتم منشور، اقدامات اجرایی لازم را به عمل آورد اما شورای امنیت، از برخورد جدی با موضوع جنگ ایران و عراق خودداری نمود.

شورای امنیت سازمان ملل در ابتدا در پاسخ به نامه دبیر کل این سازمان که از گسترش اختلاف بین ایران و عراق اظهار نگرانی کرده بود و آن را بطور بالقوه - نه بالفعل - تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی تلقی نموده بود، به جای صدور "قطعنامه" صرفاً "بیانیه ای" صادر کرد (در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰) و در آن از گسترش برخورد عراق و ایران "اظهار نگرانی نموده و از طرفین خواست از «وخیم تر کردن وضعیت دست بکشند و اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز حل کنند و ضمناً از مساعی جمیله دبیر کل استفاده کنند.»^(۲۷)

شش روز بعد، شورای امنیت نخستین قطعنامه خود را به شماره ۴۷۹ در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ۱۳۵۹) با نام بررسی "وضعیت میان ایران و عراق" صادر کرد. در این قطعنامه نیز مانند بیانیه به «وجود تهدید علیه صلح، نقض صلح و وقوع تجاوز و نقض تمامیت ارضی ایران» اشاره ای نشده بود و صرفاً به طرفین توصیه می کرد که از توسل بیشتر به زور خودداری کنند و اشاره ای به برقراری آتش بس یا بازگشت به مرزهای بین المللی نشده بود. این در حالی بود که بخش زیادی از سرزمین

قطعنامه ۵۹۸ از نظر کمی و تعداد واژه های به کار گرفته شده، مفصل ترین و از نظر محتوا اساسی ترین و از نظر ضمانت اجرا، قوی ترین قطعنامه شورای امنیت بود

تاریخ ۹ مهر سال ۱۳۶۱ به اجرا در آمدند. ویژگی این عملیات ها عبور از مرز با هدف تنبیه متجاوز و تسلط بر بخشی از خاک عراق بود. به دنبال این تحولات، عراق و برخی از کشورهای غرب تلاش های دیپلماتیک گسترده ای را در سازمان ملل آغاز کردند که حاصل آن صدور قطعنامه فوق الذکر بود.^(۳۱) در این قطعنامه، شورای امنیت موضوع را مجدداً تحت عنوان وضعیت مابین ایران و عراق تحت بررسی قرار داد و ضمن تکرار برخی از بندهای قطعنامه پیشین و تأکید بر اجرای آنها، مجدداً بدون آنکه عراق را متجاوز بداند، خواهان عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای شناخته شده بین المللی شد. این قطعنامه نیز به علت برآورده نکردن خواسته های ایران از طرف این دولت رد شد.

شورای امنیت، چهارمین قطعنامه را در ارتباط با جنگ ایران و عراق در ۱۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ (۹ آبان ۱۳۶۲) تحت شماره ۵۴۰ صادر نمود. این قطعنامه به دنبال گزارش نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد حمله به مناطق مسکونی دو کشور، صادر شد و نقض حقوق بشر، به ویژه مفاد عهدنامه ژنو ۱۹۴۹ را در تمام ابعاد آن محکوم کرد و توقف عملیات های نظامی علیه اهداف انسانی از جمله شهرها و مناطق مسکونی را خواستار شد، بدون اینکه به حملات متعدد عراق به مناطق مسکونی ایران اشاره کند. این در حالی بود که عراق به دنبال حملات متعدد به اهداف غیر نظامی در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳ و ۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۶۲ رسماً اعتراف کرده بود که شهرهای دزفول، اندیمشک، اهواز، باختران، ایلام، آبادان، شوش، رامهرمز، مسجد سلیمان، بندر امام خمینی و بهبهان را هدف حملات هوایی و موشکی قرار داده است.^(۳۲) هر چند این قطعنامه نیز نامی از عراق به میان نیاورد اما در صدد جلب توجه جمهوری اسلامی ایران برآمد و برای نخستین بار بر لزوم بررسی واقع بینانه علل آغاز جنگ که پیوسته ایران بر آن تأکید داشت، اشاره کرد و حق کشتیرانی و بازرگانی آزاد را در آب های بین المللی مورد تأکید قرار داد. اما در این قطعنامه نیز کماکان، موضوع تحت عنوان "وضعیت میان ایران و عراق" مورد توجه قرار گرفت.

قطعنامه بعدی شورای امنیت، قطعنامه شماره ۵۵۲

ایران در اشغال نیروهای عراق بود. شورا همچنین موضوع را تحت عنوان "وضعیت میان ایران و عراق" تحت بررسی قرار داد. استفاده از واژه "وضعیت" که در قطعنامه های بعدی هم دنبال شد، حاکی از بی توجهی شورا به موضوع است. شورای امنیت با اطلاق واژه "وضعیت" به جنگ ایران و عراق آن را حالتی می داند که ممکن است به اصطکاک یا اختلاف منجر شود نه حالتی که در آن اصطکاک و یا اختلاف وجود دارد.^(۳۸) در این قطعنامه، شورای امنیت با توصیه طرفین به آتش بس، با بی تفاوتی کامل، تنها از خود رفع تکلیف نمود و این می توانست حتی چراغ سبزی برای ادامه تجاوز ارتش عراق تلقی شود. بنابراین، این قطعنامه از طرف عراق پذیرفته شد اما از جانب ایران رد شد.

پس از صدور این قطعنامه، شورای امنیت به مدت ۲۱ ماه و ۱۵ روز سکوت اختیار کرد و این در حالی بود که عراق در پی تحکیم مواضع خود در خاک ایران بود. در پی انجام عملیات های ثامن الائمه (ع)، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس، که به شکست حصر آبادان، آزادسازی بستان، آزادسازی مناطق وسیعی از غرب شوش و دزفول و بالاخره آزادسازی خرمشهر توسط نیروهای ایران انجامید، شورای امنیت ناچار شد سکوتش را بشکند. در این راستا براساس پیشنهاد اردن، در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۱ تیر ماه ۱۳۶۱) قطعنامه ۵۱۴ به تصویب رسید.^(۳۹) در مقدمه این قطعنامه، شورا از طولانی شدن درگیری بین دو کشور و کشته شدن انسان های بی گناه و آسیب رسیدن به امکانات و تأسیسات و در خطر بودن صلح و امنیت جهانی ابراز نگرانی کرد و خواستار برقراری آتش بس سریع و عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای شناخته شده بین المللی از طریق اعزام نیروهای حافظ صلح و ناظران سازمان ملل به منطقه شد، بدون آنکه به حضور عراق در خاک ایران اشاره ای بکند.^(۳۰)

شورای امنیت در ۴ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۲ مهر ۱۳۶۱) قطعنامه شماره ۵۲۲ را صادر کرد. در فاصله بین قطعنامه ۵۱۴ و ۵۲۲، نیروهای ایران دو عملیات بزرگ را اجرا کردند: نخستین عملیات به نام رمضان، دو روز پس از تصویب قطعنامه ۵۱۴ و دومین آن با نام مسلم بن عقیل در

هفتمین قطعنامه شورای امنیت راجع به جنگ ایران و عراق، قطعنامه ۵۸۸ است که در هشت اکتبر ۱۹۸۶ (۱۶مهر ۱۳۶۵) صادر شد. هرچند این قطعنامه زمانی به تصویب رسید که هیئت کارشناسان اعزامی سازمان ملل در گزارش S/11971 مورخ ۲۱ اسفند ماه سال ۱۳۶۴ به استفاده عراق از سلاح های شیمیایی اشاره و شورای امنیت در یک فروودین ۱۳۶۵ به صورت غیررسمی عراق را به دلیل به کارگیری سلاح های شیمیایی محکوم



کرده بود؛ اما علت صدور آن را باید افزایش حملات به کشتی های تجاری کشورهای ثالث در خلیج فارس و گسترش حوزه جنگ به نفتکش ها دانست.

نهایتاً شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) هفتمین قطعنامه خود را به شماره ۵۹۸ به اتفاق آرا تصویب نمود. این قطعنامه با قطعنامه های پیشین شورا متفاوت بود. مهمترین تفاوت صوری آن قرار گرفتن در قالب فصل ۷ منشور ملل متحد بود که آن را از حالت توصیه ای خارج و برای دو طرف لازم الاجرامی کرد. از نظر محتوایی نیز این قطعنامه از قطعنامه های پیشین جامع تر بود و در آن سعی شده بود تا دیدگاه ها و خواسته های ایران مورد توجه قرار گیرد.

عنوان قطعنامه ۵۹۸ مانند دیگر قطعنامه ها نه وضعیت مابین ایران و عراق، بلکه تصمیم برخواسته از اعتقاد شورای امنیت بود که با واژه های مصمم خواستار مصرانه عنوان شده بود. این قطعنامه از نظر کمی و تعداد واژه های به کار گرفته شده، مفصل ترین از نظر محتوا، اساسی ترین و از نظر ضمانت اجرا، قوی ترین قطعنامه شورای امنیت بود.

در قطعنامه ۵۹۸ نقض صلح با استناد به ماده ۳۹ منشور احراز شد و اعضای شورای امنیت قصد شورا را برای دخالت عملی و ایفای نقش فعال در پایان دادن به

مورخ ۱ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۱ خرداد ۱۳۶۳) می باشد. این قطعنامه با هدف انتساب چند حمله به کشتی ها از سوی ایران و شکایت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در ۱۴ مه ۱۹۸۴ صادر شد و در بند ۴، حمله به کشتی های تجاری را محکوم کرد. در پی صدور این قطعنامه، جمهوری اسلامی ایران طی نامه ای به دبیر کل از هر گونه اقدامی که برای تأمین آزادی و امنیت کشتیرانی در خلیج فارس صورت گیرد حمایت و استقبال کرد.^(۳۳)

ششمین قطعنامه شورای امنیت، قطعنامه شماره ۵۸۲ است که این شورا بر اساس پیشنهاد اتحادیه عرب در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵ اسفند ۱۳۶۴) صادر نمود. علت اصلی صدور این قطعنامه موفقیت نیروهای ایرانی در عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره فاو بود. در این قطعنامه شورا برای نخستین بار از طولانی شدن جنگ ابراز نگرانی کرد و اصل غیر قابل قبول بودن تصرف زمین از راه توسل به زور را مورد تأکید قرار داد؛ موضوعاتی که در قطعنامه های پیشین وجود نداشت. هرچند مسئولیت و علل آغاز تجاوز به منزله اساسی ترین موضوع به صورت مبهم در این قطعنامه مطرح شد، اما این بار نیز شورا از برخورد ریشه ای و اساسی با این مسئله خودداری کرد.



و همچنین، روستاهای اطراف بانه (فروردین ۶۶)، شهر حلبچه (اسفند ۶۶)، روستاهای اطراف مریوان (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷)، شهر نودشه (فروردین ۶۷)، روستاهای اطراف سرپل ذهاب (مرداد ۶۷) و شهر اشنویه (مرداد ۶۷) نیز هدف حملات شیمیایی عراق واقع شدند. در این حملات به طور بی سابقه‌ای از انواع عوامل شیمیایی جنگی علیه مردم روستاها و شهرهای مرزی استفاده می‌شد. تنها در یکی از این حملات که در ۶۶/۱۲/۲۸ در منطقه مریوان رخ داد، روستاهای منطقه "قلعه جی" تا "دزلی" با بیش از ۳۰۰ بمب شیمیایی مورد حمله قرار گرفت و به روستاهای کوچک "قلعه جی" بیش

از ۱۱ بمب شیمیایی اصابت کرد. دولت عراق همچنین در ماه‌های پایانی جنگ به صورت رسمی تهدید کرد که به زودی شهرهای بزرگ ایران از جمله تهران را با موشک‌های مجهز به کلاهک شیمیایی مورد حمله قرار خواهد داد. حتی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نیز از

حملات شیمیایی دولت عراق مصون نماندند. مراکزی که در کلیه جنگ‌ها و بر اساس اصول اولیه انسانی و قوانین بین‌المللی بایستی از حملات نظامی مصون باشند. رژیم عراق نه تنها این مراکز را بارها مورد بمباران و موشک باران قرار می‌داد، بلکه پا را فراتر نهاده و برخی از این مراکز را هدف بمباران شیمیایی قرار داد.

دو نمونه از بارزترین این جنایات عبارتند از: بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی حضرت فاطمه (س) در آبادان (ششم و هشتم اسفند ۱۳۶۴) و بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی ۵۲۸ سومار (دهم دی ماه ۱۳۶۵).

جنگ و حل و فصل اختلافات نشان دادند. همین جامعیت نسبی از دبیر کل سازمان ملل تقاضا کرده بود تا پس از مشورت با دو طرف درگیر، گروه منصف و بی طرفی را برای تحقیق در مورد مسئولیت آغاز و ادامه جنگ و همچنین گروهی از کارشناسان را برای برآورد میزان خرابی‌ها و خسارات وارده به دو طرف درگیر و هزینه بازسازی آنها با کمک‌های بین‌المللی تعیین و شورای امنیت معرفی کند. این قطعنامه به علت برآوردن خواسته‌های حداقلی ایران از جانب این دولت و همچنین از طرف دولت عراق پذیرفته شد و از این رو، در مرداد ۱۳۶۷ در جبهه‌های جنگ آتش بس برقرار گردید.^(۳۴)

۴-۳) استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران

هرچند در طول سال‌های بین دو جنگ اول و دوم جهانی و پس از جنگ دوم جهانی در برخی نقاط دنیا به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد، اما در عمل تا پیش از تجاوز عراق به ایران از این سلاح‌ها به صورت وسیع در هیچ جنگی استفاده نشد. عراق تا زمانی که در جبهه‌های جنگ در وضعیت بهتری قرار داشت کمتر از سلاح‌های غیرمتعارف بهره گرفت اما با آغاز حملات گستره ایران در جبهه‌های جنگ، ارتش عراق از این سلاح‌ها در سطح وسیعی استفاده کرد. عراق از سلاح‌های شیمیایی در سطح وسیعی در طول عملیات خیبر (اسفند ۶۲ در جزایر مجنون)، عملیات بدر (اسفند ۶۳ در جزایر مجنون)، عملیات والفجر ۸ (بهمن ۶۴ تا فروردین ۶۵ در فاو) کربلای ۴ و ۵ و ۸ (دی ماه ۶۵ تا فروردین ۶۶ در شرق بصره و شلمچه) والفجر ۱۰ (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷ در کردستان عراق - حلبچه) و تک‌های متعدد ارتش عراق از فروردین ۶۷ تا پایان جنگ (مرداد ۶۷) در جبهه‌های مختلف استفاده کرد.^(۳۵)

علاوه بر این، برای اولین بار در طول تاریخ، رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم غیرنظامی در مناطق مسکونی ایران و کردستان عراق استفاده نمود. اوج این جنایات بمباران شیمیایی شهر "سردشت" در استان آذربایجان غربی بود.

جنگ ایران و عراق
اعتبار رژیم‌های بین‌المللی را
به عنوان یکی از راهکارهای
ایجاد نظم و ثبات در نظام
بین‌الملل به چالش کشید

گزارش کارشناسی که در آن کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران تأیید شده بود، در آوریل ۱۹۸۵ توسط دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت تسلیم شد.

سومین گروه کارشناسی سازمان ملل نیز به دنبال حملات وسیع شیمیایی عراق در منطقه فاو (عملیات والفجر ۸)، در مارس ۱۹۸۶ (اسفند ماه ۱۳۶۴) به ایران اعزام شد. این هیئت ضمن مصاحبه با تعداد زیادی از مصدومین شیمیایی در بیمارستان های اهواز و تهران از جمله تعدادی از اسرای عراقی که با صراحت به کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق اعتراف کردند، گزارش مفصلي را در خصوص کاربرد گاز خردل و اعصاب علیه نیروهای نظامی ایران به دبیرکل ارائه نمودند که در ۱۶ مارس ۱۹۸۶ به شورای امنیت تسلیم گردید. با انتشار این گزارش و نیز انعکاس وسیع تصاویر مربوط به مصدومین شیمیایی ایران که برای معالجه در بیمارستان های اروپایی از جمله انگلیس، بلژیک، آلمان، هلند، سوئد و اسپانیا بستری بودند و تحت تأثیر افکار عمومی جهان، شورای امنیت در بیانیه ۲۱ مارس ۱۹۸۶ به ناچار و برای اولین بار از عراق به عنوان بکار برنده سلاح شیمیایی علیه ایران نام برد؛ اما همچنان از صدور قطعنامه و اقدام عملی علیه این جنایت جنگی امتناع ورزید.^(۳۷)

دبیرکل سازمان ملل ضمن ارسال این گزارش به شورای امنیت، طی نامه ای از سیر روزافزون حملات شیمیایی عراق و هدف قرار گرفتن غیرنظامیان و نقض مکرر پروتکل ۱۹۲۵ ژنو عمیقاً ابراز نگرانی کرد و به دنبال آن، شورای امنیت در بیانیه ۱۴ می ۱۹۸۷ (م. ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۶) از ادامه و تشدید کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق علیه ایران به ویژه غیرنظامیان ابراز نگرانی نمود؛ اما همچنان هیچ اقدام عملی برای متوقف ساختن جنایات عراق صورت نگرفت.

با وجود صدور این بیانیه ها و به دلیل فقدان محکومیت جدی و اقدامات عملی از سوی شورای امنیت، رژیم عراق بدون هیچ گونه مانعی به حملات شیمیایی خود ادامه داد تا آنجا که در مقابل دیدگان جهانیان یکی از بزرگترین و شرم آورترین جنایات جنگی تاریخ معاصر در هفتم تیر ماه ۱۳۶۶ رقم خورد. در

به دنبال شدت یافتن کاربرد سلاح های شیمیایی توسط رژیم عراق و به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران، اولین گروه حقیقت یاب سازمان ملل متحد متشکل از چهار کارشناس برجسته سلاح های شیمیایی از کشورهای سوئد، استرالیا، اسپانیا و سوئیس در اسفند ماه ۱۳۶۲ (مارس ۱۹۸۴ م.) به دستور دبیرکل سازمان ملل به ایران اعزام شدند. این هیئت در مدت اقامت خود در ایران ضمن معاینه مصدومین و نمونه برداری از مناطق آلوده و مشاهده بمب های شیمیایی منفجر نشده، گزارش رسمی خود را اعلام و این گزارش در روز ۲۶ مارس ۱۹۸۴ م. به شورای امنیت تسلیم شد. این گزارش

به صراحت، کاربرد گاز خردل و عامل اعصاب (تابون) علیه رزمندگان ایرانی را مورد تأیید قرار داد.^(۳۸)

اما شورای امنیت در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ م. صرفاً با صدور بیانیه ای بدون ذکر نام عراق به عنوان استفاده کننده سلاح شیمیایی، طرفین را به پایبندی به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو دعوت نمود.

بدیهی است صدور بیانیه، که برخلاف قطعنامه الزام آور نبوده و فاقد ضمانت اجرایی است. آن هم بدون ذکر نام کشور خاطی و با محافظه کاری فراوان، هیچ تأثیری بر ادامه روند جنایات جنگی رژیم عراق نداشت و در ماه های بعد به ویژه در اسفند ماه ۶۳ (در عملیات بدر در جزایر مجنون) و نیز در عملیات والفجر ۸ در بهمن ماه ۶۴ تا فروردین ۶۵، ارتش عراق در مقیاس وسیع تری از انواع سلاح های شیمیایی استفاده نمود.

به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران، دبیرکل سازمان ملل "دکتر مانوئل دومینگوئز" را برای معاینه مصدومین شیمیایی ایران که در بیمارستان های اروپایی بستری بودند، مامور کرد. بدین ترتیب دومین

**در بمباران شیمیایی
شهر سردشت هزاران نفر از
زنان و کودکان و مردم
غیرنظامی این شهر هدف
گاز ناتوان کننده خردل
قرار گرفتند**



بررسی قرار داد و در تاریخ ۹ می ۱۹۸۸ (۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷) در جلسه شماره ۲۸۱۲ خود قطعنامه ۶۱۲ را به اتفاق آرا تصویب کرد. با گذشت چهار سال از گزارش های رسمی بازرسان سازمان ملل، در تأیید کاربرد سلاح شیمیایی توسط رژیم عراق، این قطعنامه اولین قطعنامه سازمان ملل در این باره بود اما در این قطعنامه نیز کوچک ترین ذکری از نام عراق به عنوان بکار برنده سلاح های شیمیایی نشده بود، ضمن اینکه هیچ اقدام عملی بازدارنده ای نیز در این قطعنامه مطرح نگردید.^(۳۸)

با تداوم حملات شیمیایی وسیع عراق و به درخواست جمهوری اسلامی ایران، تیم های کارشناسی سازمان ملل دو بار در جولای ۱۹۸۸ (تیرماه ۶۷) و اوت ۱۹۸۸ (مرداد ماه ۶۷) از مناطق جنگی ایران و عراق بازدید و دو گزارش رسمی دیگر مبنی بر تأیید کاربرد سلاح های شیمیایی توسط رژیم عراق منتشر و به شورای امنیت ارسال داشتند.

بمباران شیمیایی شهر سردشت هزاران نفر از زنان و کودکان و مردم غیرنظامی این شهر هدف گاز ناتوان کننده خردل قرار گرفتند. چگونگی این حادثه و آمار شهدا و مصدومین آن طی گزارش های رسمی متعددی به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل رسید. حتی در یکی از گزارش ها تصاویر متعددی از مصدومین این فاجعه نیز ضمیمه شد اما علی رغم درخواست های مکرر ایران، هیچ هیئت کارشناسی برای بررسی این حادثه اعزام نشد. به دلیل سکوت مرگبار مجامع جهانی، متعاقب عملیات پیروزمند والفجر ۱۰ در جبهه های شمال غرب و شکست جبران ناپذیر ارتش عراق، جنایتی بزرگ تر رقم خورد و رژیم عراق شهر حلبچه و مناطق اطراف آن را در بی سابقه ترین حملات شیمیایی طول جنگ، هدف قرار داد.

طبق آمارهای رسمی که به همراه تصاویر مصدومین و شهدای فاجعه حلبچه به شورای امنیت ارسال شد، در این فاجعه کم نظیر بیش از دوازده هزار نفر کشته و یا مصدوم شدند. علی رغم اینکه مقامات کشور ایران جزئیات این حادثه را به اطلاع سازمان ملل رسانده و به طور رسمی درخواست اعزام تیم تحقیق نمودند اما شورای امنیت به این بهانه که حادثه در داخل خاک عراق رخ داده، از بررسی موضوع خودداری کرد. با این حال دبیر کل سازمان ملل تصمیم گرفت کارشناس پزشکی برگزیده خود دکتر دومینگوئز را دوباره به ایران اعزام نماید. وی از ۲۸ تا ۳۱ مارس ۱۹۸۸ از ایران و از ۸ تا ۱۱ آوریل از عراق (بغداد و سلیمانیه) بازدید نمود و در گزارش مورخه ۲۵ آوریل خود مجدداً کاربرد وسیع گازهای اعصاب و خردل را به ویژه علیه غیرنظامیان مورد تأیید قرار داد.

به دنبال انتشار وسیع اخبار فاجعه حلبچه توسط رسانه ها و مطبوعات در سراسر جهان و بازدید خبرنگاران خارجی از منطقه و مشاهده اجساد زنان و کودکان و مردم بی دفاع و فشار افکار عمومی و خشم و انزجار مردم کشورهای مختلف جهان از این جنایت، شورای امنیت سرانجام طرح قطعنامه ای را که توسط جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا و ژاپن تهیه شده بود، مورد

نتیجه گیری

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ دولت عراق با به کارگیری حداکثر توان نظامی خود به خاک ایران تجاوز کرد. این جنگ که به مدت ۸ سال ادامه داشت، خسارت های انسانی و مالی زیادی به هر دو طرف منازعه وارد نمود و در نهایت در مرداد ماه سال ۱۳۶۷ با قطعنامه ۵۹۸ پایان یافت.

این موضوع از جنبه های مختلف قابل نقد و بررسی است. اما آنچه که در اینجا مد نظر بود، بررسی جنگ ایران و عراق از منظر رژیم های بین المللی است. تهاجم عراق به ایران بسیاری از رژیم های بین المللی را نقض نمود. رژیم هایی نظیر: کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، رژیم بین المللی منع توسل به زور و ضرورت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، رژیم بین المللی امنیت دسته جمعی و رژیم بین المللی حقوق برخورد مسلحانه. اما سازمان ملل متحد و در رأس آن شورای امنیت به عنوان حافظ صلح و امنیت بین المللی از هرگونه اقدام درخور توجهی خودداری ورزید.

اهمیت این بررسی بدین لحاظ است که نظریه پردازان رژیم های بین المللی، رژیم ها را با همکاری، نظم و ثبات نظام بین الملل مرتبط می دانند. اینان معتقدند که رژیم ها جدا از قدرت نیستند ولی با گذشت زمان، مؤسسه بین المللی کنترل کامل رژیم ها قادر نخواهند بود و رژیم ها به استقلال خواهند رسید. در مقابل، واقع گرایان رژیم ها را به عنوان یک متغیر وابسته به قدرت تلقی می نمایند. آنها هیچ نقشی برای رژیم ها قائل نیستند و رژیم ها را آلت دست قدرت های بزرگ می دانند. در واقع، این قدرت های بزرگ هستند که قواعد رژیم های بین المللی را دیکته می کنند. به عبارت دیگر، دولت های بزرگ توانمندی و قدرت خود را به کار می گیرند تا بر ماهیت رژیم ها و شیوه ای که هزینه و منافع منتج از رژیم ها تقسیم می گردد، تأثیر بگذارند.

بنابراین، فرضیه ای که در این مقاله دنبال شد، این بود که جنگ ایران و عراق به شدت اعتبار رژیم های بین المللی را به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد نظم و ثبات در نظام بین الملل به چالش کشید. به عبارت دیگر، بر یک مبنای واقع گرایانه، نویسنده اعتقاد دارد که در دوره مورد بررسی، رژیم های بین المللی تحت سیطره

با ارسال گزارش تکان دهنده بازرسان سازمان ملل به شورای امنیت و تأثیر جامعه جهانی از قربانی شدن هزاران نفر از مردم بی گناه با سلاح های غیرانسانی شیمیایی، شورای امنیت ناچار شد علیه جنایات رژیم عراق اقدام کند. این در حالی بود که جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۷ به طور رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را اعلام نمود و مذاکرات دیپلماتیک مربوط به جنگ و اعلام آتش بس در حال انجام بود و سرانجام در ۲۰ اوت ۱۹۸۸ (۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷) آتش بس رسمی در جبهه های جنگ اعلام و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پس از هشت سال به پایان رسید، بدون آنکه شورای امنیت موضع گیری قاطعی علیه حملات شیمیایی عراق از خود نشان دهد.

بالاخره شورای امنیت در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ماه ۱۳۶۷) در جلسه شماره ۲۸۲۵ خود طرح قطعنامه ای را که توسط آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و انگلستان پیشنهاد شده بود تحت عنوان قطعنامه ۶۲۰ تصویب کرد و در آن برای اولین بار از ایران به عنوان قربانی سلاح های شیمیایی در جنگ نام برده شد و خواستار کنترل صادرات مواد شیمیایی مورد استفاده در ساخت سلاح شیمیایی و نیز واکنش سریع در مقابل کاربرد این سلاح ها در آینده گردید.^(۳۹) اما چه سود که این قطعنامه پس از پایان جنگ صادر شد و نوش دارو پس از مرگ سهراب بود!

همان گونه که ملاحظه شد بین اولین گزارش رسمی کارشناسان سازمان ملل در تأیید کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران تا اولین قطعنامه شورای امنیت در این خصوص، چهار سال فاصله وجود داشت و این قطعنامه نیز بدون ذکر نام عراق، فاقد تدابیر اجرایی برای متوقف ساختن حملات شیمیایی بود. دومین قطعنامه نیز پس از اعلام آتش بس و پایان جنگ صادر شد و در عمل فاقد ارزش بود، در حالی که در سایر مناقشات بین المللی و آنجا که منافع کشورهای قدرتمند اقتضا می کند، شورای امنیت همچون ابزاری در دست گردانندگان سیاست جهانی بلافاصله وارد عمل می شود.

یادداشت‌ها

۱. حسین یکتا، سازمان ملل متحد، در محمد حسین جمشیدی و دیگران، سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، تهران: سازمان چاپ و انتشارات سپاه، ۱۳۷۴، صص ۶۵-۶۷.
۲. جیمز دوئرتی، رابرت فالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، جلد اول، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۲۶۶.
۳. ابومحمد عسکرخانی، رژیم‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ص ۷۴.
۴. همان، ص ۸۶.
۵. دوئرتی و فالتزگراف، پیشین، ص ۲۶۶.
۶. عسکرخانی، پیشین، ص ۶۵.
- Krasner, Stephen, " Structural Causes and Regimes Consequences: Regimes as Intervening Variables". In Stephen Krasner (ed.) *International Regimes*, Ithaca and London: Cornell University Press, 1983, p2.
7. Nye, Joseph, " Nuclear Learning and Soviet Security Regimes ". *International Organization*. Vol. 41, 1987, p202.
۸. پریچارد لیتل، " رژیم‌های بین‌المللی " در جان بیلیس و استیو اسمیت، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه: ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران ۱۳۸۳، ص ۱۲۵.
۹. عسکرخانی، پیشین، صص ۸۴-۸۲.
10. Eric Brahm, " International Regimes ", *Beyond Intracability*, no. 9, 2005, p3. in www.beyondintracability.org.
11. Ibid, P2.
۱۲. عسکرخانی، پیشین، ص ۸۷.
۱۳. دوئرتی و فالتزگراف، پیشین، ص ۲۶۷.
۱۴. حسین سلیمی، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ص ۷۵.
۱۵. هوشنگ مقتدر، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۲۳.
۱۶. آنتونیو کاسسه، حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه:

قدرت‌های بزرگ بوده و از یک نهاد اجرایی مستقل و کارآمد جهت تحقق اهداف رژیم برخوردار نبوده‌اند. برای اثبات این مدعا کافی است عملکرد شورای امنیت در قبال تهاجم عراق به ایران با عملکرد آن شورا در قبال تهاجم عراق به کویت مقایسه شود. در آنجا به فاصله چند ساعت از حمله عراق به کویت در بامداد روز دوم اوت ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ماه ۱۳۶۹) و در همان روز، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۶۰ ضمن محکوم کردن این تهاجم خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط عراق از آن کشور شد. و در کمتر از چهار روز از تهاجم عراق، با صدور قطعنامه ۶۶۱ در قالب فصل هفتم منشور، ضمن اعمال تحریم‌های گسترده، بایکوت کاملی را در روابط تجاری، اقتصادی و مالی عراق ایجاد کرد و همچنین توسل به زور را نیز مجاز شمرد. در این قطعنامه شدیدترین تحریم‌های ممکن علیه یک کشور در تاریخ حیات سازمان ملل گنجانده شد. این تحریم‌ها به کلیه وسایل حمل و نقل از جمله حمل و نقل هوایی نیز تسری یافت و روابط عراق با جهان خارج را قطع نمود. شورای امنیت، تنها در طول چهار ماه اول پس از تهاجم عراق به کویت، ۱۲ قطعنامه صادر کرد که از لحاظ قاطعیت، تسلسل، سرعت و تأثیرگذاری از تاریخ تأسیس سازمان ملل متحد تاکنون بی سابقه بوده است. تعداد این قطعنامه‌ها بعدها به ۲۴ قطعنامه رسید که مهمترین آن، قطعنامه شماره ۶۷۸ بود که در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ صادر شد و ضمن مجاز شمردن توسل به زور و اقدامات قهرآمیز علیه عراق، برای خروج از کویت - که مبنای حمله گسترده نیروهای آمریکا و متحدین به عراق گردید - موضوعات مربوط به خلع سلاح عراق، پرداخت خسارت توسط عراق و... را همچون پیمان صلحی که فاتحین علیه کشور مغلوب در جنگ به دلخواه خود ترسیم می‌کنند، به عراق تحمیل نمود. اما در ارتباط با ایران هرگز چنین قطعنامه‌هایی صادر نشد. علت این امر به اعتقاد نویسنده، چیزی جز منافع قدرت‌های بزرگ و تسلط آنها بر سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی نبوده است.

۳۰. هدایتی خمینی، **پیشین**، صص ۸۸-۸۳.
۳۱. زمانی و منصوری لاریجانی، **پیشین**، ص ۱۱۸.
۳۲. هدایتی خمینی، **پیشین**، صص ۱۰۰-۹۳.
۳۳. زمانی و منصوری لاریجانی، **پیشین**، ص ۱۲۹.
۳۴. **همان**، صص ۱۵۱-۱۴۹.
۳۵. سید قاسم زمانی، **حقوق بین الملل و کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۷۶، ص ۵۴.
۳۶. **همان**، صص ۵۷-۵۶.
۳۷. **همان**، ص ۱۰۰.
۳۸. **همان**، ص ۱۰۱.
۳۹. **همان**، ص ۱۰۴.
- مرتضی کلانتریان، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، ص ۱۷۳.
۱۷. **همان**، ص ۱۷۸.
۱۸. هانس جی مورگنتا، **سیاست میان ملت ها**، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، صص ۴۷۷-۴۷۶.
۱۹. **همان**، صص ۴۸۰-۴۷۷.
20. Adam Roberts, "The United Nations and International Security". **International Institute for strategic studies**. Vol. 35. no.2, 1993, P23.
21. Lach, M, 'International Low and the United Nations'. In D. Bardonnet (ed.). **The adaption of Structures and methods at the United Natiuons**. RCADI, Workshop, Martinus Nijhoff, 1986, P39.
۲۲. اینیس ال. کلاد، **سازمان های بین المللی**، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران: انتشارات کتاب نو، ۱۳۸۲، صص ۳۱۹-۲۸۵.
۲۳. عالیہ ارفعی، محمود مسائلی، **جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، صص ۱۱۹-۱۱۷.
۲۴. نیکول دله، آرجون ماکیحانی و جان باروز، **حاکمیت قدرت یا قانون: ارزیابی سیاست ها و اقدامات آمریکا در مورد معاهدات امنیت**، ترجمه: کاظم غریب آبادی و حسین حجازی، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۵۱.
۲۵. سید جلال الدین مدنی، **سرنوشت امضای خلعتبری، زمانه**، شماره ۲۲، ۱۳۸۳، صص ۱۷-۱.
۲۶. اصغر جعفری ولدانی، **نگرشی به عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق، مجله حقوقی**، شماره ۵، ۱۳۶۵، ص ۸۳.
۲۷. عباس هدایتی خمینی، **شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، صص ۷۱-۷۰.
۲۸. نسرین مصفا و دیگران، **تجاوز عراق به ایران و موضع گیری سازمان ملل متحد**، تهران: انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۶۶، ص ۹۶.
۲۹. سید قاسم زمانی و اسماعیل منصوری لاریجانی (۱۳۷۸)، **نظام بین الملل امنیت دسته جمعی سازمان ملل متحد و تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱.



باشی به نمایش درآمده است. در حقیقت باید کوشید تا همان ارتباط و حسی را که بین خالق یک اثر و آن اثر وجود داشته به نوعی به بازدیدکنندگان منتقل نمود که این امر دور از دسترس نیست.

موزه‌ها را به شکل‌های گوناگون طبقه‌بندی کرده‌اند، موزه‌های تاریخ و باستان‌شناسی، موزه‌های فضای باز، موزه‌های مردم‌شناسی، کاخ موزه‌ها، موزه‌های علوم و تاریخ طبیعی، موزه‌های منطقه‌ای (محلی)،

موزه‌های سیار (گردشی)، پارک موزه‌ها، موزه‌های سلاح (نظامی)، موزه‌های اندیشمندان (خانه هنرمندان)، که در بحث ما، موزه‌های نظامی، روند تاریخی انواع سلاح‌های نظامی و جنگی را در معرض دید همگان قرار می‌دهند، این نوع اشیاء شامل لباس‌های نظامی رزمی، اسلحه و دیگر وسایل رزمی نیز هستند.^(۲)

موزه جنگ و دفاع مقدس

موزه مکانی است که با نگاه به گذشته و تاریخ یک ملت با استفاده از ابزار هنر سعی در انتقال حوادث، اتفاقات و فراز و نشیب‌های آن ملت به نسل آینده دارد. این مفهوم وقتی در کنار مفهوم دفاع مقدس می‌نشیند ترکیب منحصر به فردی را ایجاد می‌کند که با موزه جنگ تفاوت بنیادی دارد به جهت این که دفاع مقدس از حیث ماهیت و جوهره معرفت‌شناختی‌اش یک اتفاق متفاوت در طول تاریخ است. جنبه قوی عرفانی و احساسی آن بسیار قوی است. به باور برخی‌ها موزه‌های جنگ سایر ملل مثل چین، روسیه و کره نمی‌توانند الگوی مناسبی برای موزه‌های ما باشند. اما باید توجه کنیم که همه مباحث معرفتی و محتوایی دفاع مقدس در حکم مطرووف هستند. موزه دفاع مقدس یک ظرف برای آن مطرووف متعالی است. با مطالعه موزه‌های جنگ دنیا،

درمی‌یابیم که پیام جنگ‌های آنان در نهایت به ایده‌های ملی‌گرایی ختم می‌شود بنابراین طبیعی است که ما بیشتر به دنبال بهره‌گیری از تکنیک آن و نه تأثیرپذیری از محتوای موزه‌های جنگ دنیا هستیم.^(۳)

هویت

واژه هویت از ریشه لاتین (Identity) به معنای مشابه و یکسانی است،^(۴) هویت از مباحثی است که ابتدا در روان‌شناسی طرح و به تدریج وارد سایر حوزه‌های علوم انسانی شده است. از لحاظ معنای لغوی، هویت به معنای هستی و در اصطلاح علمی به معنی چیستی‌شناسی و کیستی‌شناسی است. آنتونی گیدنز^۱ در تعریف هویت معتقد است "هویت شخصی" بر خلاف "خود" پدیده‌ای عام است که مستلزم آگاهی بازتابی است و در واقع همان چیزی است که فرد چنان که در اصطلاح خود آگاهی آمده است به آن آگاهی دارد.^(۵) این واژه را اریکسون برای اولین بار در روان‌شناسی به کاربرد و منظورش بیان یک مرحله از تحول جسمی و شخصیتی انسان است که به هویت سطحی یا فردی معنا شده است. این وضعیت در بردارنده مفاهیمی است که همسانی و تداوم شخصیت فرد را تضمین می‌کند و نوعی آگاهی نسبت به خود است.

1. Anthony Giddens

میراث فرهنگی

میراث فرهنگی نشان دهنده هویت و نگاه مردم یک جامعه به یک پدیده است، طرز زندگی، کیفیت زندگی، آداب و رسوم، عقاید، ارزش ها، هنجارها و بالاخره، فرهنگ هر جامعه‌ای در میراث فرهنگی آن جامعه نهفته است. این میراث که نشان هویت جامعه است در فرآیند گذار دستخوش تحولات می‌شود و در این راستا مهم‌ترین مسأله حفظ و حراست از میراث فرهنگی و اشاعه آن به نسل های بعدی است. در این راه، بی شک وجود موزه به عنوان یک نهاد فرهنگی در اجتماع بسیار ضروری است و فرهنگ هر جامعه یک مفهوم کلی است و تمامی ارزش ها و یافته های معنوی مردمان آن جامعه را در بر می گیرد. پس فرهنگ، میراث هر قومی است که از پیشینیان بر گرفته شده و در آن تغییراتی داده و به نسل های بعد انتقال یافته است. فرهنگ ها و تمدن ها مانند انسان سه مرحله تکامل دارند: زاده می شوند، کودکی و نوجوانی دارند، کمال می یابند و به پیری می رسند و بالاخره از میان می روند. تلاش برای حفظ این آثار از مهم ترین تلاش های هر ملتی است، و به طور اخص در این جا حفظ آثار باقی مانده از جنگ از ضروریات به نظر می رسد.^(۶)

موزه جنگ ایران

هشت سال دفاع مقدس توانست سرنوشت کشور ما را در دنیا عوض کند. مهم ترین نتیجه جنگ تحمیلی علیه ایران، استقامت و پایداری ملت در دستیابی به حقوق خود بود و امروزه این غنیمت در آثار موزه جنگ خرمشهر به عنوان سند، ماندگار است. این موزه در ساختمانی قرار دارد که در سال ۱۳۰۹ ساخته شده و تا پایان جنگ به عنوان بخش اداری شرکت نفت به کار رفته است. در دوران هشت سال جنگ تحمیلی این ساختمان به عنوان محل دیدبانی نیروهای عراقی مورد استفاده قرار گرفت، با بازسازی گوشه ای از ساختمان اداری شرکت نفت، در سال ۷۵ این مکان به عنوان مرکز فرهنگی دفاع مقدس افتتاح شد، مساحت مرکز فرهنگی، دو هزار و ۴۰۰ مترمربع و دارای کتابخانه تخصصی دفاع مقدس با حدود سه هزار جلد کتاب، سالن نمایش فیلم، آرامگاه سه شهید گمنام که در نوروز سال ۸۵ در این مکان دفن شده اند، می باشد. با توجه

به این که این مرکز محل دیدبانی دشمن در دوران جنگ بوده است، دست نوشته های اشغالگران عراقی بر روی دیوارهای ساختمان به جای مانده است، که یکی از دست نوشته ها، جمله آمده ایم تا بمانیم بوده است که در این مرکز، خودنمایی می کند. مرکز فرهنگی خرمشهر دارای چهار سالن مقاومت، اشغال، آزادسازی، و بازسازی خرمشهر است؛ که در هر بخش گوشه هایی از حماسه آن دوران را نشان می دهد. همچنین در این مرکز فرهنگی، آثار به جامانده از سرداران شهید حماسه مقاومت خرمشهر هم چون سید محمدعلی جهان آرا، رضا موسوی، از فرماندهان سپاه خرمشهر و دیگر شهدای ارتش و سپاه، و نیز ادوات نظامی آن دوران

به نمایش گذاشته شده است. هر ساله بازدیدکنندگان زیادی به ویژه در نوروز با توجه به حضور راهیان نور در خرمشهر، از این مرکز فرهنگی دیدن می کنند، حفظ این آثار در جهت انتقال تجربیات نسل اوایل انقلاب به نسل جدید ضروری به نظر می رسد.

یکی از مهم ترین وظایف
یک موزه، برقرار کردن
ارتباط فرهنگی بازدیدکننده
با شیء به نمایش درآمده
است

نقش موزه در شکل گیری هویت جوامع

جنگ یکی از پیچیده ترین پدیده های اجتماعی است که نقش و تأثیر آن در شکل گیری تاریخ بسیار مهم می باشد و به عنوان یک متغیر مهم در تحول حیات اجتماعی نقش بازی می کند. جنگ عمری به درازای عمر بشر دارد و از زمان پیدایش اولین انسان ها در زمین، درگیری وجود داشته است. در تاریخ کشورمان جنگ های متعددی رخ داده که جدیدترین آنها جنگ عراق علیه ایران می باشد. از سوی دیگر هویت به مثابه پاسخ به کیستی و چیستی انسان یا شیء، یکی از پیچیده ترین مفاهیمی است که ذهن انسان را به خود مشغول داشته و هنوز نیز از مهم ترین دغدغه های انسان می باشد و در طول تاریخ نیز دستخوش تغییرات و

موزه جنگ مسکو

یکی از زیباترین موزه‌های جهان موزه جنگ مسکو می‌باشد که در سال ۱۹۹۳ ساخته شده و در پارک بزرگی به نام پارک پابدی (پارک پیروزی) واقع شده است. این موزه از دو بخش تشکیل شده است. بخشی در داخل ساختمان زیبایی که به شکل نیم دایره ساخته شده، و بخش دیگر در داخل فضای آزاد می‌باشد، بخشی از تسلیحات نظامی به همراه تصاویری از صحنه‌های جنگ، اسامی سرداران و مبارزان در داخل ساختمان و ادوات نظامی بزرگ مانند تانک‌ها و توپ‌ها و هواپیماهای جنگی در فضای آزاد مستقر شده است. همه روزه جهانگردان و علاقمندان بسیاری از این موزه بازدید می‌کنند.

بیش از نیم قرن از پایان خونین‌ترین جنگ در تاریخ بشریت گذشته است. در این جنگ، ۶۱ کشور و بیش از ۸۰ درصد جمعیت کره زمین درگیر بودند. نبردها در خاک ۴۰ کشور اروپا، آسیا و آفریقا و در فضاها گسترده دریایی و اقیانوسی جریان داشت. نفرات ارتش‌های طرفین درگیر، بیش از ۱۱۰ میلیون نفر بود. در آن جنگ بیش از ۵۷ میلیون نفر جان خود را از دست دادند که نیمی از آنها، مردم غیرنظامی بودند. آتش جنگ جهانی دوم طی ۶ سال شعله‌ور بود. طی ۴ سال در جبهه شوروی - آلمان مهم‌ترین تحولات این جنگ رخ داد که جریان جنگ را به طور ریشه‌ای به نفع نیروهای ضدفاشیستی تغییر داد. راه به سوی پیروزی، طولانی و دشوار بود. در تالارهای این موزه که به تاریخ جنگ بزرگ میهنی سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۴۱ اختصاص دارد روزهای جنگ، که برای شرکت‌کنندگان و شاهدان عینی آن بی‌پایان به نظر می‌رسیدند، به صورت دقیق و لحظات فشرده شده‌اند. یاد گذشته برای هر کس یادآور پیوند سرنوشت وی با سرنوشت کشور و جهان است. نه تنها درک عینی جریان‌ات امروزی بلکه قابلیت پیش‌بینی تحولات آینده نیز به برداشت آگاهانه و صادقانه ما از تاریخ بستگی دارد.

موزه جنگ مسکو با کمک‌های خیریه مردم و با پول مالیات‌پردازان ساخته شده است. موزه مرکزی جنگ بزرگ میهنی سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۴۱ که باید یاد مدافعین وطن را جاودان کند، به عنوان مرکز علمی - پژوهشی و اطلاعاتی - خبری برنامه‌ریزی شده که در این موزه با کمک

دگرگونی‌های بسیاری شده است. از جمله عوامل موثر در هویت و منش ملی، جنگ است که به عنوان یک عامل تغییر و دگرگونی در هر جامعه‌ای، وجدان گروهی و جمعی انسان‌ها را حساس می‌کند و در این رابطه روی هویت فردی، اجتماعی و ملی تأثیر می‌گذارد از این رو بررسی تأثیر جنگ و لزوم انتقال تجربه به نسل‌های بعدی به منظور جلوگیری از شکاف نسل‌ها و آشنایی با تاریخ سرنوشت، نیازمند حفظ آثار است که از طریق موزه صورت می‌گیرد. موزه‌های جنگ یکی از پایدارترین میراث‌های تلخ و عبرت‌انگیز و در برداشتی دیگر مقاومت دلیران یک کشور مورد تهاجم در برابر مهاجمان ستیزه‌جو می‌باشد. نسل‌های حال و آینده در

برداشت‌های خود از واقعه‌های تلخ جنگ جز در نوشتارها و کتاب‌ها شاید نتوانند برداشت‌های ذهنی خود را تکمیل و به پرسش‌های متوالی و متواتر درون خود قناعت و اکتفا نمایند. اما یادگارهای تلخ به جا مانده از قرن‌ها و سال‌های نه چندان دور در کنج موزه‌ها، شاید مفاهیم انتزاعی جنگ را در

تصویرات آنها باز و روشن‌تر نمایند.

موزه‌های جنگ یکی از تلخ‌ترین و غمناک‌ترین تجسم جلوه‌های دلاوری ملت‌ها می‌باشد. یادگار نگاشته‌های گذشته گان سلحشور بر دل تاریخ پر فراز و نشیب ملت‌ها، حکایت از واقعه شوم جنگ‌ها بر پهنه خاطره‌های انسانی است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا وجود چنین موزه‌هایی لازم است و اگر هست دلیل وجودی آن چیست؟ فرضیه مطرح شده با استفاده از مطالعه توصیفی موزه چند کشور این است که آنها نیز به دلیل انتقال تجربه و ملموس بودن به حفظ این آثار دست زده‌اند و از این رو این مقاله به لزوم وجود چنین موزه‌هایی و بررسی موردی موزه‌های نظامی می‌پردازد.

موزه مکانی است که
با نگاه به گذشته و تاریخ
یک ملت با استفاده از ابزار
هنر سعی در انتقال حوادث،
اتفاقات و فراز و نشیب‌های
آن ملت به نسل آینده دارد

مختلف به موزه هدیه شده یا از مولفان یا ورثه آنها خریداری شده است.

آثار تصویری و تجسمی این موزه شامل مجسمه‌ها، نقش‌ها و تابلوهای نقاشان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای است که در سال‌های جنگ و بعد از جنگ ساخته شده است. این موزه از مجموعه قابل توجهی از پوسترهای سیاسی شوروی دوران جنگ، برخوردار است. آثار معروف استادان این هنر و نیز آثار نه چندان معروفی که به دلایل مختلف در آلبوم‌ها و کاتالوگ‌های روسی که طی ده‌ها سال اخیر منتشر شدند، در معرض نمایش گذاشته شده است. تقریباً نیمی از آثار نمایشی این موزه را آثار خطی و مستند تشکیل می‌دهند، از جمله خاطرات شرکت‌کنندگان جنگ، آرشو افراد و سازمان‌ها، نقشه‌های عملیاتی و جغرافیایی، روزنامه، مجله، کتاب، یادداشت، کارت پستال، شب‌نامه و عکس است. در میان این اسناد، نامه‌های مثلث شکل سربازان از جبهه‌ها، جایگاه ویژه‌ای دارند.

مجتمع یادبود

بازگشایی موزه مرکزی جنگ بزرگ میهنی سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۴۱ در کوه پاکلونایا روز ۹ می ۱۹۹۵ همزمان با جشن پنجاهمین سالگرد پیروزی صورت گرفت. کوه پاکلونایا در غرب مسکو، در انتهای خیابان کوتوزوفسکی پراسپکت واقع شده است. نام آن یادآور رسم قدیمی است: «کسانی که وارد شهر می‌شدند یا از مسکو خارج می‌شدند، در این محل در برابر مسکو و مقدسات آن تعظیم می‌کردند.» رویدادهای تاریخی زیادی با کوه «پاکلونایا» ارتباط دارد. در سال ۱۶۱۰ در زمان هجوم لهستانی‌ها به مسکو، امیر لهستانی ژولکفسکی در پای این کوه، اردوگاه خود را مستقر کرد. هیات نمایندگی درباریان مسکو همین‌جا به حضور او رسیدند. در سال ۱۸۱۲ بعد از نبرد «بورودینو» ارتش روسی در این محل به ساخت استحکامات دفاعی پرداخت که به درد نخورد چرا که در شورای نظامی که در روستای «فیلی» واقع در نزدیکی کوه «پاکلونایا» تشکیل شد تصمیم گرفته شد از نبرد اجتناب شود. در سال‌های جنگ جهانی دوم، لشکرهای ارتش سرخ و بسیج مردمی که از جاده «موزایسک» به سوی غرب

وزارت فرهنگ روسیه و شهرداری مسکو، خزانه اساسی دولتی آثار مادی و معنوی مربوط به تاریخ جنگ ترتیب داده شده است. در هر موزه‌ای از جمله موزه نظامی و تاریخی، قبل از همه کلکسیون اشیای نمایشی آن جالب است:

کلکسیون موزه

کلکسیون موزه که با احتساب کتابخانه علمی، شامل نگهداری بیش از ۱۰۰ هزار واحد است، بسیار متنوع است. این کلکسیون کارنامه سال‌های جنگ را به گونه‌ای که در اذهان و اعمال سیاستمداران، امرای ارتش و شرکت‌کنندگان عادی جنگ در جبهه‌ها و در پشت جبهه ثبت شده است، منعکس می‌کند. این موزه از مجموعه نادر وسایل شخصی و مدارک سربازان ارتش سرخ و کارگران کارخانه‌های پشت جبهه، فرماندهان معروف جنگ بزرگ میهنی و نیز خلبانان، خدمه تانک و تک‌تیراندازان معروف، مدیران صنایع و طراحان فنی برخوردار است. لوازم مربوط به شهروندان شوروی که به اسارت درآمده بودند، چریک‌ها، مهاجران بازگشته و کودکان جنگ که در موزه نگهداری می‌شوند، منحصر به فرد هستند. در این موزه اسلحه گرم ارتش‌های اکثریت کشورهای شرکت‌کننده جنگ جهانی دوم، و مدارک‌های سربازانی که در اماکن وقوع نبردهای جنگ کشف شد، جمع‌آوری شده است. کلکسیون پول‌هایی که کشورهای درگیر برای مناطق اشغال شده منتشر می‌کردند، شایان توجه است. یونیفورم نیروهای نظامی شوروی، کشورهای خارجی و وسایل معیشتی نظامی و غیرنظامی سال‌های ۱۹۴۰ به صورت نسبتاً کاملی در معرض نمایش گذاشته شده است.

توپ ضدهوایی انگلیسی، توپ ضدتانک آلمانی، تانک سبک ژاپنی و نمونه‌های متعدد دیگر سلاح‌هایی که در نبردهای جنگ جهانی دوم شرکت کرده و اکنون در موزه نگهداری می‌شوند، به کلکسیون این موزه، وزن بیشتری می‌دهد. مجموعه آثار نقاشی از ارزش زیادی برخوردار است، در سال ۱۹۸۷ ن. پ. کوشلف، گردآورنده معروف پوسترهای زمان جنگ از لنینگراد، این پوسترها را به موزه هدیه کرد و این کلکسیون را بنانهاد. در حال حاضر در این موزه هزاران اثر گوناگون نگهداری می‌شود که توسط سازندگان یا دارندگان آنها و نیز توسط سازمان‌های

حرکت می کردند در ۵۰۰ متری غرب کوه پاکلونایا ویلای نزدیک معروف استالین قرار داشت.

اولین مسابقه طرح بنای یادبود پیروزی در سال ۱۹۴۲، سال دشوار جنگ اعلام شده بود. در سال ۱۹۵۸ در کوه پاکلونایا در مراسم باشکوهی اولین کلنگ بنای یادبود به زمین زده شد. در سال ۱۹۶۱ پارک پیروزی ایجاد شد و در سال ۱۹۸۵ ساخت مجتمع یادبود پیروزی که شامل موزه مرکزی جنگ بزرگ میهنی است، آغاز گشت. یکی از نمایشگاه‌های موزه این تاریخچه را منعکس می کند. مجتمع یادبود در بر گیرنده کلیسای ارتدوکس (معبد گورگی پیروزمند مقدس)، مسجد یادبود و کنیسه یادبود است. بنای موزه بر اساس طرح گروهی از معماران تحت ریاست آ. پولیانسکی، معمار معروف احداث شد. زوراب تسرتلی، نقاش ارشد تمام مجتمع و سازنده بنای یادبود است. بنای یادبود پیروزی به صورت سرنیزه بزرگ با مجسمه‌های نیکه، الهه یونانی پیروزی با فرشتگان و پیک‌های جارچی افتخار است.

موزه جنگ مسکو به خاطر انعکاس مرحله طولانی تاریخی، کلکسیون چندبعدی اشیای نمایشی متنوع و مجهز بودن نمایشگاه و کتابخانه غنی علمی در میان موزه‌های نظامی و تاریخی روسیه و کشورهای خارجی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. بازدیدکنندگان از روی تراس‌های سنگ فرش شده خیابان مرکزی که به یک ردیف فواره‌های چندسطحی تزیین شده است، به سوی بنای یادبود اصلی پیروزی صعود می کنند که پشت آن ستون‌های مرمری سفید موزه دیده می شود. آنها از دروازه باشکوهی وارد دهلیز اصلی و از پلکان اصلی وارد تالار افتخار می شوند که آنجا روی سنگ مرمر اسامی رزمندگان جنگ که لقب قهرمان اتحاد شوروی را به دست آورده اند، حک شده است. در این تالار، مجسمه سرباز پیروز (مجسمه ساز و. زنوبا) قرار دارد.

دور تالار افتخار، نمایشگاه نظامی - تاریخی مستقر شده است، این نمایشگاه که جو و رویدادهای آن زمان را منعکس می کند، این امکان را می دهد تا همه جزئیات آن رویدادها به خوبی مجسم و اهمیت آنها درک شود، اشیای نمایشی موزه از آستانه جنگ و آمادگی برای جنگ، حمله آلمان هیتلری به اتحاد شوروی، جریان عملیات جنگی،

جنگش چریکی، پشت جبهه شوروی، آزادسازی کشورهای اروپا، همکاری اتحاد شوروی با متحدان در ائتلاف ضد هیتلری در مقابله با بلوک فاشیستی و محاکمه مجرمین جنگی آلمانی و ژاپنی حکایت می کنند. یک سطح پایین تر، در تالار خاطره و ماتم، کتاب‌های یادبود قرار دارند که در آنجا اسامی رزمندگانی که در جنگ بزرگ میهنی جان خود را از دست دادند، قید شده است. در این تالار، مجسمه زن عزادار ساخت ل. کربل مجسمه ساز معروف گذاشته شده است. همین جا، سیستمی رایانه‌ای وجود دارد که به بازدید کنندگان اجازه می دهد اطلاعاتی درباره هموطنانی که در نبردها و بیمارستان‌های نظامی جان خود را از دست دادند یا در سال‌های جنگ جهانی دوم به اسارت گرفته شدند، کسب کنند. نگارخانه هنری، در قسمت هلال وار ساختمان قرار دارد. در این قسمت تابلوهای نقاشی، آثار گرافیکی و مجسمه‌های هنرمندان معروف و نقاشان آماتور در معرض دید عمومی گذاشته شده اند. این آثار که در زمان جنگ و در سال‌های بعد از جنگ ساخته شدند، به موضوع میهن اختصاص دارند.

تابلوهای بزرگی که دور تالار خاطره و ماتم قرار گرفته اند، به بزرگ ترین نبردهای جنگ اختصاص دارند. تابلوهای نقاشی ۱۰ در ۳۳ متر تحت عنوان تعرض متقابل نیروهای شوروی در نبرد مسکو در دسامبر سال ۱۹۴۱، محاصره لنینگراد، نبرد استالینگراد، اتصال جبهه‌ها، نبرد کورسک، عبور از "رود دنیپر" و تصرف برلین، توسط استادان نامدار استودیوی معروف نقاشان جنگی به نام م. ب. گرکوف ساخته شده اند. نقاشان جنگی این استودیو، تابلوهای بزرگ نظامی - تاریخی زیادی را در داخل و خارج از کشور ساخته اند. ولی فقط در موزه کوه پاکلونایا کارنامه حماسه مردمی که با الهام زیادی کشیده شده است، به ترتیب وقایع دفاع از مسکو تا سقوط برلین نشان داده شده است. در کنار این تابلوها و تالار خاطره و ماتم، سالن‌های بزرگ و کوچک سینما قرار دارند که در آنجا فیلم‌های مستند سال‌های جنگ که از عملیات جنگی در جبهه‌ها و زندگی مردم پشت جبهه حکایت می کند، نمایش داده می شود.

در همین ساختمان، موزه سالن‌های نمایشگاه و مراکز خدمات برای بازدید کنندگان قرار دارند. مجموعه

نمی‌تواند از ذهن انسان محو شود. در ژوئن سال ۱۹۴۵ ژنرال دوگل رئیس دولت فرانسه ضمن اعزام وابسته نظامی جدید به اتحاد شوروی به او گفت: «شما باید برای ما تعریف کنید روس‌ها چگونه جنگیدند و چرا پیروز شدند.»

پایان جنگ اتحاد شوروی با آلمان نه تنها به معنی پیروزی بلکه برقراری صلحی بود که همه تشنه آن بودند. مشارکت موفقیت آمیز کشورهای ائتلاف ضد هیتلری در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۱، نمونه بی‌نظیری از

همکاری گسترده بین‌المللی بر ضد نیروهای متجاوز بود؛ ولی این همکاری به زودی جای خود را به رویارویی فرسایشی‌ای داد که طی ده‌ها سال ادامه یافت و توسعه اجتماعی، بدون میهن‌دوستی، بدون یاد ایثارگران و مواظبت از شرکت‌کنندگان و بازماندگان جنگ، امکان‌پذیر نیست. راه‌هایی که سربازان در جبهه‌ها پیمودند، از سال‌های دور ۱۹۴۰ - ۱۹۳۰ به امروز منتهی شده‌اند. گره‌های فاجعه بار علت و معلول سیاست، تئاتر خونین رویارویی جنگی در شرق و غرب و روزها و شب‌های پر اضطراب و مصیبت بار مردم غیرنظامی گویا در اشیای نمایشی موزه منجمد شده‌اند. این نشانه‌های زمان اعم از نقشه زرد شده ستاد کل، کلاه خود سرباز ارتش سرخ، صلیب آه‌نین آلمانی، نامه از جبهه و شماره تاریخی روزنامه با گزارش پیروزی، تمام اینها اسامی و رویدادهایی را زنده می‌کنند که گویای تجربه‌های روحی و عملی‌ای هستند که بهای گزافی بابت آن پرداخت شده است. نام این تجربه، خاطره تاریخی است.

موزه جنگ ژاپن

موزه معروف جنگ ژاپن به نام "یوشوکان" در داخل محوطه معبد جنجال برانگیز "یاسوکونی" در توکیو قرار دارد. در معبد یاسوکونی که موزه جنگ در آن واقع است، اسامی



نمایشگاهی در محوطه پارک ادامه می‌یابد که در آن جا نمایشگاه وسایل فنی - جنگی و استحکامات مهندسی دوران جنگ قرار دارد. ابتدا بهترین تانک‌های متوسط جنگ جهانی دوم یعنی تانک‌های T-34-76 و T-34-85 دیده می‌شوند. جنگ افزار نیروی دریایی در حوض مصنوعی به نمایش گذاشته شده است. اینجا ناوچه اژدرافکن و ناوچه زرهی، اطاق فرمان زیردریایی‌هایی که در سال‌های جنگ در عملیاتی در دریای بالتیک شرکت کردند، و نیز در محوطه‌های مخصوص، اسلحه ناوهای رو آبی و دفاع ساحلی نصب شده است. یک قسمت جالب نمایشگاه شامل قسمت‌هایی از تکیه‌گاه مستحکم جوخه دوران دفاع سال ۱۹۴۳ (نبرد کورسک) است. خندق‌هایی با سنگر مسلسل، خندق‌های ارتباطی، سنگر روپوشیده، پست دیدبانی، پناهگاه زیرزمینی، سنگرهایی با استحکامات مهندسی، همگی مواضع رزمی جنگ گذشته را به خوبی به نمایش می‌گذارند. در این نمایشگاه تقریباً همه انواع جنگ افزار ارتش سرخ و ارتش‌های متحدین و آلمان نمایش داده می‌شود.

زمان در چهره موزه

چهره زمانی که هنوز جواب سوالات دشوار متعددی درباره جنگ، گذشته و حال را در خود پنهان کرده است،

ژاپنی و هم‌چنین گردشگران خارجی است. گفته می‌شود از جمله اهداف احداث این موزه که در سال ۱۸۸۲ میلادی احداث شده، از یک سو گرامی داشت یاد و خاطره آن گروه از نیروهای نظامی و غیرنظامی ژاپنی است که در راه وطن خود جان باخته‌اند و از سوی دیگر در نظر دارد تا تاریخ ارتش مدرن ژاپن را به نمایش بگذارد؛ هم‌چنین یادآور تاریخ نظامی‌گری ژاپن در جهان و به ویژه منطقه آسیا است. بازدیدکنندگان از این موزه می‌توانند با شکل و ظاهر نظامی‌گری در دوران سامورایی‌ها در ژاپن و ارتش سنتی این کشور تا پیش از دهه ۱۸۶۰ میلادی آشنا شوند.

این موزه که در سال ۲۰۰۲ میلادی برای دومین بار بازسازی شده، اینک دارای دو طبقه با دو تالار بزرگ، ۲۰ گالری، دو سالن تئاتر و دو گالری ویژه است. در این موزه حدود سه هزار عکس در سه گالری، از نیروهای دریایی و ارتش امپراتوری ژاپن که در جریان جنگ‌ها کشته شده‌اند، به نمایش گذاشته شده است. در زیرنویس هر عکس، مشخصات مربوط به این نیروها شامل نام، شاخه نظامی ارتش و یا نیروی دریایی، رسته، استان محل تولد و مکان کشته شدن آنها نوشته شده است.

در موزه جنگ ژاپن هم‌چنین اشعار، نامه‌ها، خاطرات روزانه و عکس‌های سربازان جوان ژاپنی که در جریان جنگ‌های مختلف این کشور کشته شده‌اند به نمایش گذاشته شده است. نامه‌های این سربازان بازگو کننده وضعیت زندگی آنها و نیز تصویری است که این گروه‌ها پیش از کشته شدن در اذهان خود داشته‌اند. عکس‌های به نمایش گذاشته در این موزه نیز متعلق به خلبانان ژاپنی به ویژه گروه‌های کامیکازه (انتحاری) است که با هواپیماهایی که دارای سوخت یک طرفه بودند به اهداف تعیین شده حمله می‌کردند. در بخش ورودی موزه جنگ یوشوکان معبد یاسوکونی در توکیو نمونه‌ای از هواپیماهای مورد استفاده خلبانان ژاپنی در حملات کامیکازه به نمایش درآمده است. علاوه بر این، ماکت‌هایی از انواع هواپیماهای مورد استفاده برای این نوع حملات نیز به نمایش درآمده است.

در موزه جنگ یوشوکان هم‌چنین انواع یونیفورم‌هایی که رده‌های مختلف نیروهای نظامی ژاپنی اعم از نیروهای

حدود دو میلیون و ۴۷۰ هزار نفر از نیروهای نظامی و غیرنظامی ژاپنی که در راه انجام وظیفه و حفظ سرزمین خود جانشان را از دست داده‌اند، تکریم می‌شود. بسیاری از این افراد که اسامی آنها در معبد یاسوکونی تکریم می‌شوند را سربازانی که در جریان جنگ کشته شده بودند از جمله در جنگ‌های ژاپن و چین، ژاپن و روسیه و جنگ‌های اول و دوم جهانی تشکیل می‌دهند. در این معبد هم‌چنین اسامی افراد غیرنظامی از جمله زنانی که به عنوان پرستار به کارهای امدادی مشغول بودند نیز به چشم می‌خورد و مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرند.

بسیاری از جنجال‌های سیاسی و دیپلماتیک بر سر

معبد یاسوکونی از سال

۱۹۷۸ میلادی و پس از آن

که ۱۴ نفر از جنایتکاران

جنگی تراز اول و از

رهبران ژاپنی در جریان

جنگ‌های این کشور

بودند و پس از جنگ دوم

جهانی از جمله ژنرال

هیدهکی توجیو مورد

تکریم قرار گرفتند، آغاز

شده است.

موزه جنگ یوشوکان

در معبد یاسوکونی، که از

قدیمی‌ترین موزه‌های

ژاپن بشمار می‌رود، در سال ۱۸۸۲ میلادی احداث گردید و

در سال ۱۹۳۲ میلادی نیز بازسازی شده است. این موزه

منزلگاهی است که یادآور خاطرات مربوط به آن گروه از

نیروهای ژاپنی است که در جریان جنگ‌های مختلف از

جمله جنگ جهانی اول و دوم کشته شده‌اند. در حقیقت

موزه‌های بسیاری در ژاپن وجود دارد که در ارتباط با

بزرگداشت نیروهای ویژه‌ای که در جریان روزهای پایانی

جنگ جهانی دوم، اقدام به حملات انتحاری بر ضد

نیروهای دشمن می‌کردند، برپا شده است.

این موزه در طول سال و به ویژه روزهای نزدیک به

۱۵ اوت (۲۵ مرداد) که سالگرد پایان جنگ جهانی دوم

است، شاهد حضور گسترده اقشار مختلف شهروندان

جنگ به عنوان یک عامل

تغییر و دگرگونی در هر

جامعه‌ای، وجدان گروهی و

جمعی انسان‌ها را احساس

می‌کند و در این رابطه روی

هویت فردی، اجتماعی و

ملی تأثیر می‌گذارد

نشان می دهند. در طراحی هیکل آنان آشکارا اغراق شده است، انگار هرکدام از آنها یک هرکول هستند. مجسمه مادرانی که با هنرمندی تمام اندوه و غصه در چهره شان نقش بسته این فضای بی سقف و خشن را نرم و عاطفی می کند.

ساختمان موزه در سه طبقه بنا شده است: طبقه اول، هجوم. طبقه دوم، دفاع. طبقه سوم، پیروزی.

طبقه اول به هجوم ارتش به روستاها و شهرها و آغاز جنگ اختصاص دارد که ارتش آلمان با هواپیما و تانک به پیشروی خود ادامه می دهد، شهرها و روستاها یکی پس از دیگری به اشغال آلمان ها در می آید و تصویری از مقاومت

مردمی دیده می شود، آلمان ها محاصره سنگین شهر لنینگراد را کامل می کنند، پارتیزان ها و ارتش روسیه با آلمان ها درگیر هستند. یک گیوتین "به نمایش گذاشته شده است. در گوشه ای سلاح های روسی و آلمانی با هم مقایسه شده اند، هم چنین لباس کودکان روسی که مندرس و بعضی از آنها با گلوله آلمان ها سوراخ

شده است. در قسمت دیگری از طبقه اول، لوازم شخصی سربازان هیتلر و سلاح های شان به چشم می خورد. یک هواپیمای بمب افکن آلمانی که بر اثر سقوط در خاک شوروی چند تکه شده بود در وسط این طبقه دیده می شود، سقف موزه هم بیشتر با چترهای نجات و نمونه هایی از آذوقه های جنگی پوشیده شده است. در انتهای طبقه اول عکس هایی از نظامیان آلمان، نامه هایشان و مدال های جنگی شان دیده می شود، هم چنین دستورهای عملیاتی فرماندهان، کارت های شناسایی سربازان آلمانی و چند جواب نامه از خانواده های آلمانی در برابر بازدیدکنندگان به شکل قابل توجهی چیده شده است.

زمینی، دریایی و هوایی استفاده می کردند، هدبندها، مدال ها و دیگر لوازم مورد استفاده این نیروها به نمایش گذاشته شده است. در سالگرد پایان جنگ، برخی شهروندان ژاپنی که به آنها افراد راست گرا گفته می شود با پوشیدن لباس های نظامی نیروهای ژاپنی در جریان جنگ های اول و دوم جهانی، در اطراف موزه جنگ و در محوطه معبد یاسوکونی حاضر می شوند و درباره آن دوران با مردم سخن می گویند. موزه جنگ یوشوکان ژاپن امروزه هم چنین به محلی برای حضور گردشگران خارجی و داخلی و نیز دانشجویان تاریخ تبدیل شده است.

موزه جنگ اوکراین

شهر کی یف، مرکز کشور اوکراین است که در ردیف کشورهای تازه استقلال یافته شمرده می شود، این شهر صاحب موزه ای است که در سال ۱۹۸۲ توسط لئونید برژنف ساخته و افتتاح شد، همه موزه روی تپه بزرگ و زیبایی ساخته شده و مشرف بر رودخانه نیامات است. این موزه در مساحتی به وسعت پنجاه هکتار بنا شده که تمامی آن زیر پای مجسمه مام میهن است که هفتاد و دو متر ارتفاع دارد، این مجسمه پیکر زنی است که سمبل میهن است. در دست راست او شمشیری است و در دست چپ سپری دارد که روی آن داس و چکش معروف روس ها نقش بسته است.

فضای بیرونی موزه مملو از ادوات نظامی است، از تانک های قدیمی گرفته تا پیشرفته که همه در عین بی نظمی آرایش داده شده اند. دیدن کاتیوشاهای قدیمی و مقایسه آن با آنچه که امروز هست، پیشرفت زیادی را در صنایع نظامی نشان می دهد. کمی دورتر چند سکوی پرتاب موشک نیز تعبیه شده که این موشک های غول پیکر از مجسمه مام میهن بزرگ تر هستند. این سکوهای پرتاب موشک لا به لای درختان اطراف موزه به خوبی دیده می شوند. در محوطه بیرونی موزه، هلیکوپتری به نمایش گذاشته شده و تابلو کوچکی روی بدنه اش نصب است که روی آن نوشته شده: «این هلیکوپتر در جنگ های افغانستان و عراق و ایران استفاده شده است.»

در محوطه بیرونی این نمایشگاه، مجسمه های زیادی چیده شده که سربازان روسی را در حالت های مختلف

تأثیر جنگ و لزوم انتقال تجربه به نسل های بعدی به منظور جلوگیری از شکاف نسل ها و آشنایی با تاریخ سرزمین، نیازمند حفظ آثار است که از طریق موزه صورت می گیرد

طرفش مردم بافنجان‌ها و لیوان‌هایشان بنشینند و در طرف دیگر سربازان با قمقمه‌های شان بنشینند.

موزه نظامی ترکیه

این موزه از مهم‌ترین موزه‌های نظامی جهان است که سابقه آثار آن به قرن ۱۵ میلادی باز می‌گردد. پس از فتح استانبول در ۱۴۵۳ میلادی توسط عثمانی‌ها، این ارتش به جمع‌آوری سلاح و تجهیزات خود پرداخت و نام «دار الاسلحه» را برای این مکان در نظر گرفت. در سال ۱۸۴۶ داماد فتحی پاشا، سرپرست کارگاه توپ‌سازی ترکیه کنونی، این مجموعه را به عنوان اولین موزه نظامی مدرن ترکیه که بعدها به «موزه همایونی» شهرت یافت بازسازی کرد. در اوایل قرن ۲۰، احمد مختار پاشا، با افزودن سلاح‌های قدیمی که در اختیار نهادهای رسمی کشور بود، و ایجاد سالن سینما، کتابخانه، میدان تیر، به توسعه مجموعه پرداخت. در ۱۹۴۰ به دلیل نگرانی از جنگ جهانی دوم، موزه تعطیل شد و تجهیزات آن به مکان امنی انتقال یافت. در ۱۹۴۹ لوازم موزه دوباره به استانبول باز گردانیده شدند و در ۱۹۵۹، موزه در سالن ورزش آکادمی نظامی، دایر گردید که بعدها به دلیل محدودیت مکانی در ۱۹۹۳ به مکان فعلی آن، انتقال یافت.

سازمان دهی سالن‌های موزه نظامی ترکیه به این شرح است:

۱. سالن تیر و کمان: که تیر، کمان و دیگر ادوات شبیه بازده زمانی قرون ۱۷ تا ۱۹ م به نمایش در آمده است.
۲. سالن سواره نظام: اشیاء مربوط به قرون ۱۹ تا ۲۰، قابل مشاهده است.
۳. سالن نیروی دریایی: در این سالن پرچم‌های قرن ۱۹ و شناورها و... نگهداری می‌شود.
۴. سالن سلاح‌های سرد: شمشیرهای قرون وسطایی، قدیمی‌ترین سلاح‌های موجود در این بخش هستند که نمادها و تصاویر مذهبی رویشان حک شده که ترکان مسلمان پس از غارت روی آن ترکیب‌های عربی اضافه کرده‌اند. قدیمی‌ترین سلاح‌های سرد اسلامی در این موزه به قرن ۱۳ میلادی بازمی‌گردد که ساخته ترک‌ها و ایرانیان است (با وجود توانایی ایرانیان در ساخت چنین سلاح‌هایی متأسفانه ما به حفظ این

در طبقه دوم لباس‌های فرم سربازان روسی از شلوار و پیراهن گرفته تا جوراب و پوتین به نمایش در آمده است، لوازم شخصی، نامه‌ها و نقشه‌های عملیاتی هم در کنار همین لباس‌ها که بعضاً مندرس و فرسوده هستند دیده می‌شود. در بخش دیگری از طبقه دوم یک کوره آدم‌سوزی آلمان‌ها را به نمایش گذاشته‌اند؛ در کنار این کوره یک قالب صابون دیده می‌شود که گویا از چربی انسان‌هایی که در کوره سوزانده می‌شدند درست کرده‌اند.

در قسمتی دیگر، عکس‌های بزرگی از وداع همسران جوان با شوهرانشان به چشم می‌خورد. عکس‌های دیگر از اردوگاه‌های نگهداری اسیران روسی در آلمان وجود دارد که بیشتر از همه زنان و کودکانی را نشان می‌دهد که شکم‌شان از گرسنگی مثل طبل باد کرده است. در چشمان گودافانده و بی‌رمق این اسیران نشانی از زندگی دیده نمی‌شود.

طبقه سوم به عقب نشینی آلمان‌ها اختصاص دارد. عکس‌های سربازان آلمانی که در برف خفته‌اند، در قسمتی از این طبقه چند نمونه از خانه‌های چوبی ساخته شده که نمایان‌گر خانه پارتیزان‌های روسی در دل جنگل‌هاست. در این اتاق‌های کوچک چوبی وسایل این پارتیزان‌ها را چیده‌اند و فنانوسی فضای اتاق را روشن کرده است. میز بزرگی در وسط این سالن قرار دارد. طراحان موزه از هزاران مدال صلیب شکسته آلمان‌ها، یک صلیب شکسته بزرگی روی این میز ساخته‌اند. بیشترین عکس‌های روی دیوار در این طبقه وجود دارد. بعضی از قاب عکس‌ها خالی است که متعلق به نظامیانی است که مفقودالاثر هستند. اینجا وطن آنان است و چون نیستند به یادشان قاب عکس‌های خالی را گذاشته‌اند تا همه بدانند، روزی، روزگاری کسانی بوده‌اند که بخاطر آنان و کشورشان جنگیده‌اند و در این راه هیچ چیز از آنان باقی نمانده است، حتی یک عکس!

در انتهای سالن باز هم میز بزرگ دیگری قرار دارد. یک طرف میز قمقمه‌های سربازان روسی را و در طرف دیگر انواع لیوان‌ها و فنجان‌ها را چیده‌اند، که این میز، میز جشن پیروزی است؛ یعنی جشنی که اگر سربازان نبودند و یا اگر مردم عادی نبودند، این پیروزی هیچ وقت به دست نمی‌آمد و این میز هم هیچ وقت چیده نمی‌شد که یک

تغییرات اساسی تری صورت گرفت که همگی در این قسمت در معرض دید عموم قرار گرفته است.

۱۵. سالن پرچم‌ها: با تأسیس امپراطوری عثمانی در قرن ۱۳، سلطان سلجوقی، بیرق سفیدی را به نشانه به رسمیت شناسی به دربار آنها فرستاد، که تا مدت‌ها از آن استفاده کردند تا اوایل قرن ۱۶ که بیرق قرمز و سپس سبز را به کار بردند.

۱۶. نگارخانه شهدا: تصاویر و مشخصات افرادی که در طول تاریخ جان خود را فدای وطن و آزادی کردند شامل می‌شود، که خوشبختانه در کشور ما نیز چنین نمونه‌هایی به چشم می‌خورد. در کنار اینها تسهیلاتی برای معلولان بازدیدکننده در نظر گرفته شده (آسانسور، پله متحرک، دست‌شویی ویژه و...).

بخش دیگر این موزه شامل انتشارات است که علاوه بر اطلاع‌رسانی، گاهنامه نیز منتشر می‌کند. کتابخانه پژوهشی مهم موزه در (۱۹۲۶-۱۹۰۸) راه‌اندازی شده که شامل ۲۷۵۰۰ کتاب و آرشیو عکس و اسناد است. بخش فرهنگی موزه شامل آمفی‌تئاترهای مجهز به چندین نگارخانه و... سیستم‌های سمعی بصری و قسمت‌های خدماتی (رستوران و پارکینگ) است.

موزه نظامی یونان

این موزه در مرکز آتن قرار دارد و در سال ۱۹۷۵ افتتاح شده و هم‌اکنون زیر نظر وزارت دفاع ملی یونان قرار دارد، که شامل جمع‌آوری، حفاظت و نمایش مصنوعات و یادمان‌های نظامی یونان از عهد باستان تا زمان حاضر است و به عنوان محلی برای پژوهش نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فعالیت‌های دیگر موزه شامل انتشار کتاب، تأسیس شعبه‌های متعدد، برگزاری یادمان‌های جنگی و حفاظت از آثار تاریخی است. موزه، شعبه‌هایی در نافلیو، هانیا، تریپولی، تسالونیکا نیز دارد، اما شعبه اصلی در آتن سالن‌های مختلفی دارد که دوره‌های تاریخی را شامل می‌شود:

۱. دوران باستان: اشیاء مربوط به فعالیت‌های اولیه انسان شامل ماکت‌های ابزار، کپی اشکال، نقوش دیواری، سلاح‌های سنگی و برنزی، ماکت کشتی‌ها و آکروپولیس آتن، نمودارهای سنگربندی، اکتشافات

آثار نبردداخته ایم و لزوم جلوگیری از این اتفاق در حفظ آثار جنگ تحمیلی ضروری به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه در عملیات فتح‌المبین که ایده ایجاد توپ‌خانه مد نظر قرار گرفت و بعد از ایجاد آن، حفظ این اثر ساخته رزمندگان، ضروری به نظر می‌رسد.^(۷)

۵. سالن سلاح‌های دفاعی: شامل زره‌ها و کلاه خودها از قرن ۱۴ میلادی به بعد است که در قرن ۱۵ کامل‌تر شدند و در اوایل قرن ۱۹ سبک‌تر شدند.

۶. سالن سلاح‌های گرم: توپ‌های پایه چوبی و آهنی و خمپاره‌اندازها به نمایش درآمده‌اند که جالب‌ترین آنان متعلق به جنگ جهانی اول است.

۷. سالن سوماتی، بوسنی، کوزوو: ترکیه به عنوان عضو سازمان ملل به این کشورها نیروهای حافظ صلح، اعزام نمود که در اینجا پرچم‌ها، یونیفرم‌ها، مدال‌ها و عکس‌هایی از این نیروها وجود دارد.

۸. سالن عملیات امنیتی داخلی: در این سالن تجهیزات نظامی که ارتش از نیروهای مخالف داخلی گرفته است وجود دارد.

۹. سالن جنگ جهانی اول: که سلاح‌ها، پرچم‌ها، نشان‌های افتخار مربوط به آن بازده زمانی به نمایش درآمده است.

۱۰. سالن آرامنه: در این سالن گزارش‌های رسمی راجع به قتل عام مردم در آنااتولی توسط آرامنه و اسناد رسمی درباره ارمه‌ای که در ارتش ترکیه بودند به نمایش درآمده است.

۱۱. سالن جنگ استقلال ترکیه: این سالن مربوط به اشیای فرماندهان ترکیه در جنگ استقلال (۱۹۱۹ - ۱۹۲۲) است.

۱۲. سالن قوم‌نگاری: در این سالن ادوات غیرنظامی شامل نقره‌آلات و ظروف چینی و طلا و قرآن مجید و... جمع‌آوری شده است.

۱۳. سالن آتاتورک: این سالن، زندگی و دستاوردها و آرام‌گاه بنیان‌گذار جمهوری ترکیه، مصطفی کمال آتاتورک، را شامل می‌شود.

۱۴. سالن یونیفرم: پس از ایجاد ینی‌چری‌ها در نیمه دوم قرن ۱۴ میلادی، ایده لباس‌های واحد مدنظر قرار گرفت، ابتدا سربندهای واحد و در اواسط قرن ۱۹

غرب) به دلیل رسیدگی و جای مناسب (آکادمی نظامی) موفق‌تر بوده؛ هم‌چنین اگر این با استفاده از حداقل‌های باقی‌مانده از جنگ به آسانی و با ابتدایی‌ترین اشیا موزه جنگی درست کرده و در حفظ آثار جنگ موفق بوده است. هر چند در کشور مانیز موزه‌های جنگ کمابیش در مناطق جنگی که ظرفیت باروری بیشتر و درک آگاهانه‌تر فجایع انسانی دشمن و دلاوری رزمندگان اسلام را دارد، دایر است؛ به نظر می‌رسد استفاده از حداقل امکانات زندگی در آن برهه زمانی به انتقال حس و وطن‌پرستی سربازان به نسل جدید کمک شایانی می‌کند.

با توجه به مطالعه موردی موزه‌های مورد نظر، هر کشور با توجه به ظرفیت‌های زمانی و مکانی خود باید به حفظ و انتقال آثار و تجربه گذشتگان خود به نسل جدید مبادرت ورزد و این مسأله در جامعه ما به منظور جلوگیری از گسست بین نسل‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

یادداشت‌ها

۱. موزه شهدا در خیابان طالقانی تهران، موزه جنگ خرمشهر، موزه جنگ ایلام و شهرستان‌های تهران به زودی افتتاح می‌شود (خبرگزاری مهر، ۱۹ بهمن ۸۷ و ۲۸ فروردین ۸۸).

۲. روزنامه همشهری، ۱۳۸۷/۲/۲۰.

۳. مصاحبه سردار حمید حسام (فرمانده لشکر ۳۲ انصارالحسین (ع) همدان که در حال حاضر هم مسئولیت معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و هم مسئولیت موزه دفاع مقدس استان همدان را دارد) در:

<http://www.sajed-alborz.com>

۴. علی اکبر آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار، ۱۳۸۷، ص ۶۵.

۵. آنتونی گیدنز، تجدد و شخص، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷، ص ۴۸.

۶. گروه اجتماعی میراث خبر، چهارشنبه، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶.

۷. شهید غلام رضا یزدانی، تاریخچه تأسیس و توسعه توپخانه سپاه در جنگ، فصلنامه نگین ایران، سال ۶، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۷.

دریایی و مجسمه‌های یونانی را شامل می‌شود.
۲. دوران اسکندر بزرگ: از آن‌جا که اسکندر یک الهه و اسطوره و نمادی از گسترش تمدن هلنیستی به شمار می‌رود، تصاویری از دیوار نگاشته‌های معابد و آثار هنری و مجسمه‌های دوره او در این قسمت به چشم می‌خورد.

۳. دوران امپراتوری بیزانس: اسناد و آثار جنگ‌های امپراتوری و گسترش قلمرو و پیروزی مسیحیت و عصر طلایی کنستانتینوپولیس در این سالن به چشم می‌خورد.

۴. دوران سلطه فرانک‌ها و عثمانی: در این سالن با استفاده از آثار هنری و لیتوگرافی و کنده‌کاری و نقشه و سلاح و مواد آرشویی، تلاش‌های یونانی‌ها در جهت رسیدن به آزادی نشان داده شده است.

۵. دوران جنگ استقلال یونان: شرح مبارزات زمینی و دریایی در ۱۸۲۱ و نسخ خطی و تفنگ‌های چخماقی و تپانچه در جریان استقلال، است.

۶. دوران دولت جدید یونان: آثار هنری، ماکت‌ها و لیتوگرافی، عکس‌ها و اسلحه‌ها و غنایم این دوره را شامل می‌شود.

۷. دوران جنگ جهانی اول: آثار نقاشی و سلاح‌های باقی‌مانده از نیروهای متحدین را شامل می‌شود.

۸. دوران جنگ یونان و ایتالیا: در ۱۹۴۰ ایتالیا به یونان اعلان جنگ نمود و در اینجا آتن وارد جنگ جهانی دوم شد و این سالن در واقع آثار به‌جا مانده از جنگ جهانی دوم را شامل می‌شود.

۹. دوران حمله آلمان: در ۱۹۴۱، آلمان برای کمک به متحد خود ایتالیا به یونان لشکر کشید، در این سالن نقاشی‌ها و عکس‌ها و سلاح‌ها و... مقاومت یونانی‌ها را به تصویر کشیده است.

در این موزه نیز همانند موزه ترکیه انتشارات تخصصی و کتابخانه به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

مقایسه موزه‌های مذکور به عنوان الگویی برای موزه‌های جنگ ما نشان می‌دهد که الگوی ترکیه علی‌رغم مختصر بودن به نسبت تاریخ گسترده یونان (به عنوان مهد تمدن

در پی تحولات داخلی در ایران و دیگر عواملی که منجر به انجام عملیات های آزادسازی و در نهایت فتح خرمشهر و بیرون راندن متجاوز از بخش اعظم خاک ایران و در پی آن، ورود نیروهای ایرانی به قلمرو عراق شد، زنگ خطر برای ایالات متحده در مورد قدرت گیری ایران و پیامدهای آتی آن چون صدور انقلاب و ... به صدا درآمد. از این به بعد ایالات متحده که ظاهر سازی در مورد بی طرفی را به نفع خود و متحدین منطقه ای اش تلقی نمی کرد، شروع به تکاپو برای تغییر علنی خط مشی خود راجع به جنگ ایران و عراق نمود و گزینه های مختلفی از حمایت مالی و دیپلماتیک از عراق گرفته تا حمله مستقیم علیه ایران را مورد ارزیابی قرار داد. سند حاضر از اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا است که حاصل کار یک گروه پژوهشی است و خطاب به مسئولان وقت وزارت خارجه ایالات متحده تنظیم شده است. برآورد گروه های کارشناسی وزارت خارجه از موضع بی طرفی و گزینه های مختلف تغییر این موضع به سود عراق را بررسی کرده است. در این سند با توجه به موضع برتر ایران، برقراری آتش بس و جلوگیری از سقوط احتمالی و قریب الوقوع رژیم بعثی عراق، به عنوان هدف آمریکا در نظر گرفته شده و در این راستا، دست یازیدن به هر نوع اقدامی چه سیاسی، دیپلماتیک و نظامی، بررسی شده است. این گزارش حتی در موقع لزوم، توسل ایالات متحده به نیروی نظامی علیه ایران را نیز تجویز کرده است (توصیه ای که بعدها شاهد عملی شدن آن نیز بودیم). محتوای این سند، ماهیت ریاکارانه سیاست ایالات متحده در قبال جنگ ایران و عراق و پشتیبانی علنی آمریکا از عراق در طول جنگ تحمیلی را به خوبی نشان می دهد.	
---	--

خط مشی فعلی

سه سال پیش زمانی که جنگ شروع شد، روابط ضعیف ما با طرفین درگیری و نگرانی به دلیل منافع امنیتی مان در خلیج [فارس]، ما را به تقویت سیستم دفاع هوایی مان از طریق استقرار هواپیماهای آواکس در عربستان سعودی و جلوگیری از کاربرد پایگاه های هوایی شبه جزیره عربستان از سوی هواپیماهای عراقی جهت کاهش خطر گسترش جنگ، سوق داد. خط مشی بی طرفی ما از این واکنش پیشگیرانه، بسط یافته است. این خط مشی تاکنون به اهداف و منافع ما به خوبی یاری رسانده است. این خط مشی:

- از دخالت مستقیم قدرت های بزرگ مانع شده؛
- از گسترش جنگ به فراتر از قلمرو طرفین جنگ و به خطر افتادن ذخایر نفتی خلیج [فارس] جلوگیری کرده؛
- در ایجاد بن بست نظامی کنونی سهمیم بوده؛
- در عین به حداقل رساندن فرصت گسترش نفوذ

وزارت امور خارجه ایالات متحده

محرمانه / حساس

به: آقای ایگل بورگر

از: نیکولاس ای. یلیوتز

جاناناتان هاو

موضوع: جنگ ایران - عراق؛

بررسی تغییر احتمالی موضع بی طرفی محض ایالات متحده

شما، نظر ما را در رابطه با صحت خط مشی بی طرفی کنونی در قبال جنگ ایران و عراق و استلزامات تغییر این موضع به نفع عراق را خواستار شده بودید. این گزارش، تغییر خط مشی و راه هایی که این تغییر بتواند تأثیر عملی مورد نظر را دربرداشته باشد، بررسی می کند.



به منظور مصالحه، بر ایران وارد آورد و شاید قدرت‌های بزرگ نیز دخالت نمایند. ما معتقدیم که تأخیر کنونی در ارسال این سیستم از جانب فرانسه، موقتی می‌باشد. در عین حال، نگرانی عمومی راجع به تصاعد جنگ و احتمال تأثیر آن بر دیگر تولیدکنندگان نفت، فروکش نموده است. با این وجود، [طارق] عزیز، وزیر خارجه عراق، با سرسختی ای که در ملاقات با وزیر خارجه ایالات متحده در هفته گذشته نشان داد، هیچ شکی درباره ناراحتی عراق از این تأخیرها و تصمیم آن به غلبه بر آنها باقی نگذاشت. وزیر خارجه ایالات متحده پاسخ داد که دولت عراق واکنش مناسبی به تهدیدات نشان نمی‌دهد.

این تحولات می‌تواند به یکی از این دو پیامد، که به شدت می‌تواند برخلاف منافع ما باشند، منجر شود:

الف) حملات عراق به تجهیزات نفتی ایران به منظور محروم کردن ایران از صادرات نفتی که می‌تواند ایران را وادار کند که برای جلوگیری از آن، علیه تمام صادرات نفت، به زور متوسل شود؛

ب) فشار مستمر ایران در سال آینده می‌تواند، باعث سقوط نظام سیاسی عراق گردد. در این چارچوب است که تغییر موضع احتمالی به نفع عراق، بایستی مورد توجه قرار گیرد.

اتحاد شوروی، امکان ایجاد روابط با ایران را حفظ نموده است.

هم‌اکنون دو تغییر در شرایط جنگ، این مسئله را مطرح کرده است که آیا این خط‌مشی هنوز هم به بهترین نحو به اهداف ما درباره ثبات در خلیج [فارس] و پایان مطلوب جنگ که طرفین را اساساً به وضع پیشین بازگرداند، یاری می‌رساند. این دو تغییر عبارتند از:

- در طی سه سال گذشته، روابط دو جانبه با عراق بهبود یافته، ولی روابط با ایران هنوز هم تقریباً برقرار نیست.

- استراتژی ایران برای سرنگونی نظام سیاسی عراق از طریق فرسودن آن که با فلج کردن مالی عراق توأم شده، به نظر می‌رسد به تدریج در حال تأثیرگذاری است.

پیش‌بینی می‌شود عراق به این نتیجه رسیده است که یا باید وضعیت استراتژیک را تغییر دهد و یا اینکه خطر موفقیت نهایی ایران را بپذیرد. عراق تصمیم گرفته است که این کار را از طریق تأمین سیستم سوپراتاندارد اگزوسه از فرانسه انجام دهد که با آن ایران را به جلوگیری از صادرات نفت تهدید کند. بنابراین امید دارد که فشار اقتصادی غیرقابل تحملی را

تغییر موضع به نفع عراق

تغییر موضع به نفع عراق شامل چه مواردی می تواند باشد؟ سه حوزه از اقدامات احتمالی وجود دارد که می توانیم برای تقویت عراق، اتخاذ کنیم: مالی، دیپلماتیک و نظامی.

مالی:

هزینه های ارزی سالانه عراق، به نرخ های کنونی، ۱۲ میلیارد دلار برای امور نظامی و ۶ میلیارد دلار برای واردات تجاری، تخمین زده می شود. درآمدهای ارزی عراق از صادرات نفت، هر ساله به ۶ میلیارد دلار بالغ می شود. کمک های

دریافتی عراق از عربستان سعودی و دولت های خلیج [فارس]، از حدود ۱ میلیارد دلار در ماه در طی نیمه اول جنگ به کمتر از نصف آن رقم، کاهش یافته است. عراق این کسری را از طریق اتمام تقریبی ذخایرش، به تأخیر انداختن پرداخت ها و به دست آوردن اعتبارات تأمین

کننده اضافی، جبران کرده است ولی این تدابیر، موقتی هستند.

کمک های مالی فزاینده به عراق، امکان پذیر به نظر نمی رسد. به دنبال اولین ملاقات وزیر خارجه (امریکا) با طارق عزیز در زمستان گذشته، ما آنچه که از طریق نهادهای مالی بین المللی می توان انجام داد را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این راه های ممکن به قدری محدودند که نمی توان کمک چشمگیری به عراق ارائه داد. از این گذشته، هر نوع حمایتی که ما از عراق برای دسترسی مطمئن به این وجوه به عمل آوریم، به شدت از جانب تنگناهای قانونی و سیاسی، محدود شده اند. به نظر می رسد وساطت ایالات

متحده نزد کمک دهندگان عربی به عراق، از آنچه که عراق خود - به عنوان سدی در برابر خمینیس - می تواند انجام دهد، کم اثرتر باشد و نیز احتمال دارد از نزدیک تر شدن ما بالاخص به سعودی ها به عنوان نماینده دیگر دریافت کنندگان کمک، بکاهد.

پشتیبانی از عراق در مورد صادرات بیشتر نفت، امیدوارکننده تر است. تابستان آینده با تکمیل خط لوله انتقال نفت عراق از طریق ترکیه، توانایی این خط لوله، حدود ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت. ما به ترکیه گفته ایم که در مورد موضع مستحکمی که راجع به تضمین امنیت این خط لوله در برابر ایران اتخاذ کرده، از این کشور حمایت می کنیم. عراق، مقدمات حضور شرکت های آمریکایی را برای احداث خط لوله ای از عربستان سعودی به دریای سرخ را فراهم آورده است. با این حال، این خط لوله در بهترین حالت، قبل از پایان سال ۱۳۶۳/۱۹۸۴ تکمیل نمی شود. بنابراین، هیچ گونه کمک فوری ارائه نمی دهد. ایجاد یک فضای امن که در آن عراق بتواند در مدتی نسبتاً کوتاه (۶ ماه)، قسمتی از توان صادراتی خود (تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز) را از طریق تجهیزات صدمه دیده اش در خلیج [فارس] به دست آورد، سریع ترین کمک موثر را فراهم می کند؛ هرچند در ارتباط با این برنامه، مشکلات و بی اعتمادی هایی وجود دارد. ما در نیویورک زمینه طرح پیشنهادی را آماده کرده ایم تا از طریق آن سازمان ملل در پی راه حلی باشد که تجهیزات نفتی و کشتیرانی هر دو طرف درگیر را از حملات بیشتر مستثنی کند.

علاوه بر این، ما کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشویق کرده ایم تا سوریه را برای بازگشایی خط لوله ۱/۲ میلیون بشکه در روز عراق، در خاک خود، راضی کنند.

دیپلماتیک:

ملاقات وزیر خارجه ایالات متحده با طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق، میزان علنی بودن گفتگوی ما با عراق در طی سال گذشته را افزایش داد. شما در ملاقات اخیرتان با عصمت کتانی، معاون وزیر خارجه، به طور مستقیم به وی گفتید که شکست عراق از سوی

ایالات متحده

با تشویق کشورهای

عضو شورای همکاری

خلیج فارس، تلاش کرد

سوریه را برای گشودن لوله

انتقال نفت عراق راضی کند

وارد آورده و یک فرصت تبلیغاتی به سوریه اعطا می‌کند.

ب) تلاش‌های بیشتر برای تضمین اینکه اقلام نظامی مورد کنترل ایالات متحده، قابل دسترسی نخواهد بود:

۱) برای هر دو طرف درگیر: ما شواهدی در مورد ادعاهایی مبنی بر چشم‌پوشی از نظارت‌های صادراتی ایالات متحده نداریم. اما همان‌طور که اخیراً در مورد کره انجام دادیم، ما دوباره می‌توانیم موضع خود را برای تأمین هر نوع تجهیزات مورد نظارت ایالات متحده، به دوستانمان تأکید کنیم. ما

معتقدیم، این امر پیامدهای نظامی محدودی خواهد داشت، ولی جدی بودن ما را برای دور نگه داشتن سلاح‌های آمریکایی از این منازعه را به عراق نشان خواهد داد. ۲) فقط برای ایران: این رویکرد، ما را کاهش می‌دهد و

با ورود نیروهای ایران به خاک عراق در تابستان ۱۳۶۱ سیاست بی‌طرفی کامل آمریکا به حمایت مستمر از عراق تغییر کرد

فرقی به حال عراق ندارد، چرا که عراق، سلاح‌های ایالات متحده را در فهرست خرید خود ندارد و دسترسی راحتی به تأمین کنندگان دیگر دارد.

نظامی:

اقدامات احتمالی دیگری وجود دارد که برای تأثیرگذاری بر موازنه نظامی، قابل اتخاذ هستند:

الف) تلاش برای ممانعت از عرضه تجهیزات حیاتی به ایران: در عین حال که مبادرت به این اقدام به دلیل ماهیت حساس بعضی از اطلاعاتی که ممکن است در یک تلاش مشخص افشا شود و از آنجایی که ما

ایران به سود منافع ایالات متحده نخواهد بود. تماس‌ها از طریق ترکیه در پی این بوده که عراق را درباره واقعی بودن علایق ما در مورد پایان مورد توافق جنگ و اقدامات ما برای عدم ارسال تسلیحات نظامی ایالات متحده به هر دو طرف، مطمئن سازد؛ این تلاش‌ها تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است.

ابراز نگرانی ما به فرانسه و دیگران درباره خطر فزاینده تشدید جنگ به خاطر ارسال هواپیماهای سوپراتاندارد، از سوی عراق به عنوان ممانعت از تجهیز شدن آنان، حداقل به طور موقت، قلمداد شده است. این اقدام نه چندان موفق، باعث شده که عراق دوباره ما را به کاهش روابط تهدید کند. (گزارش‌های مطبوعاتی تأیید نشده، حکایت از این دارد که فرانسه این هواپیماها را به عراق ارسال نموده است).

ابتکاری که ما در سازمان ملل برای جلوگیری از حملات بیشتر به تجهیزات نفتی واقع در خلیج [فارس] پیگیری می‌کنیم، فقط در پی این نیست که عراق را از طریق افزایش صادراتی نفت به تأمین نیازهای مالی اش قادر سازد - و از آن رو استراتژی ایران برای فلج کردن اقتصادی عراق را باطل نموده و انگیزه عراق برای گسترش جنگ را کاهش دهد - بلکه به دنبال ایجاد فضای موافقت تلویحی مابین طرفین است که در آن بتوان آتش بس نهایی را برقرار ساخت. این رویکرد، ظریف و شکننده، ولی امیدوار کننده است، به این شرط که مزایایی را برای ایران در برداشته باشد (همانند امکان تعمیر چاه‌های نشست کرده نفت و از سرگیری بازسازی مجتمع پتروشیمی واقع در بندر [امام] خمینی) و از طریق تهدید به تلافی شدید از سوی عراق در صورتی که ایران ابتدا به تجهیزات نفتی حمله کند، تقویت گردد. اقدامات دیگری که ما می‌توانیم در نظر داشته باشیم:

الف) اظهارات علنی تر راجع به حمایت از تمامیت ارضی عراق و بقای حکومت فعلی آن. این اقدام فقط می‌تواند اعتقاد نظام ایران مبنی بر اینکه عراق، آلت دست ایالات متحده است را تقویت کند و هیچ تأثیر مثبتی ندارد. این نوع اظهارات احتمالاً به اعتبار صدام در میان حامیان داخلی و خارجی اش خدشه



ج) ما تعهد نیروهای ایالات متحده به دفاع از عراق و از آن رو افزایش دورنمای مشارکت ایالات متحده در حفاظت از فعالیت های صادرات نفتی عراق را یک گزینه بالقوه جدی تلقی نمی کنیم. (اقدام یک جانبه ایالات متحده با چنان مخالفت سیاسی و خطر بزرگی روبه رو می شود که ما این گزینه را نیز غیرقابل امکان، در نظر می گیریم.) اگر ایران دوباره بخواهد تأسیسات نفتی عراق در خلیج [فارس] را مورد حمله قرار دهد، ایالات متحده - در ائتلاف با دوستان و متحدانش - می تواند به عراق برای دفاع از فعالیت های صادرات نفتی اش کمک نماید.

شیوه ای که ما از طریق آن چنین رویکردی را اتخاذ کنیم، در مورد تعیین اینکه آیا ما به جنگ با ایران وارد شویم، مهم خواهد بود. این کار به جای اینکه اقدامی برای حفاظت از صادرات نفتی عراق به نظر بیاید، باید در چارچوب بازنگهداشتن خلیج [فارس] برای انتقال بین المللی نفت، باشد. از سوی دیگر، قبل از اتخاذ هر نوع گزینه نظامی، ما ابتدا نیازمندیم که شماری از گام های دیپلماتیک و سیاسی را برداریم تا نشان دهیم که ما برای کمک به از سرگیری جریان نفت، قبل از چرخش به سوی گزینه های جدی تر نظامی، به هر نوع ابزار صلح آمیز ممکن توسل جسته ایم. اگر اظهارات و

برای مقابله با محرک های تجاری، فقط مشوق های اخلاقی داریم، در صورتی که این اقدام موفقیت آمیز هم باشد، تأثیرات میان مدتی بر توان تهاجمی ایران خواهد داشت. با این وجود، ما نمی توانیم بر تجهیزکننده اصلی ایران، یعنی کره شمالی، تأثیرگذار باشیم.

ب) اجازه دسترسی عراق به تجهیزات مورد کنترل ایالات متحده از طریق طرف ثالث: (مفروض این گزینه، نبود حمایت کافی داخلی برای ارائه مستقیم تجهیزات ایالات متحده به عراق می باشد.) منابع یا انواع جدیدی از تجهیزات نظامی ما، مورد نیاز عراق نیست. از این گذشته، انواع تجهیزاتی که ما بتوانیم به عراق عرضه کنیم، به وسیله الزامات قانونی، محدود شده اند، همانند ممنوعیت عرضه سلاح از طریق طرف ثالثی که ما نمی توانیم به طور مستقیم آن را تجهیز کنیم. علاوه بر این، پیش بینی می کنیم که برقراری هرگونه روابط فروش سلاح به عراق، با مقاومت شدیدی در کنگره مواجه شود. موضع جانبدارانه آشکار در مورد تأمین اسلحه، توانایی ما برای رهبری ابتکارات، همانند رویکرد کنونی سازمان ملل، در راستای تلاش برای محدود و متوقف کردن جنگ را کاهش می دهد.

ابزارهای فعال، قابل تضمین نیست و از نظر نظامی و مالی، تداوم آن مشکل خواهد بود.

- کسب حمایت عمومی و کنگره برای پشتیبانی آشکار از عراق، مشکل می باشد.
- اسرائیل و سوریه با هر نوع اقدام نظامی ایالات متحده برای کمک به عراق، مخالفت خواهند کرد.

ارزیابی

پس از آنکه ایران در تابستان ۱۳۶۱/۱۹۸۲ وارد خاک عراق شد، سیاست بی طرفی کامل ما به جز در مورد فروش اسلحه، تصحیح شده و تغییر یافته است. اقداماتی که از آن پس نسبت به جنگ اتخاذ کرده ایم، به طور مستمر از عراق حمایت کرده است. (فرض ما بر این است که دیگر اقداماتی که در اینجا ذکر نشده اند، همانند ارائه اطلاعات تاکتیکی به عراق، به عنوان ضرورت، ادامه خواهند یافت.)

ما معتقدیم که تلاش فعالانه تر برای محدود کردن انتقال تجهیزات مورد کنترل ایالات متحده به هر دو طرف، مزایای ویژه ای را دربر خواهد داشت (این اقدام تأثیری ناچیز و یا هیچ گونه تأثیری بر قابلیت های نظامی عراق نخواهد داشت، ولی اعتبار ما را نزد رژیم عراق، تقویت خواهد کرد) و همچنین در راستای ممانعت از ارسال تجهیزات حیاتی به ایران از سوی منابع غیرکمونیسست، عمل خواهد نمود. دیگر گزینه های نظامی یا شبه نظامی، بیش از سود، زیان به دنبال خود می آورد. از این گذشته، لازم است که ما در مورد چرخش بیش از حد به سوی عراق هوشیار باشیم که عراق قادر نباشد ما را به سطحی از حمایت وادار سازد که تمایل به ارائه آن نداشته باشیم (همچون محافظت نظامی از حمل و نقل در خلیج [فارس]) یا اینکه ما با رژیمی احساس نزدیکی کنیم که دورنمای سیاسی بلندمدت آن، غیرقابل اطمینان است. متعاقباً پیشنهاد می کنیم که شما با نشان دادن دستورالعمل های بیشتر به ما، نحوه نگرش به حکومت هایی که تجهیزات مورد کنترل ایالات متحده را به ایران و عراق انتقال داده و یا ممکن است چنین کنند را ارائه دهید.

اقدامات سازمان ملل و شورای همکاری خلیج فارس، در ائتلاف با ایالات متحده که حامی آزادی کشتیرانی در خلیج [فارس] باشد، می تواند به ایجاد فضای مساعد، کمک کند. آمادگی ایالات متحده به اتخاذ اقدامات شدید، کشورهای خلیج [فارس] را در مورد حمایت ما از امنیت آنان، مطمئن خواهد ساخت. یک چنین گامی، همچنین به شرط انعطاف بیشتر در مقابل سیاست های عراق، روابط ایالات متحده با عراق را بهبود می بخشد و عراق را به عنوان یک عامل موازنه در برابر قدرت سوریه، احیا می کند.

با این حال، در ارتباط با این اقدام، خطرات جدی ای وجود دارد که بسیاری از آنان به دامنه دخالت ایالات متحده بستگی دارند:

- پشتیبانی نظامی چندملیتی و ایالات متحده از عراق، می تواند باعث تصاعد بیشتر درگیری از سوی ایران شود و هر نوع بهبود در روابط ما با ایران در دوره پس از [امام] خمینی را با تأخیر مواجه کند. (ما در وضعیتی خواهیم بود که در صورت نیاز برای دفاع از تجهیزات عراق، شاید حملات مستقیمی علیه ایران انجام دهیم.) هرچه این چرخش به سوی عراق فعال تر باشد، پاسخ ایران نیز قابل پیش بینی تر خواهد بود.
- بدون در نظر گرفتن اینکه ما چگونه تلاش کنیم تا اقدامات خود را با هدف کلی بازنگه داشتن خلیج [فارس] برای انتقال نفت جلوه دهیم، در هر حال اقدامات ما به عنوان حمایت ویژه از عراق در جنگ با ایران، به نظر خواهد آمد.
- فرانسه به احتمال زیاد، به تجهیز عراق تمایل دارد، ولی اگر نه غیرممکن، اما دشوار خواهد بود که مشارکت متحدانمان و دولت های خلیج [فارس] را برای یک دفاع فعال، به دست آوریم. علاوه بر این، دفاع بلندمدت از کشتی های نفتی عراق، مستلزم آماده سازی مناطقی در شمال خلیج [فارس] و کمک و حمایت فعال عربستان سعودی و شیخ نشین ها خواهد بود.
- با توجه به دیگر تعهدات پرشمار نظامی ما در سطح جهان، دفاع از تجهیزات نفتی عراق، حتی از طریق

علاوه بر این، چرخش محدودی که طی یک سال گذشته در عمل به سوی عراق داشته ایم، به وسیله رویکردی که در سازمان ملل برای کمک به عراق برای از سرگیری صادرات نفتی اش در خلیج [فارس] دنبال می کنیم، تا حدی کم اعتبارتر شده است. این رویکرد، علاقه ما به مشاهده شکست نخوردن عراق با علاقه مان به اجتناب از تصاعد جنگ، که می تواند ایالات متحده را به طور مستقیم وارد منازعه کند را به حالت تعادل در می آورد و در عین حال، موضع ما در خصوص ایران را بدتر نمی کند.

فرا تر از اینها، مزایای زیادی را در تداوم ژست کلی بی طرفی، مشاهده می کنیم. آنچه ما در اینجا پیشنهاد می نماییم، در چارچوب این حدود گسترده قرار دارد. در هر حال، معتقدیم که این گونه چرخش بیشتر به سوی عراق، آثار سیاسی زیر را در منطقه برجای خواهد گذاشت:

- بهبود بیشتر روابط دو جانبه ما با عراق و تشویق موضع عدم تعهد آن.
- پشتیبانی از هدف ما درباره ممانعت از درهم شکستن عراق در مقابل ایران انقلابی، بدون رسیدن به جایی که برای اسرائیل زنگ خطر را به صدا درآورد.

این گزارش فقط مسأله چرخش به سوی عراق را بررسی می‌کند. یک گروه کاری درون نهادی دیگر نیز، هم اکنون گزینه‌های عکس العمل ایالات متحده در صورت تهدید ایران به بستن خلیج [فارس] و تدابیر کوتاه مدتی که ممکن است برای جلوگیری از این وقایع اتخاذ شود را بررسی می‌کند.

غارث شهرها و خانه‌های اهالی، منطقه را ناامن کرده و به آشوب می‌کشند. چون در آن هنگام ژاندارمری افراد متعهد کافی را در اختیار نداشت و دولت موقت نیز نسبت به این قبیل مسائل کم‌اهمیت بود، لذا اشرار و مهاجمین به راحتی و حتی با همیاری بعضی از افراد ژاندارمری در قتل و غارت مردم شدت عمل زیادی به خرج دادند. تا اینکه سپاه پاسداران در قصر شیرین تشکیل گردید و با استخدام افراد بومی، گروهی را به عنوان پاسداران مرزی^۱ در پاسگاه‌های مرزی منطقه جایگزین کرد.^۲ ضدانقلاب که پیش از تشکیل سپاه به راحتی به منطقه وارد می‌شد و به هر اقدامی مبادرت می‌کرد با جایگزین شدن پاسداران مرزی در پاسگاه‌ها و کنترل مرزها دچار مشکل شد و دیگر مثل قبل نمی‌توانست راه‌بندان ایجاد کند یا به قتل و غارت بپردازد.^۳ لذا با تجهیزاتی که از جانب عراق و پالیزبان واگذار شده بود برای ضربه زدن به نیروهای سپاه به مین‌گذاری در جاده‌های عبوری سپاه و جاده‌های عمومی اقدام می‌کنند به طوری که حدود ۳۰ تانک ارتش و چند ماشین سپاه (۶، ۷) در ۷ کیلومتر جاده بین گردنو و پاسگاه باویسی روی مین رفته و منهدم شدند. همچنین تعدادی از مردم بی‌گناه و نیروهای انتظامی و نظامی به شهادت رسیدند. ضد انقلابیون در کنار مین‌گذاری در جاده‌ها، از تهاجم و حمله به نیروهای سپاهی دست بر نمی‌داشتند. حدود یک هفته بعد از تشکیل سپاه، یک شب مهاجمین، که از جانب عراق و پالیزبان تجهیز و رهبری می‌شدند، با هزار و چهارصد نفر به ده نقطه از پاسگاه‌های سپاه حمله می‌کنند و در واقع اولین حمله مستقیم مهاجمین در آن زمان شروع می‌شود. آنها قصد داشتند با غافلگیر کردن نیروهای سپاه (پاسداران مرزی که زیر نظر سپاه پاسداران خدمت می‌کردند) قدرت خویش را به مردم منطقه، سپاه و عراق نشان دهند. اما به لطف خداوند و با پایمردی برادران

موقعیت جغرافیایی: قصر شیرین یکی از شهرهای مرزی غرب کشور است که از طریق دو جاده آسفالت‌ه سربل ذهاب و گیلان غرب به شهرهای دیگر استان باختران (کرمانشاهان) و مرکز متصل می‌شود. اطراف آن را تپه ماهورهایی فراگرفته که کاملاً بر شهر مسلط هستند که از یک طرف به رودخانه الوند منتهی می‌شود و از طرف دیگر به باغاتی مشرف است که دارای زمین‌های دو عارضه (پستی و بلندی) هستند. این شهر به صورت خلیجی با چین خوردگی‌هایی در خاک عراق فرورفته، یعنی از قسمت شمال و غرب و قسمتی از جنوب با عراق هم مرز می‌باشد. از طرف شرق به شهرستان سربل ذهاب که در ۳۰ کیلومتری این شهر واقع است متصل می‌باشد و در ۱۵ کیلومتری جنوب این شهر نیز گمرک خسروی قرار دارد که راه ارتباطی بین دو کشور ایران و عراق در منطقه باختران به حساب می‌آید. این شهر در حدود ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد که دارای مذاهب مختلف شیعه، اهل تسنن، اهل حق و یهودی می‌باشند.

زمینه‌سازی‌های عراق برای حمله: تحریکات عراق با پذیرفتن ضدانقلابیون و فراریان طاغوتی با ایجاد اغتشاش و ناامنی در منطقه شروع شده بود. به طوری که آنها مرکزی را در منطقه چهارکلا در اختیار پالیزبان و سردار جاف قرار داده بودند. این افراد با استفاده از عوامل وابسته محلی از قبیل خان‌ها و کدخداهای منطقه، به شایعه‌پراکنی و تحریک مردم علیه انقلاب اسلامی کرده بودند. در نتیجه، [عهده‌ای از مردم... تحت تأثیر تبلیغات سوء به کشور عراق فرار می‌کنند (حدود ۱۰۰ روستا را کاملاً تخلیه می‌کنند) و در آنجا به استخدام پالیزبان و عراق در آمده و با گرفتن یک اسلحه کلاشینکف و ۱۳۰۰ تومان حقوق در ماه با سازمان دهی این شخص وارد منطقه شده و ضمن خلع سلاح پاسگاه‌های ژاندارمری، با ایجاد راه‌بندان و حمله و

۱. پاسداران مرزی زیر نظر سپاه پاسداران خدمت می‌کردند.

۲. از سومار تا ازگله در حدود سی پاسگاه در اختیار سپاه قرار گرفته بود و در هر یک از پاسگاه‌ها بین سی تا هفتاد نفر از افراد بومی منطقه به خدمت مشغول می‌شوند.

۳. قبل از این که سپاه تشکیل بشود اشرار و ضدانقلابیون با حمایتی که از جانب عراق می‌شدند و با سازماندهی سردار جاف و پالیزبان، گوسفندان و احشام و اموال مردم منطقه را می‌بردند و حتی اسلحه، مهمات، بمب و... از عراق وارد منطقه کرده و از آنجا به دیگر شهرهای فرستادند و سپاه با گرفتن پاسگاه‌ها و مناطقی که در دست مهاجمین بوده فعالیت آنها را محدود و مشکل کرد.



سپاهی، این حمله خنثی شده و ضد انقلابیون با دادن چندین کشته و زخمی مجبور به عقب نشینی می شوند. این حملات و تهاجمات در زمان دولت موقت صورت گرفت اما رسانه های گروهی و دولت اهمیتی به این مسائل نمی دادند.

زمانی که عراق مشاهده کرد مهاجمین توانایی انجام کاری را ندارند تصمیم گرفت با توپ و خمپاره از مهاجمین حمایت کند و در این رابطه بیشتر اوقات بدون اینکه مهاجمین حمله ای انجام دهند قصر شیرین را با سلاح های سنگین می کوبید. این وضعیت تقریباً ۶ ماه قبل از حمله سراسری عراق شروع شده بود. مسئولین سپاه قصر شیرین کم و بیش جریانات را به مرکز گزارش کرده و مسائل را با آنان مطرح می نمودند اما اقدام عملی جدی از طرف مرکز صورت نمی گرفت.

بر اساس شواهد موجود، افرادی نیز بودند که علیرغم خدمت در سپاه، از صلاحیت لازم برخوردار نبودند. به عنوان مثال، فرمانده سپاه قصر شیرین شخصی به نام رضایی بود که علاوه بر مسائلی که در زمان مسئولیتش داشت یک افسر عراقی را که ادعا می کرد از عراق فرار کرده و برای همکاری با آنها به آنجا آمده در سپاه نگهداری می کرد. این افسر حدود یک هفته به تمام پاسگاه ها سرکشی نموده و از تمام تجهیزات و

استعدادهای پاسگاه هایی که در اختیار سپاه بود باخبر می شود و سپس به بهانه انجام عملیات ایذایی به همراه یکی از برادران سپاهی به خاک عراق می رود و در آنجا برادر سپاهی را تسلیم نیروهای عراقی می کند. و بدین ترتیب عراق یک شناسایی کامل از وضعیت پاسگاه های در اختیار سپاه به دست می آورد.

اواسط مردادماه ۱۳۵۹، فرمانده سپاه قصر شیرین تغییر می کند. فرمانده جدید ضمن بررسی نواقص منطقه، با همکاری برادران دیگر برای بهبودی اوضاع مرزی منطقه یک طرح ۲۳ ماده ای تهیه می کند و ضمن گزارشی که از حملات عراق به وسیله سلاح های سنگین می دهد خواستار اجرای آن طرح ۲۳ ماده ای که در زمینه های مختلف از جمله تقویت نیروهای رزمی در پاسگاه های مرزی، اعزام لشکرهای قوی ارتش به منطقه، مین گذاری معابر عبور تانک، ساختن سنگرهای بتونی، ترمیم و تقویت ساختمان پاسگاه ها، آسفالت نمودن جاده های مرزی و تقویت سپاه از نظر تسلیحاتی و ... بود می شود. پیش از اینکه این طرح مطرح شود در رابطه با گزارش هایی که از منطقه به بنی صدر (فرمانده کل قوا) رسیده بود و با پیشنهاد برادران، ایشان به منطقه می رود. در قصر شیرین یک افسر نواقص را توضیح می دهد و کمبود نیروی رزمی را گوشزد می کند اما به

۱. همان زمان که بنی صدر به غرب رفته و هلی کوپترش سقوط می کند.

شده خود را مستقر کرده بود و چند ماه قبل از تهاجم، جاده‌های مرزی‌اش را توسعه داده و ضمن ساختن سنگرهای بتونی و زیرزمینی به نقل و انتقالات وسیعی در منطقه اقدام کرده بود. تمام این حرکات به مسئولین وقت گزارش شده بود اما مسئولین وقت صرفاً به دادن وعده‌های دروغ اکتفا کرده و هیچ‌گونه اقدام عملی در این زمینه انجام نمی‌دادند و اقدام آنها از حد یک حرکت دیپلماتیک فراتر نمی‌رفت. در حالی که عراق ضمن نقل و انتقال و تقویت نیرو در مرزهایش، به گردآوری اطلاعات توسط دو گروه وابسته به خود به نام امن‌العام و استخبارات مشغول بود. این گروه‌ها افرادی را در منطقه استخدام می‌کردند تا زیر نظر ارتش عراق اقداماتی را انجام دهند.

برخلاف آنچه گفته می‌شود که جنگ سراسری عراق علیه انقلاب اسلامی غافل‌گیرانه بود، با شواهدی که در بالا ذکر شد درمی‌یابیم که اینگونه نبوده است. چراکه اولاً ماه‌ها قبل از اقدام عراق، تهاجمش به وضوح آشکار بود و ثانیاً عراق وقتی از غرب حمله می‌کند ابتدا از محور خان لیلی شروع می‌کند و سپس به تدریج، جنگ را به مناطق دیگر می‌کشد. بنابراین جنگ نیز منطقه‌ای و نه سراسری بوده و اولین منطقه‌ای نیز که مورد تهاجم واقع می‌شود محور خان لیلی بود. همان‌طور که ذکر شد این محور با وجود اهمیت خاصی که از نظر استراتژیکی داشت دارای نیروی کافی نبود (یک گروهان ژاندارمری)، لذا ارتش عراق با تصرف محور خان لیلی و استقرار در آنجا از مناطق دیگر اقدام به تهاجم و پیشروی می‌کند. منطقه بعدی، پاسگاه پرویزخان بود که این پاسگاه در اختیار حدود سی نفر از نیروهای سپاه بود. عراق با ۷۰ یا ۸۰ تانک به این پاسگاه حمله کرده و ابتدا موفق می‌شود این پاسگاه را تصرف کند و تعدادی از نیروهای سپاهی نیز شهید و اسیر می‌شوند. اما با اعزام نیروی کمکی از سوی سپاه، آنها موفق می‌شوند با انهدام چند دستگاه تانک و به غنیمت گرفتن ۸ تانک و ۴ اسیر، مجدداً پاسگاه را تصرف کنند. آنها یکی از تانک‌ها را که روشن بوده به داخل شهر می‌آورند و بقیه تانک‌ها را (۷ تانک) نیز منهدم می‌نمایند (چراکه قادر به روشن کردن آنها نبودند) و مقداری از

جای رسیدگی به مسایل فرد مزبور (احتمالاً اسم آن فرد سروان توسلی یا توسلیان بود) خلع درجه می‌شود. جلسه‌ای هم در استان باختران (کرمانشاه سابق) تشکیل می‌شود. [...] برادر ابراهیم مالکیان، فرمانده سپاه قصر شیرین، ضمن اعتراض به اخبار ارائه شده، طرح ۲۳ ماده‌ای را مطرح می‌کند. [...] بنی‌صدر مواردی را می‌پذیرد و همان‌گونه که به مردم قصر شیرین جهت رفع نابسامانی‌ها قول داده بود برای اجرای بعضی از مسائل و مواد آن طرح قول می‌دهد اما تا شروع جنگ و بعد از آن نه تنها هیچ اقدامی نمی‌کند، بلکه با اقداماتی که انجام می‌دهد فرصت انجام کارهای مثبت را نیز از دیگران می‌گیرد.

حدود ۶ ماه قبل از جنگ یعنی اوایل فروردین ۱۳۵۹ حملات توپخانه‌ای عراق شروع می‌شود. برادران سپاهی برای خنثی نمودن این اقدامات به تشکیل گروه‌های برون مرزی اقدام می‌کنند [...] تا مانع از حمله ارتش عراق به پاسگاه‌های مرزی ایران شوند. تهاجم نیروی زرهی و پیاده ارتش عراق در ۱۵ شهریور شروع شد و اولین نقطه‌ای را که تصرف کردند محور خان لیلی بود. این محور، یکی از مناطق مهم و استراتژیک منطقه قصر شیرین محسوب می‌شد. [...]

به طور کلی قبل از شروع حمله عراق، نیروهایی که در کل منطقه مرزی داشتیم عبارت بود از: یک گروه رزمی در خرناصرخان که شامل ۱۲ تانک، ۶ توپ ۱۵۵، ۴ عدد موشک تاو و یک گروه نیز در گردنو و یک گروه هم در تنگاب. البته اینها نیروهای ارتشی بودند که بدون داشتن ارتباط با یکدیگر تقریباً با فاصله هر ده کیلومتر چند تانک در منطقه باز شده و مستقر بودند و در مقابل سنگرهای بتونی عراق، نیروهای ماحتی از داشتن سنگر و پاسگاه مستحکم محروم بودند و جاده‌های مرزی و مواصلاتی‌شان نیز خاکی و خراب بود. با تمام این همه نواقص، نیروهای سپاهی که در حدود هزار و پانصد نفر بودند از داشتن سلاح سنگین نیز محروم بودند و با وجود این که در حدود سی پاسگاه در اختیارشان بوده از امکانات بسیار ناچیزی برخوردار بودند.

در مقابل، ارتش عراق در مناطقی که ذکر شد یعنی از سومار تا ازگله، در حدود ۴ لشکر از نیروهای تقویت

تجهیزات و مهمات به جا مانده از مزدوران بعثی را نیز به غنیمت می گیرند.

به دنبال این تهاجم ارتش عراق و درگیری نیروهای سپاه با آنها، سروان جاهدی در تماس با ظهیرنژاد جریان حمله و دفاع را توضیح می دهد و درخواست کمک می کند که ظهیرنژاد در جواب می گوید: مقاومت کنید. عراق وقتی از پاسگاه پرویزخان موفقیتی کسب نکرد از مرز خسروی شروع به حمله کرد. موقعیت مرز خسروی به گونه ای است که تپه های اطراف آن کاملاً بر خاک عراق مسلط است. این پاسگاه که در اختیار نیروهای سپاه بود، به مقاومت پرداخت. این نیروها با وجود اینکه از داشتن سلاح سنگین محروم بودند موفق می شوند با آر.پی. جی جلوی پیشروی نیروهای عراقی را سد کرده و حتی آنها را دو سه کیلومتر نیز دورتر از مرز بین المللی به داخل خاک عراق به عقب برانند. در این دو محور، یعنی پرویزخان و خسروی، ارتش عراق شکست می خورد و حتی برادران سپاهی موفق به نفوذ در خاک عراق می شوند. البته لازم به یادآوری است که آرایش تانک های عراق به صورت لوزی بوده و با همین ترکیب و آرایش، محور خان لیلی را گرفته و به نقاط دیگر حمله می کنند که فقط در محور خان لیلی موفق عمل می کنند. زمانی که عراق از تهاجم جبهه ای موفقیت چندانی کسب نکرد تاکتیک تهاجمی اش را عوض نموده و سعی می کند قصر شیرین را محاصره کند. به عبارت دیگر از اوکین تهاجم عراق که از ۱۵ شهریور شروع شده بود (با سقوط خان لیلی و افتادن رادیو تلویزیون قصر شیرین به دست عراق) تا محاصره کامل قصر شیرین، حدود دو هفته طول می کشد. یعنی اول مهرماه که هواپیماهای عراق به فرودگاه ها و دیگر مراکز کشور حمله ور شدند، قصر شیرین در محاصره ارتش عراق قرار داشت.

همان گونه که ذکر شد نیروهای سپاهی با وجود کمبودهایی که داشتند موفق شدند پیشروی نیروهای عراق را سد کنند و مانع از ورود آنها به شهر شوند. اما نیروهای عراقی که محور استراتژیک و مهم خان لیلی را در دست داشتند [...] به راحتی به طرف جاده گیلان غرب حرکت کردند.

مرتبی نداشتند با شروع تهاجم عراق از منطقه استقرار خود عقب نشینی کردند. [...] این عقب نشینی زمانی اتفاق می افتد که برادران سپاهی به همراه برخی از برادران ارتشی در پاسگاه های مرزی با دشمن متجاوز مشغول جنگ بودند. آنهایی خبر از این عقب نشینی، به وعده هایی دلخوش بودند که از جانب بنی صدر و مسئولین ارتش شنیده بودند و آن هم فرستادن نیروی کمکی به آنجا از جمله لشکر ۷۷ خراسان بود.

لازم به ذکر است که وقتی عراق، شهر قصر شیرین را با توپ و ... می کوبید (قبل از تهاجم) اکثر مردم شهر را تخلیه کرده بودند و در حدود ۵،۴ هزار نفر در شهر باقی مانده بودند که این عده یا از خانواده های پاسداران و یا از ستون پنجم بودند و یا اینکه توانایی فرار نداشتند. حتی یک هفته قبل از تهاجم عراق، آب و برق شهر قطع شده بود و نانوائی ها نیز نان پخت نمی کردند. علاوه بر این، هواپیماهای دشمن مرتب به بمباران شهر و مواضع نیروهای خودی مشغول بودند و پمپ بنزین شهر را نیز بمباران کردند و حتی مقر سپاه را با راکت و بمب هدف قرار دادند اما به لطف خدا تلفات زیادی وارد نشد، چراکه دو تا از بمب ها عمل نکرد و فقط یک نفر شهید و یک نفر نیز زخمی شد.

در این گیرودار یک فروند هواپیمای فانتوم که به کمک نیروهای خودی آمده بود، هدف آتش پدافند خودی قرار گرفت (به دلیل فقدان ارتباط مخابراتی و هماهنگی های لازم) و در واقع اوکین هواپیمای خودمان به دست نیروهای خودمان سقوط کرد. در این زمان با بنی صدر تماس گرفته می شود و جریان مواقع توضیح داده می شود، وی می گوید: ۲۴ ساعت مقاومت کنید نیروی کمکی و فانتوم می فرستم، اما بعد از گذشت حدود ۴،۳ روز خبری نمی شود. لازم به ذکر است که از اوکین روز تهاجم عراق یعنی حدود دو هفته قبل از حمله سراسری، اوکین هلی کوپتر خودی نیز سقوط می کند و از همین روز جنگ هوایی ما علیه دشمن متجاوز شروع می شود. همان طور که ذکر کردیم به علت فرار و عقب نشینی نیروهای ارتش، دشمن بعثی از دو طرف قصر شیرین را دور زده و محاصره می کند.

اول مهرماه که جنگ شدت بیشتری داشت، یک



گردان به فرماندهی برادر مصطفوی از تهران تجهیز شده و عازم قصر شیرین می شود. آنها اول مهرماه به قصر شیرین می رسند و در آنجا به یکی پاسگاه های مرزی سپاه ۴،۳۰ کیلومتری مرز می روند و جایگزین تعدادی از برادران سپاه قصر شیرین که در آن جا مستقر بودند می شوند. از طرف دیگر با عقب نشینی نیروهای ارتشی از محورهای تنگاب، دشت ذهاب و شهر سرپل، عراق از پاسگاه ها و مناطق تپله کوه، باویسی، تنگ ترشابه، تنگ هوان، تپه رش بیشگان و دشت ذهاب، جاده سرپل به قصر شیرین را در دوم مهرماه ۱۳۵۹ مسدود می کند و حتی چند تانک آنها وارد شهر شده و یک یا دو گلوله نیز به ساختمان سپاه شلیک می کنند و از آنجا در کنار شهرک مهدی بر روی ارتفاعات قراویز کنار روستای کلانتر مستقر می شوند. از طرف جنوب نیز با گذشتن از محور خان لیلی و مناطق دیگر، جاده گیلان غرب - قصر شیرین را بعد از تصرف جاده اول تصرف می کنند (احتمالاً روز بعد). باید متذکر شویم که همکاری ستون پنجم در این تهاجم چشمگیر بود به طوری که دشمن را به مناطق حساس هدایت و راهنمایی می کردند.

وقتی نیروهای سپاه قصر شیرین تقاضای مهمات می کنند؛ فرمانده سپاه، یک ماشین بنز خاور را برای

دریافت مهمات از پادگان ابوذر به سرپل می فرستد و از آنجایی که اطلاعی از مسدود بودن جاده توسط دشمن نداشتند راننده اسیر می شود و چندین مرتبه این برنامه تکرار می شود. یعنی عده ای برای فرار و عده ای برای آوردن مهمات و نیروی کمکی، بدون اطلاع از اوضاع جاده به دست نیروهای دشمن می افتند و طبیعتاً اسیر و یا شهید می شوند. از طرف دیگر، برادر مصطفوی (فرمانده گردان اعزامی سپاه از تهران) به همراه ۲۸ نفر دیگر نیز که برای جلوگیری از پیشروی دشمن به طرف دشت ذهاب حرکت کرده بودند چون اطلاعی از موقعیت نیروهای دشمن نداشتند اسیر می شوند. در همین رابطه، برادران دیگر که در پشت پاسدارخانه سپاه قصر شیرین (در سه چهار کیلومتری مرز) مستقر بودند زمانی که از فرمانده شان خبری به دست نمی آورند محل استقرارشان، را که خیلی هم حساس بوده، ترک می کنند و بدون توجه به دستورات فرمانده سپاه قصر شیرین، از طرف جاده گیلان غرب که هنوز عراق تصرف نکرده بود از شهر خارج می شوند. در پاسگاه بابا هادی، ۱۲ نفر از برادران سپاه با یک خمپاره ۱۲۰ مستقر بودند. آنها موفق می شوند برای مدتی جلوی پیشروی نیروهای عراقی را بگیرند تا اینکه دشمن با دور زدن منطقه از پشت سر به آنها ضربه می زند و در حالی که آنها

مسئله (پیدا شدن راه فرار) ستون ارتشی از آن طریق به طرف پادگان حرکت می کند.

برادران پاسدار که شامل عده ای از برادران بومی و اعزامی از همدان و یزد بودند و شجاعانه می جنگیدند (به خصوص برادران اعزامی) در حالی که هیچ گونه مهمات و گلوله آرپی جی نداشتند با بجا گذاشتن حدود ۲۵۰ اسیر و شهید، تصمیم می گیرند شهر را تخلیه کنند. در همین حال عده ای از مردم که تصمیم به فرار گرفته بودند از همان کوره راه شهر را تخلیه می کنند و عده ای نیز از ترس گلوله های توپ و ... در خانه های خودشان باقی می مانند. در این بین، تعدادی از ستون پنجم در شهر باقی مانده و تعدادی نیز همراه مردم از کوره راه به طرف پادگان حرکت می کنند. برادران رزمنده وقتی در روز چهارم حمله سراسری در حال خروج از شهر بودند پیاده از همان راهی که هنوز دشمن به آن دسترسی پیدا نکرده بود حرکت می کنند. در سراسر راه تعداد زیادی اسلحه انفرادی برادران ارتشی و لباس های نظامی و همین طور خودرو و سلاح های سنگین از قبیل توپ و تانک به جا مانده بوده و خدمه های آنها فرار کرده بودند. نیروهای سپاهی به اتفاق یکی از برادران ارتشی (که از ستون فراری جامانده بود) موفق می شوند ۳ توپ ۱۵۵ میلی متری هوانیروز، یک نفربر و دو خودرو پر از مهمات را از منطقه خارج نمایند. چون زمان خروج این نیروها از شهر بعد از ظهر بود، لذا هنگامی که به محدوده کلانتری می رسند شب هنگام بود و نیروهای عراقی قادر نبودند آنها را ببیند اما بر اثر صدای خودروها مرتب به طرف آنها با توپ و موشک تیراندازی می کردند که به یاری خدا به هیچ یک از خودروها و برادران صدمه ای وارد نشد. برادران در طول راه، خودروهای پر از مهمات را می دیدند که رها شده بودند. زمانی که چند نفر از برادران سپاهی می خواسته اند یک خودروی ریوی حامل مهمات توپ ۱۵۵ میلی متری را با خود به عقب بیاورند خدمه آن ماشین مانع شده و با به رگبار بستن ماشین آن را منفجر می کنند.

زنان و مردان و کودکان هنگام خروج، شب را در ده

فکر می کردند نیروهای پشت سر آنها (تانک و نفربرهای زرهی بوده اند) نیروهای خودی است دشمن ۵ نفر از آنها را شهید و ۳ نفر را اسیر می کند و ۴ نفر دیگر موفق به فرار می شوند. ضمن اینکه مهمات آنها نیز تمام شده بود و مهماتی برای ادامه درگیری نداشته اند.

پس از فرار و عقب نشینی بدون اطلاع نیروهای ارتش از تنگاب^۱، نیروهایی که در پاسگاه خسروی در حال مبارزه بودند و زیر فشار گلوله های سلاح های سبک و سنگین دشمن قرار داشتند تقاضای مهمات می کنند اما هیچ مهمات و وسیله ای در سپاه قصر باقی نمانده بود و بیشتر ماشین ها به علت فقدان بنزین قادر به حرکت نبودند. ضمن این که نیروهای دشمن به قدری به پاسگاه و منطقه مزبور نزدیک شده بود که آنها در محاصره قرار گرفته بودند؛ لذا یکی از برادران سپاهی با یک ماشین به طرف خسروی حرکت می کند تا باقی مانده نیروهای خودی را از محاصره خارج کرده به شهر بیاورد و این کار را که بیشتر به معجزه شبیه بود با موفقیت انجام می دهد. در بین راه، ماشین وی بارها به وسیله موشک دشمن هدف قرار می گیرد اما به لطف الهی صدمه ای به ماشین نمی رسد و آنها می توانند از محاصره خارج بشوند.

یکی از نیروهایی که برای آوردن مهمات به طرف سرپل ذهاب می رود در راه اسیر می شود اما وی موفق به فرار می شود و با وجود این که اتومبیل وی را به رگبار می بندند و زخمی می شود، اما فرار کرده و به شهر قصر شیرین باز می گردد و تازه آن موقع برادران متوجه می شوند که قصر شیرین در محاصره است. در این حال ستونی از نیروهای ارتش که در منطقه تنگاب مستقر بود تصمیم به عقب نشینی می گیرد [...]. برادران سپاهی وقتی متوجه می شوند که به هیچ وجه نمی توان امیدوی به اینها داشت کوره راهی را که از طریق ده کلانتر و روستای جگرلو و دامنه های ارتفاعات بازی دراز به سر آب گرم و پادگان منتهی می شده، به فرمانده ستون نشان می دهد تا حداقل آنها توپ و تانک و سلاح های ضد هوایی و [...] را از محاصره نجات بدهند و مانع از آن شوند که این ادوات به دست دشمن بیفتند. در پی این

۱. نیرویی که در تنگاب مستقر بود در حدود دو گروهان تانک (۱۰ و ۲۰ عدد) بود، که بعد از سقوط خان لیلی به آنجا آمده بود و در برابر عراق مشغول مبارزه بوده

که بدون هماهنگی با سپاه فرار می کند.

می رساند و خود نیز به شهادت می رسد. مزدوران بعثی، بدترین رفتارها را با کسانی که وابسته به سپاه بودند داشتند و در بعضی از مناطق و دهات قصر شیرین مردم بی گناه را می کشتند و رفتارهای بسیار ناشایستی را انجام می دادند.

کلانتر می مانند و بعد از کمی استراحت مجدداً به راه ادامه می دهند و بعد از ۲۴ ساعت یعنی بعد از ظهر روز بعد به پادگان ابوذر می رسند و بدین صورت آخرین افرادی که می خواستند و می توانستند، از شهر قصر شیرین خارج می شوند.^۱

نکته دیگری که لازم است ذکر شود، سقوط شهر سرپل ذهاب و فداکاری های هوانبروز به خصوص شهید شیرودی است. پس از اینکه ارتش بعثی عراق با یک لشکر زرهی به اضافه یک تیپ از تکاوران از طریق دشت ذهاب و ... جاده سرپل - قصر شیرین را می بندد چند تانک آنها وارد سرپل می شوند و به همین خاطر دستور تخلیه پادگان ابوذر نیز صادر می شود و عده ای از برادران ارتشی و مسئولین پادگان در تدارک تخلیه پادگان و انفجار زاغه مهمات بوده اند که شهید شیرودی مانع از تخلیه پادگان و انفجار آن می شود و می گوید هر کس بخواهد از پادگان خارج شود من خودم او را می زنم و این جمله را در حالی که به طرف هلی کوپترش می دویده می گوید. به هر حال شهید شیرودی و ۳ نفر از همکارانش با هلی کوپتر به جنگ تانک های متجاوز می رود و با زدن چندین تانک دشمن در دشت ذهاب و شهر سرپل، دشمن را وادار می کنند تا مقداری عقب نشینی کرده و ضمن خارج شدن از شهر بر روی ارتفاعات قراویز در کنار شهرک مهدی زمین گیر شود تا اینکه کم کم اوضاع پادگان رو به بهبودی می رود.

وقتی تمام برادران رزمنده از شهر قصر شیرین خارج می شوند عراق وارد شهر شده و باقی مانده مردمی را که در شهر بوده اند با راهنمایی ستون پنجم که خانه ها و افراد وابسته به سپاه را نشان می دادند همه را در سالی به نام سالن مهدیه جمع می کنند (حدود هزار نفر بوده اند)، در آنجا جوانان را از پیران جدا کرده و به خانقین می برند و همین طور عده ای از غیر نظامیان را ضمن آزار و اذیت وادار می کنند بگویند نظامی هستند. در این راستا فردی را دستگیر می کنند (این برادر پاسدار بوده) و به وی می گویند که به امام ناسزا بگویند اما وی با کشیدن ضامن نارنجکی که همراه داشته افسر مربوطه را به هلاکت

۱. از قصر شیرین تا سرپل (کوره راهی که عبور می کنند) در حدود ۳۰ کیلومتر راه بوده که زنان و مردان با بچه های خود پیاده این مسیر را طی می کنند و این در حالی بوده که از نظر مواد غذایی در مضیقه بوده اند و آب هم نداشتند.



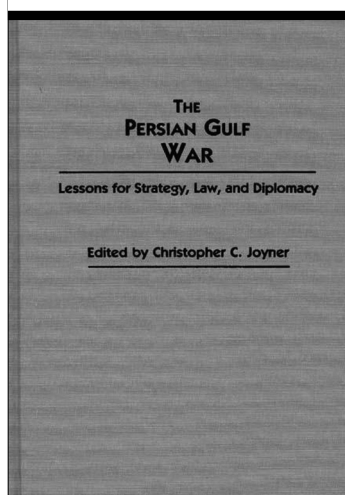
جنگ خلیج فارس:

درس‌هایی از راهبرد، قانون و دیپلماسی

سرور استار: کریستوفر سی. جویئر

معرفی و نقد: داود علمایی*

Christopher C. Joyner, THE PERSIAN GULF WAR: Lessons for Strategy, Law, and Diplomacy, Greenwood Press, 1990.



از زمان جنگ جهانی دوم برای جامعه بین‌المللی اهمیت راهبردی چشمگیری یافت و امنیت و ثبات این منطقه به ملاحظه‌ای اساسی در ارزیابی نیازهای انرژی جهان و محاسبه سیاست‌های ابرقدرت‌ها در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی تبدیل شد.

حتی وقتی جنگ طولانی ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ به تهدید روزافزونی برای انهدام موازنه سیاسی، اقتصادی و نظامی این منطقه تبدیل شد، اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه افزایش یافت.

عراق در روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ پس از مشاجرات طولانی و ادامه‌دار بر سر آب راه شط العرب [اروند رود] هجوم همه‌جانبه نظامی خود را علیه ایران آغاز کرد. در حالی که هدف اولیه و فوری صدام کنترل این رود محسوب می‌شد، اما هدف نهایی و سیاسی او سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود، که البته ظاهراً زمان این حمله نیز بسیار مناسب بود. ایران در پائیز سال ۱۹۸۰ بسیار آسیب‌پذیر به نظر می‌رسید، هیچ حزب یا شخص

این کتاب مجموعه‌ای از مقالات نویسندگان مختلف می‌باشد که در دو بخش ابعاد سیاسی و راهبردی و ابعاد حقوقی و دیپلماتیکی، جنگ خلیج فارس را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. کریستوفر سی. جویئر به عنوان سرور استار، این مقالات را چنان با مهارت در کنار هم قرار داده که یک دستی و انسجام کل کتاب را حفظ و آن را به یک اثر قابل قبول تبدیل نموده است. این کتاب مانند هر کتابی دارای نقاط قوت و ضعفی است که به آنها خواهیم پرداخت. از نقاط قوت کتاب بررسی جامع ریشه‌های تاریخی، دینی، ژئوپلیتیکی و جغرافیایی این جنگ می‌باشد. نویسنده معتقد است این جنگ به لحاظ عقیدتی اجتناب‌ناپذیر بوده است. پرداختن به اهمیت راهبردی منطقه خلیج فارس، دلایل صدام در هجوم به ایران و رویکرد دو کشور به جنگ از محاسن کتاب محسوب می‌شود. نسبت دادن کینه شخصی رهبران دو کشور، صدور انقلاب توسط ایران و امام خمینی (ره) و تلاش برای ایفای نقش محوری در منطقه توسط ایران در بحبوحه انقلاب از موارد منفی نگاه کتاب به مسائل می‌باشد که جای تأمل دارد. این کتاب در چهارده فصل سازماندهی شده و کتاب‌شناسی، فهرست اعلام، نقشه و جدول آن را غنا بخشیده است.

در فصل اول (مقدمه) که شمای کلی و ایده اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد آمده است: «منطقه خلیج فارس

* مترجم و پژوهشگر جنگ ایران و عراق

آمده‌است. جنگ هشت‌ساله میان ایران و عراق خرابی‌های فراوانی برجای گذاشته‌است که باید بازسازی شوند. هنوز میادین نفتی زیادی در زیرزمین وجود دارد. برآورد کاری و تجهیزاتی مورد نیاز برای ایران و عراق بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار می‌شود که فرصت سودآوری برای شرکت‌های اروپایی می‌باشد.

اخبار بد نیز آن می‌باشد که خلیج فارس با ثبات شکننده با بلندپروازی‌های رژیم‌های تندرو به چالش کشیده شود. مرگ آیت‌الله خمینی در ایران، امیدهایی برای پیگیری سیاست‌های معتدل‌تر نسبت به غرب پدید آورد، اما هنوز چیزی معلوم نیست. نگرانی دول میانه روی عرب در مورد بی‌ثباتی‌های حکومت جدید مذهبی در ایران و این احتمال که بنیادگرایی اسلامی برای گسترش نفوذ بین‌المللی ایران در تمام جهان عرب مورد استفاده قرار گیرد، کماکان ادامه دارد.»

مولف در مورد وضعیت صدام به درستی می‌نویسد: «رئیس جمهور عراق به دنبال پیگیری سیاست‌هایی برای تبدیل عراق به قدرت مسلط منطقه در خلیج فارس و جایگزینی رهبری مصر بر دنیای عرب می‌باشد. عراق دارای سلاح‌های شیمیایی و موشک‌های بالستیک است و این موقعیت خطرناکی است که سناریوهای وحشتناکی در صورت وقوع جنگ تمام عیار در منطقه پدید می‌آورد. وقتی مواد و سلاح هسته‌ای به این ترکیب اضافه شود (احتمالاً اسرائیل دارای سلاح هسته‌ای می‌باشد)، کشتار عظیمی رخ خواهد داد.»

نویسنده در خصوص سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل حتی حاضر نیست اذعان سران این رژیم در مورد در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای را منعکس کند و براین مبنای دیگران را تهدید می‌داند و ادامه می‌دهد، «این حقیقت که هر دو ابرقدرت به فروش سلاح به عنوان ابزار اصلی نفوذ متکی هستند، نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد. عدم تمایل دو ابرقدرت - و هم‌پیمانان آنها - برای محدودسازی کمیت و کیفیت سلاح‌های صادراتی به منطقه خلیج فارس تنش‌های زیاد این منطقه را حادث می‌کند.»

در فصل دوم دلایل شروع جنگ مورد بررسی قرار گرفته‌است. نویسنده سابقه این جنگ را به لحاظ

خاصی سیاست ایران را در کنترل نداشت. ارتش ایران پس از پاکسازی افسران وفادار به شاه در هرج و مرج کامل به سر می‌برد؛ و به دلیل گروگان‌گیری ۵۲ آمریکایی توسط دانشجویان، کمک آمریکا و غرب نیز امکان‌پذیر نبود. بالین حال، صدام قدرت مقاومت رژیم مذهبی و خواست سیاسی مردم ایران را در جهاد در راه خدا و کشور به خوبی ارزیابی نکرده بود تا این جنگ ۹۴ ماه به طول انجامد.

در نتیجه، جنگ میان ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ به اصلی‌ترین موضوع منطقه خلیج فارس تبدیل شد. «این منطقه همیشه بی‌ثبات و متزلزل بوده است. در دهه گذشته سه شوک بزرگ، اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه را نشان داده است: اول به دست گرفتن قدرت توسط نیروهای انقلابی در ایران در ماه فوریه ۱۹۷۹؛ دوم اشغال افغانستان توسط شوروی در ماه دسامبر ۱۹۷۹؛ و سوم جنگ میان ایران و عراق که در ماه سپتامبر ۱۹۷۹ شروع شد. چهار ملاحظه مهم ژئوپلیتیکی در این سه رویداد دیده می‌شود که پویایی و سیالیت این منطقه را نشان می‌دهند: ۱. منابع عظیم نفتی واقع در این منطقه؛ ۲. موقعیت جغرافیایی خاص هریک از کشورهای عرب منطقه؛ ۳. ظهور پدیده بنیادگرایی؛ و ۴. بلندپروازی‌های ژئواستراتژیکی شوروی.»

به اعتقاد نویسنده، جنگ میان ایران و عراق نشان‌داد منافع ژئوپلیتیکی غرب در خلیج فارس در خطر است. در خلال جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰، هر لحظه ترتیبات منطقه‌ای در خطر نابودی بود و با گسترش درگیری منطقه‌ای، فرصت بیشتری برای توسعه تسلط ایران در سراسر منطقه فراهم شده بود. علاوه بر این، احتمال درگیری سیاسی و نظامی شوروی در منطقه نیز بعید نبود. چنین تغییراتی، می‌توانست توازن قدرت در خلیج فارس را به شدت تغییر دهد و دسترسی غربی‌ها به نفت خلیج فارس را با خطر مواجه سازد.

به طور خلاصه، نویسنده مدعیست: «اخبار خوب و بد برای منطقه خلیج فارس وجود خواهد داشت. اخبار خوب آن است که با قبول قطعنامه آتش‌بس سازمان ملل توسط ایران و عراق، امیدهایی برای کشورهای غربی در دستیابی به ثروت هنگفت بازسازی این کشورها پدید

علاوه بر این، این کشور در سطح منطقه منزوی شده و از سوی آمریکا که بزرگترین منبع تأمین سلاح این کشور بود، به دلیل بحران گروگان گیری تحت محاصره قرار داشت. این شرایط به عراق امکان می داد به پیروزی سریع نظامی دست یابد و رژیم انقلابی ایران را سرنگون سازد.

۵. صدام مصمم بود آنچه را در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر 'ذلت' می دانست اصلاح کند.

۶. عراق به دنبال پرکردن خلاء قدرت در جهان عرب بود که به دلیل تصمیم مصر در امضای قرارداد کمپ دیوید به وجود آمده بود.

۷. عراق می خواست به آن چیزی که جنگ اجتناب ناپذیر با ایران می دانست اقدام کند.

در بررسی موارد فوق باید متذکر شویم که این عراق بود که قبل از جنگ از گروه های محارب حمایت های تسلیحاتی، اطلاعاتی، آموزشی و مالی به عمل می آورد و پاسگاه های مرزی را مورد هجوم قرار می داد.

نویسنده در مورد منافع و ملاحظات ایران در مواجهه با عراق معتقد است:

۱. رهبران ایران اعتقاد داشتند، عراق برای صدور انقلاب از نوع ایرانی، مستعد است و مسلمانان عراقی، به ویژه شیعیان قیام کرده و حکومت را سرنگون خواهند نمود.

۲. ایران تصمیم گرفته بود صدام و حزب بعث را به دلیل اخراج [امام] خمینی از عراق و اقدامات ظالمانه علیه مخالفان شیعه مجازات کند. اولین نخست وزیر پس از انقلاب ایران، مهدی بازرگان، زمانی که اظهار داشت که 'جنگ نتیجه انقلاب است'، مورد سرزنش [امام] خمینی قرار گرفت.

۳. رهبران ایران آرزو داشتند توجه افکار عمومی را از مشکلات اقتصادی منحرف نمایند و به بسیج امکانات علیه مخالفت های سیاسی و قومی که انسجام ملی را تهدید می کرد معطوف نمایند.

پرواضح است هر انقلابی با مشکلاتی مواجه است و اینکه برپائی جنگ راه برطرف نمودن این مشکلات باشد با هیچ منطقی سازگار نیست و نسبت دادن جنگ به این تحلیل ها فقط گمراه نمودن خوانندگان در مورد

تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و عقیدتی مورد کنکاش قراردادده و قراردادهای متعدد دو کشور در مقاطع گوناگون تاریخی را تجزیه و تحلیل نموده و مدعیست، به دلیل وقوع انقلاب در ایران و نیز به دست گیری حکومت توسط صدام در عراق، جنگ اجتناب ناپذیر بوده است. حکومت عراق با ادعای ملی گرایی عربی و رهبری جهان عرب پس از خارج شدن مصر از گردونه رهبری اعراب به دلیل امضای قرارداد کمپ دیوید، در مقابل حکومتی قرار گرفت که داعیه رهبری جهان اسلام را در سر داشت و به هیچ عنوان ملی گرایی، آنهم از نوع عربی را بر نمی تافت.

تحقیر عراق در زمان امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و بهانه وقوع انقلاب و کمک ایران به گروه های نژادی و مذهبی عراق زمینه شروع جنگ از جانب این کشور عنوان می شود. در این میان، منافع و ملاحظات سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی دو کشور به طور مفصل مورد بررسی قرار می گیرد.

در این فصل آمده است: «با احتیاط می توان فرض کرد، عراق با این تصور به ایران حمله کرد که این کشور تهدیدی برای سرزمین، ایدئولوژی و منافع ملی عراق می باشد. پس از گذشت یک سال و نیم از انقلاب ایران، ظاهراً چند عامل باعث شد رهبران عراق تصمیم بگیرند به ایران حمله کنند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. انقلاب ایران در ذات خود به لحاظ تبلیغ کلامی و عمل ایدئولوژی دینی دارای تهدیداتی بود که می توانست تضعیف انسجام ملی و ساختار قومی فرقه ای عراق را به دنبال داشته است.

۲. حملات ایران به شهرها و پاسگاه های مرزی، رخنه های مسلحانه و خرابکارانه در عراق و آموزش و تسلیح مخالفان باید متوقف می شد.

۳. این نظر در عراق وجود داشت که دستیابی به توافق و سازش با حکومت مذهبی ایران که مصمم به صدور انقلاب به کشورهای دیگر و در وهله اول عراق است، غیرممکن می باشد.

۴. این عقیده در میان عموم رواج داشت که ایران آسیب پذیر است و ارتش آن به دفاع از کشور قادر نیست.

ایران ابتکار عمل جنگ زمینی را از عراق گرفته بود، اما عراق توانسته بود نیروهای خود را تقویت کند و ظرفیت عملیاتی آنها را افزایش دهد. مرحله سوم، تهاجم نهایی عراق بود که توانست سرزمین‌های واگذار شده را پس بگیرد، انسجام نیروهای نظامی ایران را درهم بشکند، تجهیزات زیادی از ایران به غنیمت بگیرد و ایرانی‌ها را برای پذیرش آتش بس مجبور نماید.»

«همزمان با تغییر معادلات جنگی، اولویت‌های عراق نیز تغییر می‌کرد. دفاع از تمامیت ارضی و جلوگیری پیش‌دستانه از صدور انقلاب اسلامی ایران به شیعیان جنوب و قطع حمایت سیاسی و نظامی از کردهای عراقی هدف اصلی عراق بود. اصلاح قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، کنترل کامل اروندرود و برعهده گرفتن نقش رهبری اعراب پس از اخراج مصر از اتحادیه عرب به دلیل امضای کمپ دیوید از دیگر اهداف ثانویه و فرعی عراق محسوب می‌شدند.»

نویسنده در فصل پنجم با عنوان «اسرائیل و جنگ ایران و عراق» این جنگ را فرصت مغتنمی برای اسرائیل برمی‌شمارد. اسرائیل در مدت این جنگ بودجه نظامی خود را به میزان قابل توجهی کاهش داد و اعتبارات مالی بیشتری صرف بازسازی اقتصاد داخلی و بهبود روابط با کشورهای میانه‌رو جهان عرب و بین‌الملل نمود و هرچه بیشتر خود را به صلح نزدیک کرد. در این خصوص باید متذکر شد کمک‌های اطلاعاتی اسرائیل به عراق و نیز فروش سلاح‌های اسرائیلی با نام‌های مستعار و با همکاری شرکت‌های چندملیتی به عراق از نظر نویسنده با زیرکی نادیده گرفته شده است.

فصل ششم به شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق پرداخته است. شش کشور حوزه خلیج فارس (قطر، بحرین، عمان، عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی) در روز ۲۵ می ۱۹۸۱ اقدام به تشکیل «شورای همکاری خلیج [فارس]» نمودند. این شورا تصمیم گرفت سالیانه ۵۰ میلیارد دلار به خریدهای تسلیحاتی اختصاص دهد، به همین دلیل توان نظامی این کشورها در سال ۱۹۸۸ به ۱۶۰۹۵۰ نفر و ۳۸۲ هواپیمای مدرن جنگی افزایش یافت.

علل شروع جنگ و هم‌صدایی با رژیم بعث توسط نویسنده می‌باشد.

در فصول سه و چهار، مراحل جنگ و اهداف راهبردی و سیاسی ایران و عراق از دیدگاه دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

نویسنده مدعیست: «این جنگ از نظر ایران پنج مرحله داشته است: مرحله اول، از ماه سپتامبر ۱۹۸۰ تا ماه ژوئن ۱۹۸۲، منطبق بر اشغال بخش عظیمی از غرب ایران و زمانی که تهران از لحاظ نظامی و سیاسی در موضع دفاعی قرار داشت. مرحله دوم، از ماه جولای ۱۹۸۲ تا ماه ژوئن ۱۹۸۴، که با حملات وسیع ایرانیان به سرزمین‌های عراقی همراه می‌باشد. مرحله سوم، از ماه فوریه ۱۹۸۴ تا ماه فوریه ۱۹۸۷، که به جنگ نفت کش‌ها در خلیج فارس معروف است که به کارگیری بمب و موشک علیه اهداف غیرنظامی (جنگ شهرها) در این مرحله تشدید شد و البته خطوط جبهه به‌رغم عملیات‌های بزرگ و پرتلفات با بن‌بست مواجه بود. مرحله چهارم، از ماه مارس ۱۹۸۷ تا ماه جولای ۱۹۸۸، که از نظر ایرانی‌ها مرحله‌ای است که آمریکایی‌ها در جنگ دخالت کردند. به اجرا گذاردن قطعنامه آتش بس تحت نظر سازمان ملل در ماه اوت ۱۹۸۸ نشانه مرحله پنجم جنگ است.»

«اهداف ایران در طول مدت جنگ و مراحل آن متفاوت بود. برای نمونه، عقب‌راندن نیروهای دشمن از اراضی اشغالی هدف اولیه این کشور محسوب می‌شد. تنبیه متجاوز، به پایان رساندن جنگ با شرایط مطلوب و درخواست غرامت از متجاوز از دیگر اهداف ایران در مراحل گوناگون تلقی می‌شد. البته این اهداف تحت تأثیر و نفوذ رهبران تندرو و عملگرای این کشور نیز قرار می‌گرفت.»

«اما جنگ در عراق سه مرحله کاملاً مشخص داشت: مرحله اول، با هجوم عراق همراه بود و تقریباً از ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ که نیروهای عراقی از مرز گذشته و به سرزمین‌های ایران وارد شدند، تا ماه ژوئن ۱۹۸۲ ادامه یافت که در نهایت آنها مجبور شدند به مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کنند. مرحله دوم، که شش سال به طول انجامید، یک جنگ سخت فرسایشی بود که

حمله به سکوه‌های نفتی ایران و هدف قراردادن هواپیمای مسافربری ایران صدق این گفته را اثبات می‌نماید.

نقش شوروی در دوره پس از جنگ در فصل بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. «در مورد چپستی سیاست شوروی در منطقه باید اذعان نمود، عراق کماکان متحد شوروی باقی خواهد ماند و ایران نیز برای تعدیل روابط عراق با شوروی به این کشور نزدیک خواهد شد. البته دو طرف جنگ روابط خود را با غرب بهبود خواهند بخشید، زیرا به لحاظ اقتصادی متنوع نمودن محل‌های تهیه اقلام مورد نیاز یک اصل مهم می‌باشد. این دو کشور به شدت نیازمند نوسازی تجهیزات و امکانات نظامی خود می‌باشند که در این راه شوروی به دلیل نیاز شدید به کسب منابع مالی و نزدیکی به این دو کشور منبع مناسبی است. این کشور به دلیل افزایش نفوذ خود در منطقه و کاهش نفوذ رقیب سنتی خود به بازارهای دو طرف جنگ نزدیک خواهد شد. البته از نفوذ آمریکا در منطقه حداقل در آینده نزدیک کاسته نخواهد شد.»

در فصول دهم و یازدهم، قوانین جنگ دریایی و بی‌طرفی در جنگ خلیج فارس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. «این جنگ نشان داد چگونه شرایط جدید می‌تواند مقررات سنتی جنگ دریایی و بی‌طرفی در آن را تغییر دهد و همچنین فاصله میان قانون و رفتار کشورها را به نمایش گذاشت. بی‌طرفی برخی کشورهای خلیج فارس بارها توسط مجامع بین‌المللی خاطرنشان می‌شد، اما دو طرف جنگ این امر را نقض می‌کردند. عراق در مجمع عمومی سازمان ملل، ایران را به نقض مقررات آب‌های آزاد متهم نمود، این درحالی است که همین اتهامات متوجه خود اوست. مسائل به وجود آمده در جنگ خلیج فارس مشخص می‌سازد بررسی و اصلاح قوانین موجود در مورد جنگ‌های آینده در دریا و نیز موضوع بی‌طرفی در جنگ ضروریست.»

نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق موضوع فصل بعدی است. مؤلف اصرار دارد این سازمان نقش خود را به خوبی ایفا نموده و چنانچه مشکلی مشاهده می‌شود اشکال در مقررات این سازمان است؛ در این

عربستان به عنوان بزرگترین کشور شورا به تدریج ماشین جنگی قابل توجهی بنامود و با فرسایش ایران و عراق در جنگ، به آهستگی بر پهنه آسمان خلیج فارس تسلط یافت. کشورهای شورا سطح همکاری‌های سازمانی خود را نیز افزایش دادند و یک فرماندهی مشترک تأسیس و اقدام به اجرای تمرین‌های نظامی مشترک کردند. نویسنده علت تشکیل شورای همکاری خلیج [فارس] اترس از پیروزی ایران در صحنه جنگ با عراق عنوان می‌کند و در قدرت آن مبالغه می‌کند. درحالی که همین نیروی نظامی نتوانست از کویت در برابر تهاجم عراق جلوگیری نماید و آن را سرکوب کند. فصول هفتم و هشتم به سیاست‌های آمریکا و نقش نیروهای نظامی این کشور در منطقه می‌پردازد. نویسنده بر این باور است که آمریکا به عنوان رهبر بدون چون و چرای سازمان ملل و منطقه خلیج فارس نقش ویژه‌ای در وادار کردن ایران به موافقت با آتش‌بس ایفا نمود. همچنین آمریکا موفق شد شوروی را از دخالت نظامی در منطقه دور نگه دارد و موافقت این کشور را برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ جلب نماید.

در مورد نقش نظامی آمریکا باید اذعان کرد: «سقوط شاه در ایران، اشغال افغانستان توسط شوروی و جنگ ایران و عراق باعث شد آمریکا حضور پررنگی در منطقه داشته باشد. تشکیل گروه واکنش سریع که به دستور کارتر در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ که بعدها در اول آوریل ۱۹۸۳ به فرماندهی مرکزی تبدیل شد، اهمیت خاورمیانه و خلیج فارس را برای آمریکا نشان می‌دهد. به گفته فرمانده فرماندهی مرکزی «ماموریت اصلی این نیروی نظامی پشتیبانی از تعهدات و استلزامات ملی آمریکا در منطقه است». این حضور به ویژه در مرحله جنگ نفت کش‌ها خیلی پررنگ تر شد و آمریکا به طور رسمی با اسکورت کشتی‌های کویتی نیروهای نظامی خود را عملاً وارد جنگ کرد و این پیام را به طرق رسمی و غیررسمی منتقل نمود که دشمنان باید بدانند دست فرماندهان آمریکایی در منطقه باز است و این کشور خود را از معادلات منطقه‌ای بیرون نمی‌کشد.»

البته می‌دانیم حضور آمریکا و اقدامات نظامی آن فقط برای جلوگیری از شکست عراق انجام گرفت.

باره می‌نویسد: «سازمان ملل در تمام مدت جنگ نقش بسیار فعالی برعهده گرفته بود.» و نیز در این رابطه می‌نویسد: «در درجه نخست، عدم کارائی این سازمان به عنوان یک نهاد امنیت جمعی به اثبات رسید، زیرا نتوانست از بروز جنگ جلوگیری نماید. دوم، پس از بروز جنگ این سازمان فقط توانست چارچوبی برای آتش‌بس تدارک ببیند، ولی خواست طرف‌های درگیری در قبول آتش‌بس تعیین کننده بود. سوم، سازمان ملل در حفظ صلح موثر می‌باشد و صلح‌بانی از نقش‌های موثر آن است. چهارم، این سازمان در نمایش تخلفات جنگی و تهییج افکار عمومی تأثیرگذار بود که این موضوع در مسأله استفاده از سلاح‌های شیمیایی به خوبی نشان داده شد. پنجم، این جنگ نشان داد سازمان‌های جهانی قادر نیستند ریشه‌های خصومت را در نقاط مختلف جهان شناسایی کنند.»

نویسنده معتقد نیست که هرچا منافع ابر قدرت‌ها به ادامه جنگ اقتضاء کند این سازمان نقشی نخواهد داشت و چنانچه منافع قدرت‌ها با توقف جنگ حاصل می‌شود این سازمان با عجله و فعالیت‌های شبانه‌روزی اقدام خواهد کرد.

مؤلف در فصل سیزدهم به نام «ایران و عراق و مذاکرات صلح» مدعیست: «تجزیه و تحلیل این جنگ نشان می‌دهد دو کشور با طرح ادعاهایی در مجامع حقوقی در پی مشروعیت بخشی به اقدامات خود بودند. رویکرد سنجیده عراق نسبت به قوانین بین‌المللی بر منابع سنتی حقوقی متکی بود، اما ایران رفتار دوگانه‌ای در جنگ داشت. این کشور در اوائل جنگ اقدامات خود را بر محور قوانین بین‌المللی یعنی عقب‌راندن عراق تا مرزها دنبال کرد و وقتی موفق به چنین عملی شد اقدامات خود را بر محور ایدئولوژی اسلامی یعنی آزاد کردن اماکن مقدس عراق بنانهاد و حاکمیت ملی را از نظر اسلامی مردود دانست.»

نویسنده با جانبداری از عراق اصلاً توجهی ندارد که این عراق بود که جنگ را با بهانه‌های واهی آغاز کرد و در شرایطی که ایران در موقعیت نامناسب اقتصادی و نظامی قرار داشت به جای کمک، نیروهای نظامی خود را از مرزها عبور داد و حتی در مقاطع مختلف جنگ

اهداف گوناگونی مطرح می‌نمود. کتاب در فصل آخر، با عنوان «صلح و ثبات در خلیج فارس»، پیشنهاداتی را برای ارتقای صلح و ثبات به کشورهای منطقه و سازمان ملل ارائه می‌دهد:

۱. احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها، به ویژه مراعات اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر توسط کشورهای منطقه.

۲. عدم تکثیر سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای و از بین بردن چنین سلاح‌هایی و ممنوع نمودن فروش عامل‌های شیمیایی به کشورهای منطقه.

۳. ممنوع نمودن استفاده از هر نوع موشک علیه مردم و کشتی‌های غیرنظامی.

۴. کاهش سلاح‌ها و پایگاه‌های نظامی کشورهای منطقه.

۵. حل و فصل مشاجرات منطقه‌ای با مذاکره، تشکیل کمیته‌های حقیقت‌یاب، میانجی‌های بین‌المللی و دیگر روش‌های مسالمت‌آمیز.

نویسنده در این مورد نیز نقش قدرت‌های فرمانطقه‌ای در فروش و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و نیز به بازی گرفتن کشورهای منطقه را با زیرکی پنهان نموده و اذهان را به جای دیگری جلب می‌کند. حتی در مسئله قوانین بین‌المللی از نظر نویسنده عراق محق بود و کشوری مثل ایران که قربانی جنگ و سلاح‌های نامتعارف آن می‌باشد، قوانین را نقض کرده بود.

روابط بین الملل و امنیت در عصر دیجیتال

نویسندگان: جان اریکسون و گیاکاملو

معرفی و نقد: نبی... ابراهیمی*

Johan Eriksson and GiamPiero Giacomello, International Relations and Security in the Digital Age: London, Rutledge, 2007, PP251.



در عصر جهانی شدن و بخش دوم از تروریسم مجازی تا جنگ مجازی، عقب و جلو است. گفتار دوم کتاب تحت عنوان "سیاست حمایت"، مشتمل بر چهار بخش است. بخش نخست آن درباره "مصونیت عصر دیجیتال": چالش های بغرنج در مورد حمایت زیربنایی و نظریه های

روابط بین الملل را دربر می گیرد. بخش دوم، درباره ارزیابی نظریه های فناوری اطلاعات و امنیت خاورمیانه، بخش سوم تحت عنوان "همکاری عمومی - خصوصی و اعتبار اطلاعات: رهیافتی نهادگرائی لیبرال" و بخش چهارم تحت عنوان "پویایی سیاست بین المللی و تنظیم جریان های داده: کنار زدن محدودیت های داخلی" می باشد. بخش پایانی کتاب نیز با عنوان "امنیت عصر دیجیتال در نظریه و عمل" با نتیجه گیری به پایان می رسد. "جان اریکسون و گیاکاملو" در مقدمه کتاب، به این موضوع پرداخته اند که تحول و پیوند اطلاعات و فناوری ارتباطی (ICTS) مانند اینترنت، ایمیل، تلویزیون، ماهواره و تلفن های همراه با یک سرعت چشمگیری در جهان گسترش یافته اند.

مقدمه

فناوری اطلاعات به طور اعم و گسترش اینترنت به طور خاص، به طور معناداری به یکی از ویژگی های رایج جهانی شدن تبدیل شده اند و بر جوامع و کشورهای جهان تأثیر عمده ای باقی گذاشته اند. این بزنگاه، تهدیدات و فرصت هایی را به طور اساسی خلق نموده است. نظریه های روابط بین الملل توجه کم مایه ای به چالش های عصر جهانی شدن بویژه از نگرش و دیدگاه های مطالعات امنیتی مبذول می دارند. در حالی که ادبیات خاصی پیرامون تروریسم مجازی، جرائم مجازی و غیره موجود است که نظریه های روابط بین الملل و نظریه های امنیت از آنها غافل مانده اند. توجه این کتاب به سوی پر کردن خلاء و شکاف بین نظریه روابط بین الملل و عمل درباره امنیت در عصر دیجیتال می باشد.

معرفی کتاب

ایده این طرح برای نخستین بار در تابستان سال ۲۰۰۲ در شهر نیویورک مطرح گردید. این کار با همت شورای تحقیقات علوم اجتماعی (SSRC) و دانشگاه کلمبیا صورت گرفت. کتاب فوق که اولین چاپ آن در سال ۲۰۰۷ انجام شده دارای مقدمه ای تحت عنوان "پرکردن شکاف بین نظریه روابط بین الملل و مطالعات امنیت در عصر دیجیتال" از جان اریکسون و گیاکاملو است.

گفتار اول این کتاب با عنوان "سیاست تهدید" دارای دو بخش است، که بخش اول آن "حریم مجازی القاعده و تروریسم

* دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران

راستا، شورای مطالعات ملی بر این باور است که تروریست آینده بیش از آن که با بمب تهدید کننده باشد با کیبورد تهدیدزا است. این نگرش مطرح است که به همان میزان که وابستگی جوامع و کشورها به فناوری اطلاعات بیشتر می شود، این تحول آسیب پذیری آنها را نیز دو چندان کرده است. حتی در ایالات متحده، و رای گفتمان فضای تهدید از واژه "پل هاربر الکترونیکی" به عنوان سناریوی جدید خرابکاران تروریستی اینترنتی که می تواند کلیه خطوط راه آهن را متوقف، حساب های پولی هزاران فرد را خالی کند استفاده می کنند. این "حملات مجازی" به مشابه کنش تروریسم، تهدید و خطرات نوظهور در عصر دیجیتال برای کشورها و جوامع شناخته شده اند. این مقاله با استفاده از نظریه واقع گرایی که هنوز بر مطالعات راهبردی به جای مطالعات امنیتی تأکید می کند، اشعار دارد که امروز با انقلاب اطلاعات، ظهور کنش گران نو و تهدیدات مجازی مواجه هستیم و واقع گرایی نمی تواند جوابگوی تحولات فوق باشد. مقاله مزبور به طور ویژه واقع گرایی، لیبرالیسم و سازه انگاری را از زاویه مطالعات امنیتی بررسی و نقد می کند.

واقع گرایی

فرضیه اصلی نظریه واقع گرایی بر سه فاکتور مبتنی است: ۱. کشور، واحد اولیه و اصلی تحلیل است؛ ۲. کنش های کشور در جهت منافع ملی است؛ و ۳. قدرت و امنیت، ارزش های حیاتی کشور محسوب می شود. با توجه به نگرش والتز، واقع گرایان کلاسیک و حتی میرشایمر، هیچ گونه تحول اساسی در مورد نظریه هایشان در جهت فهم امنیت در عصر دیجیتال ایجاد نکرده اند و هنوز کشور هسته اولیه مطالعاتی آنها را شکل می دهد. چرا که کنش گران غیر دولتی هنوز محلی از اعراب در مطالعات آنها ندارد. واقع گرایان، امنیت مرتبط با فناوری اطلاعات (IT) را عمدتاً در حدود مسائل اقتصادی به رسمیت می شناسند و تأثیر امنیتی آن بر دولت ها را نادیده می انگارند. واقع گرایان، جنگ اطلاعاتی را منازعه ای سنتی میان کشورها قلمداد می کنند و جنگ الکترونیک را به نوعی در ذیل مطالعات راهبردی و منازعه ای حول مسائل ارتباطی مثل رادیو فرض می کنند. آنها از این مسأله که دفاع از اطلاعات و سامانه های اطلاعاتی از خود جنگ مهم تر است، غافلند و

این گسترش فناوری به نوعی شکاف دیجیتال را در کشورهای دارا و ندار و استفاده کننده از آن ایجاد کرده است. در اینجا این پرسش مطرح می شود که پیامدهای انقلاب اطلاعات بر امنیت ملی و بین المللی چیست؟ برخی معتقدند که انقلاب اطلاعات به طور فزاینده ای نقش شرکت ها و سازمان های غیر انتفاعی، جنبش های اجتماعی و تجارت شبکه ای افراد را گسترش داده است. در واقع این کنش گران غیردولتی هستند که به عنوان چالش گران امنیتی نوین شناخته می شوند. امروزه به جای این که امنیت ملی مطرح باشد، امنیت جامعه اطلاعاتی و تهدید اطلاعات می تواند به مشابه تهدید جوامع پیشرفته محسوب شود.

با این توضیحات، آیا نظریه های نو واقع گرایی والتز یا نو لیبرال "نای" می توانند سیاست جهانی را به خوبی بررسی کنند؟ آیا نوواقع گرایی و نظریه های روابط بین الملل می توانند پس از جنگ سرد حوادث اخیر را مورد کند و کاو قرار دهند، یا این که می بایست باز تعریفی از نظریه های روابط بین الملل داشته باشیم؟ در این مقاله اریکسون و گیاکاملو در تلاشند تا از یک رهیافت نو، شکاف بین نظریه های روابط بین الملل و مطالعات امنیتی عصر دیجیتال را پر کنند. بسیاری از روزنامه نگاران دوره کلinton به بعد، از واژه "شاهراه اطلاعاتی" در مورد گسترش اینترنت استعمال کرده اند و اینترنت را نماد اصلی عصر دیجیتال انگاشته اند. جامعه شناسان مارکسیستی مانند ایمانوئل کاستلز، در ۱۹۸۷ معتقد بودند که اطلاعات منبع مهم و اولیه تولید مادی در عصر جدید و به نوعی اقتصاد دانش^۱ است. دانش پژوهان روابط بین الملل و علوم سیاسی نیز گسترش (ICT) را عامل مهم تحول در مفهوم امنیت می شناسند.

با این تحولات و تحول مفهوم امنیت، کشورهایی چون ایالات متحده، اروپا، روسیه و چین، افرادی را در جهت کنترل، نظارت و تحلیل و تخمین ریسک ها و تهدیدات جامعه شبکه ای جهانی استخدام می کنند. مفهوم "فضای تهدیدات"^۲ برای کشورها در مقابل از دست دادن کنترل جامعه اطلاعاتی، مطرح شده است. این فضا در مقابل "فضای تروریستی"^۳ و "فضای جرائم"^۴ مطرح می شود، چرا که فضای مجازی اینترنت بدون کنترل دولت ها به فضای تهدید علیه امنیت ملی آنها و حتی امنیت بین الملل تبدیل می شود. در این

1. Information Highway

2. Knowledge Economy

3. Cyber Treats

4. Cyber Terrorism

5. Cyber Crime

6. Electronic Pearl Harbor

همچنین پیروزی در نبرد اطلاعاتی که رویه امنیت در عصر دیجیتال است را به رسمیت نمی شناسند.

لیبرالیسم

اریکسون و گیاکاملو در مقاله مزبور فرضیه های نظریه لیبرالیسم روابط بین الملل را چنین بر می شمرد: ۱. تأکید بر کثرت گرایی کنش گران بین المللی؛ ۲. اهمیت فاکتورهای سیاست داخلی بر تعیین رفتارهای بین المللی کشورها؛ و ۳. تبیین دستورالعملی برای مطالعات بین المللی بویژه در زیر شاخه اقتصاد سیاسی بین المللی. با توجه به غفلت واقع گرایان از تحولات عصر دیجیتال، لیبرال ها، به نوعی نشان داده اند که از ظهور گروه های آنلاین نوین مثل "وبگاه" و "تالارهای گفتگو" آگاهی دارند. آنها عقیده دارند که حاکمیت کشورها بر اثر این تحولات رو به استحاله رفته است. لیبرال ها، در مورد انقلاب اطلاعات فقط در حوزه اقتصادی سخن به میان آورده اند و این موضوعات را به امنیت بین المللی یا ملی تسری نداده اند. البته جوزف نای با نام بردن از مفهوم قدرت نرم، و این که مفهوم مزبور، در عصر دیجیتال معنا یافته است، نیم نگاهی به فناوری اطلاعات در این حوزه داشته است. لیبرال ها به نوعی کثرت بازیگران غیر دولتی را به رسمیت می شناسند. آنها فضای صلح و تهدید را شناسایی می کنند و معتقدند که دولت ها به تنهایی نمی توانند از فضای صلح حمایت کنند. نای و لیبرال ها در واقع با پدید آوردن نگرش های مثبت حول وابستگی متقابل فناوری اطلاعات و ساخت نظریه در مورد امنیت در عصر دیجیتال دریچه ای به این تحولات گشوده اند، اگر چه هنوز توسعه نیافته است. چرا که رهنمودهای آنها بیشتر در مورد سیاست و تصمیم گیرندگان است تا در راستای پژوهشگران روابط بین الملل.

سازهانگاری

جان اریکسون و گیاکاملو با اتکاء به سازهانگاران اجتماعی به تحلیل ارتباط میان نظریه و مطالعه امنیت در عصر دیجیتال می پردازند. به باور آنها سازهانگاران با توجه به موجد هستی شناسی و شناخت شناسی خود، راه میانه میان پست مدرنیسم و خردگرایی در روابط بین الملل هستند. از میان سازهانگاران برخی بر مطالعه کشور (ونت)، برخی بر مطالعه

سازمان های غیردولتی و برخی نیز جوامع فراملی یا جوامع شناختی (سکینگ) تأکید دارند. مطالعات امنیتی سازهانگاران باتوجه به نظریه عمومی کردن شرطی، بیشتر بر تحلیل محتوایی سیاست و امنیت و توضیح تحول مفهوم امنیت می پردازد. به عبارت دیگر ارتباط میان سیاست، امنیت و امنیت ملی. مطالعات امنیتی سازهانگاران بیشتر در مورد تهدیدات و مرتبط با هویت و فرهنگ است. این مطالعات از فروپاشی فنی و حملات دیجیتال گرفته تا فجایع زیست محیطی، زلزله، سیل و غیره را دربر می گیرد. سازهانگاران با این رویکرد، مشابه مکتب کپنهاگ از مفهوم امنیتی شدن^۱ استفاده می کنند.

در واقع مکتب کپنهاگ باتوجه به فهم عمیق از امنیت، نمی تواند انقلاب اطلاعات را تشریح و تبیین کند. تحلیل سازهانگاران بر قدرت و امنیت در عصر دیجیتال بر اهمیت تصاویر و نمادها است. به عنوان مثال در دریان^۲، معتقد است که یکی از تأثیرات جنگ در عصر دیجیتال همین فاصله برخی کنشگران از واقعیت خونین جنگ است و این که چگونه به طور مجازی، ما بر هدایت جنگ تأثیر می گذاریم. جنگ دیجیتال، شبیه بازی های کامپیوتری است که ابزار ما رایانه و کیبورد است. به عبارتی ما بین یک فضای مجازی و واقعی قرار می گیریم. به عنوان مثال مطالعه "سیاست نمادین"^۳ مثل استفاده از خشونت نمادین (در جهت دستکاری گفتمان سیاسی و افکار عمومی) به طور فزاینده ای مربوط به مطالعه امنیت در عصر دیجیتال است. مطالعه سیاست نمادین که توسط "موری ادلان"^۴ انجام شده است یک برداشت سازهانگاری از علوم اجتماعی و عصر اطلاعات است. سازهانگاران بر مطالعه و تأثیر زبان در عصر دیجیتال تأکید می کنند. چرا که زبان، ارتباط معناداری بین کنش های نمادین و یک فرا روایت ایجاد می کند. با این نظریه و عمل در مطالعه امنیت در عصر دیجیتال می توان از هر سه نظریه مذکور به نحوی در مطالعه این رهیافت بهره برد. اما باتوجه به حوزه گسترده مطالعه امنیت در عصر دیجیتال، به یک رویکرد عملی نیازمندیم چرا که ما به فلسفه عملی و ایجاد پلی بین نظریه و عمل معتقد هستیم. در واقع اریکسون و گیاکاملو به دنبال نوعی مطالعه امنیت در عصر دیجیتال با رهیافت "عمل گرایانه"^۵ هستند تا دو گانگی موجود در روابط بین الملل دانشگاهی را بر طرف نمایند.

1. Blogs

2. Coatrooms

3. Securitization

4. Symbolic politics

5. Murry edelman

6. Pragmatism

سیاست تهدیدات

۱. حریم مجازی القاعده و تروریسم در عصر جهانی شدن / نویسنده: مگناز رنستورپ^۱

گسترش جهانی شدن، همراه با اینترنت، حریم مجازی مناسبی را برای القاعده به وجود آورده است. به عنوان نمونه، این مقاله به انتشار افکار و عقاید القاعده در وبگاه‌ها و شبکه‌های آنلاین اشاره می‌کند و به عبارتی ابعاد معنایی القاعده و تأکید بر فضای هنجاری (رویکرد سازه‌انگاری) و ساخت اجتماعی راهبردی^۲ مطالعه امنیت در عصر اطلاعات را به طور عملی بر بسته ساخته است. شبکه‌های جهادی سلفی، با نمادها و هنجارهای خود مخاطبین زیادی در جهان دارند که این خود فضای تهدید مجازی را برای غرب و دولت‌های ملی خاورمیانه پدید آورده است. به یک تعبیر، عملیات یازدهم سپتامبر "غزوه‌ای"^۳ برای سلفی‌ها بود که در عصر جهانی شدن معنا یافت. در عصر جهانی شدن، ما با مفهوم "امت مجازی"^۴ مواجه هستیم که اخبار و اطلاعات جوامع مسلمان را از طریق اینترنت و به سرعت در تمام جهان پراکنده می‌کند. این سایت‌ها، با تبلیغات و عضوگیری و همچنین جمع‌آوری منابع مادی و در اختیار گذاشتن فن ساخت بمب و حمله‌های اطلاعاتی و صدور فتوا، خطر مجازی نوظهوری در عصر دیجیتال است. (مانند سایت AL-Neda)، القاعده با استفاده از رمزهای عبور و ایمیل از عصر دیجیتال بهره می‌برد. این سازمان متخصصین زیادی در زمینه هک کردن سایت‌ها دارد که می‌توانند به شبکه‌های امنیتی و اطلاعاتی کشورها رخنه کنند. آنها از شبکه‌های بی‌سیم و تلفن‌های خصوصی همراه استفاده می‌نمایند. برای مثال، سازمان مذکور تمامی ایمیل‌های دیپلمات‌های آمریکایی در ریاض را شناسایی و با شکستن ID (رمز ورود) عملیات هک را انجام دادند. با توجه به این رخدادها، مقاله حاضر در تلاش است اقدامات القاعده را در نظریه‌های روابط بین الملل توضیح دهد. همانطور که آدامسون اظهار می‌دارد: ما با فقدان نظریه در ارتباط با افراد و ساختارهای ایدئولوژیک جهانی و عدم ارتباط این نظریه‌ها با ساختار و سامانه‌های بین الملل و اعمال کلان‌کنش‌گران مواجهیم. البته از این رهگذر، سازه‌انگاری از منظر لیبرالیستی درصدد توجیه عصر جهانی شدن و اهمیت‌کنش‌گران غیردولتی است. به عبارتی

در ارتباط بیان نمادگرایی در راهبرد معنا و کنش، ما نیازمند رویکرد نظری برای دستیابی به سنتز فردگرایی و رویکرد فرهنگی گرایی امنیت بین الملل هستیم.

۲. از تروریسم مجازی تا جنگ مجازی، جلو و عقب: نویسنده: رالف بندراث^۵، جان اریکسون و گیاکاملو

این مقاله تروریسم مجازی در دوره کلینتون را بررسی کرده و توضیح می‌دهد که در زمان جورج بوش این شبکه جای خود را به راهبردهای نظامی دولت‌های شور داد. در دوره بوش و پس از یازدهم سپتامبر، تهدید دولت محوری جای خود را به تهدیدات از سوی شبکه‌های فراملی داد. به عبارتی جنگ علیه تروریسم به طور فزاینده‌ای، مانند گفتمان دوره جنگ سرد با تأکید بر منبع شر که از سوی دولت‌ها تغذیه می‌شود تسری یافت. یعنی فضای مجازی از رویکرد واقع‌گرایان نظاره می‌شد. بندراث و دیگران معتقدند که در زمان کلینتون شاهد اهمیت تروریسم مجازی بودیم و از این رهگذر، مطالعه جهانی شدن و قدرت ممکن است؛ اما در دوره بوش و بعد از یازدهم سپتامبر، امنیت مجازی و توجه به دولت-ملت به جای گروه‌های تروریستی به عنوان تهدید خطرناک، جایگزین تروریسم مجازی دوران کلینتون شد و این یک بازگشت بود. یعنی دولت با رویکردی واقع‌گرایانه منبع تهدید محسوب می‌شد.

۳. ارزیابی نظریه‌های فناوری اطلاعات و امنیت در خاورمیانه: نویسنده: حمود صلحی^۶

گسترش فناوری اطلاعات در منطقه خاورمیانه خیلی آهسته و دارای بار نظری است. چرا که در مطالعه امنیتی می‌بایست ارتباط بین جامعه و دولت، تغییر دموکراتیک، امنیت، و بقا منطقه خاورمیانه را مد نظر داشته باشیم. IT در منطقه‌ای مثل خاورمیانه می‌تواند تا حد زیادی افراط‌گرایی مذهبی و نظام‌های استبدادی را استحاله کند. آیا هنجارهای فرهنگی می‌تواند به نوعی همگرایی IT در جامعه را تشدید کند؟ با توجه به این که IT ابزار آزادی است، در منطقه مزبور دسترسی به کامپیوتر و اینترنت گران و استفاده از IT بسیار مشکل است و بنابراین، مطالعه و تحلیل دولت و نظریه روابط بین الملل و امنیت در خاورمیانه در عصر دیجیتال اهمیت دارد و کاربرد نظریه‌های روابط بین الملل، واقع‌گرایانه، لیبرالیسم و سازه‌انگاری در مورد مزبور الزامی است.

1. Magnus Ranstorp

2. Strategic Social Construction

3. Ghazwah

4. Cyber Ummu

5. Ralf Bandrath

ترتیبات جمعی، خواهان تأسیس یک رژیم بین‌المللی و اعتبار بین‌المللی در زمینه IT و اطلاعات بین کشورها و تجارت است. این همکاری تفاوت میان هماهنگی و عدم هماهنگی را آشکار می‌سازد. این همکاری بر اساس منافع خود دولت‌هاست. حتی در نواقعی گرای به خاطر آنارشیک بودن، شکل‌گیری سامانه‌های بین‌المللی همکاری مشروط امکان‌پذیر است. این مقاله حتی از منظر نواقعی گرای به نوعی همکاری در سامانه آنارشیک را برای قابلیت، ضروری می‌بیند. برای دستیابی به دستاوردهای مطلق در زمینه ساز و کارهای مالی و پولی، یک رژیم بین‌المللی در خصوص اعتبار اطلاعات الزامی است. اینترنت به ابزار مهمی برای همکاری میان حوزه بازرگانی در ارائه خدمات و کالا و حوزه دولت تبدیل شده است. دولت نیز منافع ویژه‌ای در خصوص منافع خود و جامعه تجاری بین‌المللی دارد. اعتبار اطلاعاتی این همکاری بسیار مهم است. در اینجاست که نهاد گرای نولیبرال همکاری، برای ایجاد یک رژیم بین‌المللی در جهت پر کردن شکاف بین نظریه و عمل ضروری است.

۵. پویایی سیاست بین‌المللی و تنظیم داده‌ها: کنار زدن محدودیت‌های داخلی؛ نویسنده؛ "عین حسین و جان اریکسون"^۴

در این مقاله، عین حسین و اریکسون به نوعی همکاری بین‌المللی برای گریز از محدودیت‌های قانونی داخلی به نام (مشروع کردن سیاسی) را تشریح می‌کنند. به عبارتی رهیافت این مقاله، براساس همکاری در روابط بین‌الملل است. به عنوان مثال بعضی از جرائم، دست‌دولت را در حوزه داخلی می‌بندند. یعنی جرائم در فضای مجازی نمی‌تواند مصداق جرم تلقی شود، خصوصاً توسط سازمان‌های غیردولتی و جرائم سازمان یافته بین‌المللی. کنوانسیون شورای اروپا در سال ۲۰۰۱، جرم‌های مجازی را براساس سه عنصر تعریف کرده است: ۱. هک و نفوذگر؛ ۲. کپی رایت؛ و ۳. نمایش عکس‌های جنسی کودکان. با این عناصر، دولت‌ها می‌توانند به آن استناد کنند و رژیم قانونی متقابلی وضع نمایند. در مذاکرات G8، جرائم سازمان یافته بین‌المللی در نشست سال ۲۰۰۰، مورد مشورت قرار گرفت و در آن نشست، پیشنهاد تشکیل یک گروه نظارتی ارائه شد. در این راستا، دولت‌ها با دو نقش ملی و بین‌المللی براساس همکاری با تنظیم صلح مجازی و کنار زدن محدودیت‌های داخلی و همکاری با

کشورهای خاورمیانه کنترل و اشاعه و پهنای IT را در اختیار دارند. نویسنده با آوردن اعداد به صورت درصد، دسترسی کاربران در کشورهای خاورمیانه را نشان می‌دهد. به عنوان مثال در عربستان سعودی که تنها ۱۰/۸ درصد از مردم به اینترنت دسترسی دارند، علی‌رغم درآمد ملی بالای این کشور و بافت فرهنگی و اجتماعی و نیز کنترل دولت، درصدی از این جامعه با فضای مجازی آشنا هستند که این رویکرد واقع‌گرایانه و سازه‌انگاری قابل تحلیل است. نویسنده معتقد است که در این منطقه به نوعی "پوپولیسم الکترونیک" حاکم است، چرا که فرهنگ باز الکترونیک به معنای تعبیر سیاسی است. کنترل سیاسی و هژمونی اقتصادی در خاورمیانه از طرف دولت‌ها نتوانسته به دموکراتیزه کردن اینترنت و IT کمک کند، چرا که بازپیدایش اینترنت به نوعی ما شاهد طبقه جدیدی از متخصصان IT و بازرگانان حرفه‌ای هستیم که چالشی برای دولت‌های ملی در خاورمیانه محسوب می‌شوند (نظریه لیبرالیستی).

بنابر این در خاورمیانه دولت ناظر و کنترل‌کننده IT است. در این جاست که نظریه باید با عمل منطبق شود و این که چرا در خاورمیانه IT یک چالش برای دولت است به خاطر این است که دولت (براساس نظریه واقع‌گرایانه) همچنان کنش‌گری اصلی و مهم در خاورمیانه محسوب می‌شود.

۴. همکاری خصوصی - عمومی و اعتبار اطلاعات، رویکرد نهاد گرائی لیبرال: لورنزو والری"^۳

اینترنت کاربرد مثبت و منفی دوگانه از جهت استفاده نمادهای دولتی و کنشگران مخرب دارد. این مقاله در پی این رهیافت است که تجارت و دولتمردان با کمک هم می‌توانند نوعی رژیم بین‌المللی را برای اعتبار اطلاعات بوجود بیاورند. به عبارتی ما با رژیم‌های بین‌المللی و عناصر تأسیسی آن مواجهیم و این رژیم‌های بین‌المللی اطلاعاتی می‌توانند اعتبار اطلاعات و اینترنت را در جهان بالا ببرند.

در واقع دولت‌ها و تجارت بایستی یکدیگر را به رسمیت بشناسند و همکاری اساس اعتبار اطلاعات باشد. و گلر"^۳

تأسیس چنین رژیمی را براساس فهم عملی مشترک در مورد طبیعت جهان مادی می‌داند. یعنی قواعد، هنجارها و اصول می‌تواند اساس کار جمعی و همکاری بین تجارت و دولت شود. این مقاله با رویکرد نهاد گرائی نولیبرال، با توجه به اصل همبستگی متقابل و تأکید بر دستاوردهای مطلق به مثابه پیامد

1 Electronic Populism

2. Lorenzo Valeri

3. Voger

4. Ian Hosein and John Eriksson

نقد کتاب

۱. این کتاب، منبع خوبی برای بررسی امنیت در عصر دیجیتال از منظر روابط بین الملل و نظریه های روابط بین الملل محسوب می شود. در کتاب مزبور تحول در مفهوم امنیت به شکل مطلوبی تشریح و ارتباط میان عمل و نظریه مشخص شده است. در واقع، کتاب سعی داشته تا امنیت در عصر دیجیتال را به صورت بدیع، منبع مناسبی برای تحلیل امنیت معرفی کند.

۲. نقد مهمی که با توجه به نکات مثبت و منبع مناسب برای پژوهشگران روابط بین الملل، وجود دارد، عدم توجه به سطوح تحلیل (ملی، منطقه ای و بین المللی) در تبیین امنیت عصر دیجیتال می باشد. به عبارتی تحول در مفهوم امنیت بین نظریه و عمل بدون سطح تحلیل، مطالعه و بررسی شده است.

۳. تناقض های جدی میان سطح کیفی و کمی در مطالعه امنیت عصر دیجیتال مشهود است. به عبارتی، درحالی که در تمام کتاب با مطالعات کیفی سر و کار داریم، اما در نتیجه گیری پیشنهاد ترکیب علوم اجتماعی و کامپیوتر ارائه شده است.

۴. شناخت شناسی این کتاب نامشخص و بغرنج است. در واقع، نظریه ای که خود از وقایع عملی و عینی تشکیل می شود باید بر مبنای یک شناخت شناسی مشخص و مبرهن ارائه شده باشد. مشخص نیست شناخت شناسی مورد اهتمام نویسندگان بر مبنای واقع گرایی، سازه انگاری و یا کدام رهیافت است.

۵. مبنای هستی شناسی در مقالات کتاب مزبور مشخص نیست. در مقدمه کتاب، جان اریکسون و گیاکاملو به هنجارها و قواعد در ساخت اجتماعی راهبردی تکیه دارند اما این هنجارها و قواعد که تأثیر زیادی بر امنیت مجازی در عصر دیجیتال دارند، عمدتاً در عمل اجتماعی یا کنش شکل می گیرند. به عبارتی قبل از تبدیل نظریه به عمل، نظریه ها در عمل و کنش شکل گرفته اند.

۶. با توجه به تأکید نگاه سازه انگاری و مکتب کپنهاگ بر ساخته شدن امنیت در اجتماع، امنیت در خاورمیانه در عصر دیجیتال بدون در نظر گرفتن عنصر فرهنگ، هویت و تاریخ در این منطقه بررسی شده است. درحالی که تحلیل امنیت مجازی نباید بر مبنای مداخله دولت (واقع گرایی) در منطقه تحلیل شود.

۷. در مورد رژیم های بین المللی امنیتی در عصر دیجیتال، کتاب فوق باید راهکارهای جمعی جهانی که کشورهای جهان سوم را به این همکاری تشویق کنند ارائه می داد، که کتاب فاقد چنین راهکارهایی است.

حوزه های موضوعی با رژیم های بین المللی در عصر دیجیتال می توانند فعال شوند.

۶. مصون ساختن عصر دیجیتال: "مریم دون"

این مقاله نیز تأثیرات انقلاب اطلاعات بر روی امنیت را مورد بررسی قرار می دهد. خانم مریم بر این باور است که هر چیزی بغرنج، نامطمئن و نامشخص است و امنیت نیز از این ویژگی ها مصون نیست. امنیت در عصر دیجیتال یک ساخت تغییری دارد. به عبارتی تغییر برداشت از امنیت و رویه های امنیتی مهم هستند. مطالعه امنیت در عصر دیجیتال به معنای تمرکز بر روندهایی است که کنش گران اصلی به طور ذهنی به فهم های مشترک رسیده و بطور جمعی به تهدیدات مشترک در عصر دیجیتال پاسخ می دهند. این مقاله امنیت را با ویژگی های آن در عصر دیجیتال از درجه ای نامطمئن و بغرنج می نگرد.

نتیجه گیری

امنیت عصر دیجیتال در نظریه و عمل : نویسنده "جان اریکسون و گیاکاملو"

نویسندگان در این مبحث عقیده دارند که ما می توانیم به ساخت یک نظریه امنیتی در عصر دیجیتال بر پایه یک رویکرد پراگماتیک باعنایت به نوع شناسی تقریر میانه به جای پیش فرض عام مبادرت نمائیم.

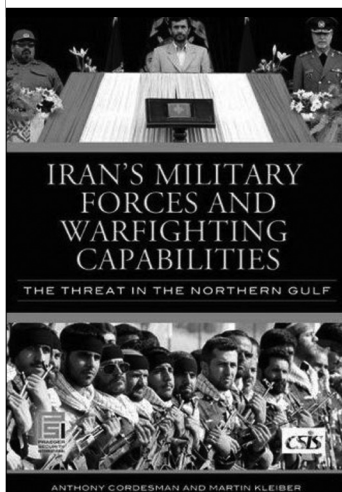
به عبارتی، بایستی سنتز و ترکیبی از علوم اجتماعی و علوم کامپیوتر برای فهم عصر دیجیتال داشته باشیم. با عدمی انگاشتن این رویکرد، ما به بیراهه می رویم. همچنین عدم اجتماعی بودن مطالعه فناوری در عمل نمی تواند مفید واقع شود و نظریه های روابط بین الملل نیز بدون این رهیافت، پاسخگوی مطالعات امنیتی عصر دیجیتال نیستند. به عنوان مثال، سازه انگاران معتقدند باید نهادها و ارتباط ها را با مطالعات عصر دیجیتال و یا نگرش نهادگرایی، در دو حوزه داخلی و بین المللی و همچنین جامعه و دولت را از منظر امنیت در عصر دیجیتال، بررسی کنند. به هر حال اریکسون و گیاکاملو معتقدند که نمی توان صرفاً با رویکرد نظری به نتایج این تأثیرات و تحولات بپردازیم. بنابراین ما نیازمند یک نگرش پراگماتیک در مطالعات امنیتی با ترکیبی از علوم کامپیوتر و علوم اجتماعی هستیم. چرا که با توجه به محدودیت های نظری روابط بین الملل در ارتباط با فهم امنیت در عصر دیجیتال ما نیازمند رهیافت عمل گرایانه هستیم.

نیروهای نظامی ایران و توان جنگی آن

اثر: آنتونی کردزمن و مارتین کیلیبر

معرفی و نقد: دکتر حیدر علی بلوچی*

Anthony Cordesman, Martin Kleiber, Iran's Military Forces and Warfighting Capabilities (London: PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL, 2007: p.p. 288).



توانایی‌ها و اهداف نظامی و امنیتی ایران می‌پردازد، کتاب حاضر است که به عنوان پروژه‌ای مشترک توسط مرکز مطالعات "امنیت بین‌الملل پریگر" و "مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی" در ۱۲ فصل و ۲۸۸ صفحه در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ بسیاری از کشورها و بازیگران بین‌المللی با شک و گمانه‌های خاص نسبت به اهداف و توانمندی‌های ایران نگرسته‌اند. به طوری که در طی سی سال گذشته، کارشناسان مسائل امنیتی تصاویر و تفاسیر مختلف و متفاوتی درباره نقش و سیاست ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی ارائه کرده‌اند که با آنچه در عالم واقع جریان دارد، کاملاً منطبق نیست.

بر این اساس، کتب و مقالات زیادی در باره مسائل امنیتی ایران و خاورمیانه منتشر شده و هر کدام به نحوی به ترویج ادبیات موجود کمک کرده‌اند. لازم به ذکر است که هر چند این موضوع برای بسیاری از محققین و کشورها جالب توجه است، با وجود این به دلیل روابط پرفراز و نشیب و دیدگاه‌های خاص ایران و غرب نسبت به همدیگر، موضوع ایران در کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده در بسیاری از مراکز تحقیقاتی و توسط کارشناسان مختلف مورد مطالعه است.

از جمله آثاری که به تفصیل و از ابعاد مختلف به

ذیلاً با معرفی نویسندگان و مروری بر خلاصه محتوایی کتاب، به نقد و بررسی آن می‌پردازیم. یکی از کارشناسان معروف که در خصوص مسائل سیاسی و امنیتی منطقه و ایران قلم می‌زند، آقای آنتونی کردزمن است که سالیان متمادی به این کار مشغول است. وی علاوه بر انتشار آثار^۱ بسیار زیاد در این

۱. PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL

* دکترای روابط بین‌الملل و کارشناس وزارت امور خارجه

۲. از جمله آخرین آثار کردزمن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

Gulf military forces in an era of asymmetric wars; Perilous prospects:

the peace process and the Arab - Israeli military balance; Iraq and the war of sanctions: conventional threats and weapons of mass destruction; Iran's military forces in transition: conventional threats and weapons of mass destruction; Western strategic interests in Saudi Arabia; A tragedy of arms: military and security developments in the Maghreb; The lessons and non - lessons of the air and missile campaign in Kosovo; Arab - Israeli military forces in an era of asymmetric wars; Saudi Arabia enters the twenty - first century: the political, foreign policy; Terrorism, asymmetric warfare, and weapons of mass destruction.

با توجه به این موارد، نویسندگان کتاب در این فصل نتیجه می‌گیرند که در ایران پس از انقلاب نه تنها بازیگران داخلی مسائل امنیتی افزایش پیدا کرده که در عمل به چند صدایی در این زمینه منجر شده و برداشت واحد و کاملاً شفاف را نیز سخت‌تر کرده است.

جمهوری اسلامی ایران یک قدرت منطقه‌ای بلامنازع نیست؛ چرا که در هر حال، نیروهای خارجی مجهز به تسلیحات پیشرفته‌تر در منطقه حضور دارند. با وجود این، ایران توانمندی‌های نظامی و دفاعی قابل توجهی دارد که با توسل به آنها به راحتی می‌تواند یک جنگ نامتقارن را راه بیاندازد. همچنین، ایران بطور مداوم تلاش می‌کند تا از نظر نظامی به آخرین پیشرفت‌های علمی و فنی مجهز شده و همگام با استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنولوژی روز دنیا حرکت کند. علاوه بر این، با تجزیه و تحلیل برخی آثار نظامی منتشر شده توسط نظامیان ایران می‌توان به این نکته پی برد که در این کشور افراد واقع‌بینی وجود دارند که فراتر از ناسیونالیسم دینی و ملی و به صورت کاملاً واقع‌بینانه به سود و هزینه و خطرات یک اقدام فرضی کاملاً توجه دارند.

برنامه‌های تسلیحاتی ایران نیز نشان می‌دهند که تلاش این کشور هم معطوف به کسب سلاح‌های متعارف مدرن، همگام با انقلاب در امور نظامی و دستیابی به توان و موقعیت اعمال ضربات نامتقارن نسبت به دشمن است. در ادامه نویسندگان به تأثیر مسائل سیاسی و اقتصادی بر توان نظامی ایران پرداخته و حرکات سیاسی افراطی و سوءمدیریت اقتصادی را از عوامل بالقوه موثر در ارائه تصویر یک کشور کاملاً قدرتمند نظامی می‌دانند که در عمل به تصمیمات متغیر منجر می‌گردد.

همچنان که اشاره شد، حضور نظامی نیروهای نظامی بیگانه در منطقه نیز موجب یک توازن نظامی گردیده و حتی فراتر از آن برخی اوقات به یک تهدید نظامی علیه ایران منجر می‌گردد. در این راستا، به خصوص حضور نیروهای نظامی امریکا که تقریباً در

خصوص، پست‌های مهمی در حکومت امریکا و از جمله در وزارت انرژی داشته و برای انجام مأموریت‌های مختلف به کشورهای منطقه سفر کرده است.

مارتین کیلیبر، دیگر نویسنده کتاب نیز از محققان برجسته "مرکز بین‌المللی مطالعات استراتژیک" است. نامبرده نیز که مشاغلی در وزارت امور خارجه آلمان و سازمان ملل داشته، تألیفاتی را در زمینه مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه و ایران منتشر کرده است.^۲

خلاصه محتوایی

فصل اول کتاب به مقدمه اختصاص دارد و چارچوب مفهومی کتاب در این فصل مطرح می‌گردد. در این فصل نویسندگان کتاب اذعان می‌کنند که در محافل تحقیقاتی و کارشناسی مختلف نسبت به اولویت توجه به "اهداف و مقاصد" و "توانمندی‌های" امنیتی ایران اختلاف نظر وجود دارد. به عبارت دیگر، در حالی که نقطه عزیمت تجزیه و تحلیل‌های برخی کارشناسان پیرامون مسائل امنیتی ایران، اهداف و مقاصد این کشور می‌باشد؛ از نظر برخی دیگر ارائه یک دیدگاه منطقی و درست و در نهایت قضاوت درباره عملکرد ایران مستلزم توجه و تأکید بیشتر بر توانایی‌های عینی این کشور است. با وجود این، باید خاطر نشان ساخت که هر دو مفهوم "اهداف و مقاصد" و "توانمندی‌ها" حتی در یک دوره زمانی کوتاه تا حد زیادی برای ما مبهم و غیر آشکار می‌باشند. حتی ممکن است به مرور زمان بر میزان این ابهام افزوده شده و ذهن ناظرین را بیشتر مغشوش کند. زیرا به طور معمول سیاست‌های داخلی، برداشت‌ها و استراتژی‌ها را تغییر می‌دهند، طرح‌ها و برنامه‌ها با واقعیت‌های موجود تعدیل می‌شوند و با گذشت زمان، عوامل بیرونی اهداف و مقاصد و توانمندی‌ها را متحول می‌سازند. سیاست‌های اعلامی و عملی کشورها لزوماً منطبق بر هم نیستند و بازیگران نظام بین‌الملل، آن طوری که مدعی هستند، همیشه عقلانی عمل نمی‌کنند. تصاعد بحران‌ها همواره به عوامل واقعی بر نمی‌گردد.

1. Center for Strategic and International Studies; <http://csis.org/>

2. Chinese military modernization: force development and security Capabilities; Remember China blowing up their Satellite; The Asian Conventional Military Balance in 2006; Chinese space weapons.

نگه داشتن نیروی نظامی خود به بلوک شرق و در رأس آن به دو کشور روسیه و چین روی آورد و با توسل به سیاست‌های صرفه‌جویی نظیر کاهش سوبسید در بخش‌های مختلف مثل سهمیه بندی و گران تر کردن بنزین برای مصرف کنندگان ایرانی، بسیاری از جوانان بیکار را به سازمان‌های نظامی جذب کرده است. به عبارت دیگر در حالی که به دنبال جنگ هشت ساله با عراق، بخش اعظم دستگاه نظامی ایران فرسوده شده بود و نیروی انسانی زیادی در اثر جنگ جان خود را از دست داده و یا مصدوم شده بودند و بدین ترتیب دستگاه‌های نظامی از بهره‌گیری از خدمات آنها محروم شده بودند، دولت ایران با اتکا به صرفه‌جویی‌های اقتصادی، محدوده مانور خود برای خریدهای نظامی را گسترش می‌دهد، و از سوی دیگر در نتیجه سیاست خودکفایی و اتکا به خود، قادر می‌شود برخی از نیازهای دفاعی و نظامی خود را در داخل کشور تأمین نماید. در نهایت، دولت ایران توانسته است با جذب جوانان بیکار به بخش‌های نظامی، علاوه بر جبران خلاء نیروهای از رده خارج شده، برخی از بحران‌های اقتصادی را به تأخیر بیندازد.

فصول چهارم و پنجم به ترتیب به وضعیت ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌پردازند. در رابطه با ارتش جمهوری اسلامی ایران، عمده توجه نویسندگان کتاب به توان رزمی و زرهی ارتش، هوانیروز و توان ضد هوایی، پیشرفت‌های نظامی جدید در رابطه با جنگ‌های هوایی نظیر تولید هواپیماهای بدون سرنشین و در نهایت به فرماندهی و کنترل و روند تجدید ساختار ارتش معطوف است.

اما در رابطه با سپاه که از دستاوردهای انقلاب اسلامی است، نویسندگان کتاب ضمن اشاره به تاریخ تحولات سپاه، به بررسی نیروی زمینی، دریایی و هوایی سپاه و نیز سپاه قدس و فعالیت‌های خارجی آن و نیز نقش بسیار مهم سپاه پاسداران در صنایع نظامی و از جمله تولید موشک‌های مختلف اشاره می‌کنند و در ادامه به سایر نیروهای شبه نظامی شامل بسیج و پلیس و نیروی انتظامی می‌پردازند.

دو فصل بعدی نیز به دو نیروی هوایی و دریایی

تمام کشورهای منطقه جای پایی برای خود ایجاد کرده‌اند، برای ایران تهدید کننده است.

در فصل دوم موضوع تغییر نقش ایران در امنیت منطقه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. از نظر عناصر قدرت، ایران تقریباً برترین کشور منطقه است. زیرا این کشور با داشتن جمعیتی در حدود هفتاد میلیون نفر و با مساحتی بزرگ‌تر از کشورهای دیگر و آهنگ رشد اقتصادی فزاینده قادر به ایفای نقش امنیتی قوی‌تر نسبت به سایر کشورهای منطقه است. به خصوص اگر حمایت خارجی از این کشورها قطع شود، برتری قطعی ایران به راحتی هویدای می‌گردد. در واقع، ایران مخالف با امریکا و اسرائیل که روابط حسنه‌ای با حکومت شیعی عراق دارد و روابط آن با سوریه و لبنان بسیار نزدیک است، علاوه بر این که دشمنی اعراب سنی نسبت به ایران را خنثی می‌کند، بلکه بر نفوذ ایران در منطقه فزونی می‌بخشد. بنابراین، ایران در رابطه با امنیت منطقه‌ای یک کشور بسیار مهم است که هرگونه نظام امنیتی مغایر با منافع خود را می‌تواند بی‌اثر کند. با نگاهی به تحولات منطقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شواهد بسیاری برای تأیید این ادعا می‌توان پیدا کرد. به عبارت دیگر، در حالی که ایران انقلابی با اقدامات ویژه مثل اشغال سفارت امریکا در این کشور و تلاش برای صدور انقلاب به کشورهای منطقه، بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های منطقه‌ای را علیه خود برانگیخت، اتحاد آنها را برای مداخله در امور داخلی خود و توسل به زور یا تهدید به آن و نیز اقدامات دیگری همچون تحریم و تلاش برای تحمیل انزوای سیاسی را تقریباً بی‌اثر کرده و دشمنان و رقبای ایران در طی سه دهه گذشته نتوانسته‌اند به اهداف و خواسته‌های خود دست پیدا کنند.

متعاقب دو فصل اول کتاب که بیشتر به مسائل کلی و کلان اختصاص دارند، در ادامه فصول نویسندگان با بررسی آماری به تجزیه و تحلیل مسائل نظامی ایران در سطح خرد می‌پردازند. از جمله در فصل سوم با عنوان هزینه‌های نظامی، واردات اسلحه و تأمین نیروی انسانی به این نکته اشاره می‌کنند که در شرایطی که ایران انقلابی با و خیم شدن روابطش با دنیای غرب جهت برپا

توسعه آن هم ارتش و هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واحدهای دریایی تشکیل داده و آن را به قایق های مین روب، موشک های ضد ناو و واحدهای زیردریایی مجهز کرده است.

فصل هشتم به نیروهای شبه نظامی و نیروها و دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی داخلی اختصاص داده شده و در آن نقش وزارت اطلاعات و حفاظت اطلاعات سپاه و نیز نیروهای مقاومت بسیج و نقش وزارت کشور در تأمین امنیت داخلی به طور اجمالی توصیف شده است. از جمله اظهارات عجیب نویسندگان کتاب در این فصل آن است که ایران از تروریسم لطمه ندیده است، در حالی که گروهکهای تروریستی همچون منافقین بارها با حمایت کشورهای خارجی دست به اقدامات تروریستی در داخل کشور زده اند.

در فصل نهم، توان موشکی جمهوری اسلامی ایران اعم از کروز و یا بالستیک و نحوه و میزان هماهنگی و نقش آنها در توان نظامی کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. البته، نویسندگان کتاب با اذعان به فقر اطلاعاتی در این زمینه به استناد بیانات منابع امریکایی خبر از برنامه جدی ایران برای توسعه توان موشکی خود می دهند. در این فصل با اشاره به انواع موشک های ایران و سابقه و توان برد آنها، ضمن تشکیک در عملکرد موفق موشک شهاب، گفته شده که بیشتر موشک های دوربرد در اختیار سپاه می باشد که با بهره گرفتن از کمک های کره شمالی برد آنها تا سال ۲۰۱۵ به ۳۰۰۰ کیلومتر خواهد رسید. همچنین، اذعان کرده که جمهوری اسلامی ایران برنامه ای برای تولید موشک حامل ماهواره در حال اجرا دارد که در صورت کاربرد نظامی می تواند به عنوان موشک بالستیک بین قاره ای (ICBM) مورد بهره برداری قرار گیرد.

در فصل دهم و یازدهم، نویسندگان کتاب به برنامه ها و توانمندی های ایران در زمینه سلاح های کشتار جمعی اعم از شیمیایی، میکروبی و هسته ای می پردازند. در حالی که با وجود سازمان منع سلاح های شیمیایی، به عنوان تنها مرجع معتبر برای نظارت، کنترل و انهدام سلاح های شیمیایی در جهان رازیر نظر دارد و با وجود بازرسی های مختلف انجام شده توسط

جمهوری اسلامی ایران می پردازد. بر این اساس در فصل شش با اشاره به برتری عددی نیروی هوایی ایران نسبت به دیگر کشورهای منطقه بر این نکته تأکید می کند که از نظر کیفی نیروی هوایی ایران به اندازه لازم به روز نشده و سایر کشورهای منطقه با خرید جنگنده های پیشرفته تر وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند. در واقع، توان نسبی نیروی هوایی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه از سه دهه گذشته سیر نزولی داشته است. زیرا با فرسوده شدن هواپیماهای خریداری شده در دوره قبل از انقلاب اسلامی و عدم خرید هواپیماهای جدید، ناوگان نیروی هوایی ایران دارنده هواپیماهایی است که دیگر قادر نیستند به خوبی در عملیات های هوایی شرکت کنند. به خصوص تا پایان جنگ هشت ساله با عراق فرصت لازم برای ارتقاء کیفی نیروی هوایی خود را نداشت و بعد از آن نیز ایران باز به روسیه و کشورهای شرقی روی آورد. از این رو، نیروی هوایی ایران از نظر کیفی پیشرفت چندانی نداشته است. در مجموع در حالی که نیروی هوایی ایران هم برای دفاع و هم تهاجم سازماندهی شده آسیب پذیری هایی نیز در این زمینه دارد. همچنین، در این فصل تقسیم کشور به چهار حوزه دفاعی و سهم هریک از آنها در پوشش دفاعی هوایی مورد بحث قرار گرفته است.

موضوع فصل بعدی، نیروی دریایی است که حتی در مقایسه با نیروی زمینی و هوایی ایران کوچک تر است؛ با وجود این، براساس درس های جنگ با عراق، جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه ای به توسعه نیروی دریایی خود دارد. نیروی دریایی ایران برای دفاع از مرزهای آبی، اسکله ها، تأسیسات نفتی و دریایی و جزایر کشور سازماندهی شده است. اما توان کیفی آن به قدری نیست که بتواند در برابر نیروی دریایی قدرت های بزرگ یا ائتلاف های تحت رهبری آنها دوام بیاورد. اما باید اذعان کرد که در صورت یک جنگ نامتعارف، کشتی های کوچک ایران می توانند رفت و آمد دریایی را مختل کنند. نیروی دریایی ایران در دفاع چند لایه ای جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم دشمن نقش و جایگاه ویژه ای دارد و برای تجهیز و

وضعیتی ارائه می دهند که طیف وسیعی از اقدامات را از تحریم نفتی تا سایر مجازات های اقتصادی مطرح می کنند. در صورت دستیابی ایران به بمب هسته ای، البته، اقدامات لازم از دیدگاه نویسندگان برای مقابله با ایران، متفاوت از پیشنهادات قبلی خواهد بود. نویسندگان معتقدند که در این صورت علاوه بر امریکا باید آژانس بین المللی انرژی اتمی، به عنوان مهمترین مرجع بین المللی نظارت و کنترل فعالیت های هسته ای کشورهای عضو و از جمله ایران، بازیگران دیگری همچون سازمان ملل، اتحادیه اروپا، اسرائیل و حتی همسایگان ایران وارد گود شده و با ایران مقابله کنند.

در ادامه، نویسندگان کتاب با ارائه لیستی از تأسیسات هسته ای ایران به گزینه ها و شیوه حمله امریکا و اسرائیل به ایران می پردازند و به ایران توصیه می کنند که با توجه به این که مقابله با امریکا نوعی خودکشی است، بهتر است از تلاش برای هسته ای شدن و استفاده از آن علیه آمریکا دست بردارد.

نقد و ارزیابی

بسیاری از آثار و ادبیاتی که در خصوص سیاست امنیت ملی ایران توسط محققین بیگانه تولید و منتشر شده است، در بهترین حالت، تحلیل هایی از راه دور درباره موضوع مورد مطالعه خود یعنی جمهوری اسلامی ایران و امنیت منطقه ای و بین المللی ارائه می دهند که در میدان عمل بسیاری از آنها بی اعتبار و بلا استفاده اند و تنها تأثیر آنها دامن زدن و ترویج بدبینی افکار عمومی در سطح بین المللی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و سیاست های امنیتی آن می باشد.

همچنین، در حالی که نویسندگان کتاب در دو فصل اول با تفکیک دو مفهوم "اهداف و مقاصد" و "توانمندی ها" در رابطه با سیاست های امنیتی ایران وعده و چشم اندازی برای رعایت این مسئله می دهند، اما در عمل خودشان نیز در این تله گرفتار می شوند. نگاهی به منابع مورد استفاده کتاب و به خصوص تکیه بر منابعی اعم از دولتی و غیردولتی که نسبت به ایران موضع دارند، این مسئله را به خوبی آشکار می کند. بدیهی است که نگاه خصمانه آنها نسبت به ایران

بازرسان این سازمان، پایبندی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مفاد و مقررات کنوانسیون سلاح های شیمیایی بارها اعلام شده است و ایران به عنوان قربانی سلاح های شیمیایی همواره خواهان جهانی عاری از کلیه سلاح های کشتار جمعی بوده است، نویسندگان کتاب به جای مراجعه به منابع سازمان فوق به برآوردها و ادعاهای کشورهای دیگر و چند سازمان غیردولتی مراجعه کرده و با تکرار ادعاهای بی پایه آنها سعی در القای این موضوع دارند که ادعاهای جمهوری اسلامی ایران برای نداشتن سلاح شیمیایی هنوز کنترل نشده و احتمالاً این کشور با اتکا به منابع خارجی برنامه های مخفی برای دستیابی به سلاح های شیمیایی و میکروبی دارد.

بر خلاف فصل قبل، در فصل مربوط به برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی ایران، نویسندگان به وجود منابع معتبر در این زمینه اشاره می کنند، در حالی که همانند منابع فصل قبل به منابع ارائه شده از سوی امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان های غیردولتی استناد شده و برنامه های ایران در زمینه غنی سازی، چرخه سوخت، تولید و راه اندازی سانتریفیوژها، جداسازی لیزری ایزوتوپ ها، تاریخچه فعالیت های هسته ای ایران از زمان شاه تا سال ۲۰۰۷ و زمان احتمالی دستیابی به بمب هسته ای را مورد بحث قرار می دهند. در عین حال برای توجیه ادعاهای خود در زمینه خطر فزاینده ایران برای امریکا، با اظهار تأسف به توان موشکی غیر قابل کنترل ایران اشاره می کنند که در حال حاضر هیچ سازمان بین المللی برای کنترل موشک وجود ندارد.

بالاخره فصل دوازدهم کتاب به عنوان آخرین فصل برای نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات عملی برای دولت ایالات متحده امریکا به بحث توانمندی های استراتژیک ایران و گزینه های امریکا برای پاسخ به ایران می پردازد. در ابتدای بحث با اشاره به نقاط ضعف و قوت ایران و تأکید بر محدودیت های نیروهای متعارف ایران به امکان روی آوردن این کشور به جنگ های نیابتی از طریق بازیگران دولتی و غیردولتی در منطقه خاورمیانه به منظور ضربه زدن به منافع آمریکا پرداخته و پیشنهاداتی عملی برای جلوگیری و مدیریت چنین

جزئی این کتاب توسط مراجع رسمی و غیر رسمی فعال در زمینه امنیت ملی، نقش بسزایی در تأمین منافع ملی کشورمان خواهد داشت.

مانع از ارائه یک تحلیل بی طرفانه که تحقیق علمی باید واجد آن باشد، می گردد. براین اساس، می توان گفت که تجزیه و تحلیل ارائه شده در این کتاب و گزینش منابع مورد استفاده برای اثبات ادعاها و تجزیه و تحلیل های فوق بر یک پیش فرض اساسی مبتنی است که رد و بازتاب آن در تمام فصول کتاب هویداست و آن عبارت است از این که "جمهوری اسلامی ایران یک دشمن است".

با وجود این، صرف نظر از موضع طرفدارانه کتاب، در ارزیابی آن باید گفت که هر چند تلاش نویسندگان کتاب ارائه اطلاعات مفصل و جزئی از توانمندی های ایران است، اما با توجه به مطالب فوق الذکر، آنها از هدف اولیه دور می شوند. البته نباید غافل بود که این کتاب به سفارش یک موسسه وابسته به کشور رقیب ایران تهیه شده است و طبیعی است که آنها برای تأمین هر چه بیشتر منافع ملی کشور متبوع خود قلم فرسایی کرده اند.

نکته دیگری که به خصوص درباره شخص کردزمن و آثار وی می توان گفت این است که درحالی که وی تاکنون دهها مقاله، کتاب و سخنرانی درباره جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده است، در اثر حاضر مخصوصاً در معرفی گزینه های نظامی حمله به ایران، اوج نگاه خصمانه او در پیشنهادات عملی که متضمن نابودی ایران است و او به تعبیر خودکشی از آن یاد می کند، نمایان می گردد. چنین دیدگاهی در آثار قبلی او به این وضوح نشان داده نشده بود. شاید دلیل این امر به حاکمیت دیدگاههای نئومحافظه کاران و بینش بدبینانه و افراطی آنها نسبت به جمهوری اسلامی ایران بر می گردد.

اما همه معایب فوق که از دید ما ایرانی ها برای این کتاب و آثار مشابه متصور است، دلیلی برای طرد و عدم مطالعه و بررسی آنها نیست و برعکس ضرورت تام بررسی آنها و پی بردن به تصویر ایران نزد دشمنان و اهداف و برنامه های آنها برای مقابله با کشورمان را آشکار می سازد. در این صورت، جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست گزینه های خود را با علم و آگاهی بیشتری انتخاب نماید. لذا تجزیه و تحلیل محتوای

- عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق / محمود یزدان فام (تألیف)، ص ۳۵.
- دلایل و ریشه‌های موضع‌گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق / رحمان قهرمانپور (تألیف)، ص ۴۹.
- نقش مصر در جنگ ایران و عراق / مختار حسینی (تألیف)، ص ۶۰.
- ایران، عراق و مذاکرات آتش‌بس / چارلز مک دونالد (ترجمه)، ص ۷۲.
- شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق / جوزف ای. کشیشان (ترجمه)، ص ۸۳.
- نفت و بی‌ثباتی: اقتصاد سیاسی نفت و جنگ ایران و عراق / جیاکومولوجیا (ترجمه)، ص ۹۷.
- عراق و میزان پای‌بندی آن به حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه در جریان جنگ هشت ساله / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، ص ۱۰۸.
- محاصره دانشجویان پیرو خط امام در هویزه (سند)، ص ۱۱۹.
- ارزیابی عملیات بیت‌المقدس (سند)، ص ۱۲۶.
- گزارش عملیات بیت‌المقدس (گزارش)، ص ۱۲۹.
- گزارش اشغال و آزادی مهران مهرماه ۱۳۶۵ - ۱۳۵۹ (گزارش)، ص ۱۴۰.
- حماسه‌ای بر پایه عقل: گفت و گو با محمد درودیان (مصاحبه)، ص ۱۶۳.

■ نگین شماره ۲ (سال اول، پاییز ۱۳۸۱)

- استراتژی‌های کشور در جنگ هشت ساله / مجید مختاری (سرمقاله)، ص ۳.
- نگاهی به روند پایان جنگ ایران و عراق / محمود یزدان فام (تألیف)، ص ۵.
- ملاحظات در باره پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ / محمدتقی جنس بافی (تألیف)، ص ۱۹.
- بررسی تحولات نظامی جنگ در سال ۶۷ / احسان خرم‌دره (تألیف)، ص ۲۳.
- مبانی رفتار دفاعی ایران / قدرت‌ا... قربانی (تألیف)، ص ۳۸.
- مبانی فکری و نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ / دکتر اکبر مهدی‌زاده (تألیف)، ص ۵۳.
- دولت رجائی و جنگ تحمیلی / سجاد راعی گلوچه (تألیف)، ص ۶۵.
- روابط خارجی ایران با کشورهای خاورمیانه در طول جنگ تحمیلی / مختار حسینی (تألیف)، ص ۸۱.
- نگاهی به آثار اجتماعی جنگ / عبدالامیرنبوی (تألیف)، ص ۹۳.
- مناسبات ایران با کردهای عراق در طول هشت سال جنگ / کامیل کریمیان (تألیف)، ص ۹۸.
- نگاهی اجمالی به فعالیت‌های مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (گزارش)، ص ۱۰۹.
- گزارش عملکرد لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۱۰ (گزارش)، ص ۱۱۸.
- جلسه فرماندهان سپاه درباره بمباران شیمیایی مردم حلبچه توسط صدام (سند)، ص ۱۴۲.
- فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه از زبان یکی از رزمندگان حاضر در صحنه (سند)، ص ۱۴۷.
- دستورالعمل حدود مسئولیت سپاه سوم عراق در تاریخ ۲۸ / ۹ / ۱۳۵۹ (سند)، ص ۱۵۰.
- تحلیلی پیرامون تخلیه سرپل اشغالی دشمن در شمال نisan (سند)، ص ۱۵۴.

- دستورالعمل ارتش عراق درباره نحوه رفتار نیروهای عراقی هنگام اسارت (سند)، ص ۱۵۸.
- پرسش‌های مطرح شده در بازجویی از سرای ایرانی (سند)، ص ۱۶۰.
- خلاصه بازجویی از یکی از پناهندگان عراقی (سند)، ص ۱۶۲.

■ نگین شماره ۳ (سال اول، زمستان ۱۳۸۱)

- جنگ ایران و عراق نمونه یک جنگ نامتقارن / مجید مختاری (سرمقاله)، ص ۳.
- نگاهی بر ابعاد حقوقی حملات نظامی آمریکا به سکوها‌های نفتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، ص ۵.
- جنگ ایران و عراق؛ کاربرد سلاح‌های شیمیایی / دکتر حسین یکتا (تألیف)، ص ۱۳.
- ایران؛ تعامل جنگ و سیاست خارجی / دکتر حسین اردستانی (تألیف)، ص ۲۱.
- موضع‌گیری و عملکرد سوریه در جنگ هشت ساله / سیدمسعود موسوی (تألیف)، ص ۳۴.
- راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق / محمد حسینی مقدم (تألیف)، ص ۵۰.
- ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۷ - ۱۹۸۵ (۱) / آنتونی کردزمن (ترجمه)، ص ۶۱.
- حماسه هویزه و تأثیر آن بر روند جنگ / محمود یزدان‌فام (تألیف)، ص ۸۵.
- نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق / رضا بسطامی (تألیف)، ص ۹۶.
- جنگ ایران و عراق؛ تبلیغات از دیدگاه امام خمینی (ره) / دکتر مهدی ادیبی سده (تألیف)، صص ۱۰۷.
- نقش توان رزم در انتخاب منطقه عملیاتی فاو (گزارش)، ص ۱۲۱.
- حماسه‌آفرینی غواصان و خط شکنان لشکر ۴۱ ثار... در عملیات والفجر ۸ (گزارش)، ص ۱۳۶.
- غافل‌گیری دشمن در عملیات والفجر ۸ (سند)، ص ۱۴۶.
- نگاهی به وقایع و تحولات چند روز اول عملیات والفجر ۸ (سند)، ص ۱۴۹.
- دستورالعمل حفاظتی منطقه عملیاتی والفجر ۸ (سند)، ص ۱۵۵.
- گزارش دفتر تحقیقات بهداری قرارگاه کربلا در زمینه جنگ شیمیایی در عملیات والفجر ۸ (سند)، ص ۱۵۹.

■ نگین شماره ۴ (سال اول، بهار ۱۳۸۲)

- سرمایه‌های اجتماعی جنگ هشت ساله و تثبیت نظام / مجید مختاری (سرمقاله)، ص ۳.
- امام خمینی (ره) و تکلیف‌گرایی در جنگ / دکتر محمدحسین جمشیدی (تألیف)، ص ۵.
- نقش ناسیونالیسم عربی در جنگ ایران و عراق / مختار حسینی (تألیف)، ص ۱۹.
- بررسی سیاست خارجی و رفتار عربستان در قبال جنگ ایران و عراق / دکتر اکبر مهدی‌زاده (تألیف)، ص ۳۲.
- بحران ملت‌سازی در عراق و آغاز جنگ هشت ساله / کامیل کریمیان (تألیف)، ص ۴۱.
- استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ هشت ساله / دکتر حسین یکتا (تألیف)، ص ۵۱.
- نگاهی اجمالی به قطع‌نامه‌های شورای امنیت در مورد جنگ ایران عراق / علیرضا خداقلی‌پور (تألیف)، ص ۶۸.
- ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ / آنتونی کردزمن (ترجمه)، ص ۷۴.

- عراق: مسائل امنیت ملی و نیروهای مسلح (۱۹۸۰ - ۱۹۹۸) (ترجمه)، ص ۹۲.
- دلایل و اهداف ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر (سخنرانی)، ص ۱۰۷.
- نقش و جایگاه شهید حسن باقری در جنگ هشت ساله (سخنرانی)، ص ۱۱۲.
- گزارش عملکرد قرارگاه نصر در عملیات فتح المبین (گزارش عملیات) ص ۱۱۸.
- نگاهی به عملیات عاشورا در میمک (گزارش عملیات)، ص ۱۲۹.
- تحلیل ارتش عراق از دلایل شکستن در عملیات فتح المبین (سند)، ص ۱۵۱.
- جمع بندی از عملیات فتح المبین (سند)، ص ۱۵۹.

■ نگین شماره ۵ (سال دوم، تابستان ۱۳۸۲)

- تجربه های جنگ هشت ساله و تصمیمات راهبردی / مجید مختاری (سرمقاله) ص ۳.
- حادثه ایرباس: از آغاز، تا پایان / دکتر صالح رضایی پیش رباط (تألیف) ص ۷.
- تأملی فلسفی در علل آغاز جنگ ایران و عراق / قدرت... قربانی (تألیف) ص ۱۶.
- الگوسازی در دوران جنگ / دکتر سید عبدالامیر نبوی (تألیف) ص ۲۹.
- نقش توسعه طلبی ارضی رژیم بعث در وقوع جنگ ایران و عراق / سیدمسعود موسوی (تألیف) ص ۳۸.
- کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ ایران و عراق / دکتر حسین یکتا (تألیف) ص ۵۴.
- غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷ / آنتونی کردزمن / ترجمه: پریسا کریمی نیا (ترجمه) ص ۶۳.
- هزینه اقتصادی جنگ ایران و عراق / کامران مفید / ترجمه: داریوش قمری (ترجمه) ص ۹۰.
- سخنرانی غلامعلی رشید در همایش مهندسی سپاه (سخنرانی) ص ۱۰۴.
- مصاحبه آیت... هاشمی رفسنجانی در روزنامه همشهری ۱/ ۷/ ۱۳۸۲، (اطلاع رسانی) ص ۱۰۷.
- مصاحبه دکتر محسن رضایی با سایت اینترنتی بازتاب، ۷/ ۷/ ۱۳۸۲، (اطلاع رسانی) ص ۱۱۲.
- مصاحبه سردار علایی با روزنامه ایران، ۳/ ۳/ ۱۳۸۲، (اطلاع رسانی) ص ۱۱۶.
- مصاحبه دکتر محسن رضایی با روزنامه کیهان، ۳/ ۳/ ۱۳۸۲ (اطلاع رسانی) ص ۱۱۸.
- گزارش عملیات رمضان (گزارش) ص ۱۲۱.
- جلسه فرماندهان سپاه پس از پایان عملیات رمضان (سند) ص ۱۳۹.
- مرحله پنجم عملیات رمضان تلاشی برای احداث و وصل دو خاکریز (سند) ص ۱۵۵.
- مصاحبه صدام با روزنامه کویتی الانباء (سند) ص ۱۵۷.
- نمایه فصلنامه نگین ایران (از شماره ۴ تا ۱۶۰) (نمایه نامه) ص ۱۶۰.

■ نگین شماره ۶ (سال دوم، پاییز ۱۳۸۲)

- جنگ هشت ساله و آینده اندیشی نظامی / مجید مختاری (سرمقاله) ص ۳.
- افزایش ابزارها در جنگ ایران و عراق: ناسازگاری عناصر استراتژی صدام / کارلاتورز و وینست دیفرونزو / ترجمه: پریسا کریمی نیا (ترجمه) ص ۸.

- صدام و جنگ ایران و عراق / کول ترفتون و کول ایشروود / محمود یزدان فام (ترجمه) ص ۱۹.
- تأملی بر رای ۶ نوامبر ۲۰۰۳ دیوان بین المللی دادگستری در مورد سکوه‌های نفتی ایران / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف) ص ۳۰.
- بررسی موضع ساف در جنگ ایران و عراق / مختار حسینی (تألیف) ص ۴۳.
- غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷ / آنتونی کردزمن / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه) ص ۵۴.
- عراق و آمریکا در جنگ تحمیلی پیوستگی هدف و همسویی عملکرد / صادق سلیمی بنی (ترجمه) ص ۷۸.
- ارزش‌های دفاع مقدس بسترها و موانع بالندگی / دکتر مهدی ادیبی سده (تألیف) ص ۸۶.
- مصاحبه اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار دکتر حسین علایی (مصاحبه) ص ۹۶.
- مصاحبه روزنامه همشهری با سردار درودیان (اطلاع‌رسانی) ص ۱۰۹.
- انعکاس مطالب مربوط به جنگ هشت‌ساله در مطبوعات (اطلاع‌رسانی) ص ۱۱۲.
- جنگ تحمیلی؛ محاصره آبادان و مبنای طرح‌ریزی برای شکست حصر آن (گزارش) ص ۱۱۴.
- استراتژی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس (گزارش) ص ۱۲۳.
- گزارشی از عملیات‌های بزرگ مرحله آزادسازی سرزمین‌های جنوبی: ثامن‌الائمه (ع) و طریق‌القدس (گزارش) ص ۱۳۱.
- گزارشی از اوضاع جنگ در جنوب پیش از اجرای عملیات ثامن‌الائمه (سند) ص ۱۴۸.
- جلسه فرماندهان سپاه در خصوص عملیات ثامن‌الائمه (ع) (سند) ص ۱۵۷.

■ نگین شماره ۷ (سال دوم، زمستان ۱۳۸۲)

- درس آموزی از جنگ هشت ساله / محمود یزدان فام (سرمقاله) ص ۴.
- جنگ ایران و عراق: پیروزی، شکست / محمود یزدان فام (تألیف) ص ۸.
- نقش متغیرهای سیستمیک در جنگ ایران و عراق / دکتر اکبر مهدیزاده (تألیف) ص ۲۴.
- نقاط قوت و ضعف ایران و عراق / ربکا کالن / سیدمسعود موسوی (ترجمه) ص ۳۶.
- اعمال حق دفاع مشروع در جنگ عراق علیه ایران / فریده محمدعلی پور (تألیف) ص ۴۳.
- غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس؛ ۱۹۸۷ / آنتونی کردزمن / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه) ص ۵۵.
- مصاحبه روزنامه کیهان با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (اطلاع‌رسانی) ص ۸۲.
- گزارش علمیات خیبر (گزارش) ص ۱۰۲.
- لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات بدر (گزارش) ص ۱۳۰.
- گزارش بهداری کل سپاه در خصوص پدافند شیمیایی - میکروبی در عملیات بدر (سند) ص ۱۴۸.
- تحلیلی بر آخرین وضعیت دشمن پیش از آغاز عملیات بدر (سند) ص ۱۵۱.
- گزارش اسارت یکی از رزمندگان در عملیات والفجر مقدماتی (سند) ص ۱۵۳.
- گوشه‌ای از مشکلات عملیات بدر (سند) ص ۱۶۲.

■ نگین شماره ۸ (سال دوم، بهار ۱۳۸۳)

- راه پیموده: نگاه گذرایی به هشت شماره فصلنامه / محمود یزدان‌فام، ص ۴.
- مطالعه تطبیقی رفتار ایران و عراق با سازمان ملل طی جنگ تحمیلی / دکتر حسین یکتا (تألیف) ص ۸.
- جنگ ایران و عراق: بررسی تأثیر جنگ بر استراتژی دفاعی - نظامی ایران / مختار حسینی (تألیف) ص ۲۳.
- هزینه‌های نظامی ایران در دهه ۷۰ و ۸۰ / کامران مفید / ترجمه: محمدعلی خرمی (ترجمه) ص ۴۲.
- کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق / جاوید علی / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه) ص ۵۶.
- بررسی مواضع و عملکرد کویت در جنگ ایران و عراق / سیدمسعود موسوی (تألیف) ص ۷۵.
- اهداف آمریکا در جنگ ایران و عراق / سیامک تیمورپور (تألیف) ص ۹۳.
- همسویی حزب دموکرات کردستان ایران و رژیم صدام در آغاز جنگ تحمیلی / رضا بسطامی (تألیف) ص ۱۰۵.
- مصاحبه روزنامه همشهری با دکتر سیدرحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره فتح خرمشهر، ۱۳۸۳ / ۳ / ۵ (اطلاع‌رسانی)، ص ۱۱۶.
- مصاحبه روزنامه اعتماد با آیت‌ا... موسوی اردبیلی درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ۱۳۸۳ / ۲ / ۲۸ (اطلاع‌رسانی) ص ۱۱۹.
- استراتژی دفاع متحرک عراق: اهداف و مقاصد دشمن (گزارش) ص ۱۲۶.
- تحلیلی بر عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس (گزارش) ص ۱۴۳.
- نگاهی به نیروها و استحکامات دفاعی عراق در خرمشهر (سند) ص ۱۶۲.
- سندی از آرشیو محرمانه دولت آمریکا... (سند) ص ۱۶۴.

■ نگین شماره ۹ (سال سوم، تابستان ۱۳۸۳)

- رویکردهای سه گانه به جنگ ایران و عراق / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۴.
- گفت‌وگو با امیرحسینی سعدی (مصاحبه) ص ۸.
- درآمدی بر پدیدارشناسی جنگ‌های آینده / علیرضا فرشچی (تألیف) ص ۴۲.
- جنگ و نظریه بین‌المللی در جهان سوم / کی. جی. هالستی / عبدالحمید حیدری (ترجمه) ص ۴۸.
- مواضع و واکنش سازمان ملل در دو جنگ ایران و عراق و آمریکا و عراق / مرتضی شیروودی (تألیف) ص ۶۸.
- روزشمار هجوم سراسری عراق (مرور کلی بر زمینه‌سازی هجوم و دوره ۳۵ روزه آغاز جنگ تحمیلی) مهدی انصاری (تألیف) ص ۸۸.
- جنگ‌ها و نقش‌ها؛ مطالعه تطبیقی جنگ‌های سه گانه خلیج فارس / دکتر حسین یکتا (تألیف) ص ۱۰۸.
- تبلور اندیشه انتظار در صحنه نبرد (سخنرانی دریابان شمشخانی) (سخنرانی) ص ۱۲۴.
- نقد و بررسی فصلنامه نگین ایران (شماره ۱ تا ۹) / رضا مومن زاده (معرفی و نقد) ص ۱۲۸.
- از پرسشگری تا روشنگری نقد گفتمان پس از جنگ / فرانک جمشیدی (تألیف) ص ۱۳۴.
- ماهیت ارتش، کودتای نوژه و نقش ارتش و سپاه در جنگ / محمد درودیان (تألیف) ص ۱۴۰.
- دفتر راویان جنگ ایران و عراق (گزارش) ص ۱۴۶.

- گفت‌وگو با سرهنگ پاسدار محسن رخصت طلب (گفت‌وگو) ص ۱۵۲.
- معرفی کتاب جنگ خلیج / سیدرضا طباطبایی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۶۲.
- رویکرد خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به جنگ تحمیلی (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۴.

■ نگین شماره ۱۰ (سال سوم، پاییز ۱۳۸۳)

- آیا تصرف سفارت آمریکا در حمله عراق به ایران تأثیر داشت؟ / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۴.
- گفت‌وگو با امیر دریابان علی شمخانی (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- بازدارندگی دو راهبرد / علیرضا فرشچی (تألیف) ص ۳۲.
- بازدارندگی در امنیت ملی کشورهایی با اندازه متوسط / رایزرد اولسوسکی / ترجمه: عبدالمجید حیدری (ترجمه) ص ۳۷.
- تصرف سفارت آمریکا: زمینه‌ها و عوامل موثر / محمد درودیان (تألیف) ص ۴۸.
- نگاهی اجمالی به مهمترین تحولات روابط ایران و آمریکا / رضا مومن‌زاده (تألیف) ص ۵۸.
- ماجرای مک فارلین (روزشمار جنگ ایران و عراق) یحیی فوزی، علی لطف‌آبادی، زادگان، مهدی انصاری (تألیف) ص ۷۶.
- سخنرانی سردار سرلشکر غلامعلی رشید در جلسه افتتاحیه دوره ۱۳ دانشگاه دفاع ملی (سخنرانی) ص ۱۰۲.
- بررسی گفتمان‌های پس از جنگ بر اساس دو رکن ذهنیت و کلیت / فرانک جمشیدی (تألیف) ص ۱۱۶.
- در حاشیه گرامیداشت هفته دفاع مقدس / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف) ص ۱۲۴.
- بازخوانی یک سند شفاهی از تاریخ جنگ مصاحبه با علی شمخانی (سند) ص ۱۳۰.
- معرفی فعالیت‌ها و عملکرد دفتر ادبیات و هنر مقاومت / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی)، ص ۱۴۶.
- معرفی و نقد کتاب تسخیر / رضا مومن‌زاده (معرفی و نقد کتاب)، ص ۱۵۲.
- معرفی پایان‌نامه‌های دافوس درباره جنگ تحمیلی / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۸.

■ نگین شماره ۱۱ (سال سوم، زمستان ۱۳۸۳)

- در رثای نظریه‌پرداز جنگ / سردار غلامعلی رشید (سرمقاله)، ص ۴.
- گفت‌وگو با دکتر چگینی‌زاده و دکتر زهرانی (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- همسایگان ناخواسته: قومیت مشترک و کشمکش بین‌المللی طی جنگ سرد / داگلاس وودول / ترجمه: عبدالمجید حیدری (ترجمه) ص ۳۴.
- باقری فراتر از دست نوشته‌هایش / علی مینو (تألیف) ص ۶۰.
- آخرین تلاش‌ها در جنوب / دکتر محمدحسین جمشیدی و محمود یزدان‌فام (تألیف) ص ۶۸.
- توازن شکننده / افرام کارش / ترجمه: داوود علمایی (ترجمه) ص ۸۸.
- نقش و جایگاه شهید باقری در طرح ریزی استراتژی نظامی و فرماندهی جنگ: سخنرانی سردار سرلشکر رحیم صفوی (سخنرانی) ص ۱۰۶.

- بررسی گفتمان‌های پس از جنگ (میزگرد اعضای هیئت تحریریه فصلنامه) (میزگرد) ص ۱۱۰.
- تأملاتی در روش‌شناسی مطالعات پدیده جنگ / علیرضا کمره‌ای (سخنرانی) ص ۱۲۴.
- مروری بر دست‌نوشته‌های شهید حسن باقری / به اهتمام گروه پژوهش فصلنامه (سند) ص ۱۳۰.
- تبیین چارچوب‌های نظری برای نمایشگاه و پایگاه اطلاع‌رسانی تاریخ جنگ (مصاحبه) ص ۱۶۰.
- معرفی کتاب‌های تألیف شده درباره شهید حسن باقری (اطلاع‌رسانی) ص ۱۷۰.

■ نگین شماره ۱۲ (سال سوم، بهار ۱۳۸۴)

- فتح خرمشهر ملاحظات و ضرورت‌ها / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۴.
- نقد و نظری دیگر به گفتمان جنگ در گفت‌وگو با دکتر کاشی (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- بررسی نظریه‌های پایان جنگ / دکتر مصطفی زهرانی (تألیف) ص ۳۴.
- آزمون نظریه‌های پایان جنگ در جنگ ایران و عراق / تئوکان هوی / ترجمه: محمدعلی قاسمی (ترجمه) ص ۵۴.
- تحلیلی بر عملیات بیت‌المقدس / فتح... جعفری (تألیف) ص ۶۴.
- مرور کلی مواضع امام خمینی (ره) در پنج مقطع از تاریخ جنگ / حمید فرهادی نیا (تألیف) ص ۸۰.
- تجدید رابطه آمریکا و عراق در جریان جنگ تحمیلی / هادی نخعی (تألیف) ص ۸۸.
- عراق تحت حاکمیت صدام کشاکش قدرت و ناتوانی / گروه ترجمه فصلنامه (ترجمه) ص ۱۱۴.
- توطئه آمریکا و عراق در حمله به ایران (سخنرانی شهید همت) (سخنرانی) ص ۱۲۴.
- معرفی و نقد گفتمان جنگ در رسانه‌ها و زبان ادبیات / علیرضا فرشچی (تألیف) ص ۱۳۰.
- نقدی بر کتاب علل تداوم جنگ / حمید فرهادی نیا (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۳۳.
- ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر (نقد و بررسی نتایج یک نظرسنجی) / محمد درودیان (تألیف) ص ۱۳۶.
- تغییر استراتژی عملیاتی سپاه از جنوب به شمال (دلایل انتخاب منطقه عملیاتی کربلای ۱۰) (گزارش) ص ۱۴۸.
- معرفی کتاب خرمشهر در جنگ طولانی / علیرضا کمره‌ای (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۸.
- معرفی کتاب ورود به خاک عراق: ضرورت‌ها و دستاوردها / سیدمسعود موسوی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۶۴.
- معرفی پایان‌نامه‌های دافوس ارتش درباره جنگ تحمیلی / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۷.

■ نگین شماره ۱۳ (سال چهارم، تابستان ۱۳۸۴)

- تاریخ و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۴.
- پیش درآمدی بر دو گفت‌وگو درباره تاریخ‌نگاری جنگ / فرانک جمشیدی (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- گفت‌وگوی اول: بررسی تاریخ‌نگاری جنگ با حضور آقای کاوه بیات راویان و محققین جنگ (گفت‌وگو) ص ۱۴.
- گفت‌وگوی دوم: تاریخ‌نگاری جنگ در سپاه از نگاه راویان (گفت‌وگو) ص ۲۷.
- فراشدن از تبلیغ تا تبیین در تاریخ‌نگاری جنگ - دفاع مقدس / علیرضا کمره‌ای (تألیف) ص ۴۰.
- موزه‌های جنگ و نقش تاریخ‌سازی / دکتر فرهاد ساسانی (تألیف) ص ۴۸.
- آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری جنگ / فرانک جمشیدی (تألیف) ص ۶۰.

- تاریخ‌نگاری جنگ در عصر اسلامی (از آغاز تا عصر عباسی) / دکتر اصغر قائدان (تألیف) ص ۷۰.
- عبور از مرز / علیرضا لطف‌آبادی... زادگان (تألیف) ص ۸۶.
- بیم‌ها و امیدها در تاریخ‌نگاری جنگ (نقد و بررسی دو دیدگاه) / مجید نداف (تألیف) ص ۹۸.
- پیش‌درآمدی بر تاریخ‌نگاری جنگ در سپاه (قسمت اول) / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف) ص ۱۱۶.
- شرح وظایف محققین دفتر تحقیقات جنگ (سند) ص ۱۲۲.
- اصول تحقیق و وظایف راوی (سند) ص ۱۳۷.
- چارچوب کلی گزارش یگان‌ها، لشکر و تیپ (سند) ص ۱۴۳.
- گزارش جلسه توجیهی با راویان برای گردآوری و نگارش (سند) ص ۱۴۷.
- رویکرد تاریخی به جنگ / گفت و گو با سردار باقرزاده (گفت‌وگو) ص ۱۵۲.

■ نگین شماره ۱۴ (سال چهارم، پاییز ۱۳۸۴)

- ضرورت رویکرد جامعه‌شناختی به جنگ / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۶.
- بازدارندگی، گروه‌بندی‌های اجتماعی و مقاومت در گفت‌وگو با سرلشکر غلامعلی رشید (گفت‌وگو) ص ۱۲.
- ریشه‌های اجتماعی جنگ با تأکید بر جنگ ایران و عراق / تام ورکمن / ترجمه: عسکر قهرمان‌پور (ترجمه) ص ۲۲.
- تعامل نمادهای جنگ و هویت ملی در روسیه (یافته‌های سفر) دکتر امینیان / دکتر کرمی (تألیف) ص ۴۸.
- اشغال و اشغالگری از منظر نیروهای مردم / مجید نداف (تألیف) ص ۵۴.
- رویکرد فرهنگی اجتماعی به جنگ ایران و عراق / خسرو شاه‌محمدی (تألیف) ص ۸۶.
- بحران در خوزستان، حسین یکتا (تألیف) ص ۹۵.
- تحلیلی بر روند تحولات جنگ / شهید باقری (سخنرانی) ص ۱۲۲.
- بازتاب رسانه‌ای جنگ (هفته دفاع مقدس) / رضا مومن‌زاده (اطلاع‌رسانی) ص ۱۳۸.
- بحثی پیرامون رابطه دو پدیده: جنگ و شکاف نسل‌ها (نقد گفتگوی دکتر رجب‌زاده با ماهنامه نامه) / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف) ص ۱۴۵.
- رابطه بین انسجام اجتماعی و جنگ (مروری گذرا بر نقش امام خمینی (ره) در جنگ / محسن جلالی فراهانی (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۰.
- آمار شهدای جنگ (ترکیب جمعیتی) (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۵.
- گزارش محفل انس یادگاران دفاع مقدس (گردهمایی فرماندهان جنگ) (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۸.
- برگزاری سومین دوره آشنایی با دفاع مقدس (دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع))، (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۰.
- گزارش دومین دوره آموزش ویژه راویان فتح (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۱.
- نمایه فصلنامه نگین ایران شماره ۹ تا ۱۲ (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۲.
- برگزاری نهمین جشنواره انتخاب کتاب دفاع مقدس، (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۸.

■ نگین شماره ۱۵ (سال چهارم، زمستان ۱۳۸۴)

- تجربه یک جنگ: هزینه در گذشته، سرمایه برای آینده / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۶.
- استفاده از تجربه جنگ پس از جنگ در گفت و گو با سردار محمدعلی (عزیز) جعفری (گفت و گو) ص ۱۰.
- انتخاب منطقه عملیات والفجر ۸ و مباحث اساسی طرح مانور عملیات / گروه پژوهش فصلنامه با مقدمه غلامعلی رشید (تألیف) ص ۲۲.
- تصرف شهر فاو / داوود رنجبر (تألیف) ص ۵۹.
- گزارش توصیفی از عملیات قرارگاه نجف در عملیات والفجر ۸ / خسرو شاه محمدی (تألیف) ص ۱۱۳.
- نقش و تأثیر فتح فاو در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ / محمد درودیان (تألیف) ص ۱۲۹.
- عوامل و ملاحظات اساسی در فتح فاو / سخنرانی حسین علایی (سخنرانی) ص ۱۳۴.
- جمع بندی عملیات والفجر ۸ / مصاحبه راویان با برادر محسن رضایی (سند) ص ۱۴۶.
- فهرست اسناد عملیات والفجر ۸ / بانک اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (اطلاع رسانی) ص ۱۵۸.
- دومین گردهمایی فرماندهان و مسئولان جنگ (اطلاع رسانی) ص ۱۵۹.

■ نگین شماره ۱۶ (سال چهارم، بهار ۱۳۸۵)

- در تمنای شهادت / شهید احمد کاظمی (سرمقاله) ص ۶.
- شهید کاظمی و نقش او در جنگ / سردار قاسم سلیمانی (گفت و گو) ص ۱۰.
- از نمایی نزدیک، از نمایی دور / دکتر محسن رضایی (تألیف) ص ۲۲.
- اوصاف یک فرمانده / سردار غلامعلی رشید (تألیف) ص ۲۹.
- در جنگ و پس از جنگ / دکتر حسین علایی (تألیف) ص ۳۷.
- مرزی بین مدیریت آشتی پذیر و آشتی ناپذیر / مجید نداف (تألیف) ص ۴۶.
- لشکر ۸ نجف در عملیات والفجر ۸، پیشروی در عمق / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف) ص ۵۸.
- لشکر ۸ نجف اشرف در عملیات کربلای ۵، جنگ و گریز در شرق بصره / مهدی انصاری (تألیف) ص ۹۶.
- خنده در حلقه آتش و آب / مصطفی ایزدی (گزارش) ص ۱۳۶.
- تجزیه و تحلیل عوامل و شرایط موثر در پایان جنگ: سخنرانی شهید احمد کاظمی (سخنرانی) ص ۱۴۲.
- نقدی بر مجله فرهنگ پایداری / حسین قربانی (اطلاع رسانی) ص ۱۵۲.
- نگران اسناد زنده جنگ باشیم / رضا مومن زاده (اطلاع رسانی) ص ۱۵۶.
- نقش سپاه در جنگ و تامین امنیت / سخنرانی دکتر حسن روحانی (سخنرانی) ص ۱۶۲.
- منابع مرکز از لشکر ۸ نجف (اطلاع رسانی) ص ۱۶۹.

■ نگین شماره ۱۷ (سال پنجم، تابستان ۱۳۸۵)

- سازمان مجاهدین خلق (منافقین): توهم قدرت، شکست در استراتژی / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۶.
- استراتژی براندازی از درون خاک عراق / گفت و گو با آقای طاهری (گفت و گو) ص ۲۰.

- گروه رجوی، فرار به جلو پیوند با حزب بعث عراق / جمعی از پژوهشگران (تألیف) ص ۴۲.
- عملیات فروغ جاویدان: بن بست در استراتژی / ناصر شبانی (تألیف) ص ۸۵.
- برای قضاوت تاریخ / مجید نداف (تألیف) ص ۱۰۶.
- روایت یک شکست (نقد و بررسی خاطرات ابوالحسن بنی صدر) (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۳۴.
- روایت فرار شبانه (خاطرات کادر پرواز هواپیما) / سرهنگ قاضی عسگر و سرهنگ دهقان (تألیف) ص ۱۴۱.
- نقد و بررسی دو گفت‌وگو درباره تحلیل روند منجر به اتخاذ مشی مسلحانه توسط منافقین (شاهسوندی - عزت مطهری) / رضا مومن زاده (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۳.
- معرفی کتاب سازمان مجاهدین خلق: پیدایی تا فرجام (۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴) / رضا مومن زاده (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۶۲.

■ نگین شماره ۱۸ (سال پنجم، پاییز ۱۳۸۵)

- ملاحظات در باب تاریخ‌نگاری جنگ / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۶.
- تاریخ‌نگاری جنگ / دکتر رضا داوری اردکانی (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- تاریخ نظامی نوین: کارگزاران آن و اقدامات آنها / دون‌های جین بوتام / ترجمه: محمدباقر سلیمانی (ترجمه) ص ۲۸.
- تاریخ جنگ / کی. اس. سیدو - ترجمه داود علمایی (ترجمه) ص ۳۷.
- جریان‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری جنگ ایران و عراق / علیرضا کمره‌ای (تألیف) ص ۵۰.
- شرحی بر روش تاریخ‌نگاری در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه / مجید نداف (تألیف) ص ۶۰.
- ضرورت پژوهش در حوزه جنگ ایران و عراق / غلامعلی رشید (سخنرانی) ص ۸۰.
- نقدی بر تاریخ‌نگاری فرماندهان جنگ / فرانک جمشیدی (تألیف) ص ۸۸.
- نقد و بررسی اطلس جنگ سپاه و ارتش: دو دیدگاه (معرفی و نقد منابع) ص ۱۰۱.
- مروری کوتاه بر اطلس نبردهای ماندگار (معرفی و نقد منابع) ص ۱۰۵.
- اسناد تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق (۲) مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (سند) ص ۱۱۰.
- ضرورت رویکرد تخصصی به جنگ در بازتاب بیست‌وپنجمین سالروز فتح خرمشهر / رضا مومن زاده (تألیف) ص ۱۶۰.
- گزارشی از اولین همایش پژوهش و دفاع مقدس (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۶.

■ نگین شماره ۱۹ (سال پنجم، زمستان ۱۳۸۵)

- تاریخ‌نگاری جنگ و اقدامات برجسته مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه / دکتر محمد کرمی‌راد (سرمقاله) ص ۶.
- نقد و بررسی روند تحولات جنگ ایران و عراق / گفت‌وگوی جمعی از فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، بخش نخست (گفت‌وگو) ص ۱۲.
- روش توسعه تجربی نیروهای مسلح در جنگ با عراق / دکتر محسن رضایی (تألیف) ص ۲۴.
- تناقضات جنگ / کرانت تی هاموند / ترجمه: دکتر سهراب سوری (ترجمه) ص ۳۳.

- دکترین قابلیت مبنا / علیرضا فرشچی (تألیف) ص ۴۴.
- انتخاب منطقه عملیات کربلای ۵ در شرق بصره: چالش‌ها و تدابیر / محمد درودیان (تألیف) ص ۵۲.
- عملیات کربلای ۵: پیروزی استراتژیک - تحلیل استراتژیک / دکتر حسین علایی (تألیف) ص ۸۳.
- گزارشی از میزگرد راویان کربلای ۵، چالش از درون و برون: مروری بر گفتمان اقناعی در مدیریت جنگ مردمی / مجید نداف (تألیف) ص ۹۹.
- فتح المبین، عملیاتی تاریخی، چرا؟ / سردار غلامعلی رشید (تألیف) ص ۱۲۲.
- نقد و بررسی سرمقاله فصلنامه شماره ۱۸ نگین ایران / سعید سرمدی (اطلاع‌رسانی) ص ۱۲۸.
- روایتی ناب از عملیات لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در کربلای ۵ / شهید سید محمد اسحاقی (گزارش) ص ۱۳۶.
- فهرست اسناد عملیات کربلای ۵ / بانک اطلاع‌رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (اطلاع‌رسانی) ص ۱۷۲.

■ نگین شماره ۲۰ (سال پنجم، بهار ۱۳۸۶)

- گفتاری درباره شهید باکری / دکتر سیدرحیم صفوی (سرمقاله) ص ۶.
- ضرورت نگاه متفاوت به شهید باکری (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- نگاه بکر به باکری امکان‌پذیر است؟ / خانم فرانک جمشیدی (تألیف) ص ۲۲.
- سرگذشت پژوهش شهیدان؛ چالش‌ها و راه‌کارها / دکتر محسن شاهرضایی (تألیف) ص ۳۲.
- اصول مدیریت مدیریت و اصول جنگ / مهدی باکری (تألیف) ص ۳۸.
- باکری آن گونه که من می‌شناختم / دکتر محسن رضایی (تألیف) ص ۴۴.
- مروری بر سختی‌های جنگ و نقش شهید مهدی باکری / سردار غلامعلی رشید (تألیف) ص ۴۸.
- مهدی باکری سردار اسلام در اندیشه و در عمل / دکتر حسین علایی (تألیف) ص ۵۲.
- پیش درآمدی بر سبک مدیریت شهید باکری / دکتر محمدحسین فرهنگی (تألیف) ص ۷۴.
- فرماندهی شهید باکری الگوی رفتاری و اخلاقی / دکتر ظریف منش (تألیف) ص ۷۷.
- تبیین عملیات والفجر ۴ / سخنرانی مهدی باکری در جمع مردم تبریز (سخنرانی) ص ۹۲.
- نقد رویکرد موجود درباره فرماندهان شهید / محسن حسام مظاهری (اطلاع‌رسانی) ص ۱۰۰.
- تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات والفجر ۱ در دو گفت‌وگو با مهدی باکری و سرهنگ یوسف عبادت (گفت‌وگو) ص ۱۰۴.
- تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات والفجر ۴ در دو گفت‌وگو با حمید باکری و سید مهدی حسینی (گفت‌وگو) ص ۱۱۹.
- تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات بدر در دو گزارش (گزارش) ص ۱۳۴.
- شهید مهدی باکری به روایت فرماندهان جنگ / پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۲.
- یادبود شهید باکری / محمد جولایی تهرانی (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۵.
- کارنامه عملیاتی لشکر ۳۱ عاشورا در جنگ (اطلاع‌رسانی) ص ۱۶۲.

■ نگین شماره ۲۱ (سال ششم، تابستان ۱۳۸۶)

- جنگ و سیاست، پیوستگی یا تعامل؟ محمد درودیان (سرمقاله) ص ۶.
- نقد و بررسی روند تحولات جنگ ایران و عراق / گفت‌وگوی جمعی از فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، بخش دوم (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- پیامدهای پیروزی ایران بر عراق (پس از فتح خرمشهر) / مدیریت اطلاعات مرکزی سازمان سپا / ترجمه: مهیار گنج‌آبی (ترجمه) ص ۲۲.
- ملاحظات و پیامدهای انتشار یک سند تاریخی (نامه تاریخی امام درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸) / رضا مومن‌زاده (تألیف) ص ۳۴.
- تأثیر تحولات صحنه نبرد در تداوم و پایان جنگ عراق علیه ایران / مهدی ادیبی سده (تألیف) ص ۴۴.
- تکاپوی جهانی برای توقف جنگ / دکتر حسین اردستانی (تألیف) ص ۵۳.
- راه ناتمام (معرفی و نقد کتاب روند پایان جنگ) / جعفر شیرعلی‌نیا (معرفی و نقد کتاب) ص ۶۱.
- روز شمار دخالت آمریکا در جنگ تحمیلی در پرتو اسناد جدید / ترجمه و مقدمه تحلیلی: دکتر علی‌امیدی (ترجمه) ص ۷۲.
- فتح خرمشهر: ملاحظات نظامی، پیامدهای استراتژیک / سردار غلامعلی رشید (سخنرانی) ص ۸۶.
- گرامیداشت سال‌روز فتح خرمشهر پس از ربع قرن (کنکاش در گفتمان رسانه‌ای جنگ) / رضا مومن‌زاده (تألیف) ص ۹۴.
- پیش‌درآمدی بر سقوط فاو / غلامعلی رشید (تألیف) ص ۱۰۳.
- بررسی اجمالی شرایط حاکم بر جنگ و چگونگی باز پس‌گیری فاو توسط عراق / مجید نداف (تألیف) ص ۱۰۸.
- روایتی ناب از عملیات لشکر ۱۴ امام حسین (ع) کربلای ۵ / سید محمد اسحاقی، قسمت دوم (گزارش) ص ۱۳۰.
- مقدمه آیت‌... هاشمی رفسنجانی بر کتاب دوازده نامه مبادله شده میان ایران و عراق (اطلاع‌رسانی) ص ۱۴۸.
- یک ماه جنگ برای یک عمر صلح / دکتر حسین علایی (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۲.
- انتشار یک سند تاریخی / دکتر حسین علایی (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۴.
- تغییر ماهیت جنگ / نمارتین کارفلد / مرکز مطالعات نقسا (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۷.

■ نگین شماره ۲۲ (سال ششم، پاییز ۱۳۸۶)

- تغییر در روایت جنگ: زمینه‌ها و عوامل موثر / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۶.
- خاطره‌گویی گونه‌ای از روایت جنگ / گفت‌وگو با مرتضی سرهنگی و هدایت‌ا... بهبودی (گفت‌وگو) ص ۱۰.
- پایه‌های روان‌شناختی جنگ / رابرت ای هیند / ترجمه: داود علمایی (ترجمه) ص ۲۴.
- درآمدی بر مطالعه نشانه‌شناختی روایت / علیرضا کمری (تألیف) ص ۳۷.
- جنگ به روایت یک فرمانده / دکتر محسن رضایی (تألیف) ص ۴۲.
- نیازسنجی اطلاعاتی و درآمدی نو بر راهبردهای تاریخ نگاری مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ / امیر رزاق‌زاده (تألیف) ص ۵۷.

- پیش درآمدی به شکل گیری تاریخ نگاری هشت سال دفاع مقدس در ارتش / امیر سرتیپ ۲ مسعود بختیاری (تألیف) ص ۷۳.
- تاریخ نگاری جنگ و چالش های پیش رو / فتاح غلامی (تألیف) ص ۷۷.
- نبرد راه گشا، نگاهی به عملیات طریق القدس / دکتر حسین علایی (تألیف) ص ۸۱.
- تحقیق و پژوهش در دفاع مقدس / دکتر محسن رضایی (سخنرانی) ص ۹۲.
- اقتراح: بحث درباره راوی و روایت (گفت و گو) ص ۹۷.
- روایت گری؛ ملاحظات و آسیب پذیری ها / محمد جان پور (تألیف) ص ۱۳۶.
- روایت و نگاه های مختلف به جنگ / برادر مرتضی مصطفوی (تألیف) ص ۱۴۴.
- منشور روایت گری / دکتر حسین یکتا (تألیف) ص ۱۴۷.
- پیش درآمدی بر تاریخ نگاری شفاهی (اطلاع رسانی) ص ۱۵۰.

■ نگین شماره ۲۳ (سال ششم، زمستان ۱۳۸۶)

- مسائل بنیادین جنگ ایران و عراق کدام است؟ / محمد درودیان (سرمقاله) ص ۶.
- نقد و بررسی روند تحولات جنگ ایران و عراق / گفت و گوی جمعی از فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، بخش پایانی (گفت و گو) ص ۱۰.
- تئوری پیچیدگی و محیط جنگ فرماندهی و کنترل / عبدالرسول دیوسالار (تألیف) ص ۲۰.
- درس نظامی چیست؟ / ویلیام ث فولر (پسر) - ترجمه: امیر سرتیپ ۲ علی اصغر حقیقی (ترجمه) ص ۲۸.
- تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق (بررسی موردی قبل از انقلاب) / دکتر غلامعلی رشید (تألیف) ص ۴۲.
- شهید باقری، اسوه ناشناخته؛ درآمدی بر الگوی فرماندهی و مدیریت / سردار ظریف منش (تألیف) ص ۶۰.
- نگاهی گذرا به نبرد فاو / دکتر حسین علایی (تألیف) ص ۷۸.
- در تدارک عملیات سرنوشت ساز / یحیی فوزی - علیرضا لطفاء... زادگان (تألیف) ص ۹۸.
- گزارش یک تصمیم گیری: عملیات کربلای ۵ / محمد درودیان (گزارش) ص ۱۰۸.
- پیش درآمدی بر فضائل اخلاقی و خصوصیات فرماندهی شهید حسن باقری / دکتر غلامعلی رشید (تألیف) ص ۱۳۲.
- اسناد عراقی در آستانه عملیات بدر (سند) ص ۱۴۵.
- تاریخ های اصلی جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) / افرائیم کارش / رضا مومن زاده (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۸.

■ نگین شماره ۲۴ (سال ششم، بهار ۱۳۸۷)

- نوآوری در روایت جنگ: ضرورتی اجتناب ناپذیر / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله) ص ۵.
- جنگ برق آسا گذشته و حال / دکتر عبدالله قنبرلو (تألیف) ص ۱۱.
- اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی / حمیدرضا رئوفی (تألیف) ص ۲۳.

- روایتی دیگرگون از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق؛ رویارویی ایمان در برابر زور / دکتر داود غراباقی زندی (تألیف) ص ۴۳.
- آمریکا چگونه صدام را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟ / نورم دیکسن / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه) ص ۵۹.
- فرماندهان نظامی و تدوین تاریخ جنگ توانمندی‌ها و محدودیت‌ها (میزگرد) ص ۶۷.
- نوآوری و ابتکارات در جنگ: طراحی و ساخت پل خیبری / مهدی خداوردی (تألیف) ص ۸۱.
- فصل شمار جنگ / سجاد نخعی (تألیف) ص ۹۱.
- ارزیابی وضعیت تیپ ۷ دزفول (ولی عصر) در عملیات بیت‌المقدس / گروه پژوهش فصلنامه (گزارش) ص ۹۹.
- عملیات بیت‌المقدس از منظر اسناد عراقی / داود ریاحی (سند) ص ۱۰۹.
- بررسی وضعیت نیروهای عراقی در عملیات بیت‌المقدس توسط قرارگاه کربلا / گروه پژوهش فصلنامه (گزارش) ص ۱۳۵.
- لزوم مقابله با اقدامات احتمالی ایران در خلیج فارس (سند کاخ سفید) / گروه پژوهش فصلنامه (سند) ص ۱۴۷.
- ایران و عراق و میراث جنگ / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۴۹.
- منازعات خاورمیانه / محمدرضا کیانی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۵.
- گزارش نقد کتاب در مرکز اسناد دفاع مقدس / زهرا ابوعلی (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۹.

■ نگین شماره ۲۵ (سال هفتم، تابستان ۱۳۸۷)

- آینده‌نگری و بازدارندگی / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله) ص ۵.
- رابطه ضرورت نظامی و اصول بشردوستانه در حقوق مخاصمات مسلحانه توازن یا تحدید / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف) ص ۹.
- نسل جنگ در عراق موردی از ملی‌گرایی پدرسالارانه شکست خورده / فالح جبار / ترجمه: عسکر قهرمانپور (ترجمه) ص ۱۵.
- کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و پیامدهای استراتژیک آن یک مطالعه تطبیقی / دکتر حیدرعلی بلوجی (تألیف) ص ۳۳.
- تحلیل محتوای اخبار مطبوعات جهان در رابطه با زمینه‌سازی جنگ ایران و عراق / رقیه محمدی (تألیف) ص ۴۵.
- بازخوانی عملیات رمضان در گفت‌وگوی اختصاصی فصلنامه نگین ایران با دکتر محسن رضایی (میزگرد) ص ۶۳.
- جرقه اولیه عملیات در هور؛ ماحصل توقف و بن‌بست در عملیات رمضان (گزارش) ص ۷۵.
- انهدام زرهی عراق در شرق بصره؛ تشکیل تیم‌های شکار تانک (گزارش) ص ۸۱.
- عملیات رمضان؛ شکست تداوم روش‌های شناخته شده و طلایع بخش اتخاذ رویکردهای ابتکاری نوآورانه (گزارش) ص ۸۳.
- دلایل ورود به خاک عراق؛ پس از آزادسازی خرمشهر / علیرضا لطف‌ا... زادگان (تألیف) ص ۸۷.
- توجیه نیروهای عمل‌کننده در عملیات رمضان؛ دغدغه اساسی فرمانده سپاه پس از عملیات / هادی نخعی (گزارش) ص ۹۵.

- گزیده گزارش نظارتی بر تیپ عاشورا در عملیات رمضان (سند) ص ۱۰۷.
- مثلثی‌ها: تاکتیک دفاعی عراق در عملیات رمضان (سند) ص ۱۱۷.
- عملیات رمضان در آئینه آمار (سند) ص ۱۱۹.
- عملیات رمضان از نگاه عراق تحلیل نبردهای شرق بصره (سند) ص ۱۲۱.
- تحلیل درون گروهی سازمان منافقین از عملیات رمضان و آینده جنگ (سند) ص ۱۳۱.
- چگونگی درک ارتش عراق از سپاه و بسیج (سند) ص ۱۳۳.
- گزارش عملکرد قرارگاه فجر در عملیات رمضان / شهید محمد گرکانی (گزارش) ص ۱۳۵.
- تابستان ۱۳۵۹ (مقطع زمینه سازی شروع جنگ) / نعمت... سلیمانی خواه (تألیف) ص ۱۴۳.
- رابطه مسموم: روابط آمریکا - عراق و بمباران شیمیایی حلبچه / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۳.
- گزارش نشست نقد و بررسی کتاب خرمشهر در جنگ طولانی / زهرا ابوعلی (اطلاع رسانی) ص ۱۵۷.

■ نگین شماره ۲۶ (سال هفتم، پاییز ۱۳۸۷)

- بازدارندگی و الزامات آن / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله) ص ۵.
- نقش آیت... خامنه‌ای در دفاع مقدس (سال اول جنگ / سجاد راعی گلوچه (تألیف) ص ۹.
- تاریخچه تأسیس و توسعه توپخانه سپاه در جنگ / سردار شهید غلامرضا یزدانی (تألیف) ص ۲۵.
- عملکرد توپخانه و موشک‌های نیروی زمینی سپاه (عملیات کربلای ۵) / سردار سرتیپ پاسدار یعقوب زهدی (تألیف) ص ۳۳.
- بررسی نقش حزب توده در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران / دکتر حجت فلاح (تألیف) ص ۴۵.
- جنگ خلیج فارس و کشورهای منطقه؛ تداوم و تحول الگوها / گرد نان من / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه) ص ۵۳.
- توپخانه سپاه: از شکل‌گیری هسته‌های اولیه تا توسعه سازمان (میزگرد) ص ۸۱.
- شکل‌گیری توپخانه سپاه: گفت‌وگوی اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار حمید سرخیلی (گفت‌وگو) ص ۹۳.
- نوآوری و ابتکارات توپخانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / گروه پژوهش فصلنامه (گزارش) ص ۹۹.
- توپخانه در جنگ به روایت اسناد / داود ریاحی (سند) ص ۱۰۵.
- گزارش عملکرد توپخانه قرارگاه نجف اشرف در عملیات بدر / شهید غلامرضا یزدانی (گزارش) ص ۱۱۷.
- سرگذشت راه‌اندازی توپخانه خرمشهر / مصطفی اسکندری‌پور (سند) ص ۱۲۱.
- آمار شهدای توپخانه سپاه در طول ۸ سال دفاع مقدس (سند) ص ۱۲۳.
- وضعیت توپخانه ارتش عراق به روایت اسناد / گروه پژوهش فصلنامه (سند) ص ۱۲۵.
- پاییز ۱۳۵۹؛ هجوم سراسری عراق به ایران / سجاد نخعی (تألیف) ص ۱۳۵.
- رقابت ایران و عربستان سعودی در بین دو جنگ / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۴۵.
- درس‌های جنگ نوین؛ جلد دوم: جنگ ایران و عراق / دکتر حسین یکتا (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۴۹.

- چرا ملت‌ها اقدام به جنگ می‌کنند؟ / دکتر عبدا... قنبرلو (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۳.
- نقد و بررسی کتاب حقوق بشر دوستانه / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی) ص ۱۵۹.
- گفت و گو با نصرا... صمدزاده مسئول کتابخانه جنگ دفتر ادبیات و هنر مقاومت / زهرا ابوعلی (گفت‌وگو) ص ۱۶۳.

■ نگین شماره ۲۷ (سال هفتم، زمستان ۱۳۸۷)

- عاشورا: نمادی الهام بخش در مبارزات حق طلبانه / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله) ص ۵.
- ملاحظات در باره ریشه‌های جنگ هشت ساله / مسعود کوهستانی نژاد (تألیف) ص ۹.
- بررسی جنگ تحمیلی در دایره المعارف خارجی / علیرضا فرشچی / سیدکمال الدین محمد رفیعی (تألیف) ص ۲۹.
- بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر نظریه سازه‌نگاری / وحید اسدزاده (تألیف) ص ۴۷.
- جنگ ایران و عراق و تأثیر آن بر ترکیه / اورن آلتینکاش / ترجمه: عبدالمجید حیدری (ترجمه) ص ۶۳.
- شوروی؛ آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق / حایم شمش / ترجمه: دکتر محمدعلی قاسمی (ترجمه) ص ۷۱.
- زرهی سپاه در جنگ؛ شکل‌گیری فراز و نشیب‌ها و عملکرد (میزگرد) ص ۹۷.
- تحول ساختاری سپاه در دوران جنگ: گفت‌وگو با سردار یزدان مویدپور (گفت‌وگو) ص ۱۲۱.
- عملکرد و تجربیات زرهی ایران در دفاع مقدس با تأکید بر زرهی سپاه / حسین سرخیلی (گفت‌وگو) ص ۱۳۱.
- اسناد زرهی سپاه در جنگ / گروه پژوهش فصلنامه (سند) ص ۱۵۵.
- مذهب و جنگ در ایران انقلابی / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۶۹.
- جنگ در تمدن بشری / دکتر محمود یزدان‌فام (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۷۳.
- فرهنگ استراتژیک و روش‌های جنگ / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۷۳.

■ نگین شماره ۲۸ (سال هفتم، بهار ۱۳۸۸)

- خرمشهر نمادی ماندگار و هویت‌بخش / (سرمقاله) ص ۵.
- زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری نیروهای سه‌گانه در سپاه؛ نگرشی تحلیلی - درونی / سید حسین ولی‌پور زرومی (تألیف) ص ۹.
- بررسی ابعاد حقوقی حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف) ص ۲۵.
- جنگ تحمیلی و هویت ملی / مهدی رحمتی (تألیف) ص ۴۱.
- بررسی نقش منافقین در جنگ ایران و عراق / نویسنده: عباس افلاطونی (تألیف) ص ۵۷.
- بمباران شیمیایی سردشت: ابعاد و پیامدها / دکتر علیرضا ملایی و خاتون حکمت (تألیف) ص ۶۷.
- گزارشی از یک عملیات نیمه‌گسترده (امام‌علی(ع)؛ حمله... اکبر) / خسرو شاه محمدی (تألیف) ص ۸۳.
- شوروی: تلاش برای ایجاد توازن و پایان جنگ ایران و عراق / حایم شمش / دکتر محمدعلی قاسمی (ترجمه) ص ۹۳.
- آسیب شناسی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران طی جنگ تحمیلی / گفت و گوی اختصاصی با دکتر علی خرم (گفت‌وگو) ص ۱۰۹.

- دلایل توجیهی عملیات دفاع متحرک و ورود مجدد به خاک ایران (سند) ص ۱۱۸.
- جزوه آموزش اصول دفاع برای افسران با سابقه رده‌های رزمی (سند) ص ۱۲۳.
- دفاع متحرک (سند) ص ۱۲۷.
- طرح مدیریت عملیات پدافندی (سند) ص ۱۳۳.
- همکاری تانک‌ها با نیروی پیاده (سند) ص ۱۳۷.
- رقابت‌های استراتژیک در سیاست جهانی؛ موقعیت، مکان، و فرایند تشدید نزاع / نویسندگان: مایکل پی. کلارسی، کارن راسلر، ویلیام آر. تامپسون / دکتر قنبرلو (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۴۵.
- آسیب‌پذیری‌های سیاسی، جمعیت‌شناختی و اقتصادی ایران / نویسندگان: کیت کرین - رولی لال - جفری مارتینی / دکتر روح‌ا... قادری (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۱.
- تحول نظامی و جنگ مدرن، نوشته: الینور سولان / دکتر محمود یزدان‌فام (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۵۷.
- تاریخ‌نگاری جنگ / به اهتمام: علیرضا کمره‌ای دکتر حسن زاده (معرفی و نقد کتاب) ص ۱۶۳.

ب) نمایه موضوعی

۱. امام خمینی (ره)، آیت‌ا... خامنه‌ای و دفاع مقدس

- امام خمینی (ره) و تکلیف‌گرایی در جنگ / دکتر محمدحسین جمشیدی (تألیف) شماره ۴، ص ۵.
- جنگ ایران و عراق؛ تبلیغات از دیدگاه امام خمینی (ره) / دکتر مهدی ادیبی سده (تألیف)، شماره ۳، ص ۱۰۷.
- رابطه بین انسجام اجتماعی و جنگ (مروری گذرا بر نقش امام خمینی (ره) در جنگ / محسن جلالی فراهانی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۵۰.
- مرور کلی مواضع امام خمینی (ره) در پنج مقطع از تاریخ جنگ / حمید فرهادی‌نیا (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۸۰.
- مقدمه‌ای بر الگوی مدیریت جنگ توسط امام خمینی (ره) / دکتر اکبر مهدی‌زاده (تألیف)، شماره ۱، ص ۵.
- نقش آیت‌ا... خامنه‌ای در دفاع مقدس (سال اول جنگ) / سجاد راعی گلوچه (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۹.

۲. مباحث نظامی جنگ ایران و عراق

- آمار شهدای جنگ (ترکیب جمعیتی)، (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۵۵.
- آخرین تلاش‌ها در جنوب / محمدحسین جمشیدی و محمود یزدان‌فام (تألیف)، شماره ۱۱، ص ۶۸.
- ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر (نقد و بررسی نتایج یک نظرسنجی) / محمد درودیان (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۱۳۶.
- استراتژی‌های کشور در جنگ هشت ساله / مجید مختاری (سرمقاله)، شماره ۲، ص ۳.
- استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق / دکتر حسین، یکتا (تألیف)، شماره ۴، ص ۵۱.
- اصول مدیریت و اصول جنگ / مهدی باکری (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۳۸.
- انتخاب منطقه عملیات کربلای ۵ در شرق بصره: چالش‌ها و تدابیر / محمد درودیان (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۵۲.
- انتخاب منطقه عملیات والفجر ۸ و مباحث اساسی طرح مانور عملیات / گروه پژوهش فصلنامه با مقدمه غلامعلی رشید (تألیف)، شماره ۱۵، ص ۲۲.

- بازخوانی عملیات رمضان در گفت‌وگوی اختصاصی فصلنامه نگین ایران با دکتر محسن رضایی (میزگرد)، شماره ۲۵، ص ۶۳.
- بازدارندگی و الزامات آن / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله)، شماره ۲۶، ص ۵.
- بررسی اجمالی شرایط حاکم بر جنگ و چگونگی بازپس‌گیری فاو توسط عراق / مجید نداف (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۱۰۸.
- بررسی تحولات نظامی جنگ در سال ۱۳۶۷ / احسان خرم‌رده (تألیف)، شماره ۲، ص ۲۳.
- بمباران شیمیایی سردشت: ابعاد و پیامدها / دکتر علیرضا ملایی و خاتون حکمت (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۶۷.
- پاییز ۱۳۵۹؛ هجوم سراسری عراق به ایران / سجاد نخعی (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۱۳۵.
- پیامدهای پیروزی ایران بر عراق (پس از فتح خرمشهر) / مدیریت اطلاعات مرکزی سازمان سیا / ترجمه: مهیار گنج‌آبی (ترجمه)، شماره ۲۱، ص ۲۲.
- پیش‌درآمدی بر سقوط فاو / غلامعلی رشید (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۱۰۳.
- تابستان ۱۳۵۹ (مقطع زمینه‌سازی شروع جنگ) / نعمت... سلیمانی‌خواه (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۱۴۳.
- تأثیر تحولات صحنه نبرد در تداوم و پایان جنگ عراق علیه ایران / دکتر مهدی ادیبی سده (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۴۴.
- تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق (بررسی موردی قبل از انقلاب) / دکتر غلامعلی رشید (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۴۲.
- تاریخچه تأسیس و توسعه توپخانه سپاه در جنگ / شهید غلامرضا یزدانی (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۲۵.
- تبلور اندیشه انتظار در صحنه نبرد (سخنرانی دریابان شمخانی) (سخنرانی)، شماره ۹، ص ۱۲۴.
- تبیین عملیات والفجر ۴ / سخنرانی مهدی باکری در جمع مردم تبریز (سخنرانی)، شماره ۲۰، ص ۹۲.
- تجربه‌های جنگ هشت ساله و تصمیمات راهبردی / مجید مختاری (سرمقاله)، شماره ۵، ص ۳.
- تجربه یک جنگ: هزینه درگذشته، سرمایه برای آینده / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۱۵، ص ۶.
- تحلیلی بر روند تحولات جنگ / شهید باقری (سخنرانی)، شماره ۱۴، ص ۱۲۲.
- تحلیلی بر عملیات بیت‌المقدس / فتح... جعفری (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۶۴.
- تحول ساختاری سپاه در دوران جنگ: گفت‌وگو با سردار یزدان مویدپور (گفت‌وگو)، شماره ۲۷، ص ۱۲۱.
- تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات والفجر ۱ در دو گفت‌وگو با مهدی باکری و سرهنگ یوسف عبادت (گفت‌وگو)، شماره ۲۰، ص ۱۰۴.
- تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات والفجر ۴ در دو گفت‌وگو با حمید باکری و سید مهدی حسینی (گفت‌وگو)، شماره ۲۰، ص ۱۱۹.
- تصرف شهر فاو / داوود رنجبر (تألیف)، شماره ۱۵، ص ۵۹.
- توازن شکننده / افرام کارش / داوود علمایی (ترجمه)، شماره ۱۱، ص ۸۸.
- توپخانه سپاه: از شکل‌گیری هسته‌های اولیه تا توسعه سازمان (میزگرد)، شماره ۲۶، ص ۸۱.
- جنگ ایران و عراق: کاربرد سلاح‌های شیمیایی / دکتر حسین یکتا (تألیف)، ش ۳، ص ۱۳.

- جنگ ایران و عراق: بررسی تأثیر جنگ بر استراتژی دفاعی - نظامی ایران / مختار حسینی (تألیف)، شماره ۸، ص ۲۳.
- جنگ ایران و عراق نمونه یک جنگ نامتقارن / مجید مختاری (سرمقاله)، ش ۳، ص ۳.
- جنگ به روایت یک فرمانده / دکتر محسن رضایی (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۴۲.
- جنگ‌ها و نقش‌ها: مطالعه تطبیقی جنگ‌های سه گانه خلیج فارس / دکتر حسین یکتا (تألیف)، شماره ۹، ص ۱۰۸.
- حماسه هویزه و تأثیر آن بر روند جنگ / محمود یزدان‌فام (تألیف)، ش ۳، ص ۸۵.
- در تدارک عملیات سرنوشته ساز / یحیی فوزی، علیرضا لطف‌ا... زادگان (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۹۸.
- دلایل نظامی شکست عراق در چهار عملیات ثامن‌الائمه (ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس / حسن حمیدی‌نیا (تألیف)، ش ۱، ص ۲۴.
- دلایل ورود به خاک عراق؛ پس از آزادسازی خرمشهر / علیرضا لطف‌ا... زادگان (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۸۷.
- روزشمار و هجوم سراسری عراق (مرور کلی بر زمینه سازی هجوم و دوره ۳۵ روزه آغاز جنگ تحمیلی) مهدی انصاری (تألیف)، شماره ۹، ص ۸۸.
- روش توسعه تجربی نیروهای مسلح در جنگ با عراق / دکتر محسن رضایی (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۲۴.
- رویکردهای سه گانه به جنگ ایران و عراق / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۹، ص ۴.
- زرهی سپاه در جنگ؛ شکل‌گیری فراز و نشیب‌ها و عملکرد (میزگرد)، شماره ۲۷، ص ۹۷.
- زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری نیروهای سه‌گانه در سپاه؛ نگرشی تحلیلی - درونی / سید حسین ولی‌پور زرومی (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۹.
- سخنرانی سردار غلامعلی رشید در همایش مهندسی سپاه (سخنرانی)، شماره ۵، ص ۱۰۴.
- سخنرانی سردار غلامعلی رشید در جلسه افتتاحیه دوره سیزدهم دانشگاه دفاع ملی (سخنرانی)، شماره ۱۰، ص ۱۰۲.
- شکل‌گیری توپخانه سپاه: گفت‌وگوی اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار حمید سرخیلی (گفت‌وگو)، شماره ۲۶، ص ۹۳.
- ضرورت رویکرد تخصصی به جنگ در بازتاب بیست و پنجمین سالروز فتح خرمشهر / رضا مومن‌زاده (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۱۶۰.
- عبور از مرز / علیرضا لطف‌ا... زادگان (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۸۶.
- عملکرد توپخانه و موشک‌های نیروی زمینی سپاه (عملیات کربلای ۵) / سردار سرتیپ پاسدار یعقوب زهدی (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۳۳.
- عملکرد و تجربیات زرهی ایران در دفاع مقدس با تأکید بر زرهی سپاه / حسین سرخیلی (گفت‌وگو)، شماره ۲۷، ص ۱۳۱.
- عملیات کربلای ۵: پیروزی استراتژیک - تحلیل استراتژیک / دکتر حسین علایی (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۸۳.
- عوامل و ملاحظات اساسی در فتح فاو / سخنرانی دکتر حسین علایی (سخنرانی)، شماره ۱۵، ص ۱۳۴.
- فتح‌المبین، عملیاتی تاریخی، چرا؟ / سردار غلامعلی رشید (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۱۲۲.

- فتح خرمشهر: ملاحظات نظامی، پیامدهای استراتژیک / سردار غلامعلی رشید (سخنرانی)، شماره ۲۱، ص ۸۶.
- فصل شمار جنگ / سجاد نخعی (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۹۱.
- کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق / دکتر حسین یکتا (تألیف)، شماره ۵، ص ۵۴.
- کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق / جاوید علی / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۸، ص ۵۶.
- کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و پیامدهای استراتژیک آن یک مطالعه تطبیقی / دکتر حیدرعلی بلوچی (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۳۳.
- کارنامه عملیاتی لشکر ۳۱ عاشورا در جنگ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۰، ص ۱۶۲.
- گرامیداشت سالروز فتح خرمشهر پس از ربع قرن (کنکاش در گفتمان رسانه‌ای جنگ) / رضا مومن‌زاده (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۹۴.
- گزارش توصیفی از عملیات قرارگاه نجف در عملیات والفجر ۸ / خسرو شاه محمدی (تألیف)، شماره ۱۵، ص ۱۱۳.
- گزارشی از میزگرد راویان کربلای ۵، چالش از درون و برون: مروری بر گفتمان اقناعی در مدیریت جنگ مردمی / مجید نداف (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۹۹.
- گزارشی از یک عملیات نیمه‌گسترده (امام‌علی(ع)؛ حمله... اکبر) / خسرو شاه محمدی (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۸۳.
- گفت‌وگو با امیر دریابان علی شمخانی (گفت‌وگو)، شماره ۱۰، ص ۱۰.
- گفت‌وگو با امیرحسین سعدی (مصاحبه)، شماره ۹، ص ۸.
- لشکر ۸ نجف اشرف در عملیات کربلای ۵، جنگ و گریز در شرق بصره / مهدی انصاری (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۹۶.
- لشکر ۸ نجف در عملیات والفجر ۸، پیشروی در عمق / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۵۸.
- ماجرای مک فارلین (روزشمار جنگ ایران و عراق) یحیی فوزی، علی لطف... زادگان، مهدی انصاری (تألیف)، شماره دهم، ص ۷۶.
- مصاحبه آیت... هاشمی رفسنجانی در روزنامه همشهری ۱۳۸۲/۷/۱، (اطلاع‌رسانی)، شماره ۵، ص ۱۰۷.
- مصاحبه دکتر محسن رضایی با روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۳/۳ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۵، ص ۱۱۸.
- مصاحبه دکتر محسن رضایی با سایت اینترنتی بازتاب، ۱۳۸۲/۷/۷ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۵، ص ۱۱۲.
- مصاحبه اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار دکتر حسین علایی (گفت‌وگو)، شماره ۶، ص ۹۶.
- مصاحبه روزنامه کیهان با آیت... هاشمی رفسنجانی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۷، ص ۸۲.
- مصاحبه روزنامه همشهری با دکتر سید رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران درباره فتح خرمشهر، ۱۳۸۳/۳/۵ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۸، ص ۱۱۶.
- مصاحبه سردار علایی با روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۳ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۵، ص ۱۱۶.
- نبرد راه‌گشا، نگاهی به عملیات طریق‌القدس / دکتر حسین علایی (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۸۱.

- نقاط قوت و ضعف ایران و عراق / ربکا کالن / سیدمسعود موسوی (ترجمه)، شماره ۷، ص ۳۶.
- نقد و بررسی روند تحولات جنگ ایران و عراق / گفت‌وگوی جمعی از فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، بخش نخست (گفت‌وگو)، شماره ۱۹، ص ۱۲.
- نقد و بررسی روند تحولات جنگ ایران و عراق / گفت‌وگوی جمعی از فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، بخش دوم (گفت‌وگو)، شماره ۲۱، ص ۱۰.
- نقد و بررسی روند تحولات جنگ ایران و عراق / گفت‌وگوی جمعی از فرماندهان سپاه با آقای هاشمی رفسنجانی، بخش پایانی (گفت‌وگو)، شماره ۲۳، ص ۱۰.
- نقش سپاه در جنگ و تأمین امنیت / سخنرانی دکتر حسن روحانی (سخنرانی)، شماره ۱۶، ص ۱۶۲.
- نقش و تأثیر فتح فاو در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ / محمد درودیان (تألیف)، شماره ۱۵، ص ۱۲۹.
- نقش و جایگاه شهید حسن باقری در جنگ هشت ساله (سخنرانی)، شماره ۴، ص ۱۱۲.
- نگاهی گذرا به نبرد فاو / دکتر حسین علایی (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۷۸.
- نوآوری و ابتکارات در جنگ: طراحی و ساخت پل خیبری / مهدی خداوردی (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۸۱.

۳. مباحث سیاسی جنگ ایران و عراق

- آسیب‌شناسی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران طی جنگ تحمیلی / گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر علی خرم (گفت‌وگو)، شماره ۲۸، ص ۱۰۹.
- آیا تصرف سفارت آمریکا در حمله عراق به ایران تأثیر داشت؟ / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۱۰، ص ۴.
- آینده‌نگری و بازدارندگی / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله)، شماره ۲۵، ص ۵.
- ارزش‌های دفاع مقدس: بسترها و موانع بالندگی / دکتر مهدی ادیبی سده (تألیف)، شماره ۶، ص ۸۶.
- استراتژی براندازی از درون خاک عراق / گفت‌وگو با آقای طاهری (گفت‌وگو)، شماره ۱۷، ص ۲۰.
- استراتژی‌های کشور در جنگ هشت ساله / مجید مختاری (سرمقاله)، شماره ۲، ص ۳.
- استفاده از تجربه جنگ پس از جنگ در گفت‌وگو با سردار محمدعلی (عزیز) جعفری (گفت‌وگو)، شماره ۱۵، ص ۱۰.
- ایران، عراق و مذاکرات آتش بس / چارلز مک دونالد (ترجمه)، شماره ۱، ص ۷۲.
- ایران؛ تعامل جنگ و سیاست خارجی / دکتر حسین اردستانی (تألیف)، شماره ۳، ص ۲۱.
- بازدارندگی، گروه‌بندی‌های اجتماعی و مقاومت در گفت‌وگو با سرلشکر غلامعلی رشید (گفت‌وگو)، شماره ۱۴، ص ۱۲.
- بحران در خوزستان، دکتر حسین یکتا (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۹۵.
- تجزیه و تحلیل عوامل و شرایط موثر در پایان جنگ: سخنرانی شهید احمد کاظمی (سخنرانی)، شماره ۱۶، ص ۱۴۲.
- تصرف سفارت آمریکا: زمینه‌ها و عوامل موثر / محمد درودیان (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۴۸.
- توطئه آمریکا و عراق در حمله به ایران (سخنرانی شهید همت) (سخنرانی)، شماره ۱۲، ص ۱۲۴.
- جنگ ایران و عراق: پیروزی، شکست / محمود یزدان‌فام (تألیف)، شماره ۷، ص ۸.

- جنگ و سیاست، پیوستگی یا تعامل؟ محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۲۱، ص ۶.
- جنگ هشت ساله: تجلی اراده جمعی ملت ایران / مجید مختاری (سرمقاله)، شماره ۱، ص ۳.
- جنگ هشت ساله و آینده اندیشی نظامی / مجید مختاری (سرمقاله)، شماره ۶، ص ۳.
- چگونگی شکل‌گیری ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر روند آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق (۱۳۶۱ - ۱۳۵۷) / احسان خرم‌دره (تألیف)، شماره ۱، ص ۲۴.
- خرم‌شهر نمادی ماندگار و هویت‌بخش / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله)، شماره ۲۸، ص ۵.
- درس آموزی از جنگ هشت ساله / محمود یزدان‌فام (سرمقاله)، شماره ۷، ص ۴.
- دولت رجایی و جنگ ایران و عراق / سجاد راعی گلوچه (تألیف)، شماره ۲، ص ۶۵.
- دومین گردهمایی فرماندهان و مسئولان جنگ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۵، ص ۱۵۹.
- روایتی دیگرگون از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق؛ رویارویی ایمان در برابر زور / دکتر داود غریبانی زندی (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۴۳.
- فتح خرم‌شهر ملاحظات و ضرورت‌ها / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۱۲، ص ۴.
- گزارش محفل انس یادگاران دفاع مقدس (گردهمایی فرماندهان جنگ)، (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۵۸.
- گفت‌وگو با دکتر چگینی‌زاده و دکتر زهرانی (گفت‌وگو)، شماره ۱۱، ص ۱۰.
- ماهیت ارتش، کودتای نوژه و نقش ارتش و سپاه در جنگ / محمد درودیان (تألیف)، شماره ۹، ص ۱۴۰.
- مسائل بنیادین جنگ ایران و عراق کدام است؟ / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۲۳، ص ۶.
- مصاحبه روزنامه اعتماد با آیت‌ا... موسوی اردبیلی درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ۲۸ / ۲ / ۱۳۸۳ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۸، ص ۱۱۹.
- مطالعه تطبیقی رفتار ایران و عراق با سازمان ملل طی جنگ تحمیلی / دکتر حسین یکتا (تألیف)، شماره ۸، ص ۸.
- مقدمه آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی بر کتاب دوازده نامه مبادله شده میان ایران و عراق (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۱، ص ۱۴۸.
- ملاحظات و پیامدهای انتشار یک سند تاریخی (نامه تاریخی امام (ره) درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸) / رضا مومن‌زاده (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۳۴.
- ملاحظات درباره پذیرش قطع نامه ۵۹۸ / محمدتقی جنس‌بافی (تألیف)، شماره ۲، ص ۱۹.
- ملاحظات درباره ریشه‌های جنگ هشت ساله / مسعود کوهستانی نژاد (تألیف)، شماره ۲۷، ص ۹.
- مناسبات ایران با کردهای عراق در طول هشت سال جنگ / کامیل کریمیان (تألیف)، شماره ۳، ص ۹۶.
- نقد و نظری دیگر به گفتمان جنگ در گفت‌وگو با دکتر کاشی (گفت‌وگو)، شماره ۱۲، ص ۱۰.
- نقش توسعه‌طلبی ارضی رژیم بعث در وقوع جنگ ایران و عراق / سید مسعود موسوی (تألیف)، شماره ۵، ص ۳۸.
- همسایگان ناخواسته: قومیت مشترک و کشمکش بین‌المللی طی جنگ سرد / داگلاس وودول / ترجمه: عبدالمجید حیدری (ترجمه)، شماره ۱۱، ص ۳۴.
- یک ماه جنگ برای یک عمر صلح / دکتر حسین علایی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۱، ص ۱۵.

۴. احزاب و گروه‌های سیاسی

- برای قضاوت تاریخ / مجید نداف (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۱۰۶.
- بررسی نقش حزب توده در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران / دکتر فلاح (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۴۵.
- بررسی نقش منافقین در جنگ ایران و عراق / نویسنده: عباس افلاطونی (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۵۷.
- روایت فرار شبانه (خاطرات کادر پرواز هواپیما) / سرهنگ قاضی عسگر و سرهنگ دهقان (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۱۴۱.
- سازمان مجاهدین خلق (منافقین): توهم قدرت - شکست در استراتژی / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۱۷، ص ۶.
- عملیات فروغ جاویدان: بن بست در استراتژی / ناصر شبانی (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۸۵.
- گروه رجوی، فرار به جلو پیوند با حزب بعث عراق / جمعی از پژوهش‌گران (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۴۲.
- نقد و بررسی دو گفت‌وگو درباره تحلیل روند منجر به اتخاذ مشی مسلحانه توسط منافقین (شاهسوندی - عزت مطهری) / رضا مومن‌زاده (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۱۵۳.
- نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق / رضا بسطامی (تألیف)، شماره ۳، ص ۹۶.
- همسویی حزب دموکرات کردستان ایران و رژیم صدام در آغاز جنگ تحمیلی / رضا بسطامی (تألیف)، شماره ۸، ص ۱۰۵.

۵. مباحث فرهنگی و اجتماعی جنگ ایران و عراق

- اشغال و اشغالگری از منظر نیروهای مردم / مجید نداف (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۵۴.
- الگوسازی در دوران جنگ / دکتر سید عبدالامیر نبوی (تألیف)، شماره ۵، ص ۲۹.
- انعکاس مطالب مربوط به جنگ هشت‌ساله در مطبوعات (اطلاع‌رسانی)، شماره ۶، ص ۱۱۲.
- بازتاب رسانه‌ای جنگ (هفته دفاع مقدس) / مومن‌زاده (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۳۸.
- تبیین چارچوب‌های نظری برای نمایشگاه و پایگاه اطلاع‌رسانی تاریخ جنگ (گفت‌وگو)، شماره ۱۱، ص ۱۶۰.
- بحثی پیرامون رابطه دو پدیده: جنگ و شکاف نسل‌ها (نقد گفت‌وگوی دکتر رجب‌زاده با ماهنامه نامه) / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۱۴۵.
- برگزاری سومین دوره آشنایی با دفاع مقدس (دانشجویان دانشگاه امام حسین(ع))، (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۶۰.
- برگزاری نهمین جشنواره انتخاب کتاب دفاع مقدس (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۶۸.
- بررسی جنگ تحمیلی در دایره‌المعارف خارجی / علیرضا فرشچی، سید کمال‌الدین محمد رفیعی (تألیف)، شماره ۲۷، ص ۲۹.
- تحقیق و پژوهش در دفاع مقدس / دکتر محسن رضایی (سخنرانی)، شماره ۲۲، ص ۹۲.
- تحلیل محتوای اخبار مطبوعات جهان در رابطه با زمینه‌سازی جنگ ایران و عراق / رقیه محمدی (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۴۵.

- تعامل نمادهای جنگ و هویت ملی در روسیه (یافته‌های سفر) دکتر امینیان، دکتر کرمی (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۴۸.
- جنگ تحمیلی و هویت ملی / مهدی رحمتی (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۴۱.
- در حاشیه گرامیداشت هفته دفاع مقدس / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۱۲۴.
- راه پیموده: نگاه گذرایی به هشت شماره فصلنامه / محمود یزدان‌فام (سرمقاله)، شماره ۸، ص ۴.
- رویکرد خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به جنگ تحمیلی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۹، ص ۱۶۴.
- رویکرد فرهنگی اجتماعی به جنگ ایران و عراق / خسرو شاه‌محمدی (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۸۶.
- ریشه‌های اجتماعی جنگ با تأکید بر جنگ ایران و عراق / تام و رکمن / ترجمه: عسکر قهرمان‌پور (ترجمه)، شماره ۱۴، ص ۲۲.
- سرمایه‌های اجتماعی جنگ هشت ساله و تثبیت نظام / مجید مختاری (سرمقاله)، شماره ۴، ص ۳.
- ضرورت پژوهش در حوزه جنگ ایران و عراق / غلامعلی رشید (سخنرانی)، شماره ۱۸، ص ۸۰.
- ضرورت رویکرد جامعه‌شناختی به جنگ / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۱۴، ص ۶.
- عاشورا: نمادی الهام‌بخش در مبارزات حق طلبانه / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله)، شماره ۲۷، ص ۵.
- گزارشی از اولین همایش پژوهش و دفاع مقدس (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۸، ص ۱۶۶.
- گفت‌وگو با سرهنگ پاسدار محسن رخصت طلب (گفت‌وگو)، شماره ۹، ص ۱۵۲.
- گفت‌وگو با نصرا... صمدزاده مسئول کتابخانه جنگ دفتر ادبیات و هنر مقاومت / زهرا ابوعلی (گفت‌وگو)، شماره ۲۶، ص ۱۶۳.
- مصاحبه روزنامه همشهری با سردار درودیان (اطلاع‌رسانی)، شماره ۶، ص ۱۰۹.
- معرفی فعالیت‌ها و عملکرد دفتر ادبیات و هنر مقاومت / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۰، ص ۱۴۶.
- معرفی و نقد گفتمان جنگ در رسانه‌ها و زبان ادبیات / علیرضا فرشچی (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۱۳۰.
- نگاهی به آثار اجتماعی جنگ / دکتر عبدالامیر نبوی (تألیف)، شماره ۲، ص ۹۳.

۶. مباحث اقتصادی جنگ ایران و عراق

- اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی / حمیدرضا رئوفی (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۲۳.
- نفت و بی‌ثباتی: اقتصاد سیاسی نفت و جنگ ایران و عراق / جیاکومولوجیا / ترجمه: گروه ترجمه فصلنامه (ترجمه)، شماره ۱، ص ۹۷.
- هزینه اقتصادی جنگ ایران و عراق / کامران مفید / ترجمه: داریوش قمری (ترجمه)، شماره ۵، ص ۹۰.
- هزینه‌های نظامی ایران در دهه ۷۰ و ۸۰ / کامران مفید / ترجمه: محمدعلی خرمی (ترجمه)، شماره ۸، ص ۴۲.

۷. مباحث حقوقی جنگ ایران و عراق

- اعمال حق دفاع مشروع در جنگ عراق علیه ایران / فریده محمدعلی‌پور (تألیف)، شماره ۷، ص ۴۳.
- بررسی ابعاد حقوقی حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۲۵.

- تأملی بر رأی ۶ نوامبر ۲۰۰۳ دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد سکوهای نفتی ایران / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، شماره ۶، ص ۳۰.
- حادثه ایرباس، از آغاز تا پایان / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، شماره ۵، ص ۷.
- رابطه ضرورت نظامی و اصول بشردوستانه در حقوق مخاصمات مسلحانه توازن یا تحدید / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۹.
- عراق و میزان پای‌بندی آن به حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه در جریان جنگ هشت ساله / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، شماره ۱، ص ۹۷.
- مواضع و واکنش سازمان ملل در دو جنگ ایران و عراق و آمریکا و عراق / مرتضی شیرودی (تألیف)، شماره ۹، ص ۶۸.
- نگاهی اجمالی به قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق / علیرضا خداقلی‌پور (تألیف)، شماره ۴، ص ۶۸.
- نگاهی بر ابعاد حقوقی حملات نظامی آمریکا به سکوهای نفتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس / دکتر صالح رضایی پیش‌رباط (تألیف)، شماره ۳، ص ۵.

۸. مباحث پایه و نظری

- آزمون نظریه‌های پایان جنگ در جنگ ایران و عراق / ثوکان هوی / ترجمه: محمدعلی قاسمی (ترجمه)، شماره ۱۲، ص ۵۴.
- از پرسشگری تا روشننگری؛ نقد گفتمان پس از جنگ / فرانک جمشیدی (تألیف)، شماره ۹، ص ۱۳۴.
- بازدارندگی در امنیت ملی کشورهایی با اندازه متوسط / رابرت اولسوسکی / ترجمه: عبدالمجید حیدری (ترجمه)، شماره ۱۰، ص ۳۷.
- بازدارندگی دو راهبرد / علیرضا فرشچی (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۳۲.
- بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر نظریه سازه‌نگاری / وحید اسدزاده (تألیف)، شماره ۲۷، ص ۴۷.
- بررسی گفتمان‌های پس از جنگ بر اساس دو رکن ذهنیت و کلیت / فرانک جمشیدی (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۱۱۶.
- بررسی نظریه‌های پایان جنگ / دکتر مصطفی زهرانی (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۳۴.
- پایه‌های روان‌شناختی جنگ / رابرت ای هیند / ترجمه: داود علمایی (ترجمه)، شماره ۲۲، ص ۲۴.
- تئوری پیچیدگی و محیط جنگ فرماندهی و کنترل / عبدالرسول دیوسالار (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۲۰.
- تاریخ جنگ / کی. اس. سیدو - ترجمه: داود علمایی (ترجمه)، شماره ۱۸، ص ۳۷.
- تاریخ نظامی نوین: کارگزاران آن و اقدامات آنها / دون‌های جین بوتام / ترجمه: محمد باقر سلیمانی (ترجمه)، شماره ۱۸، ص ۲۸.
- تأملی فلسفی در علل آغاز جنگ ایران و عراق / قدرت... قربانی (تألیف)، شماره ۵، ص ۱۶.
- تناقضات جنگ / کرانت تی هاموند / ترجمه: دکتر سهراب سوری (ترجمه)، شماره ۱۹، ص ۳۳.
- جنگ ایران و عراق نمونه جنگ نامتقارن / مجید مختاری (سرمقاله)، ش ۳، ص ۳.

- جنگ برق آسا گذشته و حال / دکتر عبدالله قنبرلو (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۱۱.
- جنگ و نظریه بین‌المللی در جهان سوم / کی. جی. هالستی / ترجمه: عبدالحمید حیدری (ترجمه)، شماره ۹، ص ۴۸.
- حماسه‌ای بر پایه عقل: گفت‌وگو با محمد درودیان (مصاحبه)، ش ۱، ص ۱۶۳.
- درآمدی بر پدیدارشناسی جنگ‌های آینده / علیرضا فرشچی (تألیف)، شماره ۹، ص ۴۲.
- درس نظامی چیست؟ / ویلیام ث فولر (پسر) / ترجمه: سرتیپ علی اصغر حقیقی (ترجمه)، شماره ۲۳، ص ۲۸.
- دکترین قابلیت مبنا / علیرضا فرشچی (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۴۴.
- مبانی رفتار دفاعی ایران / قدرت‌ا... قربانی (تألیف)، ش ۲، ص ۳۸.
- مبانی فکری و نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ / دکتر اکبر مهدی‌زاده (تألیف)، ش ۲، ص ۵۳.
- نقش متغیرهای سیستمیک در جنگ ایران و عراق / دکتر اکبر مهدی‌زاده (تألیف)، شماره ۷، ص ۲۴.

۹. عراق و جنگ تحمیلی

- افزایش ابزارها در جنگ ایران و عراق: ناسازگاری عناصر استراتژی صدام / کارلاتورز و وینست دیفرونزو / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۶، ص ۸.
- بحران ملت‌سازی در عراق و آغاز جنگ هشت ساله / کامیل کریمیان (تألیف)، ش ۴، ص ۴۱.
- تجدید رابطه آمریکا و عراق در جریان جنگ تحمیلی / هادی نخعی (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۸۸.
- صدام و جنگ ایران و عراق / کول ترفتون و کول ایشروود / محمود یزدان‌فام (ترجمه)، شماره ۶، ص ۱۹.
- عراق تحت حاکمیت صدام کشاکش قدرت و ناتوانی / گروه ترجمه فصلنامه (ترجمه)، شماره ۱۲، ص ۱۱۴.
- عراق: مسائل امنیت ملی و نیروهای مسلح (۱۹۸۸ - ۱۹۸۰) / ترجمه، ش ۴، ص ۹۲.
- نسل جنگ در عراق موردی از ملی‌گرایی پدرسالارانه شکست خورده / فالح جبار / ترجمه: عسکر قهرمان‌پور (ترجمه)، شماره ۲۵، ص ۱۵.

۱۰. کشورهای ثالث و جنگ ایران و عراق

- آمریکا چگونه صدام را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟ / نورم دیکسن / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۲۴، ص ۵۹.
- اهداف آمریکا در جنگ ایران و عراق / سیامک تیمورپور (تألیف)، شماره ۸، ص ۹۳.
- بررسی سیاست خارجی و رفتار عربستان در قبال جنگ ایران و عراق / دکتر: اکبر مهدی‌زاده (تألیف)، ش ۴، ص ۳۲.
- بررسی مواضع و عملکرد کویت در جنگ ایران و عراق / سید مسعود موسوی (تألیف)، شماره ۸، ص ۷۵.
- بررسی موضع ساف در جنگ ایران و عراق / مختار حسینی (تألیف)، شماره ۶، ص ۴۳.
- تکاپوی جهانی برای توقف جنگ / دکتر حسین اردستانی (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۵۳.
- جنگ ایران و عراق و تأثیر آن بر ترکیه / اورن آلتینکاش / ترجمه: عبدالمجید حیدری (ترجمه)، شماره ۲۷، ص ۶۳.

- جنگ خلیج فارس و کشورهای منطقه؛ تداوم و تحول الگوها / گرد نان من / ترجمه: پریسا کریمی نیا (ترجمه)، شماره ۲۶، ص ۵۳.
- دلایل و ریشه‌های موضع‌گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق / رحمان قهرمان‌پور (تألیف)، ش ۱، ص ۴۹.
- راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق / محمد حسینی مقدم (تألیف)، ش ۳، ص ۵۰.
- روابط خارجی ایران با کشورهای خاورمیانه در طول جنگ تحمیلی / مختار حسینی (تألیف)، ش ۲، ص ۸۱.
- روزشمار دخالت آمریکا در جنگ تحمیلی در پرتو اسناد جدید / ترجمه و مقدمه تحلیلی: دکتر علی امیدی (ترجمه)، شماره ۲۱، ص ۷۲.
- شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق / جوزف ای. کشیشان / ترجمه: گروه ترجمه فصلنامه (ترجمه)، شماره ۱، ص ۸۳.
- شوروی: تلاش برای ایجاد توازن و پایان جنگ ایران و عراق / حایم شمش / دکتر محمدعلی قاسمی (ترجمه)، شماره ۲۸، ص ۹۳.
- شوروی؛ آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق / حایم شمس / ترجمه: دکتر محمدعلی قاسمی (ترجمه)، شماره ۲۷، ص ۷۱.
- عراق و آمریکا در جنگ تحمیلی؛ پیوستگی هدف و همسویی عملکرد / صادق سلیمی بنی (ترجمه)، شماره ۶، ص ۷۸.
- غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷ (۱) / آنتونی کردزمن / پریسا کریمی نیا (ترجمه)، شماره ۵، ص ۶۳.
- غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷ (۲) / آنتونی کردزمن / پریسا کریمی نیا (ترجمه)، شماره ۶، ص ۵۴.
- غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس؛ ۱۹۸۷ (۳) / آنتونی کردزمن / پریسا کریمی نیا (ترجمه)، شماره ۷، ص ۵۵.
- موضع‌گیری و عملکرد سوریه در جنگ هشت ساله / سید مسعود موسوی (تألیف)، ش ۳، ص ۳۴.
- نقش مصر در جنگ ایران و عراق / مختار حسینی (تألیف)، ش ۱، ص ۶۰.
- نقش ناسیونالیسم عربی در جنگ ایران و عراق / مختار حسینی (تألیف)، ش ۴، ص ۱۹.
- نگاهی اجمالی به مهمترین تحولات روابط ایران و آمریکا / رضا مومن‌زاده، شماره ۱۰، ص ۵۸.
- ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ (بخش ۱) / آنتونی کردزمن (ترجمه)، ش ۳، ص ۶۱.
- ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ (بخش ۲) / آنتونی کردزمن (ترجمه)، ش ۴، ص ۷۴.

۱۱. تاریخ نگاری جنگ ایران و عراق

- آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری جنگ / فرانک جمشیدی (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۶۰.
- اقتراح: بحث درباره راوی و روایت (گفت‌وگو)، شماره ۲۲، ص ۹۷.
- بررسی تاریخ‌نگاری جنگ با حضور آقای کاوه بیات، راویان و محققین جنگ (گفت‌وگو)، شماره ۱۳، ص ۱۴.
- بررسی گفتمان‌های پس از جنگ (میزگرد اعضای هیئت تحریریه فصلنامه) (میزگرد)، شماره ۱۱، ص ۱۱۰.
- بیم‌ها و امیدها در تاریخ‌نگاری جنگ (نقد و بررسی دو دیدگاه) / مجید نداف (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۹۸.
- پیش‌درآمدی بر دو گفت‌وگو درباره تاریخ‌نگاری جنگ / فرانک جمشیدی (گفت‌وگو)، شماره ۱۳، ص ۱۰.

- پیش درآمدی به شکل گیری تاریخ نگاری هشت سال دفاع مقدس در ارتش / مسعود بختیاری (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۷۳.
- پیش درآمدی بر تاریخ نگاری جنگ در سپاه / گروه پژوهش فصلنامه (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۱۱۶.
- پیش درآمدی بر تاریخ نگاری شفاهی (اطلاع رسانی)، شماره ۲۲، ص ۱۵۰.
- تاریخ نگاری جنگ در سپاه از نگاه راویان (گفت و گو)، شماره ۱۳، ص ۲۷.
- تاریخ نگاری جنگ در عصر اسلامی (از آغاز تا عصر عباسی) / دکتر اصغر قائدان (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۷۰.
- تاریخ نگاری جنگ / دکتر رضا داوری اردکانی (گفت و گو)، شماره ۱۸، ص ۱۰.
- تاریخ نگاری جنگ و اقدامات برجسته مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه / دکتر محمد کرمی راد (سرمقاله)، شماره ۱۹، ص ۶.
- تاریخ نگاری جنگ و چالش های پیش رو / فتاح غلامی (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۷۷.
- تاریخ و تاریخ نگاری جنگ ایران و عراق / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۱۳، ص ۴.
- تأملاتی در روش شناسی مطالعات پدیده جنگ / سخنرانی آقای علیرضا کمره ای (سخنرانی)، شماره ۱۱، ص ۱۲۴.
- تغییر در روایت جنگ: زمینه ها و عوامل موثر / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۲۲، ص ۶.
- جریان های تاریخ نگاری و تاریخ نگری جنگ ایران و عراق / علیرضا کمره ای (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۵۰.
- خاطره گویی گونه ای از روایت جنگ / گفت و گو با مرتضی سرهنگی و هدایت... بهبودی (گفت و گو)، شماره ۲۲، ص ۱۰.
- درآمدی بر مطالعه نشانه شناختی روایت / علیرضا کمره ای (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۳۷.
- روایت و نگاه های مختلف به جنگ / برادر مرتضی مصطفوی (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۱۴۴.
- روایت گری؛ ملاحظات و آسیب پذیری ها / محمد جان پور (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۱۳۶.
- رویکرد تاریخی به جنگ / گفت و گو با سردار باقرزاده (گفت و گو)، شماره ۱۳، ص ۱۵۲.
- شرحی بر روش تاریخ نگاری در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه / مجید نداف (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۶۰.
- فراشدن از تبلیغ تا تبیین در تاریخ نگاری جنگ - دفاع مقدس / علیرضا کمره ای (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۴۰.
- فرماندهان نظامی و تدوین تاریخ جنگ: توانمندی ها و محدودیت ها (میزگرد)، شماره ۲۴، ص ۶۷.
- گزارش دومین دوره آموزش ویژه راویان فتح (اطلاع رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۶۱.
- ملاحظات در باب تاریخ نگاری جنگ / محمد درودیان (سرمقاله)، شماره ۱۸، ص ۶.
- منشور روایت گری / دکتر حسین یکتا (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۱۴۷.
- موزه های جنگ و نقش تاریخ سازی / دکتر فرهاد ساسانی (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۴۸.
- نقدی بر تاریخ نگاری فرماندهان جنگ / فرانک جمشیدی (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۸۸.
- نگران اسناد زنده جنگ باشیم / رضا مومن زاده (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۱۵۶.
- نوآوری در روایت جنگ: ضرورتی اجتناب ناپذیر / دکتر فرهاد درویشی (سرمقاله)، شماره ۲۴، ص ۵.
- نیازسنجی اطلاعاتی و درآمدی نو بر راهبردهای تاریخ نگاری مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ / امیر رزاق زاده (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۵۷.

۱۲. فرماندهان شهید جنگ تحمیلی

- از نمایی نزدیک، از نمایی دور / دکتر محسن رضایی (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۲۲.
- اوصاف یک فرمانده / سردار غلامعلی رشید (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۲۹.
- باقری فراتر از دست نوشته‌هایش / علی مینو (تألیف)، شماره ۱۱، ص ۶۰.
- باکری آن گونه که من می‌شناختم / دکتر محسن رضایی (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۴۴.
- پیش‌درآمدی بر سبک مدیریت شهید باکری / دکتر محمدحسین فرهنگی (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۷۴.
- پیش‌درآمدی بر فضائل اخلاقی و خصوصیات فرماندهی شهید حسن باقری / دکتر غلامعلی رشید (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۱۳۲.
- در تمنای شهادت / احمد کاظمی (سرمقاله)، شماره ۱۶، ص ۶.
- در جنگ و پس از جنگ / دکتر حسین علایی (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۳۷.
- در رثای نظریه‌پرداز جنگ / سردار غلامعلی رشید (سرمقاله)، شماره ۱۱، ص ۴.
- سرگذشت پژوهش شهیدان؛ چالش‌ها و راه‌کارها / دکتر محسن شاه‌رضایی (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۳۲.
- شهید باقری، اسوه ناشناخته؛ درآمدی بر الگوی فرماندهی و مدیریت / سردار ظریف‌منش (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۶۰.
- شهید کاظمی و نقش او در جنگ / سردار قاسم سلیمانی (گفت‌وگو)، شماره ۱۶، ص ۱۰.
- شهید مهدی باکری به روایت فرماندهان جنگ / پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۰، ص ۱۵۲.
- ضرورت نگاه متفاوت به شهید باکری (گفت‌وگو)، شماره ۲۰، ص ۱۰.
- فرماندهی شهید باکری الگوی رفتاری و اخلاقی / دکتر ظریف‌منش (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۷۷.
- گفتاری درباره شهید باکری / دکتر سیدرحیم صفوی (سرمقاله)، شماره ۲۰، ص ۶.
- مرزی بین مدیریت آشتی‌پذیر و آشتی‌ناپذیر / مجید نداف (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۴۶.
- مروری بر سختی‌های جنگ و نقش شهید مهدی باکری / سردار غلامعلی رشید (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۴۸.
- مهدی باکری سردار اسلام در اندیشه و در عمل / دکتر حسین علایی (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۵۲.
- نقش و جایگاه شهید باقری در طرح ریزی استراتژی نظامی و فرماندهی جنگ (سردار سرلشکر رحیم صفوی (سخنرانی)، شماره ۱۱، ص ۱۰۶.
- نقد رویکرد موجود درباره فرماندهان شهید / محسن حسام‌مظاهری (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۰، ص ۱۰۰.
- نگاه بکر به باکری امکان‌پذیر است؟ / خانم فرانک جمشیدی (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۲۲.
- یادبود شهید باکری / محمد جولایی تهرانی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۰، ص ۱۵۵.

۱۳. اسناد و گزارش‌ها

- آمار شهدای توپخانه سپاه در طول ۸ سال دفاع مقدس (سند)، شماره ۲۶، ص ۱۲۳.
- ارزیابی عملیات بیت‌المقدس (سند)، ش ۱، ص ۱۲۶.
- ارزیابی وضعیت تیپ ۷ دزفول (ولی عصر) در عملیات بیت‌المقدس / گروه پژوهش فصلنامه (گزارش)، شماره ۲۴، ص ۹۹.

- استراتژی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس (گزارش)، شماره ۶، ص ۱۲۳.
- استراتژی دفاع متحرک عراق: اهداف و مقاصد دشمن (گزارش)، شماره ۸، ص ۱۲۶.
- اسناد تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق (۲) مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (سند)، شماره ۱۸، ص ۱۱۰.
- اسناد زرهی سپاه در جنگ / گروه پژوهش فصلنامه (سند)، شماره ۲۷، ص ۱۵۵.
- اسناد عراقی در آستانه عملیات بدر (سند)، شماره ۲۳، ص ۱۴۵.
- اصول تحقیق و وظایف راوی (سند)، شماره ۱۳، ص ۱۳۷.
- انتشار یک سند تاریخی / دکتر حسین علایی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۱، ص ۱۵۴.
- انهدام زرهی عراق در شرق بصره؛ تشکیل تیم‌های شکار تانک (گزارش)، شماره ۲۵، ص ۸۱.
- بازخوانی یک سند شفاهی از تاریخ جنگ مصاحبه با علی شمخانی (سند)، شماره ۱۰، ص ۱۳۰.
- بررسی وضعیت نیروهای عراقی در عملیات بیت‌المقدس توسط قرارگاه کربلا / گروه پژوهش فصلنامه (گزارش)، شماره ۲۴، ص ۱۳۵.
- پرسش‌های مطرح شده در بازجویی از اسرای ایرانی (سند)، ش ۲، ص ۱۶۲.
- تحلیل ارتش عراق از دلایل شکستن در عملیات فتح‌المبین (سند)، ش ۲، ص ۱۵۴.
- تحلیل درون گروهی سازمان منافقین از عملیات رمضان و آینده جنگ (سند)، شماره ۲۵، ص ۱۳۱.
- تحلیلی بر آخرین وضعیت دشمن پیش از آغاز عملیات بدر (سند)، شماره ۷، ص ۱۵۱.
- تحلیلی بر عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس (گزارش)، شماره ۸، ص ۱۴۳.
- تحلیلی پیرامون تخلیه سرپل اشغالی دشمن در شمال نisan (سند)، ش ۲، ص ۱۵۴.
- تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات بدر در دو گزارش (گزارش)، شماره ۲۰، ص ۱۳۴.
- تغییر استراتژی عملیاتی سپاه از جنوب به شمال (دلایل انتخاب منطقه عملیاتی کربلای ۱۰) (گزارش)، شماره ۱۲، ص ۱۴۸.
- توپخانه در جنگ به روایت اسناد / به‌اهتمام: داود ریاحی (سند)، شماره ۲۶، ص ۱۰۵.
- توجیه نیروهای عمل کننده در عملیات رمضان؛ دغدغه اساسی فرمانده سپاه پس از عملیات / هادی نخعی (گزارش)، شماره ۲۵، ص ۹۵.
- جرقه اولیه عملیات در هور؛ ماحصل توقف و بن‌بست در عملیات رمضان (گزارش)، شماره ۲۵، ص ۷۵.
- جزوه آموزش اصول دفاع برای افسران با سابقه رده‌های رزمی (سند)، شماره ۲۸، ص ۱۲۳.
- جلسه فرماندهان سپاه پس از پایان عملیات رمضان (سند)، شماره ۵، ص ۱۳۹.
- جلسه فرماندهان سپاه در خصوص عملیات ثامن‌الائمه (ع) (سند)، شماره ۶، ص ۱۵۷.
- جلسه فرماندهان سپاه درباره بمباران شیمیایی مردم حلبچه توسط صدام (سند)، ش ۲، ص ۱۴۲.
- جمع‌بندی از عملیات فتح‌المبین (سند)، ش ۴، ص ۱۵۹.
- جمع‌بندی عملیات والفجر ۸ / مصاحبه راویان با برادر محسن رضایی (سند)، شماره ۱۵، ص ۱۴۶.
- جنگ تحمیلی؛ محاصره آبادان و مبنای طرح‌ریزی برای شکست حصر آن (گزارش)، شماره ۶، ص ۱۱۴.
- چارچوب کلی گزارش یگان‌ها، لشکر و تیپ (سند)، شماره ۱۳، ص ۱۴۳.

- چگونگی درک ارتش عراق از سپاه و بسیج (سند)، شماره ۲۵، ص ۱۳۳.
- حماسه آفرینی غواصان و خط شکنان لشکر ۴۱ ثارا... در عملیات والفجر ۸ (گزارش)، ش ۳، ص ۱۳۶.
- خلاصه بازجویی از یکی از پناهندگان عراقی (سند)، ش ۲، ص ۱۶۵.
- خنده در حلقه آتش و آب / مصطفی ایزدی (گزارش)، شماره ۱۶، ص ۱۳۶.
- دستورالعمل ارتش عراق درباره نحوه رفتار نیروهای عراقی هنگام اسارت (سند)، ش ۲، ص ۱۶۰.
- دستورالعمل حدود مسئولیت سپاه سوم عراق در تاریخ ۲۸ / ۹ / ۱۳۵۹ (سند)، ش ۲، ص ۱۴۷.
- دستورالعمل حفاظتی منطقه عملیاتی والفجر ۸ (سند)، شماره ۳، ص ۱۵۵.
- دفاع متحرک (سند)، شماره ۲۸، ص ۱۲۷.
- دفتر راویان جنگ ایران و عراق (گزارش)، شماره ۹، ص ۱۴۶.
- دلایل توجیهی عملیات دفاع متحرک و ورود مجدد به خاک ایران (سند)، شماره ۲۸، ص ۱۱۸.
- دلایل و اهداف ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر (سند)، ش ۴، ص ۱۰۷.
- روایتی ناب از عملیات لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در کربلای ۵ / شهید سید محمد اسحاقی، بخش اول (گزارش)، شماره ۱۹، ص ۱۳۶.
- روایتی ناب از عملیات لشکر ۱۴ امام حسین (ع) کربلای ۵ / شهید سید محمد اسحاقی، بخش دوم (گزارش)، شماره ۲۱، ص ۱۳۰.
- سرگذشت راه‌اندازی توپخانه خرمشهر / مصطفی اسکندری‌پور (سند)، شماره ۲۶، ص ۱۲۱.
- سندی از آرشیو محرمانه دولت آمریکا... (سند)، شماره ۸، ص ۱۶۴.
- شرح وظایف محققین دفتر تحقیقات جنگ (سند)، شماره ۱۳، ص ۱۲۲.
- طرح مدیریت عملیات پدافندی (سند)، شماره ۲۸، ص ۱۳۳.
- عملیات بیت‌المقدس از منظر اسناد عراقی / به‌اهتمام: داود ریاحی (سند)، شماره ۲۴، ص ۱۰۹.
- عملیات رمضان از نگاه عراق تحلیل نبردهای شرق بصره (سند)، شماره ۲۵، ص ۱۲۱.
- عملیات رمضان در آئینه آمار (سند)، شماره ۲۵، ص ۱۱۹.
- عملیات رمضان؛ شکست تداوم روش‌های شناخته شده و طلیعه بخش اتخاذ رویکردهای ابتکاری نوآورانه (گزارش)، شماره ۲۵، ص ۸۳.
- غافل‌گیری دشمن در عملیات والفجر ۸ (سند)، ش ۳، ص ۱۴۶.
- فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه از زبان یکی از رزمندگان حاضر در صحنه (سند)، ص ۱۴۷.
- فهرست اسناد عملیات کربلای ۵ / بانک اطلاع‌رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۹، ص ۱۷۲.
- فهرست اسناد عملیات والفجر ۸ / بانک اطلاع‌رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۵، ص ۱۵۸.
- گزارش اسارت یکی از رزمندگان در عملیات والفجر مقدماتی (سند)، شماره ۷، ص ۱۵۳.
- گزارش اشغال و آزادسازی مهران، مهرماه ۱۳۵۹ - ۱۳۶۵ (گزارش)، ش ۱، ص ۱۴۰.

- گزارش بهداری کل سپاه در خصوص پدافند شیمیایی - میکروبی در عملیات بدر (سند)، شماره ۷، ص ۱۴۸.
- گزارش جلسه توجیهی با راویان برای گردآوری و نگارش (سند)، شماره ۱۳، ص ۱۴۷.
- گزارش دفتر تحقیقات بهداری قرارگاه کربلا در زمینه جنگ شیمیایی در عملیات والفجر ۸ (سند)، ش ۳، ص ۱۵۹.
- گزارش علمیات خیبر (گزارش)، شماره ۷، ص ۱۰۲.
- گزارش عملکرد توپخانه قرارگاه نجف اشرف در عملیات بدر / سردار شهید غلامرضا یزدانی (گزارش)، شماره ۲۶، ص ۱۱۷.
- گزارش عملکرد قرارگاه فجر در عملیات رمضان / شهید محمد گرکانی (گزارش)، شماره ۲۵، ص ۱۳۵.
- گزارش عملکرد قرارگاه نصر در عملیات فتح‌المبین (گزارش)، ش ۴، ص ۱۱۸.
- گزارش عملکرد لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۱۰ (گزارش)، ش ۲، ص ۱۱۸.
- گزارش عملیات بیت‌المقدس (گزارش)، ش ۱، ص ۱۲۹.
- گزارش عملیات رمضان (گزارش)، شماره ۵، ص ۱۲۱.
- گزارش یک تصمیم‌گیری: عملیات کربلای ۵ / محمد درودیان (گزارش)، شماره ۲۳، ص ۱۰۸.
- گزارشی از اوضاع جنگ در جنوب پیش از اجرای عملیات ثامن الائمه (سند)، شماره ۶، ص ۱۴۸.
- گزارشی از عملیات‌های بزرگ مرحله آزادسازی سرزمین‌های جنوبی: ثامن الائمه (ع) و طریق‌القدس (گزارش)، شماره ۶، ص ۱۳۱.
- گزیده گزارش نظارتی بر تیپ عاشورا در عملیات رمضان (سند)، شماره ۲۵، ص ۱۰۷.
- گوشه‌ای از مشکلات عملیات بدر (سند)، شماره ۷، ص ۱۶۲.
- لزوم مقابله با اقدامات احتمالی ایران در خلیج فارس (سند کاخ سفید) / گروه پژوهش فصلنامه (سند)، شماره ۲۴، ص ۱۴۷.
- لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات بدر (گزارش)، شماره ۷، ص ۱۳۰.
- مثلثی‌ها: تاکتیک دفاعی عراق در عملیات رمضان (سند)، شماره ۲۵، ص ۱۱۷.
- محاصره دانشجویان پیرو خط امام در هویزه (سند)، ش ۱، ص ۱۱۹.
- مرحله پنجم عملیات رمضان تلاشی برای احداث و وصل دو خاکریز (سند)، شماره ۵، ص ۱۵۵.
- مروری بر دست‌نوشته‌های شهید حسن باقری / به اهتمام: گروه پژوهش فصلنامه (سند)، شماره ۱۱، ص ۱۳۰.
- مصاحبه صدام با روزنامه کویتی الانباء (سند)، شماره ۵، ص ۱۵۷.
- منابع مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از لشکر ۸ نجف (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۶، ص ۱۶۹.
- نقش توان رزم در انتخاب منطقه عملیاتی فاو (گزارش)، ش ۳، ص ۱۲۱.
- نگاهی اجمالی به فعالیت‌های تحقیقاتی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (گزارش)، ش ۲، ص ۱۰۹.
- نگاهی به عملیات عاشورا در میمک (گزارش)، ش ۴، ص ۱۲۹.
- نگاهی به نیروها و استحکامات دفاعی عراق در خرمشهر (سند)، شماره ۸، ص ۱۶۲.
- نگاهی به وقایع و تحولات چند روز اول عملیات والفجر ۸ (سند)، ش ۳، ص ۱۴۹.
- نوآوری و ابتکارات توپخانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / گروه پژوهش فصلنامه (گزارش)، شماره ۲۶، ص ۹۹.

- وضعیت توپخانه ارتش عراق به روایت اسناد / گروه پژوهش فصلنامه (سند)، شماره ۲۶، ص ۱۲۵.
- همکاری تانک‌ها با نیروی پیاده (سند)، شماره ۲۸، ص ۱۳۷.

۱۴. معرفی و نقد کتاب

- آسیب‌پذیری‌های سیاسی، جمعیت‌شناختی و اقتصادی ایران / نویسندگان: کیت کرین - رولی لال - جفری مارتینی / دکتر روح‌ا... قادری (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۵۱.
- ایران و عراق و میراث جنگ / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۴، ص ۱۴۹.
- تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری جنگ / به اهتمام: علیرضا کمره‌ای / دکتر اسماعیل حسن‌زاده (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۶۳.
- تاریخ‌های اصلی جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) / افرائیم کارش / رضا مومن‌زاده (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۳، ص ۱۵۸.
- تحول نظامی و جنگ مدرن، نوشته: الینور سولان / دکتر محمود یزدان‌فام (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۵۷.
- تغییر ماهیت جنگ / نمارتین کارفلد / مرکز مطالعات نقسا (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۱، ص ۱۵۷.
- جنگ در تمدن بشری / دکتر محمود یزدان‌فام (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۷، ص ۱۷۳.
- چرا ملت‌ها اقدام به جنگ می‌کنند؟ / دکتر عبدا... قنبرلو (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۶، ص ۱۵۳.
- درس‌های جنگ نوین؛ جلد دوم: جنگ ایران و عراق / دکتر حسین یکتا (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۶، ص ۱۴۹.
- رابطه مسموم: روابط آمریکا - عراق و بمباران شیمیایی حلبچه / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۵، ص ۱۵۳.
- راه ناتمام (معرفی و نقد کتاب روند پایان جنگ) / جعفر شیرعلی‌نیا (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۱، ص ۶۱.
- رقابت ایران و عربستان سعودی در بین دو جنگ / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۶، ص ۱۴۵.
- رقابت‌های استراتژیک در سیاست جهانی؛ موقعیت، مکان، و فرایند تشدید نزاع / نویسندگان: مایکل پی. کلارسی، کارن راسلر، ویلیام آر. تامپسون / دکتر عبدا... قنبرلو (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۴۵.
- روایت یک شکست (نقد و بررسی خاطرات ابوالحسن بنی‌صدر) (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۷، ص ۱۳۴.
- فرهنگ استراتژیک و روش‌های جنگ / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۷، ص ۱۷۳.
- گزارش نشست نقد و بررسی کتاب خرمشهر در جنگ طولانی / زهرا ابوعلی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۵، ص ۱۵۷.
- گزارش نقد کتاب در مرکز اسناد دفاع مقدس / زهرا ابوعلی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۴، ص ۱۵۹.
- مذهب و جنگ در ایران انقلابی / دکتر حیدرعلی بلوجی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۷، ص ۱۶۹.
- مروری کوتاه بر اطلس نبردهای ماندگار (معرفی و نقد منابع)، شماره ۱۸، ص ۱۰۵.
- معرفی پایان‌نامه‌های دافوس ارتش درباره جنگ تحمیلی / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۲، ص ۱۶۷.
- معرفی پایان‌نامه‌های دافوس درباره جنگ تحمیلی / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۰، ص ۱۵۸.
- معرفی کتاب جنگ خلیج / سیدرضا طباطبایی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۹، ص ۱۶۲.

- معرفی کتاب خرمشهر در جنگ طولانی / علیرضا کمره‌ای (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۲، ص ۱۵۸.
- معرفی کتاب سازمان مجاهدین خلق: پیدایی تا فرجام (۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴) / رضا مومن‌زاده (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۷، ص ۱۶۲.
- معرفی کتاب ورود به خاک عراق: ضرورت‌ها و دستاوردها / سیدمسعود موسوی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۲، ص ۱۶۴.
- معرفی کتاب‌های تألیف شده درباره شهید حسن باقری (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۱، ص ۱۷۰.
- معرفی و نقد کتاب تسخیر / رضا مومن‌زاده (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۰، ص ۱۵۲.
- منازعات خاورمیانه / محمدرضا کیانی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۴، ص ۱۵۵.
- نقد و بررسی اطلس جنگ سپاه و ارتش: دو دیدگاه (معرفی و نقد منابع)، شماره ۱۸، ص ۱۰۱.
- نقد و بررسی سرمقاله فصلنامه شماره ۱۸ نگین ایران / سعید سرمدی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۹، ص ۱۲۸.
- نقد و بررسی فصلنامه نگین ایران (شماره ۱ تا ۹) / رضا مومن‌زاده (معرفی و نقد)، شماره ۹، ص ۱۲۸.
- نقد و بررسی کتاب حقوق بشردوستانه / گروه پژوهش فصلنامه (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۶، ص ۱۵۹.
- نقدی بر کتاب علل تداوم جنگ / حمید فرهادی نیا (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۲، ص ۱۳۳.
- نقدی بر مجله فرهنگ پایداری / حسین قربانی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۶، ص ۱۵۲.
- نمایه فصلنامه نگین ایران (از شماره ۴ تا ۱۴) (اطلاع‌رسانی)، شماره ۵، ص ۱۶۰.
- نمایه فصلنامه نگین ایران شماره ۹ تا ۱۲ (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۶۲.

ج) نمایه مولفین و محققین

- آلتینکاش، اورن / جنگ ایران و عراق و تأثیر آن بر ترکیه / ترجمه: عبدالمجید حیدری (ترجمه)، شماره ۲۷، ص ۶۳.
- ابوعلی، زهرا / گزارش نشست نقد و بررسی کتاب خرمشهر در جنگ طولانی (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۵، ص ۱۵۷.
- ابوعلی، زهرا / گزارش نقد کتاب در مرکز اسناد دفاع مقدس (اطلاع‌رسانی)، شماره ۲۴، ص ۱۵۹.
- ادیبی سده، مهدی / ارزش‌های دفاع مقدس بسترها و موانع بالندگی (تألیف)، شماره ۶، ص ۸۶.
- ادیبی سده، مهدی / تأثیر تحولات صحنه نبرد در تداوم و پایان جنگ عراق علیه ایران (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۴۴.
- ادیبی سده، مهدی / جنگ ایران و عراق؛ تبلیغات از دیدگاه امام خمینی (ره) (تألیف)، شماره ۳، ص ۱۰۷.
- اردستانی، حسین / ایران؛ تعامل جنگ و سیاست خارجی (تألیف)، شماره ۳، ص ۲۱.
- اردستانی، حسین / تکاپوی جهانی برای توقف جنگ (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۵۳.
- اسدزاده، وحید / بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر نظریه سازه‌نگاری (تألیف)، شماره ۲۷، ص ۴۷.
- افلاطونی، عباس / بررسی نقش منافقین در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۵۷.
- امیدی، علی / روزشمار دخالت آمریکا در جنگ تحمیلی در پرتو اسناد جدید (ترجمه و مقدمه تحلیلی)، شماره ۲۱، ص ۷۲.
- انصاری، مهدی / روزشمار هجوم سراسری عراق (مرور کلی بر زمینه سازی هجوم و دوره ۳۵ روزه آغاز جنگ تحمیلی) (تألیف)، شماره ۹، ص ۸۸.

- انصاری، مهدی / لشکر ۸ نجف اشرف در عملیات کربلای ۵، جنگ و گریز در شرق بصره (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۹۶.
- اولسوسکی، رایزرد / بازدارندگی در امنیت ملی کشورهایی با اندازه متوسط / عبدالمجید حیدری (ترجمه)، شماره ۱۰، ص ۳۷.
- باقرزاده، میرفیصل / رویکرد تاریخی به جنگ (گفت و گو)، شماره ۱۳، ص ۱۵۲.
- باقری، شهید حسن / تحلیلی بر روند تحولات جنگ (سخنرانی)، شماره ۱۴، ص ۱۲۲.
- باکری، حمید؛ حسینی، سید مهدی / تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات والفجر ۴ در دو گفت و گو (گفت و گو)، شماره ۲۰، ص ۱۱۹.
- باکری، مهدی / اصول مدیریت مدیریت و اصول جنگ (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۳۸.
- باکری، مهدی / تبیین عملیات والفجر ۴؛ سخنرانی در جمع مردم تبریز (سخنرانی)، شماره ۲۰، ص ۹۲.
- باکری، مهدی؛ عبادت، یوسف / تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات والفجر ۱ در دو گفت و گو (گفت و گو)، شماره ۲۰، ص ۱۰۴.
- بختیاری، مسعود / پیش درآمدی به شکل گیری تاریخ نگاری هشت سال دفاع مقدس در ارتش (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۷۳.
- بسطامی، رضا / نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۳، ص ۹۶.
- بسطامی، رضا / همسویی حزب دموکرات کردستان ایران و رژیم صدام در آغاز جنگ تحمیلی (تألیف)، شماره ۸، ص ۱۰۵.
- بلوچی، حیدرعلی / ایران و عراق و میراث جنگ (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۴، ص ۱۴۹.
- بلوچی، حیدرعلی / رابطه مسموم: روابط آمریکا - عراق و بمباران شیمیایی حلبچه (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۵، ص ۱۵۳.
- بلوچی، حیدرعلی / رقابت ایران و عربستان سعودی در بین دو جنگ (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۶، ص ۱۴۵.
- بلوچی، حیدرعلی / فرهنگ استراتژیک و روش های جنگ (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۷، ص ۱۷۳.
- بلوچی، حیدرعلی / کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و پیامدهای استراتژیک آن یک مطالعه تطبیقی (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۳۳.
- بلوچی، حیدرعلی / مذهب و جنگ در ایران انقلابی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۷، ص ۱۶۹.
- بوتام، دون های جین / تاریخ نظامی نوین: کارگزاران آن و اقدامات آنها / ترجمه: محمد باقر سلیمانی (ترجمه)، شماره ۱۸، ص ۲۸.
- ترفتون، کول؛ ایشرود، کول / صدام و جنگ ایران و عراق / محمود یزدان فام (ترجمه)، شماره ۶، ص ۱۹.
- تورز، کارلا؛ دیفرنزو، وینست / افزایش ابزارها در جنگ ایران و عراق: ناسازگاری عناصر استراتژی صدام / پریسا کریمی نیا (ترجمه)، شماره ۶، ص ۸.
- تیمورپور، سیامک / اهداف آمریکا در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۸، ص ۹۳.
- جانپور، محمد / روایت گری؛ ملاحظات و آسیب پذیری ها (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۱۳۶.
- جبار، فالخ / نسل جنگ در عراق موردی از ملی گرایی پدرسالارانه شکست خورده / ترجمه: عسکر قهرمانپور (ترجمه)، شماره ۲۵، ص ۱۵.

- جعفری، فتح... / تحلیلی بر عملیات بیت المقدس (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۶۴.
- جلالی فراهانی، محسن / رابطه بین انسجام اجتماعی و جنگ (مروری گذرا بر نقش امام خمینی (ره) در جنگ) (اطلاع رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۵۰.
- جمشیدی، فرانک / آسیب شناسی تاریخ نگاری جنگ (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۶۰.
- جمشیدی، فرانک / از پرسشگری تا روشنگری نقد گفتمان پس از جنگ (تألیف)، شماره ۹، ص ۱۳۴.
- جمشیدی، فرانک / بررسی گفتمان های پس از جنگ بر اساس دو رکن ذهنیت و کلیت (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۱۱۶.
- جمشیدی، فرانک / پیش در آمدی بر دو گفت و گو درباره تاریخ نگاری جنگ (گفت و گو)، شماره ۱۳، ص ۱۰.
- جمشیدی، فرانک / نقدی بر تاریخ نگاری فرماندهان جنگ (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۸۸.
- جمشیدی، فرانک / نگاه بکر به باکری امکان پذیر است؟ (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۲۲.
- جمشیدی، محمدحسین / امام خمینی (ره) و تکلیف گرایی در جنگ (تألیف)، شماره ۴، ص ۵.
- جمشیدی، محمدحسین؛ یزدان فام محمود / آخرین تلاش ها در جنوب (تألیف)، شماره ۱۱، ص ۶۸.
- جنس بافی، محمدتقی / ملاحظاتی درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (تألیف)، شماره ۴، ص ۱۹.
- چگینی زاده، غلامعلی؛ زهرانی، مصطفی / گفت و گو با دکتر چگینی زاده و دکتر زهرانی (گفت و گو)، شماره ۱۱، ص ۱۰.
- حسام مظاهری، محسن / نقد رویکرد موجود درباره فرماندهان شهید (اطلاع رسانی) شماره ۲۰، ص ۱۰۰.
- حسن زاده، اسماعیل / تاریخ نگاری و تاریخ نگری جنگ / به اهتمام: علیرضا کمره ای (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۶۳.
- حسنی سعدی / گفت و گو با امیر حسنی سعدی (مصاحبه)، شماره ۹، ص ۸.
- حسینی مقدم، محمد / راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۴، ص ۵۰.
- حسینی، مختار / روابط خارجی ایران با کشورهای خاور میانه در طول جنگ تحمیلی (تألیف)، شماره ۲، ص ۸۱.
- حسینی، مختار / نقش مصر در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۱، ص ۶۰.
- حسینی، مختار / نقش ناسیونالیسم عربی در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۴، ص ۱۹.
- حسینی، مختار / بررسی موضع ساف در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۶، ص ۴۳.
- حسینی، مختار / جنگ ایران و عراق: بررسی تأثیر جنگ بر استراتژی دفاعی - نظامی ایران (تألیف)، شماره ۸، ص ۲۳.
- حمیدی نیا، حسین / دلایل نظامی شکست عراق در چهار عملیات ثامن الائمه (ع)، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس (تألیف)، شماره ۱، ص ۲۴.
- خداقلی پور، علی رضا / نگاهی اجمالی به قطعنامه های شورای امنیت در مورد جنگ ایران عراق (تألیف)، شماره ۴، ص ۶۸.
- خداوردی، مهدی / نوآوری و ابتکارات در جنگ: طراحی و ساخت پل خیبری (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۸۱.
- خرم، علی / آسیب شناسی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران طی جنگ تحمیلی (گفت و گو)، شماره ۲۸، ص ۱۰۹.
- خرم دره، احسان / بررسی تحولات نظامی جنگ در سال ۶۷ (تألیف)، شماره ۲، ص ۲۳.
- خرم دره، احسان / چگونگی شکل گیری ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر روند آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق (۱۳۵۷ - ۱۳۶۱) (تألیف)، شماره ۱، ص ۹.

- داوری اردکانی، رضا / تاریخ‌نگاری جنگ (گفت‌وگو)، شماره ۱۸، ص ۱۰.
- درودیان، محمد / حماسه‌ای بر پایه عقل: گفت و گو با محمد درودیان (مصاحبه) شماره ۱، ص ۱۶۳.
- درودیان، محمد / ملاحظات در باب تاریخ‌نگاری جنگ (سرمقاله)، شماره ۱۸، ص ۶.
- درودیان، محمد / آیا تصرف سفارت آمریکا در حمله عراق به ایران تأثیر داشت؟ (سرمقاله)، شماره ۱۰، ص ۴.
- درودیان، محمد / ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر (نقد و بررسی نتایج یک نظرسنجی) (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۱۳۶.
- درودیان، محمد / انتخاب منطقه عملیات کربلای ۵ در شرق بصره: چالش‌ها و تدابیر (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۵۲.
- درودیان، محمد / تجربه یک جنگ: هزینه در گذشته، سرمایه برای آینده (سرمقاله)، شماره ۱۵، ص ۶.
- درودیان، محمد / تصرف سفارت آمریکا: زمینه‌ها و عوامل موثر (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۴۸.
- درودیان، محمد / تغییر در روایت جنگ: زمینه‌ها و عوامل موثر (سرمقاله)، شماره ۲۲، ص ۶.
- درودیان، محمد / جنگ و سیاست، پیوستگی یا تعامل؟ (سرمقاله)، شماره ۲۱، ص ۶.
- درودیان، محمد / رویکردهای سه گانه به جنگ ایران و عراق (سرمقاله)، شماره ۹، ص ۴.
- درودیان، محمد / سازمان مجاهدین خلق (منافقین): توهم قدرت - شکست در استراتژی (سرمقاله)، شماره ۱۷، ص ۶.
- درودیان، محمد / ضرورت رویکرد جامعه‌شناختی به جنگ (سرمقاله)، شماره ۱۴، ص ۶.
- درودیان، محمد / فتح خرمشهر؛ ملاحظات و ضرورت‌ها (سرمقاله)، شماره ۱۲، ص ۴.
- درودیان، محمد / گزارش یک تصمیم‌گیری: عملیات کربلای ۵ (گزارش)، شماره ۲۳، ص ۱۰۸.
- درودیان، محمد / ماهیت ارتش، کودتای نوژه و نقش ارتش و سپاه در جنگ (تألیف)، شماره ۹، ص ۱۴۰.
- درودیان، محمد / مسائل بنیادین جنگ ایران و عراق کدام است؟ (سرمقاله)، شماره ۲۳، ص ۶.
- درودیان، محمد / نقش و تأثیر فتح فاو در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ (تألیف)، شماره ۱۵، ص ۱۲۹.
- درودیان، محمد / تاریخ و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق (سرمقاله)، شماره ۱۳، ص ۴.
- خرمشهر نمادی ماندگار و هویت‌بخش (سرمقاله)، شماره ۲۸، ص ۵.
- درویشی، فرهاد / عاشورا: نمادی الهام‌بخش در مبارزات حق طلبانه (سرمقاله)، شماره ۲۷، ص ۵.
- درویشی، فرهاد / نوآوری در روایت جنگ: ضرورتی اجتناب‌ناپذیر (سرمقاله)، شماره ۲۴، ص ۵.
- درویشی، فرهاد / آینده‌نگری و بازدارندگی (سرمقاله)، شماره ۲۵، ص ۵.
- درویشی، فرهاد / بازدارندگی و الزامات آن (سرمقاله)، شماره ۲۶، ص ۵.
- دیکسن، نورم / آمریکا چگونه صدام را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟ / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۲۴، ص ۵۹.
- دیوسالار، عبدالرسول / تئوری پیچیدگی و محیط جنگ فرماندهی و کنترل (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۲۰.
- رئوفی، حمیدرضا / اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۲۳.
- راعی گلوچه، سجاد / نقش آیت‌ا... خامنه‌ای در دفاع مقدس (سال اول جنگ) (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۹.
- راعی گلوچه، سجاد / دولت رجائی و جنگ تحمیلی (تألیف)، شماره ۲، ص ۵۳.
- رحمتی، مهدی / جنگ تحمیلی و هویت ملی (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۴۱.
- رخصت‌طلب، محسن / گفت‌وگو با سرهنگ پاسدار محسن رخصت‌طلب (گفت‌وگو)، شماره ۹، ص ۱۵۲.

- رزاق‌زاده، امیر / نیازسنجی اطلاعاتی و درآمدی نو بر راهبردهای تاریخ‌نگاری مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۵۷.
- رشید، غلامعلی / بازدارندگی، گروه‌بندی‌های اجتماعی و مقاومت در گفت‌وگو با سرلشکر غلامعلی رشید (گفت‌وگو)، شماره ۱۴، ص ۱۲.
- رشید، غلامعلی / پیش‌درآمدی بر سقوط فاو (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۱۰۳.
- رشید، غلامعلی / پیش‌درآمدی بر فضائل اخلاقی و خصوصیات فرماندهی شهید حسن باقری (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۱۳۲.
- رشید، غلامعلی / تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق (بررسی موردی قبل از انقلاب) (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۴۲.
- رشید، غلامعلی / در رثای نظریه پرداز جنگ (سرمقاله)، شماره ۱۱، ص ۴.
- رشید، غلامعلی / سخنرانی سردار سرلشکر غلامعلی رشید در جلسه افتتاحیه دوره سیزدهم دانشگاه دفاع ملی (سخنرانی)، شماره ۱۰، ص ۱۰۲.
- رشید، غلامعلی / سخنرانی غلامعلی رشید در همایش مهندسی سپاه (سخنرانی)، شماره ۵، ص ۱۰۴.
- رشید، غلامعلی / ضرورت پژوهش در حوزه جنگ ایران و عراق (سخنرانی)، شماره ۱۸، ص ۸۰.
- رشید، غلامعلی / فتح خرمشهر: ملاحظات نظامی، پیامدهای استراتژیک (سخنرانی)، شماره ۲۱، ص ۸۶.
- رشید، غلامعلی / فتح‌المبین، عملیاتی تاریخی، چرا؟ (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۱۲۲.
- رشید، غلامعلی / مروری بر سختی‌های جنگ و نقش شهید مهدی باکری (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۴۸.
- رشید، غلامعلی / اوصاف یک فرمانده (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۲۹.
- رضایی پیش‌رباط، صالح / بررسی ابعاد حقوقی حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۲۵.
- رضایی پیش‌رباط، صالح / تأملی بر رای ۶ نوامبر ۲۰۰۳ دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد سکوهای نفتی ایران (تألیف)، شماره ۶، ص ۳۰.
- رضایی پیش‌رباط، صالح / حادثه ایرباس، از آغاز، تا پایان (تألیف)، شماره ۵، ص ۷.
- رضایی پیش‌رباط، صالح / عراق و میزان پای‌بندی آن به حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستانه در جریان جنگ هشت ساله (تألیف)، شماره ۱، ص ۱۰۸.
- رضایی پیش‌رباط، صالح / نگاهی بر ابعاد حقوقی حملات نظامی آمریکا به سکوهای نفتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس (تألیف)، شماره ۳، ص ۵.
- رضایی پیش‌رباط، صالح / رابطه ضرورت نظامی و اصول بشر دوستانه در حقوق مخاصمات مسلحانه توازن یا تحدید (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۹.
- رضایی، محسن / از نمایی نزدیک، از نمایی دور (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۲۲.
- رضایی، محسن / بازخوانی عملیات رمضان در گفت‌وگوی اختصاصی فصلنامه نگین ایران با دکتر محسن رضایی (میزگرد)، شماره ۲۵، ص ۶۳.
- رضایی، محسن / باکری آن گونه که من می‌شناختم (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۴۴.

- رضایی، محسن / تحقیق و پژوهش در دفاع مقدس (سخنرانی)، شماره ۲۲، ص ۹۲.
- رضایی، محسن / جنگ به روایت یک فرمانده (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۴۲.
- رضایی، محسن / روش توسعه تجربی نیروهای مسلح در جنگ با عراق (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۲۴.
- رنجبر، داوود / تصرف شهر فاو / (تألیف)، شماره ۱۵، ص ۵۹.
- روحانی، حسن / نقش سپاه در جنگ و تأمین امنیت (سخنرانی)، شماره ۱۶، ص ۱۶۲.
- زهدی، یعقوب / عملکرد توپخانه و موشک‌های نیروی زمینی سپاه (عملیات کربلای ۵) (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۳۳.
- زهرانی، مصطفی / بررسی نظریه‌های پایان جنگ (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۳۴.
- ساسانی، فرهاد / موزه‌های جنگ و نقش تاریخ‌سازی (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۴۸.
- سرخیلی، حسین / عملکرد و تجربیات زرهی ایران در دفاع مقدس با تأکید بر زرهی سپاه (گفت‌وگو)، شماره ۲۷، ص ۱۳۱.
- سرخیلی، حمید / شکل‌گیری توپخانه سپاه: گفت‌وگوی اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار حمید سرخیلی (گفت‌وگو)، شماره ۲۶، ص ۹۳.
- سרمدی، سعید / نقد و بررسی سرمقاله فصلنامه شماره ۱۸ نگین ایران (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۹، ص ۱۲۸.
- سرهنگی، مرتضی؛ بهبودی، هدایت‌ا... / خاطره‌گویی گونه‌ای از روایت جنگ (گفت‌وگو)، شماره ۲۲، ص ۱۰.
- سلیمانی، قاسم / شهید کاظمی و نقش او در جنگ (گفت‌وگو)، شماره ۱۶، ص ۱۰.
- سلیمانی‌خواه، نعمت‌ا... / تابستان ۱۳۵۹ (مقطع زمینه سازی شروع جنگ) (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۱۴۳.
- سلیمی‌بنی، صادق / عراق و آمریکا در جنگ تحمیلی پیوستگی هدف و همسویی عملکرد / (ترجمه)، شماره ۶، ص ۷۸.
- سیدو، کی. اس / تاریخ جنگ / ترجمه: داود علمایی (ترجمه)، شماره ۱۸، ص ۳۷.
- شاهرضایی، دکتر محسن / سرگذشت پژوهش شهیدان؛ چالش‌ها و راه‌کارها (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۳۲.
- شاه‌محمدی، خسرو / گزارش توصیفی از عملیات قرارگاه نجف در عملیات والفجر ۸ / (تألیف)، شماره ۱۵، ص ۱۱۳.
- شاه‌محمدی، خسرو / گزارشی از یک عملیات نیمه‌گسترده (امام‌علی(ع)؛ حمله ا... اکبر) (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۸۳.
- شاه‌محمدی، خسرو / رویکرد فرهنگی اجتماعی به جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۸۶.
- شبانی، ناصر / عملیات فروغ جاویدان: بن‌بست در استراتژی (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۸۵.
- شمشانی، علی / تبلور اندیشه انتظار در صحنه نبرد (سخنرانی دریابان شمشانی) (سخنرانی)، شماره ۹، ص ۱۲۴.
- شمشانی، علی / گفت‌وگو با امیر دریابان علی شمشانی (گفت‌وگو)، شماره ۱۰، ص ۱۰.
- شمش، حایم / شوروی: تلاش برای ایجاد توازن و پایان جنگ ایران و عراق / ترجمه: دکتر محمدعلی قاسمی (ترجمه)، شماره ۲۸، ص ۹۳.
- شمش، حایم / شوروی: آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق / ترجمه: دکتر محمدعلی قاسمی (ترجمه)، شماره ۲۷، ص ۷۱.
- شیرعلی‌نیا، جعفر / راه ناتمام (معرفی و نقد کتاب روند پایان جنگ) / (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۱، ص ۶۱.
- شیروودی، مرتضی / مواضع و واکنش سازمان ملل در دو جنگ ایران و عراق و آمریکا و عراق (تألیف)، شماره ۹، ص ۶۸.
- صفوی، رحیم / گفتاری درباره شهید باکری (سرمقاله)، شماره ۲۰، ص ۶.

- صفوی، رحیم / نقش و جایگاه شهید باقری در طرح ریزی استراتژی نظامی و فرماندهی جنگ (سخنرانی)، شماره ۱۱، ص ۱۰۶.
- طباطبایی، رضا / معرفی کتاب جنگ خلیج / (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۹، ص ۱۶۲.
- ظریف منش، حسین / شهید باقری، اسوه ناشناخته؛ درآمدی بر الگوی فرماندهی و مدیریت (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۶۰.
- ظریف منش، حسین / فرماندهی شهید باقری الگوی رفتاری و اخلاقی (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۷۷.
- عزیز جعفری، محمد علی / استفاده از تجربه جنگ پس از جنگ در گفت و گو با سردار محمدعلی (عزیز) جعفری (گفت و گو)، شماره ۱۵، ص ۱۰.
- علایی، حسین / انتشار یک سند تاریخی (اطلاع رسانی)، شماره ۲۱، ص ۱۵۴.
- علایی، حسین / در جنگ و پس از جنگ (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۳۷.
- علایی، حسین / عملیات کربلای ۵: پیروزی استراتژیک - تحلیل استراتژیک (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۸۳.
- علایی، حسین / عوامل و ملاحظات اساسی در فتح فاو (سخنرانی)، شماره ۱۵، ص ۱۳۴.
- علایی، حسین / مصاحبه اختصاصی فصلنامه نگین ایران با سردار دکتر حسین علایی (مصاحبه)، شماره ۶، ص ۹۶.
- علایی، حسین / مهدی باقری سردار اسلام در اندیشه و در عمل (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۵۲.
- علایی، حسین / نبرد راه گشا، نگاهی به عملیات طریق القدس (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۸۱.
- علایی، حسین / یک ماه جنگ برای یک عمر صلح (اطلاع رسانی)، شماره ۲۱، ص ۱۵۲.
- علی، جاوید / کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ ایران و عراق / ترجمه: پریسا کریمی نیا (ترجمه)، شماره ۸، ص ۵۶.
- غرایق زندی، داود / روایتی دیگرگون از ماهیت سیاسی جنگ ایران و عراق؛ رویارویی ایمان در برابر زور (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۴۳.
- غلامی، فتاح / تاریخ نگاری جنگ و چالش های پیش رو (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۷۷.
- فرشچی علیرضا / دکترین قابلیت مبنا (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۴۴.
- فرشچی، علیرضا / بازدارندگی دو راهبرد (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۳۲.
- فرشچی، علیرضا / درآمدی بر پدیدارشناسی جنگ های آینده (تألیف)، شماره ۹، ص ۴۲.
- فرشچی، علیرضا / معرفی و نقد گفتمان جنگ در رسانه ها و زبان ادبیات (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۱۳۰.
- فرشچی، علیرضا؛ محمد رفیعی، سیدکمال الدین / بررسی جنگ تحمیلی در دایره المعارف خارجی (تألیف)، شماره ۲۷، ص ۲۹.
- فرهادی نیا، حمید / مرور کلی مواضع امام خمینی (ره) در پنج مقطع از تاریخ جنگ (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۸۰.
- فرهادی نیا، حمید / نقدی بر کتاب علل تداوم جنگ (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۲، ص ۱۳۳.
- فرهنگی، محمدحسین / پیش درآمدی بر سبک مدیریت شهید باقری (تألیف)، شماره ۲۰، ص ۷۴.
- فلاح، حجت / بررسی نقش حزب توده در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۴۵.
- فوزی، یحیی؛ لطف...زادگان، علی؛ انصاری؛ مهدی / ماجرای مک فارلین (روز شمار جنگ ایران و عراق) (تألیف) شماره ۱۰، ص ۷۶.
- فوزی، یحیی؛ لطف...زادگان، علیرضا / در تدارک عملیات سرنوشت ساز (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۹۸.

- فولر، ویلیام ث / درس نظامی چیست؟ / ترجمه: علی اصغر حقیقی (ترجمه)، شماره ۲۳، ص ۲۸.
- قائدان، اصغر / تاریخ‌نگاری جنگ در عصر اسلامی (از آغاز تا عصر عباسی) (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۷۰.
- قادری، روح‌ا... / آسیب‌پذیری‌های سیاسی، جمعیت‌شناختی و اقتصادی ایران (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۵۱.
- قاضی عسگر؛ دهقان / روایت فرار شبانه (خاطرات کادر پرواز هواپیما) (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۱۴۱.
- قربانی، حسین / نقدی بر مجله فرهنگ پایداری (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۶، ص ۱۵۲.
- قربانی، قدرت‌ا... / تأملی فلسفی در علل آغاز جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۵، ص ۱۶.
- قربانی، قدرت‌ا... / مبانی رفتار دفاعی ایران (تألیف)، شماره ۲، ص ۳۸.
- قنبرلو، عبد... / چرا ملت‌ها اقدام به جنگ می‌کنند؟ (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۶، ص ۱۵۳.
- قنبرلو، عبد... / رقابت‌های استراتژیک در سیاست جهانی؛ موقعیت، مکان، و فرایند تشدید نزاع (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۴۵.
- قنبرلو، عبد... / جنگ برق‌آسا گذشته و حال (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۱۱.
- قهرمانپور، رحمان / دلایل و ریشه‌های موضع‌گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۱، ص ۴۹.
- کارش، افرام / توازن شکننده / ترجمه: داوود علمایی (ترجمه)، شماره ۱۱، ص ۸۸.
- کاشی، محمد جواد / نقد و نظری دیگر به گفتمان جنگ (گفت‌وگو)، شماره ۱۲، ص ۱۰.
- کاظمی، احمد / تجزیه و تحلیل عوامل و شرایط موثر در پایان جنگ (سخنرانی)، شماره ۱۶، ص ۱۴۲.
- کاظمی، احمد / در تمنای شهادت (سرمقاله)، شماره ۱۶، ص ۶.
- کالن، ربکا / نقاط قوت و ضعف ایران و عراق / ترجمه: سیدمسعود موسوی (ترجمه)، شماره ۷، ص ۳۶.
- کان هوی، تئو / آزمون نظریه‌های پایان جنگ در جنگ ایران و عراق / ترجمه: محمدعلی قاسمی (ترجمه)، شماره ۱۲، ص ۵۴.
- کردزمن، آنتونی / غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷ / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۵، ص ۶۳.
- کردزمن، آنتونی / غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس ۱۹۸۷ / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۶، ص ۵۴.
- کردزمن، آنتونی / غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس؛ ۱۹۸۷ / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۷، ص ۵۵.
- کردزمن، آنتونی / ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷ (۱) / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۳، ص ۶۱.
- کردزمن، آنتونی / ورود غرب به خلیج فارس ۱۹۸۷ - ۱۹۸۵ (۲) / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۴، ص ۷۴.
- کرمی، جهانگیر؛ امینیان / تعامل نمادهای جنگ و هویت ملی در روسیه (یافته‌های سفر) (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۴۸.
- کرمی‌راد، محمد / تاریخ‌نگاری جنگ و اقدامات برجسته مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (سرمقاله)، شماره ۱۹، ص ۶.
- کریمیان، کامیل / بحران ملت‌سازی در عراق و آغاز جنگ هشت ساله (تألیف)، شماره ۴، ص ۴۱.
- کریمیان، کامیل / مناسبات ایران با کردهای عراق در طول هشت سال جنگ (تألیف)، شماره ۲، ص ۹۸.
- کشیشیان، جوزف ای / شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق / گروه ترجمه فصلنامه (ترجمه)، ص ۸۳.
- کمره‌ای، علیرضا / تأملاتی در روش‌شناسی مطالعات پدیده جنگ (سخنرانی)، شماره ۱۱، ص ۱۲۴.

- کمره‌ای، علیرضا / جریان‌های تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۵۰.
- کمره‌ای، علیرضا / درآمدی بر مطالعه نشانه‌شناختی روایت (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۳۷.
- کمره‌ای، علیرضا / فراشدن از تبلیغ تا تبیین در تاریخ‌نگاری جنگ - دفاع مقدس (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۴۰.
- کمره‌ای، علیرضا / معرفی کتاب خرمشهر در جنگ طولانی (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۲، ص ۱۵۸.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود / ملاحظات در باره ریشه‌های جنگ هشت ساله / (تألیف)، شماره ۲۷، ص ۹.
- کیانی، محمدرضا / منازعات خاورمیانه (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۴، ص ۱۵۵.
- لطف...زادگان، علیرضا / عبور از مرز (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۸۶.
- لطف...زادگان، علیرضا / دلایل ورود به خاک عراق؛ پس از آزادسازی خرمشهر (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۸۷.
- لوجیا، جیاکومو / نفت و بی‌ثباتی: اقتصاد سیاسی نفت و جنگ ایران و عراق / ترجمه: گروه ترجمه فصلنامه (ترجمه)، شماره ۱، ص ۹۷.
- محمدعلی‌پور، فریده / اعمال حق دفاع مشروع در جنگ عراق علیه ایران (تألیف)، شماره ۷، ص ۴۳.
- محمدی، رقیه / تحلیل محتوای اخبار مطبوعات جهان در رابطه با زمینه‌سازی جنگ ایران و عراق / (تألیف)، شماره ۲۵، ص ۴۵.
- مختاری، مجید / استراتژی‌های کشور در جنگ هشت ساله (سرمقاله)، شماره ۲، ص ۳.
- مختاری، مجید / تجربه‌های جنگ هشت ساله و تصمیمات راهبردی (سرمقاله)، شماره ۵، ص ۳.
- مختاری، مجید / جنگ هشت ساله و آینده‌اندیشی نظامی (سرمقاله)، شماره ۶، ص ۳.
- مختاری، مجید / جنگ هشت ساله: تجلی اراده جمعی ملت ایران (سرمقاله)، شماره ۱، ص ۳.
- مختاری، مجید / سرمایه‌های اجتماعی جنگ هشت ساله و تثبیت نظام (سرمقاله)، شماره ۴، ص ۳.
- مختاری، مجید / جنگ ایران و عراق نمونه یک جنگ نامتقارن (سرمقاله)، شماره ۳، ص ۳.
- مصطفوی، مرتضی / روایت و نگاه‌های مختلف به جنگ (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۱۴۴.
- مفید، کامران / هزینه اقتصادی جنگ ایران و عراق / ترجمه: داریوش قمری (ترجمه)، شماره ۵، ص ۹۰.
- مفید، کامران / هزینه‌های نظامی ایران در دهه ۷۰ و ۸۰ / ترجمه: محمدعلی خرمی (ترجمه)، شماره ۸، ص ۴۲.
- مک دونالد، چارلز / ایران، عراق و مذاکرات آتش‌بس / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۱، ص ۷۲.
- ملایی، علیرضا؛ حکمت، خاتون / بمباران شیمیایی سردشت: ابعاد و پیامدها (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۶۷.
- موسوی، سیدمسعود / بررسی مواضع و عملکرد کویت در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۸، ص ۷۵.
- موسوی، سیدمسعود / معرفی کتاب ورود به خاک عراق: ضرورتها و دستاوردها (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۲، ص ۱۶۴.
- موسوی، سیدمسعود / موضع‌گیری و عملکرد سوریه در جنگ هشت ساله (تألیف)، شماره ۳، ص ۳۴.
- موسوی، سیدمسعود / نقش توسعه طلبی ارضی رژیم بعث در وقوع جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۵، ص ۳۸.
- مومن‌زاده، رضا / بازتاب رسانه‌ای جنگ (هفته دفاع مقدس) (اطلاع رسانی)، شماره ۱۴، ص ۱۳۸.
- مومن‌زاده، رضا / تاریخ‌های اصلی جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) / افرائیم کارش (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۳، ص ۱۵۸.

- مومن زاده، رضا / ضرورت رویکرد تخصصی به جنگ در بازتاب بیست و پنجمین سالروز فتح خرمشهر (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۱۶۰.
- مومن زاده، رضا / گرامیداشت سالروز فتح خرمشهر پس از ربع قرن (کنکاش در گفتمان رسانه‌ای جنگ) (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۹۴.
- مومن زاده، رضا / معرفی کتاب سازمان مجاهدین خلق: پیدایی تا فرجام (۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴) (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۷، ص ۱۶۲.
- مومن زاده، رضا / معرفی و نقد کتاب تسخیر (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۱۰، ص ۱۵۲.
- مومن زاده، رضا / ملاحظات و پیامدهای انتشار یک سند تاریخی (نامه تاریخی امام درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸) (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۳۴.
- مومن زاده، رضا / نقد و بررسی دو گفت‌وگو درباره تحلیل روند منجر به اتخاذ مشی مسلحانه توسط منافقین (شاهسوندی - عزت مطهری) (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۷، ص ۱۵۳.
- مومن زاده، رضا / نقد و بررسی فصلنامه نگین ایران (شماره ۱ تا ۹) (معرفی و نقد)، شماره ۹، ص ۱۲۸.
- مومن زاده، رضا / نگاهی اجمالی به مهمترین تحولات روابط ایران و آمریکا (تألیف)، شماره ۱۰، ص ۵۸.
- مومن زاده، رضا / نگران اسناد زنده جنگ باشیم (اطلاع‌رسانی)، شماره ۱۶، ص ۱۵۶.
- مهدی زاده، اکبر / بررسی سیاست خارجی و رفتار عربستان در قبال جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۴، ص ۳۲.
- مهدی زاده، اکبر / مقدمه‌ای بر الگوی مدیریت جنگ توسط امام خمینی (ره) (تألیف)، شماره ۱، ص ۵.
- مهدی زاده، اکبر / نقش متغیرهای سیستمیک در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۷، ص ۲۴.
- مینو، علی / باقری فراتر از دست نوشته‌هایش (تألیف)، شماره ۱۱، ص ۶۰.
- نان من، گرد / جنگ خلیج فارس و کشورهای منطقه؛ تداوم و تحول الگوها / ترجمه: پریسا کریمی‌نیا (ترجمه)، شماره ۲۶، ص ۵۳.
- نبوی، سیدعبدالمیر / الگوسازی در دوران جنگ (تألیف)، شماره ۵، ص ۲۹.
- نبوی، سیدعبدالمیر / نگاهی به آثار اجتماعی جنگ (تألیف)، شماره ۲، ص ۹۳.
- نخعی، سجاد / پاییز ۱۳۵۹؛ هجوم سراسری عراق به ایران (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۱۳۵.
- نخعی، سجاد / فصل شمار جنگ (تألیف)، شماره ۲۴، ص ۹۱.
- نخعی، هادی / تجدید رابطه آمریکا و عراق در جریان جنگ تحمیلی (تألیف)، شماره ۱۲، ص ۸۱.
- نخعی، هادی / توجیه نیروهای عمل‌کننده در عملیات رمضان؛ دغدغه اساسی فرمانده سپاه پس از عملیات (گزارش)، شماره ۲۵، ص ۹۵.
- نداف، مجید / اشغال و اشغالگری از منظر نیروهای مردم (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۵۴.
- نداف، مجید / برای قضاوت تاریخ (تألیف)، شماره ۱۷، ص ۱۰۶.
- نداف، مجید / بررسی اجمالی شرایط حاکم بر جنگ و چگونگی بازپس‌گیری فاو توسط عراق (تألیف)، شماره ۲۱، ص ۱۰۸.
- نداف، مجید / بیم‌ها و امیدها در تاریخ‌نگاری جنگ (نقد و بررسی دو دیدگاه) (تألیف)، شماره ۱۳، ص ۹۸.

- نداف، مجید / شرحی بر روش تاریخ‌نگاری در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (تألیف)، شماره ۱۸، ص ۶۰.
- نداف، مجید / گزارشی از میزگرد راویان کربلای ۵، چالش از درون و برون: مروری بر گفتمان اقناعی در مدیریت جنگ مردمی (تألیف)، شماره ۱۹، ص ۹۹.
- نداف، مجید / مرزی بین مدیریت آشتی‌پذیر و آشتی‌ناپذیر / (تألیف)، شماره ۱۶، ص ۴۶.
- نگاهی گذرا به نبرد فاو / دکتر حسین علایی (تألیف)، شماره ۲۳، ص ۷۸.
- ورکمن، تام / ریشه‌های اجتماعی جنگ با تأکید بر جنگ ایران و عراق / ترجمه: عسکر قهرمان‌پور (ترجمه)، شماره ۱۴، ص ۲۲.
- ولی‌پور زرومی، حسین / زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری نیروهای سه‌گانه در سپاه؛ نگرشی تحلیلی - درونی (تألیف)، شماره ۲۸، ص ۹.
- وودول، داگلاس / همسایگان ناخواسته: قومیت مشترک و کشمکش بین‌المللی طی جنگ سرد / عبدالمجید حیدری (ترجمه)، شماره ۱۱، ص ۳۴.
- هالستی، کی. جی / جنگ و نظریه بین‌المللی در جهان سوم / ترجمه: عبدالحمید حیدری (ترجمه)، شماره ۹، ص ۴۸.
- هاموند، کرانت تی / تناقضات جنگ / ترجمه دکتر سهراب سوری (ترجمه)، شماره ۱۹، ص ۳۳.
- هیند، رابرت ای / پایه‌های روان‌شناختی جنگ / ترجمه: داود علمایی (ترجمه)، شماره ۲۲، ص ۲۴.
- یزدان‌فام، محمود / تحول نظامی و جنگ مدرن، نوشته: الینور سولان (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۸، ص ۱۵۷.
- یزدان‌فام، محمود / جنگ در تمدن بشری (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۷، ص ۱۷۳.
- یزدان‌فام، محمود / حماسه هویزه و تأثیر آن بر روند جنگ (تألیف)، شماره ۳، ص ۸۵.
- یزدان‌فام، محمود / درس‌آموزی از جنگ هشت ساله (سرمقاله)، شماره ۷، ص ۴.
- یزدان‌فام، محمود / راه پیموده: نگاه گذرایی به هشت شماره فصلنامه (سرمقاله)، شماره ۸، ص ۴.
- یزدان‌فام، محمود / عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۱، ص ۳۵.
- یزدان‌فام، محمود / نگاهی به روند پایان جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۲، ص ۵.
- یزدان‌فام، محمود / جنگ ایران و عراق: پیروزی، شکست (تألیف)، شماره ۷، ص ۸.
- یزدانی، غلامرضا / تاریخچه تأسیس و توسعه توپخانه سپاه در جنگ (تألیف)، شماره ۲۶، ص ۲۵.
- یزدانی، غلامرضا / گزارش عملکرد توپخانه قرارگاه نجف اشرف در عملیات بدر (گزارش)، شماره ۲۶، ص ۱۱۷.
- یکتا، حسین / استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ هشت ساله (تألیف)، شماره ۴، ص ۵۱.
- یکتا، حسین / بحران در خوزستان (تألیف)، شماره ۱۴، ص ۹۵.
- یکتا، حسین / جنگ‌ها و نقش‌ها؛ مطالعه تطبیقی جنگ‌های سه‌گانه خلیج فارس (تألیف)، شماره ۹، ص ۱۰۸.
- یکتا، حسین / درس‌های جنگ نوین؛ جلد دوم: جنگ ایران و عراق (معرفی و نقد کتاب)، شماره ۲۶، ص ۱۴۹.
- یکتا، حسین / کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق (تألیف)، شماره ۵، ص ۵۴.
- یکتا، حسین / مطالعه تطبیقی رفتار ایران و عراق با سازمان ملل طی جنگ تحمیلی (تألیف)، شماره ۸، ص ۸.
- یکتا، حسین / منشور روایت‌گری (تألیف)، شماره ۲۲، ص ۱۴۷.
- یکتا، حسین / جنگ ایران و عراق؛ کاربرد سلاح‌های شیمیایی (تألیف)، شماره ۳، ص ۱۳.

Translated by: Yaqub Nemati

X ■ X

Asdollah Ahmadi

X ■ X

Here four books related to the war studies are introduced:

- X ■ X**

Index of 28 Number the “Negin Iran” Quarterly



Iran-Iraq War Revision in realism and power- balance theory

Rooh-ollah Gaderi

In recent years, various valuable theories and explanations are set forth about the reasons of the Iran-Iraq war among which power- balance theory has proved to be more helpful. This essay is composed of two parts. Realism and its guidelines mentioned in the first part are applied to the Iran-Iraq war considering the two countries relations, regional and global power balance.



Iran-Iraq war considering structural realism

Elham Rasooli

This essay tries to analyze Iran-Iraq war in the frame of neo-realism or structural realism stated by Kenneth Waltz- a famous theorizer in international relations. It has three sections. The basic points and assumptions of Waltz theory are mentioned in the first section; then it refers to the conditions of the international system and the power distribution in it; and finally it analyses Iran-Iraq war with regard to Waltz deterrence and power balance theory.



International Regimes and Iran-Iraq War

Jahanshir Mansoori

Some scholars believe that international regimes are independent institutions that make states cooperation easier and can help international system to keep its order and stability. The writer has challenged this claim by explaining international regimes in relation to the Iran- Iraq war. Many international regimes are canceled after the imposed war inauguration. Most international institutions and organizations didn't have the required response to this event proving that regimes are good tools in the hands of the superpowers.



Military Museums: The Necessity of Preservation

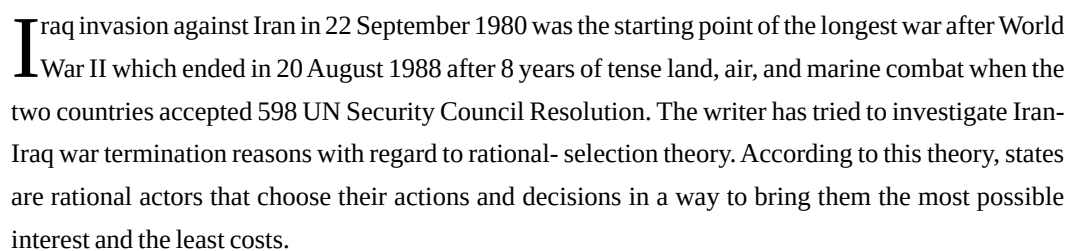
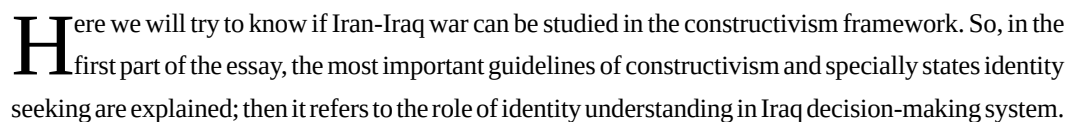
Golnaz Mogadam Far & Yaqub Nemat

New civilizations are created by society development and concepts are publicized in wider ranges. People tried to have a better understanding of their past civilization record and to transfer it to their next generation as a valuable experience or lesson. Museums can help them to reach this purpose. Among different museums, military museums play an important role in transferring war history and its symbols. This essay shows us the positive outcomes of creating military museums in some countries.



Abstracts

Theories are conceptual frames to study social events. They are discussed in different fields in universities and have an important role in scientific investigation of different topics. Various theories are set forth in international relations as an academic field that studies war. This quarterly revises Iran-Iraq war from these theories' point of view.



Contents

Editorial Note

Scientific Theories and Iran-Iraq war 5

Articles

Iran-Iraq War and constructivism 9  Heidar Ali Masoodi

Rational- Selection Theory: The Reasons of Iran-Iraq War Termination 17  Zohreh Esmaealzadeh

Iran-Iraq War Revision in realism and power- balance theory 33  Rooh-ollah Gaderi

Iran-Iraq war considering structural realism 51  Elham Rasooli

International Regimes and Iran-Iraq War 63  Jahanshir Mansoori

Military Museums: The Necessity of Preservation 81  Golnaz Mogadam Far & Yaqub Nemati

Iran-Iraq War Documents and Reports

Iran- Iraq War: A Review on the US neutral position change 93 Translated by: Yaqub Nemati

A Report on Iraq Invasion on Qasr-e Shirin Axis 101  Asdollah Ahmadi

Book Review

THE PERSIAN GULF WAR: Lessons for Strategy, Law, and Diplomacy 109  Davood Olamaei

International Relations and Security in the Digital Age 115  Nabiollah Ebrahimi

Iran's Military Forces and Warfighting Capabilities 121  Heydar Ali Baloji

Information

Index of 28 Number the "Negin Iran" Quarterly 127

In The Name of God

The Quarterly on Sacred Defence

**NEGIN
IRAN**

Vol.8 □ No.29 □ Summer 2009

Publisher	IIRG's Sacred Defence Document Center
Editor in Chief	Major General Mohammad Ali Jafari
Vice Editor in Chief	Dr. Hossein Ardestani
Editorial Committee Members	Dr. Hossein Ardestani, Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hossein Alaei, Dr. Mahmood Yazdanfam, Hamid Aslani
Internal Manager	Seid Masood Mousavi
Edited by	Elham Rezaneghad
Page Setting & Cover Designer	Seid Abbas Amjad Zanjani
Type	Zahra Talei
Publishing Supervisor	Mohammad Behrozi
Support Affairs	Mohammad Shariati
Address	8/1 Boromand Alley, Martyre Varkesh St & South Mofatteh Ave, Tehran, Iran.
Email	neginiran@gmail.com
Telefax	+98 21 - 88307282
Price	12000 R